



مرکز تحقیقات رایانگی

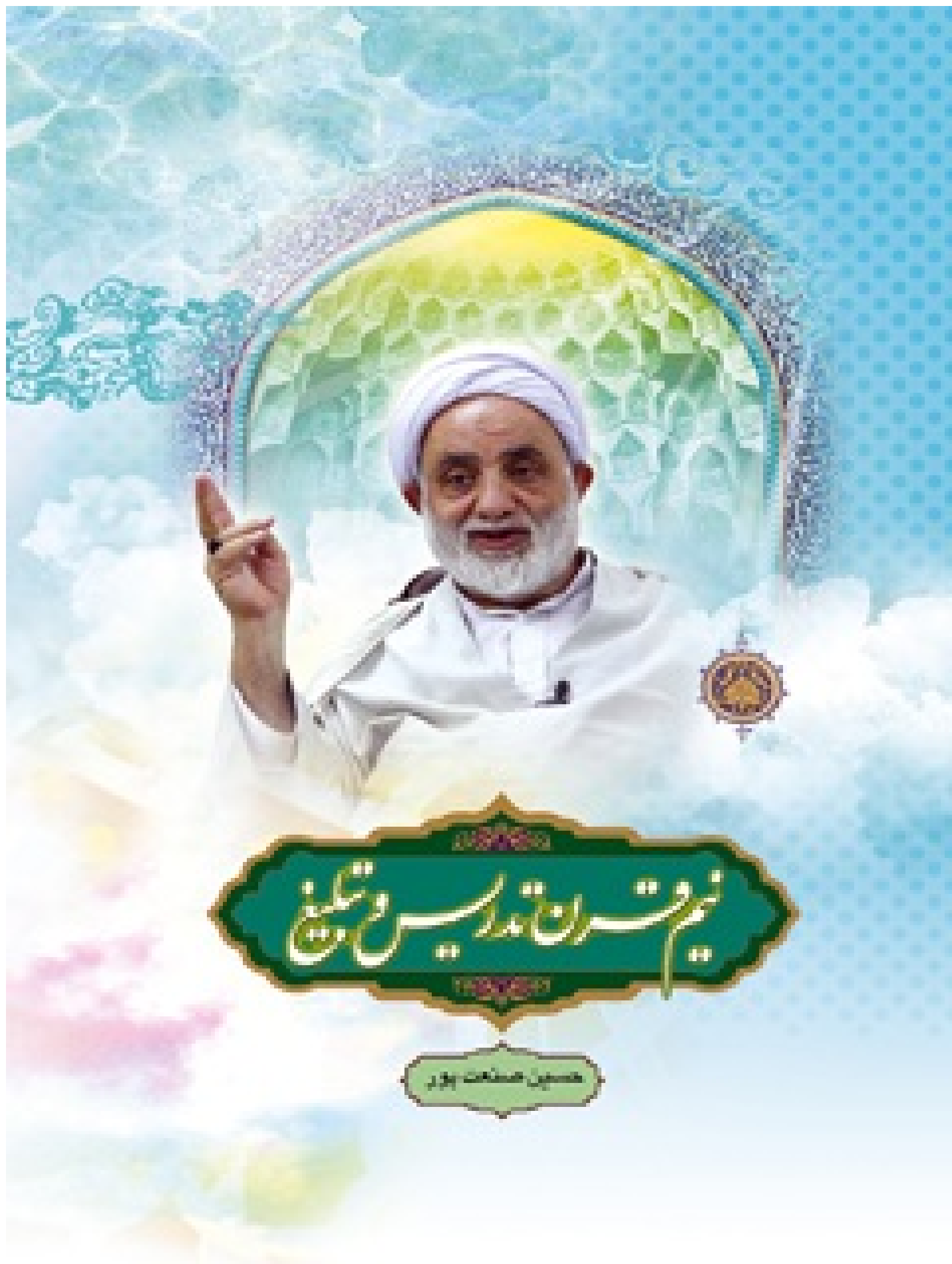
اصفهان

گامی



عمران
علیهما الصلوات
الطیبات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



۞۞۞۞۞۞۞

نورِ قادریس و تبلیغ

۞۞۞۞۞۞۞

مفسرین المسائل ہجری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نیم قرن تدریس و تبلیغ حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

نویسنده:

حسین صنعت پورامیری

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	نیم قرن تدریس و تبلیغ حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۷	فهرست مطالب
۳۰	مقدمه
۳۳	مقدمه استاد
۳۷	فصل اول: ویژگی های فردی
۳۷	اشاره
۳۸	الف) ویژگی های اخلاقی - رفتاری
۳۸	اشاره
۳۸	۱. دغدغه اخلاص
۴۱	۲. انس دائمی با قرآن کریم و تفسیر
۴۲	۳. توسل به معصومین
۴۴	۴. واقع گرایی
۴۶	۵. عزم و استقامت
۴۷	۶. ولایی بودن
۴۸	۷. آراستگی ظاهری (به دور از افراط و تفریط)
۴۸	۸. بی تکلفی
۵۱	۹. خرق عادت های به جا و به موقع
۵۳	۱۰. داشتن روحیه خوف (متهم کردن خود)
۵۴	۱۱. تبلیغ عملی (واعظ متعظ)
۵۶	۱۲. سوز داشتن
۵۸	ب) ویژگی های علمی - تبلیغی

۵۸	۱. شوق فراگیری و مطالعه فراوان
۵۹	۲. استفاده از تعطیلات و پاره وقتها
۶۱	۳. نداشتن بخل در ارائه پژوهش ها
۶۲	۴. اهتمام به معلمی
۶۴	۵. شهامت در گفتن «نمی دانم»
۶۵	۶. نگاه توحیدی در توفیقات
۶۶	۷. بهره گیری از دیگران
۶۹	۸. آمادگی برای تغییر موضوع بحث
۶۹	۹. عرضه کار به بزرگان
۷۰	۱۰. قدرت تمثیل
۷۱	۱۱. استمداد الهی
۷۱	۱۲. اعتماد به نفس و شهامت
۷۳	۱۳. حرص در هدایت کردن و تبلیغ
۷۶	۱۴. دنبال مخاطب رفتن (دوآر بطبه)
۷۷	۱۵. مخاطب اول دانستن خود
۷۸	۱۶. صداقت
۷۹	۱۷. هجرت های مکرر
۸۱	۱۸. عدم درخواست مزد
۸۲	۱۹. قانع نبودن به فعالیت های تبلیغی خود
۸۳	۲۰. نگاه نقادانه به جلسات خود
۸۴	۲۱. دغدغه انتقال تجارب
۸۶	(ج) ویژگی های اجتماعی - سیاسی
۸۶	۱. مردمی بودن
۸۷	۲. تواضع و فروتنی
۸۸	۳. صراحت لهجه
۹۱	۴. پرهیز از موضع اتهام

۹۲	۵. در خط و جناح نبودن (پرهیز از تحرّج)
۹۴	فصل دوم: شیوه ها و مهارت ها
۹۴	اشاره
۹۵	الف) سمعی و بصری بودن
۹۵	اشاره
۹۶	۱. ارائه با تخته سیاه
۹۶	الف) ویژگی های تابلو
۹۷	ب) نکات نوشتاری روی تابلو
۹۸	ج) آداب نویسنده
۹۸	۱. تربیتی
۹۹	۲. بهداشتی
۹۹	د) نکات پاک کردن تابلو
۹۹	اشاره
۹۹	۲. بهره گیری از نمایش و حرکت عملی
۱۰۳	۳. بهره گیری از طرح و تصویر
۱۰۵	ب) تشنه کردن مخاطب:
۱۰۵	اشاره
۱۰۵	۱. برخی از شیوه های تشنه کردن
۱۰۶	۲. انتخاب تیترا به روز با تبیین مناسب
۱۱۱	۳. سؤال و جواب
۱۱۳	۴. سکوت معنا دار
۱۱۴	ج) نگاه و ارائه متفاوت مفاهیم
۱۱۴	۱. تجمیع مفاهیم مشابه، ذیل عنوان مناسب
۱۱۶	۳. ملموس و عینی کردن مفاهیم
۱۱۷	۴. کالبد شکافی مفاهیم
۱۲۰	۵. برقراری ارتباط بین مفاهیم همسو

- ۱۲۲ ----- ۶. ارائه مفاهیم در قالب اشکال منطقی (نتیجه گیری از مضامین مرتبط)
- ۱۲۴ ----- ۷. دقت در وجوه تشابه و تبیین آن
- ۱۲۵ ----- ۸. شمارش تکرارهای یک موضوع
- ۱۲۶ ----- (د) گزینش و چینش مناسب:
- ۱۲۶ ----- ۱. داشتن طرح درس و نظم در ارائه
- ۱۲۷ ----- ۲. روشن نمودن چشم انداز بحث (نوشتن سرفصل های مهم بر روی تخته)
- ۱۲۸ ----- ۳. تقطیع مناسب آیات و روایات
- ۱۳۱ ----- ۴. دسته بندی
- ۱۳۳ ----- ۵. تنوع بخشی به سخن
- ۱۳۶ ----- ۶. کوتاه گویی
- ۱۳۸ ----- ۷. گریز زدن در بین بحث (پرانتهای به جا)
- ۱۳۹ ----- ۸. زمینه سازی
- ۱۴۲ ----- ۹. جمع بندی و خلاصه درس
- ۱۴۵ ----- (ه) آسان سازی:
- ۱۴۵ ----- ۱. بهره گیری از مثال
- ۱۴۷ ----- ۲. بهره گیری از اصل تدریج
- ۱۴۹ ----- ۳. ارائه الگوها و نمونهها
- ۱۵۰ ----- ۴. بهره گیری از داستان
- ۱۵۳ ----- ۵. ساده گویی و روان گویی
- ۱۵۵ ----- ۶. بیان به موقع حکایات و خاطرات از بزرگان
- ۱۵۶ ----- ۷. بهره گیری از شوخی
- ۱۶۰ ----- ۸. ترجمه کلمه به کلمه (آسان نشان دادن کلمات)
- ۱۶۱ ----- ۹. رقیق کردن مباحث سنگین
- ۱۶۲ ----- ۱۰. استفاده از تعابیر عامیانه
- ۱۶۳ ----- ۱۱. تابلویی کردن و شعاری نمودن پیام
- ۱۶۴ ----- ۱۲. استفاده از معیارهای طبیعی

۱۳. بهره گیری از اصطلاحات جدید ----- ۱۶۵
- (و) سایر شیوه ها و مهارت ها: ----- ۱۶۷
۱. تطبیق مفاهیم با مصادیق مأنوس و اصطلاحات ----- ۱۶۷
۲. تکرار هوشمندانه ----- ۱۶۸
۳. انجام مقایسه ----- ۱۷۰
۴. القای غیر مستقیم ----- ۱۷۷
۵. خواندن از روی نوشته ----- ۱۷۸
۶. دو طرفه کردن کلاس (برقراری ارتباط چند سویه در کلاس) ----- ۱۷۹
۷. برقراری ارتباط بین حوادث گذشته با مصادیق امروز ----- ۱۸۳
۸. تکیه بر مشترکات ----- ۱۸۴
- فصل سوم: محتوا ----- ۱۸۷
- اشاره ----- ۱۸۷
- الف) منابع محتوا ----- ۱۸۸
۱. داشتن محتوای غنی قرآنی ----- ۱۸۸
۲. بهره برداری فراوان از روایات ----- ۱۹۲
۳. بهره گیری از متون ادعیه ----- ۱۹۳
۴. استفاده از تاریخ ----- ۱۹۴
۵. مطالعه کتب مفید دیگر ----- ۱۹۷
۶. بهره گیری از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه معصومین: ----- ۱۹۹
- ب) تهیه و آماده سازی محتوا ----- ۲۰۰
۱. تدبیر با نگاه موضوعی در آیات ----- ۲۰۰
۲. تفسیر آیات برگزیده ----- ۲۰۱
۳. فیش برداری ----- ۲۰۲
۴. تشکیل پرونده تبلیغی ----- ۲۰۳
۵. تحقیق در زوایا و اضلاع یک موضوع ----- ۲۰۵
۶. نگاه متفاوت، تدوین متفاوت ----- ۲۰۷

۲۰۹	۷. استفاده از فهرست
۲۱۰	۸. گلچین کردن مطالب
۲۱۱	۹. اکتفاء نکردن به مطالعات قبلی
۲۱۲	۱۰. دقت در موضوعات تبلیغ
۲۱۳	۱۱. کار گروهی
۲۱۴	ج) ارائه محتوا
۲۱۴	۱. تکیه بر جامعیت اسلام
۲۱۶	۲. در نظر گرفتن ابعاد یک موضوع
۲۱۷	۳. بیان دنیا در کنار آخرت
۲۱۸	۴. ترکیب مناسب و موزون
۲۱۹	۵. تبلیغ فرهنگ صحیح و مبارزه با انحرافات و عادات غلط
۲۲۱	۶. پرهیز از بیان اقوال و احتمالات
۲۲۲	۷. صداقت در ارائه مباحث
۲۲۳	۸. آسان و شیرین جلوه دادن دین
۲۲۶	۹. دقت در انگیزه انتخاب موضوع
۲۲۷	۱۰. تناسب محتوا با زمان و مکان
۲۲۸	۱۱. تناسب لحن و حرکات دست
۲۲۹	۱۲. مستند کردن آموزش
۲۳۲	۱۳. پرداختن به موضوعات واجب
۲۳۳	۱۴. نقد روحانیت در کنار نقد دیگران
۲۳۴	۱۵. ارائه نکات مفید و کاربردی
۲۳۶	۱۶. مدح و نقد مسؤولین نظام
۲۳۷	۱۷. معرفی منابع بحث
۲۳۸	۱۸. بازگذاشتن پرونده بحث
۲۳۹	۱۹. پرهیز از بحثهای تخصصی
۲۴۰	۲۰. پرهیز از بحث های جنجالی

۲۴۳	فصل چهارم: مخاطب
۲۴۳	اشاره
۲۴۴	۱. توجه به اصل نیاز
۲۴۵	۲. سنخیت و تناسب محتوا با مخاطبان
۲۴۷	۳. توجه به آمادگی مخاطب
۲۴۹	۴. توجه و تکریم به مخاطب
۲۵۱	۵. توجه به تنوع سنی و تحصیلی مخاطبان
۲۵۲	۶. انتخاب نسل نو
۲۵۴	۷. نظرخواهی
۲۵۵	۸. استفاده از احساسات و عواطف
۲۵۷	۹. پرهیز از تبعیض
۲۵۹	۱۰. توجه به ظرفیت و گرایش مخاطبان
۲۶۱	۱۱. برخورد صمیمی
۲۶۲	فصل پنجم: سایر نکات
۲۶۲	اشاره
۲۶۳	توصیه هایی برای پاسخگویی
۲۶۴	اصولی برای بیان احکام
۲۶۷	توصیه جهت پرهیز از برخی آسیب ها
۲۶۹	رعایت برخی نکات شکلی
۲۷۰	برخی از سفارشهای تبلیغی و نکات کوتاه استاد
۲۸۵	شیوه ترغیب بچه ها به نماز
۲۸۸	برخی اصول تشویق و توبیخ
۲۸۸	اشاره
۲۸۸	الف) نکات ضروری در تشویق:
۲۹۰	ب) نکات ضروری در توبیخ
۲۹۳	آخرین سخن

نیم قرن تدریس و تبلیغ حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

مشخصات کتاب

سرشناسه: صنعت پورامیری، حسین، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور: نیم قرن تدریس و تبلیغ حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی / تدوین حسین صنعت پورامیری .

مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۵ .

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۵۳-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع: 'Ulama -- Iran -- Biography

موضوع: قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

موضوع: Qeraati, Mohsin

موضوع: واعظان -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع: *Preachers (Islam) -- Iran -- Biography

رده بندی کنگره: BP۵۵/۳ / ق ۳۷ ص ۹ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۲۳۴۰۰

ص: ۱

اشاره

نیم قرن تدریس و تبلیغ

حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

تدوین:

حسین صنعت پور امیری

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی ایران:

ص: ۳

نیم قرن تدریس و تبلیغ

حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

ص: ۴

فهرست مطالب

مقدمه ۱۲

مقدمه استاد ۱۵

فصل اول: ویژگی های فردی

الف) ویژگی های اخلاقی - رفتاری ۲۰

۱. دغدغه اخلاص ۲۰

۲. انس دائمی با قرآن کریم و تفسیر ۲۳

۳. توسل به معصومین ۲۴

۴. واقع گرایی ۲۶

۵. عزم و استقامت ۲۸

۶. ولایی بودن ۲۹

۷. آراستگی ظاهری (به دور از افراط و تفریط) ۳۰

۸. بی تکلفی ۳۰

۹. خرق عادت های به جا و به موقع ۳۳

۱۰. داشتن روحیه خوف (متهم کردن خود) ۳۵

۱۱. تبلیغ عملی (واعظ متعظ) ۳۶

۱۲. سوز داشتن ۳۸

ب) ویژگی های علمی - تبلیغی ۴۰

۱. شوق فراگیری و مطالعه فراوان ۴۰

۲. استفاده از تعطیلات و پاره وقت ها ۴۱

۳. نداشتن بخل در ارائه پژوهش ها ۴۳

۴. اهتمام به معلمی ۴۴

ص: ۵

۵. شهامت در گفتن «نمی دانم» ۴۶

۶. نگاه توحیدی در توفیقات ۴۷

۷. بهره گیری از دیگران ۴۸

۸. آمادگی برای تغییر موضوع بحث ۵۱

۹. عرضه کار به بزرگان ۵۱

۱۰. قدرت تمثیل ۵۲

۱۱. استمداد الهی ۵۳

۱۲. اعتماد به نفس و شهامت ۵۳

۱۳. حرص در هدایت کردن و تبلیغ ۵۵

۱۴. دنبال مخاطب رفتن (دوآر بطبه) ۵۸

۱۵. مخاطب اول دانستن خود ۵۹

۱۶. صداقت ۶۰

۱۷. هجرت های مکرر ۶۱

۱۸. عدم درخواست مزد ۶۳

۱۹. قانع نبودن به فعالیت های تبلیغی خود ۶۴

۲۰. نگاه نقادانه به جلسات خود ۶۵

۲۱. دغدغه انتقال تجارب ۶۶

ج) ویژگی های اجتماعی - سیاسی ۶۸

۱. مردمی بودن ۶۸

۲. تواضع و فروتنی ۶۹

۳. صراحت لهجه ۷۰

۴. پرهیز از موضع اتهام ۷۲

۵. در خط و جناح نبودن (پرهیز از تحزب) ۷۳

فصل دوم: شیوه ها و مهارت ها

الف) سمعی و بصری بودن ۷۶

۱. ارائه با تخته سیاه ۷۷

الف) ویژگی های تابلو ۷۷

ب) نکات نوشتاری روی تابلو ۷۸

ج) آداب نویسنده ۷۹

۱. تربیتی ۷۹

ص: ۶

۲. بهداشتی ۸۰

(د) نکات پاک کردن تابلو ۸۰

۲. بهره‌گیری از نمایش و حرکت عملی ۸۰

۳. بهره‌گیری از طرح و تصویر ۸۳

(ب) تشنه کردن مخاطب: ۸۵

۱. برخی از شیوه‌های تشنه کردن ۸۵

۲. انتخاب تیتراژ به روز با تبیین مناسب ۸۶

۳. سؤال و جواب ۸۹

۴. سکوت معنا دار ۹۱

(ج) نگاه و ارائه متفاوت مفاهیم ۹۲

۱. تجمیع مفاهیم مشابه، ذیل عنوان مناسب ۹۲

۲. عددی کردن مفاهیم (کشف تنوع‌ها و تقسیم بندی) ۹۳

۳. ملموس و عینی کردن مفاهیم ۹۴

۴. کالبد شکافی مفاهیم ۹۵

۵. برقراری ارتباط بین مفاهیم همسو ۹۷

۶. ارائه مفاهیم در قالب اشکال منطقی (نتیجه‌گیری از مضامین مرتبط) ۹۹

۷. دقت در وجوه تشابه و تبیین آن ۱۰۰

۸. شمارش تکرارهای یک موضوع ۱۰۱

(د) گزینش و چینش مناسب: ۱۰۲

۱. داشتن طرح درس و نظم در ارائه ۱۰۲

۲. روشن نمودن چشم انداز بحث (نوشتن سرفصل های مهم بر روی تخته) ۱۰۳

۳. تقطیع مناسب آیات و روایات ۱۰۴

۴. دسته بندی ۱۰۶

۵. تنوع بخشی به سخن ۱۰۸

۶. کوتاه گویی ۱۱۰

۷. گریز زدن در بین بحث (پراترهای به جا) ۱۱۲

۸. زمینه سازی ۱۱۳

۹. جمع بندی و خلاصه درس ۱۱۶

ه) آسان سازی: ۱۱۸

۱. بهره گیری از مثال ۱۱۸

۲. بهره گیری از اصل تدریج ۱۲۰

ص: ۷

۳. ارائه الگوها و نمونه ها ۱۲۲
۴. بهره گیری از داستان ۱۲۳
۵. ساده گویی و روان گویی ۱۲۶
۶. بیان به موقع حکایات و خاطرات از بزرگان ۱۲۸
۷. بهره گیری از شوخی ۱۲۹
۸. ترجمه کلمه به کلمه (آسان نشان دادن کلمات) ۱۳۳
۹. رقیق کردن مباحث سنگین ۱۳۴
۱۰. استفاده از تعابیر عامیانه ۱۳۵
۱۱. تابلویی کردن و شعاری نمودن پیام ۱۳۶
۱۲. استفاده از معیارهای طبیعی ۱۳۷
۱۳. بهره گیری از اصطلاحات جدید ۱۳۹
- و) سایر شیوه ها و مهارت ها: ۱۴۰
۱. تطبیق مفاهیم با مصادیق مأنوس و اصطلاحات ۱۴۰
۲. تکرار هوشمندانه ۱۴۱
۳. انجام مقایسه ۱۴۳
۴. القای غیر مستقیم ۱۴۶
۵. خواندن از روی نوشته ۱۴۷
۶. دو طرفه کردن کلاس (برقراری ارتباط چند سویه در کلاس) ۱۴۸
۷. برقراری ارتباط بین حوادث گذشته با مصادیق امروز ۱۵۱
۸. تکیه بر مشترکات ۱۵۲

فصل سوم: محتوا

الف) منابع محتوا ۱۵۶

۱. داشتن محتوای غنی قرآنی ۱۵۶

۲. بهره برداری فراوان از روایات ۱۶۰

۳. بهره گیری از متون ادعیه ۱۶۱

۴. استفاده از تاریخ ۱۶۲

۵. مطالعه کتب مفید دیگر ۱۶۵

۶. بهره گیری از سیره پیامبر اکرم و ائمه معصومین ۱۶۶

ب) تهیه و آماده سازی محتوا ۱۶۸

۱. تدبّر با نگاه موضوعی در آیات ۱۶۸

ص: ۸

۲. تفسیر آیات برگزیده ۱۶۹

۳. فیش برداری ۱۷۰

۴. تشکیل پرونده تبلیغی ۱۷۱

۵. تحقیق در زوایا و اضلاع یک موضوع ۱۷۳

۶. نگاه متفاوت، تدوین متفاوت ۱۷۴

۷. استفاده از فهرست ۱۷۶

۸. گلچین کردن مطالب ۱۷۶

۹. اکتفاء نکردن به مطالعات قبلی ۱۷۷

۱۰. دقت در موضوعات تبلیغ ۱۷۸

۱۱. کار گروهی ۱۷۹

ج) ارائه محتوا ۱۸۰

۱. تکیه بر جامعیت اسلام ۱۸۰

۲. در نظر گرفتن ابعاد یک موضوع ۱۸۲

۳. بیان دنیا در کنار آخرت ۱۸۳

۴. ترکیب مناسب و موزون ۱۸۴

۵. تبلیغ فرهنگ صحیح و مبارزه با انحرافات و عادات غلط ۱۸۵

۶. پرهیز از بیان اقوال و احتمالات ۱۸۷

۷. صداقت در ارائه مباحث ۱۸۸

۸. آسان و شیرین جلوه دادن دین ۱۸۹

۹. دقت در انگیزه انتخاب موضوع ۱۹۲

۱۰. تناسب محتوا با زمان و مکان ۱۹۳

۱۱. تناسب لحن و حرکات دست ۱۹۵

۱۲. مستند کردن آموزش ۱۹۵

۱۳. پرداختن به موضوعات واجب ۱۹۸

۱۴. نقد روحانیت در کنار نقد دیگران ۱۹۹

۱۵. ارائه نکات مفید و کاربردی ۲۰۰

۱۶. مدح و نقد مسئولین نظام ۲۰۲

۱۷. معرفی منابع بحث ۲۰۳

۱۸. بازگذاشتن پرونده بحث ۲۰۴

۱۹. پرهیز از بحثهای تخصصی ۲۰۵

۲۰. پرهیز از بحث های جنجالی ۲۰۶

ص: ۹

فصل چهارم: مخاطب

۱. توجه به اصل نیاز ۲۱۰
۲. سنخیت و تناسب محتوا با مخاطبان ۲۱۱
۳. توجه به آمادگی مخاطب ۲۱۳
۴. توجه و تکریم به مخاطب ۲۱۵
۵. توجه به تنوع سنی و تحصیلی مخاطبان ۲۱۷
۶. انتخاب نسل نو ۲۱۸
۷. نظرخواهی ۲۱۹
۸. استفاده از احساسات و عواطف ۲۲۰
۹. پرهیز از تبعیض ۲۲۲
۱۰. توجه به ظرفیت و گرایش مخاطبان ۲۲۴
۱۱. برخورد صمیمی ۲۲۶

فصل پنجم: سایر نکات

- توصیه هایی برای پاسخگویی ۲۲۸
- اصولی برای بیان احکام ۲۲۹
- توصیه جهت پرهیز از برخی آسیب ها ۲۳۲
- رعایت برخی نکات شکلی ۲۳۳
- برخی از سفارشهای تبلیغی و نکات کوتاه استاد ۲۳۴
- شیوه ترغیب بچه ها به نماز ۲۴۸
- برخی اصول تشویق و توبیخ ۲۵۰

الف) نکات ضروری در تشویق ۲۵۰

ب) نکات ضروری در توبیخ ۲۵۲

آخرین سخن ۲۵۴

ص: ۱۰

امام خمینی (ره) :

تحصیل برای این است که مردم انداز شوند و مسایل به مردم گفته شود. البته حوزه ها باید باشد، حوزه های فقه باید باشد، لکن این مسأله نباید فراموش شود. همان طور که تحصیل یک تکلیف است، تبلیغ بالاتر است از او. تحصیل مقدمه تبلیغ است. (۱)

امام خمینی (ره) در حکمی که سال ۱۳۶۱ به حجت الاسلام قرائتی به عنوان نماینده خود در نهضت سوادآموزی دادند، درباره تجربیات ایشان فرمودند:

نظر به اهمیت امر سوادآموزی و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و با توجه به تجربیاتی که در این باب دارید، جنابعالی را به سمت نماینده خود تعیین می کنم.

اکنون با گذشت بیش از سی سال از آن زمان، به تجربیات ایشان اضافه شده و حیف است این مهارت و تجربه به نسل بعد منتقل نشود.

مقام معظم رهبری دام ظلّه

«...آقای قرائتی یک نمونه ی بسیار خوب و درس آموزی است خود ایشان. اولاً کارهایی را که ایشان مباشر آنها شد، دنبال آنها رفت، همه اش خلأهایی بود که وجود داشت؛ ایشان خلأها را پر کرده؛ خیلی ارزش دارد...»

نکته ی دوم که اهمیت آن از نکته ی اول بیشتر هم هست، صفا و خلوص ایشان است. خود این صفا هم موجب شده است که ایشان بتواند کارها را پیش ببرد. خدای متعال با نیت های خالص همراه است؛ خلوص نیت تأثیر عجیبی دارد در پیشرفت کارهایی که با این نیت انجام می گیرد. این هم یک نکته است؛ خیلی مهم است.» (۲)

ص: ۱۱

۱- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۴۹ - ۱۸/۹/۶۰

۲- بیانات در جمع اساتید و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت - ۱۸/۴/۹۰

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين

«مبلغ موفق»، شاید بهترین عنوان برای معلمی باشد که حدود نیم قرن در عرصه تبلیغ و کلاس‌داری، مجاهدتی خالصانه داشته است.

امروز حجت الاسلام والمسلمین قرائتی - زید عزه - به عنوان نمادی موفق در عرصه ی تبلیغ می باشد که با کوله باری از تجربه در بین ما حضور دارد و به جرأت می توان گفت که در دوره ی معاصر «مکتب تبلیغی استاد قرائتی» خود مکتبی جدید در عرصه تبلیغ است و با ظهور همه ی پدیده ها و ورود تبلیغات نوین، این مکتب و اسلوب رنگ نداشت، بلکه هر روز بر مخاطبانش افزوده شد؛ تا جایی که در نظر سنجی های صدا و سیما، برنامه های حجه الاسلام قرائتی - دام ظلّه - کما کان، در صدر برنامه های مذهبی قرار دارد و از مخاطبان فراوانی برخوردار است.

بی تردید، عوامل متعددی در موفقیت این معلم دلسوز نقش داشته است، که از دل آن مجموعه عوامل، مبلغ نمونه ای قامت برافراشت. البته در بین عوامل، برخی نقش ممتاز را داشته و به عنوان ارکان این بنای بلند توفیق بوده اند؛ اخلاص، انس دائمی با قرآن کریم و روایات، استمداد الهی، تکلیف گرایی، خستگی ناپذیری، پرکاری در تحقیق و مطالعه، تبلیغ سمعی و بصری، قدرت تمثیل، استعداد مزاح و قدرت خندانیدن، گزیده گویی، روان گویی، بی توقع بودن و عدم درخواست مزد، نداشتن تکلف، و بهره گیری از شیوه های باجاذبه در ارائه و... بخشی از عوامل مهمی است که در توفیق این استاد فرزانه، نقش اساسی داشته اند.

بدون شک، به غیر از اخلاص و توفیق الهی و برخی ویژگی های شخصی و

ممتاز ایشان، مقدار قابل توجهی از تجارب ارزشمند این استاد فرزانه، قابلیت انتقال دارد و در حقیقت، موفقیت ایشان برآمده از مهارت ها، شیوه ها و نکته هایی است که برای معلّمان و مبلغان، قابل الگوبرداری و استفاده است و به همین جهت، از سالهای دور تا امروز، حاج آقای قرائتی، با برگزاری دوره های

آموزشی، دغدغه انتقال تجارب خویش را دارد؛ دوره هایی که توانست رویکرد تحصیلی و تبلیغی افراد را عوض کند و افق جدیدی را برای آنان بگشاید.^(۱)

اثر پیش رو، تلاش اندکی است که می خواهد بخشی از راز و رمزهای توفیق حجه الاسلام قرائتی را بیان نماید و با ترسیم معیارها، شیوه ها و تجارب تبلیغی، چشم انداز نویی را برای معلّمان محترم و مبلغان گرامی بگشاید. انشاء الله تعالی .

از جمله مهم ترین کارها برای کشف رموز توفیق و تبیین مهارت ها، اصول و قواعد مؤثر در کار این استاد ارجمند، نگاه دقیق به سبک و سیاق تدریس و کالبد شکافی دروس ایشان بوده است که به اندازه توان و فرصت به این کار پرداخته ام. - که البته هنوز جای کار دارد - ضمن این که نویسنده این کتاب، علاوه بر حضور در دو دوره از کلاسهای آموزشی حاج آقای قرائتی - که برای انتقال تجربه های تبلیغی برگزار شده بود - در کنار تدوین این اثر، از نزدیک و در جلسات متعدّد از بیانات و تجربیات ایشان بهره برده است. همچنین، در کنار نکات بیان شده، در تهیه و تدوین اثر حاضر، علاوه بر نرم افزار مجموعه آثار استاد قرائتی، از برخی کارهای مستقل در خصوص ایشان که به عنوان زندگینامه یا ویژه نامه و... تدوین یافته بود،

ص: ۱۳

۱- . این دوره ها از سالهای دور توسط حجه الاسلام قرائتی و در سالهای گذشته با همکاری نهادهای فرهنگی - تبلیغی و مراکز آموزشی برای طلاب و روحانیون برگزار شده و می شود و دستاوردهای قابل توجهی داشته و دارد. در یکی از نظر سنجی ها که مربوط به دوره طلاب خارجی بوده است، برخی از طلاب و روحانیون خارجی در خصوص این سؤال که: «در این دوره چه تغییری در شما ایجاد شد؟» نکات جالب و قابل توجهی نوشته اند؛ برخی جملات شرکت کنندگان عبارتند از: «احساس سریع برگشتن به کشورم جهت تبلیغ»، «این دوره سرنوشت مرا عوض کرد»، «از گذشته ام استغفار می کنم»، «بی توجهی خود را نسبت به امر تبلیغ فهمیدم»، «ترسم از تبلیغ برطرف شد»، «خلاصه گویی را فرا گرفتم»، «تصمیم گرفتم بیشترین تکیه گاهم قرآن باشد»، «تغییر در بینش نسبت به تفسیر و تبلیغ پیدا شد»، «جهان بینی ام قرآنی شد»، «صد و هشتاد درجه عوض شدم»، «چیزهایی یاد گرفتم که در تمام عمرم، ندیده بودم»، «خود را وقف قرآن و نهج البلاغه کردم». و...

بهره بردم و در نهایت به فضل الهی و یاری حضرت حق - جلّ و علا - مجموعه حاضر را تدوین نموده‌ام.

یادآوری این نکته لازم است که آنچه در تدوین این اثر اهمیت داشت، نگاه ویژه از منظر «تبلیغ» بوده است و حتی فصل اول که به «ویژگی های فردی» اختصاص یافت، تنها از دریچه تبلیغی به این ویژگی ها نگریسته شد. همچنین سعی بر اختصار بوده و برخی مطالب نقل شده با اندکی تصرّف و تلخیص همراه می باشد. ضمن این که در مواردی که نیاز به ارائه نمونه داشت؛ یکی - دو نمونه تقدیم کرده ام که امید است به عنایت خدای متعال، و دعای خیر حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - مفید و مؤثر واقع گردد.

امیدوارم این گام ابتدایی در تهیه اثر حاضر - که در فرصتی محدود صورت گرفته است - بتواند در چاپ های بعدی، تکمیل گردد و ما در ادامه راه، از نگاه تیز بین و تذکر صاحب نظران بهره مند گردیم. همچنین، امید است تا در خصوص سایر بزرگوارانی که در عرصه تبلیغ موفقیت هایی داشته اند، اقداماتی مشابه صورت گیرد تا با هم افزایی تجارب، تبلیغات دینی، رشد و رونقی روز افزون بیابد و جامعه و جهان تشنه، از کوثر زلال معارف، بیش از پیش سیراب گردند. انشاءالله تعالی.

در پایان، از لطف و محبت و حوصله و همراهی و هدایتِ مفسّر ارجمند قرآن کریم حضرت حجه الاسلام و المسلمین استاد قرائتی - دامت توفیقاته - نهایت امتنان را دارم و خدای تعالی را بر این توفیق خدمتگزاری شاکرم. «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا»

حسین صنعت پور امیری

اسفند/۱۳۹۴ ه.ش. مصادف با جمادی الثانیه ۱۴۳۷ ه.ق.

ص: ۱۴

مقدمه استاد

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله اجمعين

یکی از نیازهای مهم هر انسان، آشنا بودن با مهارتی مفید است.

اگر نسل نو و نوجوانان و جوانان عزیز در آموزش و پرورش به جای تکیه ی تنها بر محفوظات به درسهای لازم اکتفا و به جای محفوظات غیر لازم هنر و مهارتی فراگیرند و بخشی از مدرک و نمره به مهارت داده شود،

اگر دانشجویان عزیز نیز در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد نیز مهارتی که با ذوق آنان سازگار است فراگیرند،

هر دولتی روی کار آید، مهم ترین دغدغه اش اشتغال نسل تحصیل کرده نخواهد بود.

بخشی از اشکال مربوط به حفظ و فراگیری علومی غیر ضروری و نداشتن مهارت شغلی است.

جوان بی مهارت افسرده می شود، درآمد ندارد، ازدواجش عقب می افتد، احساس حقارت و پوچی می کند، بعضی معتاد و به گناه و سرگرمی های ناروا گرفتار می شوند.

برای استقلال و عزت کشور و مقاومت در برابر هر نوع تهدید باید همه نسل نو ما با کار و حرفه و هنر و مهارتی آشنا باشند.

در حوزه های علمیه نیز باید در کنار تحصیلات و محفوظات، هر طلبه مهارت های لازم را فراگیرد. چگونه درس بخواند؟ یادداشت بردارد و فیش تهیه کند

و بنویسد و سخنرانی کند. در مسائل خانوادگی بتواند پیوند خانوادگی را محکم کند. چگونه منحرفان را هدایت کند و به شبهات پاسخ گوید. در جای خود بگریاند یا بخنداند. چگونه مشاور خوبی باشد؟ چگونه تدریس کند، تبلیغ کند و... .

سن اینجانب از مرز هفتاد می گذرد و بیش از نیم قرن است که طلبه هستم و بیش از سی و پنج سال هر شب جمعه و در ایام ماه رمضان هر روز (غیر از جمعه ها) در صدا و سیما برنامه موفق داشتم. (هذا من فضل ربّی)

ده ها سال است که برای طلاب جوان کلاس هایی داشته ام تا شاید بتوانم مهارت های تدریس و تبلیغی خودم را به دیگران منتقل کنم و از این راه بهره هایی در میان طلاب داخلی و خارجی برده ام.

برادر عزیز جناب حجت الاسلام صنعت پور، چند ماهی است که تقریباً تمام وقت کمر همت بسته و از یادداشت ها و فیش ها و دوره هایی که دیده بود و کتاب و مجلات و متونی که در این زمینه وجود داشت، با مشورت بنده مهارت هایی که خداوند به بنده داده بود را به قلم درآورد و انصافاً زحمت زیادی کشیده و مرا شرمنده کرده؛ ولی اثر خوبی به جای گذاشتند.

با مطالعه آنچه تدوین شده احساس می کنم هر مبلغ و معلّمی اگر این کتاب را بخواند، بخش مهمی از عوامل مؤثر در تبلیغ و تدریس را درمی یابد.

این گام نخستین است که با تجربه های دیگران قابل تکمیل است.

جناب حجت الاسلام صنعت پور که از فضایی حوزه هستند و بیش از بیست سال سابقه تبلیغ و تدریس دارد، در این کتاب عوامل و نکات زیادی را گردآوری و چون کارشناس بوده اند، خوب تدوین فرموده اند.

در این کتاب هر کجا کمالی بوده، از خداوند است و هر کجا نقصی است، از بنده. همان گونه که کره زمین که دور خود و دور خورشید می چرخد، همیشه گوشه ای از آن روشن و گوشه ای تاریک است.

هر کجا زمین که روشن است از خورشید است و هر کجا که تاریک است، از خود زمین است.

در این کتاب نیز هر کمال و تجربه و مهارتی است، هدیه خداوند است و هر کجا

عیب و ضعفی است، از ما؛ ولی نباید فراموش کرد که ما سرسفره ی انبیا و اوصیا و قرآن و پیامبر و اهلیتتش نشسته ایم.

سر سفره ی علما و مراجع تقلید و شهدا و نیاکان نشسته ایم و اگر امروز شیشه لوستر یا لامپی هستیم که به نظر خود نور می دهیم، ولی وجود برق از اختراع و زحمات دیگران است.

امروز هم همین لامپ و لوستر به آهن هایی آویزان است که در سقف بکار رفته و مورد غفلت ماست. آری نور از لامپ و لوستر است؛ ولی سنگینی آن و برق از جای دیگر است.

به هر حال از خداوند و اولیای او شاکرم، از نیاکان و والدین و اساتید و شهدا شاکرم.

از جناب آقای صنعت پور و تمام دست اندرکارانی که به نوعی بر من حقی دارند، شاکرم. از کسانی که این نوشته واسطه انتقال تجربه و مهارتی به آنان شد، شاکرم.

و از همه کسانی که نوعی تجربه و مهارتی دارند می خواهم که به هر نحو هنر خود را در اختیار دیگران قرار دهند تا رزق الهی به دیگران نیز برسد. این دشمنان بشریت هستند که با امکانات امروز خود هرگز هنر و حرفه و مهارت را به بشر عرضه نمی کنند؛ ولی هر فیلم و نواری که برای اغفال و انحراف نسل نو باشد، از طریق فضاهای مجازی و غیرمجازی و به هر طریق ممکن برای نسل نو ارسال می کنند.

محسن قرائتی

ص: ۱۷

فصل اول: ویژگی های فردی

اشاره

ص: ۱۹

در این فصل تنها به گوشه‌ای از ویژگی‌های شخصی که می‌تواند با موضوع تبلیغ در تدریس مرتبط باشد، اشاره و مطالب در قالب عنوان های کلی ذیل بیان می‌گردد:

الف) ویژگی‌های اخلاقی - رفتاری

اشاره

ب) ویژگی‌های علمی - تبلیغی

ج) ویژگی‌های اجتماعی - سیاسی

الف) ویژگی‌های اخلاقی - رفتاری

۱. دغدغه اخلاص

نیت معلم و مبلغ، شرط اصلی تأثیر گذاری اوست. از سال‌های اول تبلیغ تا امروز، «نیت و اخلاص» به عنوان دغدغه ی حجه الاسلام قرائتی بوده است. به لطف خدای تعالی، علاوه بر روحیه شخصی از ابتدای راه تبلیغ، بزرگانی بر سر راه ایشان قرار گرفته اند و با تذکرات خود، حالت توجهی را در ایشان به وجود آورده اند تا سعی کند که با نیت پاک و خالصانه کار نماید. ایشان در خاطراتش بیان نموده است که:

«مرحوم شهید بهشتی یک روز به من گفت: آیا درباره ریشه و انگیزه و نیت سخنرانی هایت فکر کرده ای و خود را محک زده ای؟»

گفتم: چطور؟ فرمود: کجا کلاس داری؟ گفتم: کاشان. فرمود: در مسیر قم تا کاشان درباره انگیزه و نیت خود فکر کنید، خیلی می‌تواند کارگشا باشد که آیا این سخنرانی جهت توقعات مردم

است یا موقعیت زمان، یا احتیاج مردم یا تحت تأثیر

همچنین، در جای دیگر حاج آقای قرائتی فرمودند:

«یک سال برای زیارت به مشهد مقدس رفتم. در حرم با حضرت رضا ۷ قرار گذاشتم که من یک سال میجانی برای جوانها واقشار مختلف کلاس برگزار می کنم و در عوض امام رضا علیه السلام نیز از خدا بخواهد من در کارم اخلاص داشته باشم.

مشغول تدریس شدم، سال داشت سپری می شد که روزی همراه با جمعیت حاضر در جلسه از مسجد بیرون می آمدم، طلبه ای که جلو من راه می رفت، نگاهی به عقب کرد و با آنکه مرا دید؛ ولی به راه خود ادامه داد! من پیش خود گفتم: یا به پشت سر نگاه نکن یا اگر مرا دیدی تعارف کن که: بفرماید جلو!

ناگهان به یاد قرار با امام رضا ۷ افتادم، فهمیدم اخلاص ندارم، خیلی ناراحت شدم. با خود گفتم که قرآن در مورد اولیای خدا می فرماید: «لا نرید منکم جزاء و لا شکوراً» (۲) آنان نه مزد می خواهند و نه انتظار تشکر دارند. من کار میجانی انجام دادم، ولی توقع داشتم مردم از من احترام کنند!

خدمت آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) رسیدم و ماجرای خود را تعریف کرده و از ایشان چاره جوئی خواستم. یک وقت دیدم این پیرمرد بزرگوار شروع کرد به گریه کردن، نگران شدم که باعث اذیت ایشان نیز شدم، لذا عذرخواهی کرده و علت را پرسیدم.

ایشان فرمود: برو حرم، خدمت امام رضا ۷ و از حضرت تشکر کن که الآن فهمیدی مشرک هستی و اخلاص نداری، من از خود می ترسم که در آخر عمر با ریش سفید در سنّ نود سالگی مشرک باشم و خود متوجه نباشم.» (۳)

به یقین، یکی از رموز موفقیت و برکت عمر حجه الاسلام قرائتی در جملات ذیل نهفته است که فرموده اند:

«با لطف الهی؛ سعی داشتم برای آینده خودم طراحی نکنم که مثلاً درس چه

ص: ۲۱

۱- . خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۹۵.

۲- . انسان / ۹.

۳- . خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۴۶ و ۴۵.

کسی بروم که بگویم شاگرد که هستم، با چه کسی عکس بگیرم تا آن را تابلو کنم. با چه ژستی حرکت کنم یا حرف

بزنم. یا چه بحثی مطرح کنم که نشانه کذا باشد. در روابط اجتماعی در فکر آن نبودم که من منزل او بروم یا او باید اول به منزل ما بیاید. این قبیل افکار و محاسبات دامی است که انسان را از حریت و آزادی و اخلاص دور می کند. باید بدانیم همه کارها دست خداست. خداوند با «اوهن البیوت» (تار عنکبوت) «اشرف المخلوق» (پیامبر اسلام) را در غار حفظ می کند یا کلاغی را مأمور آموزش انسان قرار می دهد که چگونه مرده را باید دفن کرد. اگر خدا بخواهد، برکت کار عنکبوت و کلاغ از هزاران نفر بیشتر خواهد بود.»^(۱)

و نکته دیگر این که این معلّم فرزانه، در خصوص بحث اخلاص فرمودند:

«روزی به شهید مطهری (ره) گفتم که می خواهم از گروه مؤلفان تفسیر نمونه فاصله بگیرم و همکاری ام را قطع کنم. شهید مطهری (ره) علت را جویا شد و من گفتم که چون اخلاص ندارم؛ ایشان پرسید که از کجا این حرف را می زنید؟ من گفتم: وقتی تفسیر چاپ شد، اول نگاه کردم که آیا در شناسنامه کتاب نام من - که از مؤلفان بودم - نوشته شده، دیدم، نام من ذکر شد. دوباره دقت کردم که اسم من در بین همکاران چندمین نام است؟ و این یعنی که نیت من خالص نیست. شهید مطهری (ره) به من فرمود: «بزرگی می فرمود: در قضاوت، اگر اخلاص هم داشتی، عجله نکن و در عبادت، اخلاص داشتی انجام بده و اخلاص نداشتی، انجام نده و در تبلیغ چه اخلاص داشتی و چه اخلاص نداشتی، تبلیغ بکن.»

آری! حجه الاسلام قرائتی، با تلاش برای کسب اخلاص تبلیغ کرد و این موارد بخشی از دلواپسی های ایشان است و هنوز هم این دغدغه از دلمشغولی های اوست^(۲)

که برای هر مبلغی لازم است. از سفارش های شنیدنی ایشان در این

ص: ۲۲

۱- زندگینامه، ص: ۴۸ و ۴۷.

۲- ایشان در یکی از بحث های تلویزیونی می فرمودند: «... به من گفتند: بعضی از این بحث هایی که برای ماه رمضان ضبط کرده ایم، نقص فنی داشته و خراب شده است؛ لذا باید برنامه دوباره ضبط شود. من خیلی ناراحت شدم، زیرا آماده شدن برای یک برنامه زحمت بسیاری دارد. من حداقل برای هر بحث تلویزیونی به طور متوسط چند ساعت مطالعه می کنم. حالا ممکن است بعضی بحث ها را پنجاه ساعت و بعضی ها را سه ساعت مطالعه کنم. وقتی اتفاق مذکور پیش آمد، گفتم مثل من، مثل زنی است که لباس ها را شسته و روی طناب انداخته است، باد می آید و لباس ها را روی زمین می اندازد. دیشب فکر کردم که اگر روز قیامت به من بگویند: «آقای قرائتی تمام سخنانی های تلویزیونی شما به خاطر اینکه اخلاص نداشته ای از بین می رود.» چه کار کنم؟... کسی که اخلاص نداشته باشد، روز قیامت چنین بلایی سرش می آید. برنامه درسهایی از قرآن، ۱۳/۴/۶۲.

خصوص این که:

«ما باید به این جملات شهید محراب آیت الله مدنی (ره) توجه کنیم که به خدایش عرضه می داشت: ای خدا! اگر اخلاص نداریم، اخلاص را دوست داریم. خدایا به خاطر اینکه اخلاص را دوست داریم به ما اخلاص بده. زیرا داشتن اخلاص مشکل است.»

۲. انس دائمی با قرآن کریم و تفسیر

انس دائمی با قرآن کریم از اصول اساسی توفیق حجه الاسلام قرائتی است. ایشان از ابتدای طلبگی تا امروز، پیوسته با این کتاب الهی انس داشته و دارد؛ لذا اگرچه ایشان، به صورت ترتیبی حافظ قرآن نیست؛ اما می توان گفت که از جهت موضوعی، حافظ آیات قرآن کریم است. در بین همه مهارتها، شیوه ها، و ویژگی های شخصی، این ویژگی نقش مؤثری در موفقیت چشمگیر ایشان داشته است. این که انسان بتواند در هر سخنرانی و در هر کلاسی، به گونه ای حرف بزند که پیوسته تازگی و طروات داشته باشد، رمزش اتصال به قرآن کریم و علوم وحیانی است که سرچشمه آن علوم، پیامبر اکرم و آل اطهار ایشان - صلوات الله تعالی علیهم اجمعین - می باشند. بیانات ذیل، روایت حاج آقای قرائتی است که از محضر قرآن، شاگردی ها نموده است:

«با اصرار و تشویق مرحوم پدرم در سن چهارده سالگی وارد حوزه شدم. در سال اول، هر شب به طور مرتب در جلسه ی تفسیر قرآن مرحوم آیت الله حاج شیخ علی آقا نجفی (ره) که بعد از نماز مغرب و عشاء برقرار می شد، شرکت می کردم. این جلسه دل مرا به تفسیر قرآن جذب نمود.»

از آن زمان به بعد با قرآن انس پیدا کردم و تا به حال الحمدلله ادامه دارد. با اطمینان می گویم که بیشترین مطالعه من درباره قرآن و تفسیر بوده و چون قرآن و

کلام خدا نور است، تا به حال در راه تبلیغ درمانده نشده ام. حتی زمانی هم که برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم، در کنار لمعه (کتاب درسی رسمی حوزه)، تفسیر «مجمع البیان» را با برخی از دوستان، مطالعه و مباحثه می کردم. (۱)

حجه الاسلام قرائتی، پس از دروس سطح و مقداری از درس خارج، به فکر یادداشت کردن خلاصه مطالعات و مباحثات تفسیری اش شد و این کار را تا پایان چند جزء ادامه داد. در همین ایام با ارائه نوشته های تفسیری خود به آیت الله العظمی مکارم شیرازی - دامت برکاته - به نویسندگان تفسیر نمونه پیوست. تقریباً نیمی از تفسیر نمونه تمام شده بود که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و این معلم فرزانه، به پیشنهاد علامه شهید مطهری (ره) و

موافقت امام خمینی (ره) برای اجرای برنامه درسهایی از قرآن، به تلویزیون رفت.

ایشان در این زمان، به این فکر می افتد که تادرس تفسیری را در سطح فهم عموم شروع کند. برای این کار با گرفتن دو همکار، علاوه بر تفسیر نمونه از ده تفسیر دیگر یادداشت برداری کرد و برنامه تفسیر خود را با عنوان «آینه وحی» از سال ۶۹ در رادیو آغاز نمود. پس از ضبط صوتی تفسیر و پخش و تدوین آن در قالب تفسیر نور، به همت این معلم پرکار، در مرحله بعد تفسیر نور به صورت تصویری تهیه شد و تا امروز نیز، با همه فعالیت های قرآنی، این کتاب الهی در صدر مطالعات ایشان قرار دارد و چه بسا این انس با کتاب و تبلیغ دین، استجاب دعا ی پدر بزرگوارش (ره) بود که در کنار کعبه با دل شکسته دعا کرد که:

«ای خالق یکتا! فرزندی به من عطا فرما که مبلغ قرآن و دین تو باشد.» (۲)

۳. توسل به معصومین

یکی از دلایل موفقیت حجه الاسلام قرائتی، خضوع در برابر معصومین: و توسل به ذوات مقدسه است. ایشان از ابتدای راه به این حقیقت ایمان داشته و

ص: ۲۴

۱- . خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۱۷ و ۱۸. وحاج آقای قرائتی: از سال پنجم طلبگی وارد مباحث تفسیر شدیم و مثل کتاب های دیگر که مباحثه می کنند، من و آقای درّی نجف آبادی با هم مباحثه می کردیم.

۲- . همان، ج ۱، ص: ۱۶.

پیوسته بر این امر مراقبت می نمودند و در این خصوص فرمودند:

«سالی که امام در ترکیه تبعید بودند، من طلبه ی نجف بودم . حاجاتی داشتم ؛ همسر، مسکن، مال، قلم، بیان، تبلیغ و... من دیدم خیلی حاجت دارم، بین ائمه: تقسیم کردم. اینها خیلی بزرگوارند و هرکس به اینها متوسل شود، مصلحت باشد، نتیجه می گیرد. «وَفَاَزَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمِ» (۱)

مسأله ی تبلیغ را به امام جواد علیه السلام واگذار کردم و از ایشان خواستم تا در تبلیغ موفق باشم. از قضاء بیشترین توفیقاتم در تبلیغ بوده است و آن را وامدار جواد الائمه ۷ هستم.»

حجه الاسلام بهشتی، که از همکاران نزدیک به حجه الاسلام قرائتی است، در خصوص این روحیه ایشان می فرماید:

«هرکس مدت کوتاهی با ایشان حشر و نشر داشته باشد، نقش توسل به پیامبر عزیز و اهل بیت پاکش: را در زندگی ایشان و به ویژه در کار تبلیغ مشاهده می کند. وقتی به گذشته ایشان و دوران جوانی شان سرک می کشیم، می بینیم بسیاری از موفقیت های امروزشان استجابت دعاهایی است که در جوار حرم آل البیت از خدا خواسته اند. حقیقتاً به توسل، به عنوان یک اهرم برای

موفقیت در کار تبلیغ نگاه کرده اند. توفیق فهم درست معارف، توفیق اخلاص در تبلیغ، توفیق تأثیر در مخاطبان، توفیق فراهم شدن محافل تبلیغی، توفیق برکت در کار و مصونیت از انحراف و خطا، عجب و غرور، اینها دستاوردهای توسل ایشان به اهل بیت پیامبر: است. ایشان می فرمودند: در ماه رضائی که توفیق شد یک ماه در حرم عسکرین علیهما السلام باشم، گاهی شبها من بودم و ضریح مطهر و این دو امام معصوم. دکمه پیراهنم را باز می کردم و سینه ام را به ضریح می گذاشتم و از این دو معصوم می خواستم که نظر بفرمایند تا قلب من از شرک و شک و ریب و انحراف مصون بماند.

بارها و بارها تقاضاهای تبلیغی خود را از حضرت امام رضا علیه السلام خواسته اند و آن امام رئوف خیلی زود مرحمت فرموده است.

ص: ۲۵

وقتی ایشان کتابی تألیف می کرد، دست نوشته خود را قبل از چاپ به ضریح امام رضا علیه السلام متبرک می نمود. در دعاها و نیایش های فردی و جمعی هم هیچ گاه از آن ذخایر الهی غافل نیست.»^(۱)

۴. واقع گرایی

واقع گرایی از خصلت های خوب حاج آقای قرائتی است. ایشان به راحتی اسیر موج ها و جوّ حاکم نمی شود و به جای این که به دیگران نگاه کند، به واقعیت امر توجه می نماید و آن راهی که مصلحت است، را انتخاب می کند؛ اگر چه جوّ و جمع، آن انتخاب را نپسندند. ایشان این روحیه را از همان ایام تحصیل و طلبگی داشتند و در این خصوص فرمودند:

«سعی داشتم درس تشریفاتی نروم، اگر آن درس برای من مفید بود و وقت مطالعه و مباحثه و نوشتن دارم، بروم. هرگز فکر نکردم که چون فلانی مرجع یا رهبر یا مشهور یا درس او پرجمعیت است یا افراد برجسته در درس شرکت می کنند، من نیز به آن درس بروم، بلکه فکر می کردم، اگر موضوع درس مهم و مفید است، شرکت کنم.»^(۲)

ایشان، در خصوص راهی که در تبلیغ و ترویج معارف قرآنی برگزیده است، فرمودند:

«چند سالی که از طلبگی من گذشت، متوجه شدم که بعضی از درسهایی که می خوانیم، کم فایده است و ما باید آنچه را می خوانیم یا واجب باشد یا مستحب یا نیاز فرد را برطرف کند یا نیاز جامعه را. . . لذا به قرآن پناه آوردم و مشغول مطالعه جدی تفاسیر شدم.»

انتخاب راه متفاوت در تبلیغ و خود را آخوند اطفال دانستن و گرایش به نوجوانان، جلوه ای از همین روحیه است. ایشان می فرماید:

«در جوانی به فکر افتادم برای بیچه ها کلاس تشکیل دهم و قصه های قرآن را

ص: ۲۶

۱- . زندگینامه، ص: ۲۴۰.

۲- . همان، ص: ۵۲.

بگویم. بعضی از دوستان می گفتند: کلاس بچه ها برای تو مقام و درجه و امکاناتی نخواهد داشت. باید به درسهای حوزه بیشتر توجه کنی تا به درجه ای برسی، ولی من راه خود را رفتم. امروز محبت و لطف خداوند و عنایات مقام معظم رهبری و حوزه و دانشگاه را نسبت به خود به قدری می بینم که شرمنده خداوندم. در مناجات شعبانیه می خوانیم: «الْهَى بِيَدِكَ لَأَبِيَدٍ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَ نَقْصِي» (۱).

ایشان، این روحیه واقع گرایی را، در عرصه کار اجرایی، در تبلیغ و در همه کارهای خود دارد. بخش هایی از این روحیه، در کتاب خاطرات و زندگینامه ایشان آمده است. در اینجا، دو نمونه را ارائه می دهیم:

الف) نمونه اول: «یکی از فضلاء می گوید که به همراه حاج آقای قرائتی، برای تبلیغ دهه محرم، به کاشان رفته بودیم. وسط دهه بود که حاج آقا فرمودند: «بسیاری از بزرگان اهل منبر در کاشان حضور دارند و ضرورتی ندارد تا ما هم در اینجا باشیم؛ بلکه ما به جبهه برویم.» (و از فردا حرکت کرده و به طرف جبهه رفتیم.)» (۲)

ب) نمونه دوم: «از شهری آمده بودند تا مرا برای سخنرانی در مکان بزرگی در بازار دعوت کنند. برنامه برای ایام فاطمیه بود. گفتم برای این مناسبت از فلانی دعوت کنید که در خصوص حضرت فاطمه سلام الله علیها کتاب نوشته است که از من بهتر است. ضمن این که شما رئیس آموزش و پرورش را ببینید تا با همکاری ایشان دختران دبیرستانی را در استادیوم ورزشی جمع و این بزرگوار که نویسنده کتاب در خصوص حضرت زهراء سلام الله علیها است، برای آنها سخنرانی کند. از من دعوت کردن، غلط است؛ زیرا هم اطلاعاتم راجع به حضرت زهرا سلام الله علیها کم است و هم می خواهید تا برای بازاری ها صحبت کنم. حاجی بازاری ها، درباره حضرت زهرا سلام الله علیها بدانند یا ندانند خیلی فرق ندارد. دختران دبیرستانی باید بدانند که حضرت زهرا سلام الله علیها که بوده است. پس هم جایش غلط است (در بازار) هم مستمع غلط است (حاجی های پیر مرد) هم گوینده اش غلط است (که من هستم)؛ یعنی غلط در غلط در غلط. یک مقدار

ص: ۲۷

۱- همان، ۴۷.

۲- نشان، ویرنامه نکوداشت حجت الاسلام قرائتی، سازمان تبلیغات اسلامی، شماره ۵، ۱۳۹۴، ص ۱۲۲.

سرشان را پایین انداختند و به هم نگاه کردند و رفتند

سراغ همین کاری که گفتم» (۱)

۵. عزم و استقامت

از رموز موفقیت حجه الاسلام قرائتی، عزم و اراده جدی و استقامت در کار است. ایشان در این خصوص می فرمایند که:

«با لطف خداوند کارهایی که شروع کردم، وسط کار رها نکردم.» و در جایی دیگر بیان کردند که: «در این سی و پنج سال، یک شب جمعه برنامه درسهایی از قرآن از طرف من تعطیل نشده است.»

در ابتدای تبلیغ که تصمیم می گیرد تا برای بچه های کاشان، پنجشنبه و جمعه از قم به کاشان برود، تا چهار سال به صورت منظم این کار را انجام می دهد. در گفتن تفسیر در رادیو، نوشتن تفسیر نور، ضبط تلویزیونی تفسیر قرآن کریم و سایر برنامه های تبلیغی و برنامه درسهایی از قرآن بدون خلل و با اراده محکم کار کرده است. در راه اندازی ستاد اقامه نماز، ستاد زکات، ستاد تفسیر، مرکز تخصصی مهدویت قم و... به صورت جدی حضور داشته و در ساماندهی و پیگیری این مراکز و نهادها، با اراده و عزم قوی پای کار بوده و هنوز در این شرایط سنی پیگیر امور می باشند.

همچنین، تنوع کارهای تبلیغی و فرهنگی، بیانگر گوشه ای از عزم و استقامت ایشان است. حاج آقای قرائتی، در جایی فرمودند که:

«ساخت و ساز مساجد و نماز خانه ها در جاده ها و نماز ظهر عاشورا و ده ها هزار نماز جماعت در مدارس و میلیون ها جلد کتاب نماز و اشعاری راجع به نماز و جلساتی راجع به آن و قرار گرفتن نماز در متون درسی و ارزیابی مدیران و طرح آن در فیلم ها و سریال ها و تشکیل ستاد نماز در کل کشور و در کنار آن تشکیل بنیاد حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - و ایجاد رشته تخصصی مهدویت در حوزه قم که خود آثار بسیار فراوانی داشته و فضایی در این بنیاد و مرکز کارشناس شده

ص: ۲۸

و به انواع شبهات پاسخ می دهند و صدها کتاب و مجله و بروشور را تولید و چاپ کرده اند و تاسیس دو مرکز تخصصی نماز و مهدویت در حوزه قم را می توان از الطاف الهی دانست که شامل حال بنده و همکارانی که در این موسسات هستند می باشد که یکی از آنها ایجاد درس خارج برای مسائل مهدویت و پایان نامه های علمی راجع به این موضوع است که در مرکز قم انجام می شود و من سهمی در آن ندارم؛ ولی جزو الطاف الهی به اینجانب بوده است.»

۶. ولایی بودن

ولایی بودن از ویژگی های مهم حجهالاسلام قرائتی است. ایشان اگرچه وابسته به خط و جناحی نیست؛ اما نسبت به امام خمینی (ره)، ارادت و علاقه ویژه ای داشته و در شرایط کنونی نیز سخنان مقام معظم رهبری - دام ظلّه - را برای خود حجت می داند و در برنامه های تبلیغی خود نیز، به مواردی از دیدگاه معظم له - که نیاز به تأکید یا تبیین دارد - می پردازد. همچنین، نسبت به مراجع عظام - ائیده هم الله تعالی - نیز عنایت و احترام خاصی قائل است. در خصوص روحیه ولایی ایشان، نکات فراوانی وجود دارد؛ دو نمونه:

الف) نمونه اول: «با اینکه رئیس سازمان نهضت سوادآموزی هستم، ولی اسیر آن نیستم و بارها به مقام معظم رهبری گفتم: به نظر من بهتر است بودجه سوادآموزی در راه مسکن و ازدواج تحصیل کردگان هزینه شود. ایشان فرمودند: در نظام اسلامی بی سواد زشت است. شما با دلگرمی به کار خود ادامه دهید و از تکرار آنچه گفتید، خودداری کنید. بنده هم به خاطر کلام کسی که سخنش برای همه ما حجت است ساکت شدم.» (۱)

ب) نمونه دوم: در یکی از برنامه های درسهایی از قرآن بیان نموده اند: «امام صادق علیه السلام در بیابان عرفه در میان انبوه حجاج با فریاد بلند به چهار طرف فرمود: **أَيُّهَا النَّاسُ! بَا فَرِيَادَ بَلَدٍ فَرَمُودَ: مَنْ عَنَيْتَ دَارِمَ رُويِ اَيْنِ «فَرِيَادَ بَلَدٍ» تَكِيهَ كَنَمَ؛ چُونِ اَيْنِ خَوَاسْتِ مَقَامِ مَعْظَمِ رَهْبَرِي اِسْتِ. اَيْشَانِ فَرَمُودَ: مَنْ دُوسْتِ دَارِمِ اَيْرَانِ**

ص: ۲۹

ظهر که می شود در خیابان هایش، بازارهایش اذان بگویند. شما اگر اذان بگویند خیلی از مفسد کم می شود. جایی که آدم های هرزه هستند دو نفر که اذان بگویند آن ها خودشان را جمع می کنند و می گویند نه این جا جایش نیست، حدیث داریم: صدای الله اکبر که بلند شد شیطان ها در می روند...» (۱)

۷. آراستگی ظاهری (به دور از افراط و تفریط)

روش مستمر حجه الاسلام قرائتی این گونه است که از یک آراستگی ظاهری و به دور از افراط و تفریط برخوردار است. عمامه مناسب، پوشش متوسط و مناسب، اصلاح به موقع سر و صورت، از کارهای سنجیده ایشان است. توصیه ایشان، در این خصوص این است که:

«پوشش مناسب و لباس تمیز (نه گران قیمت) با ظاهری معتدل و پرهیز از افراط و تفریط در

این خصوص از شرایط معلم و مبلغ موفق است. انسان ها به طور فطری، زیبایی و تمیزی را دوست دارند؛ لذا در کنار دهها کمال از آراستگی و نظافت نباید غافل شد. البته پوشش معلم و مبلغ، نباید به گونه ای باشد که فکر و حواس مخاطب را مشغول کند. به خود نرسیدن یا بیش از اندازه به خود رسیدن، هر دو اشتباه است. در ضمن در مناسبت های عزا یا شادی، لباس ما باید مناسب جلسه باشد.»

ایشان به اصل تمرکز مخاطب توجه داشته و سفارش می نمایند که پوشش و وضعیت ظاهری معلم و مبلغ، نباید به گونه ای باشد که حواس مخاطب پرت شود.

۸. بی تکلفی

از ویژگی های بسیار مهم و کلیدی برای مبلغ و معلم بی تکلفی است. خداوند متعال به حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید که بگوید: «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ»؛ (۲)

و من اهل تکلف نیستم.» نمونه بی تکلفی آن حضرت:

برخوردش ساده و صمیمی بود. با لباس معمولی در میان مردم رفت و آمد

ص: ۳۰

۱- برنامه درسهایی از قرآن، ۳۰ / ۰۲ / ۷۲.

۲- سوره ص، آیه ۸۶.

می کرد، به طوری که اگر یک فرد ناشناس وارد مجلس می شد، او را نمی شناخت . به هنگام نشستن با اصحاب خود، دایره وار می نشست به طوری که بالا و پایین برای جلسه مطرح نباشد.

همچنین، لباس و کفش خود را وصله می کرد. هیچ گاه خود را از انسان های فقیر جدا نمی کرد و از معاشرت و غذا خوردن با آنان اکراه نداشت و اگر یک مسکین و فقیری او را دعوت می کرد، می پذیرفت با مردم راحت و خودمانی بود؛ وقتی آنان می خندیدند، می خندید و ایرادی به حرف های حلال نمی گرفت. در برخوردش تشریفاتی نداشت؛ اگر فرش نبود، روی خاک می نشست. هم بر اسب سوار می شد و هم بر شتر و گاهی هم سوار الاغ بی پالان می شد. وقتی کسی در مواجهه با ایشان از هیبت آن حضرت لرزید، فرمود: «چرا از من می ترسی؟ من پادشاه نیستم.»^(۱)

از دلائل مهم محبوبیت و موفقیت حجه الاسلام قرائتی، این که در حد توان خود از این شیوه پسندیده رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پیروی نموده و بی تکلفی را در دستور کار خود قرار داده است؛ در گفتار و رفتار، پوشش، در نشست و برخاست، در قبول دعوت، در نوع مخاطب، مکان تبلیغ و . . . بی

تکلف است. در خصوص این موضوع، نکات و مطالب فراوانی می توان بیان کرد؛ اما فقط از منظر موضوع کتاب، به چند نمونه از بی تکلفی ایشان در تبلیغ اشاره می کنیم. ابتداء، برخی از سخنان ایشان که بیانگر این روحیه است:

«هرگاه انجام کاری را لازم می دانستم، منتظر حکم و اعتبار و یاور و امکانات نبودم و با دست خالی به تنهایی شروع می کردم. یادم نمی رود برای اولین جلسه در مشهد حتی تابلو و تخته سیاه نداشتم. کارتون مقوایی را پاره کردم و به جای تخته قرار دادم و از زغال به جای گچ و از جوراب به جای تخته پاک کن استفاده کردم.»^(۲)

در ستادهایی که تشکیل دادم، منتظر هیچ حکمی نبودم و با توکل به خدا ستاد نماز

ص: ۳۱

-
- ۱- . منتهی الامال، در بیان اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم .
 - ۲- . حاج آقای قرائتی در جایی فرمودند: حتی یک وقتی با جورابهایم تخته را پاک می کردم. یعنی یک تخته پاک کن نداشتم. حالا به یک کسی می گویی اذان بگو می گوید یک آمپلی فایر، می گویم مطالعه، می گوید یک دور کتاب، می گویم آقا تحقیق، می گوید دو تا کامپیوتر، از خودمان جوهر نداریم هی از بیرون کامپیوتر اضافه می کنیم. . .

و زکات و تفسیر را تشکیل دادم، ولی خداوند بعد از شروع، همه چیز را برای من مهیا کرد. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (۱)

- برای کلاس ها، حتی تخته سیاه را با تاکسی حمل می کردم و حتی گچ و تخته پاک کن را هم همراه داشتم.

- «در سی سال تلویزیون، با ساده ترین ابزار (تخته سیاه و گچ)، بدون تغییر لباس، لهجه، قیافه، وسایل کمک آموزشی جدید و بدون تغییر دکور و آرم و عنوان کار کردم تا نشان دهم با ساده ترین وسایل هم می توان موفق بود.» (۲)

- در خانه ام با لطف الهی یک دوره تفسیر قرآن را آیه به آیه و در زمان های کوتاه هفت تا ده دقیقه فیلمبرداری کردم. دیدم اگر بخواهم منتظر دعوت و امکانات باشم، حتی یک جزء تفسیر را نمی توانم ضبط کنم. . . (۳)

- خود دعوتی: لازم نبود در خانه بنشینم، مردم از من دعوت کنند. من خودم را دعوت می کنم. بعد از شهرتم، جاهایی که دعوت می کنند، وقت ندارم، نمی روم. اما یک جایی بینم حساس است، زنگ می زنم که من آمادگی دارم که بیایم. (۴)

اما دو نمونه رفتاری:

الف) نمونه اول: «می خواستم در قم برای طلبه ها کلاسی به سبک جدید بگذارم؛ کسی نبود تا تبلیغ کند و خودم هم معتقد بودم که این روش کلاسداری برای آنها مفید است. لذا اطلاعیه را روی کاغذ نوشتم و چند کپی از آن گرفتم و به مدرسه فیضیه آمدم تا در جای مناسب نصب کنم. یکی از اساتید دلش برای من سوخت. با اصرار اطلاعیه را از من گرفت که بچسباند؛ طلبه ها وقتی آن استاد را دیدند، همه برگه ها را از من گرفتند و پخش کردند. پس از آن، بحمدالله تعالی کلاس برگزار گردید.» (۵)

ب) نمونه دوم: «قبل از انقلاب وقتی در قم خواستم برای بچه ها کلاس بگذارم،

ص: ۳۲

۱- زندگینامه، ص: ۵۱.

۲- همان، ص: ۵۶.

۳- همان، ص: ۴۸.

۴- همان، ص: ۳۰.

۵- خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۳۹

یکی یکی در خانه های همسایه را زدم، و گفتم بچه هایتان را به کلاس بفرستید. بعد اصول دین را یاد می دادم و برای آنها قصه می گفتم و هر بار با چیزی؛ مثل پرتقال، گز، شربت یا . . . پذیرائی می کردم. (۱) یا این که قبل از انقلاب، زمانی آیت الله مشکینی (ره) به یکی از علمای شهری نامه ای داد که: «این آقای قرائتی است و جوانها را دعوت کن تا به کلاس ایشان بیایند و او صحبت بکند. آن عالم فرمود که: «من از کجا بدانم که این نامه را آیت الله مشکینی داده است؟!» گفتم: اگر شک داری بده به من! نامه را گرفتم و خودم به خیابان و بازار رفتم و به جوانها گفتم فردا به فلان مسجد بیایید و برنامه ای ببینید. خودم جوانها را دعوت کردم و تخته سیاهی هم گرفتم و خودم کارها را انجام دادم. بعد، جلسه درس ما گل کرد و هفته های بعد خیلی شلوغ شد.» (۲)

۹. خرق عادت های به جا و به موقع

از کارهای شیرین حاج آقای قرائتی، خرق عادت های به جا و نادیده گرفتن برخی مقررات دست و پا گیر و غیر لازم یا عادت های بدون مبناست. خرق عادت های ایشان، مصادیق فراوانی دارد که هر کس مقداری با ایشان باشد، متوجه این روحیه خط شکنانه حاج آقا می شود.

ایشان در عرصه تبلیغ، مقتید به روشهای موجود نشد؛ خنده را در کنار گریه به کار گرفت؛ به جای منبر با تخته سیاه کار را انجام داد؛ و در ابتدای کار موقع نداشتن تخته سیاه از مقوا به عنوان تابلو استفاده می کرد یا وقتی تخته پاک کن نداشت با جوراب تخته را پاک می کرد. اطلاعیه درسهای خود را خودش به تابلو می زد. به جای حرف زدن های رسمی و خطابی، به صورت معمولی، عادی

و عامیانه با مردم صحبت کرد؛ خود دعوتی را روش خود قرار داد و در خانه منتظر دعوت نبود. به بچه ها و نوجوانان توجه کرد و علیرغم همه طعنه ها و سفارش به مشی متعارف در عرصه تبلیغ، خود را به عنوان آخوند اطفال مطرح کرد. در تبلیغ مقید به زمان (ایام

ص: ۳۳

۱- برنامه درسهایی از قرآن، ۱۱/۱۱/۶۳.

۲- برنامه درسهایی از قرآن، ۱۸/۰۷/۸۴.

تبلیغ) و مکان (مسجد، حسینیه و...) نشد. در خیلی از مواقع صبحانه را در مسیر و در ماشین خورد و می خورد و روزی برای رسیدن به موقع سخنرانی، سوار آمبولانس شد... (۱)

حاج آقای قرائتی، ضمن احترام به عرف صحیح، در مواردی که قیده‌های غلط و مزاحمی باشد و یا مبنای صحیح شرعی و عرفی نداشته باشد، و یا این که ضرورتی اقتضاء کند، خط شکنی و خرق عادت می نماید. دو نمونه رفتاری:

الف) نمونه اول: در یکی از برنامه های شهرداری تهران که برای تعدادی از کارکنان آرامستانها برنامه ای ترتیب یافته بود، وقتی محل نشستن ایشان به گونه ای بود که دید لازم را برای همه مخاطبان نداشت، ایشان درخواست کرد تا یک صندلی بیاورند و بعد با کمک عوامل اجرایی، صندلی سخنرانی را بالای یک میز که استحکام مناسب را داشت، قرار دادند و از روی صندلی دیگری که آورده بودند، به بالای میز رفت و در شرایطی قرار گرفت که همه مخاطبان ایشان را به راحتی می دیدند. این اقدام سبب شد که مخاطبان برای مدتی حاج آقای قرائتی را تشویق کردند.

ب) نمونه دوم: من معتقدم که در مسجد باید برنامه ها گروه گروه باشد. قبل از انقلاب، در ماه رمضان، پیش نماز مسجدی بودم، در شب قدر مسجد شلوغ بود. گفتم افراد را گروه گروه می کنیم؛ یک دسته از آنها که قرآن بلد و مسجدی بودند، را به یک قسمت مسجد هدایت کردم و گفتم: شما دعای جوشن کبیر، بخوانید. دسته دیگر کسانی بودند که در نماز مشکل داشتند که کسی را بالای سرشان گذاشتم تا نمازشان کنترل و تصحیح نماید و عده ای هم که تازه به مسجد آمدند و

ص: ۳۴

۱- . وقتی ایشان برای یک سخنرانی به اصفهان دعوت بود؛ در تهران نیز از طرف صدا و سیما، جلسه سنگینی برای هزار نفر از افراد که از متولیان فرهنگی بودند، برگزار بود. از حجهالاسلام قرائتی دعوت شد تا در این جلسه هم سخنرانی داشته باشد، ایشان با توجه به وعده ای که داشت نمی توانست دعوت دوم را بپذیرد تا این که قرار شد پس از سخنرانی ایشان را با ماشین آژیر دار به نقطه ای برسانند تا سریعتر به اصفهان برسد. جالب این که حاج آقای قرائتی، به یکی از آشنایان در اصفهان زنگ می زند که با توجه به این که فلان ساعت سخنرانی دارم؛ برای این که نمی رسم غذایی بخورم و باید زودتر به جلسه برسم؛ لذا یک ساندویچ برای من بیاور تا در فلان نقطه و در ماشین بخورم و به سخنرانی برسم.

سؤال‌اتی داشتند، آنها را به گوشه‌ای برده و جلسه پرسش و پاسخ گذاشتم. اگرچه هیئت امناء از این برنامه

دلخور شدند؛ ولی در آن شرایط این برنامه لازم بود. (۱)

۱۰. داشتن روحیه خوف (متهم کردن خود)

با این که حجه‌الاسلام قرائتی از ابتدای جوانی در راه تبلیغ قدم گذاشته و بیشترین سفر و سخنرانی و مخاطب را دارد و در عرصه تبلیغ از تألیف، کلاس، سخنرانی و تأسیس نهادهای دینی و... کارهای فراوانی کرده است و در این عرصه آن قدر تلاش و تحرک داشته که گاهی محافظان جوان از همراهی در این مسیر احساس خستگی می‌کردند؛ اما با همه دوندگی و پرکاری، پیوسته نفس خویش را در معرض اتهام قرار داده و حالت خوف و خشیتی در درون خود دارد. نگاه خائفانه و مردد او به اعمال خود و حدیث نفس‌های فراوانی که با خود دارد، بیانگر این روحیه است؛ البته او در کنار خوف، رجاء و اتق به فضل و رحمت الهی نیز دارد. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: متن زیر که مقدمه ای برای چاپ جدید تفسیر نور است، برای همه مبلغان عرصه تبلیغ شفاهی و مکتوب پیام بلندی دارد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه چاپ جدید تفسیر نور

در سال ۱۳۷۸ برای تجدید چاپ جلد اول توسط «مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن» یک بار دیگر «تفسیر نور» را با دقت مطالعه کردم. مطالبی را حذف یا ادغام نموده و مطالب جدیدی را که خداوند به ذهنم انداخت و یا از «تفسیر راهنما» و «نخبه التفاسیر» استفاده کرده بودم به مطالب قبلی اضافه شد.

در یک لحظه به فکر فرو رفتم، نوشته ای را که بعد از دو سه سال به دست خودم تغییر می‌دهم، اگر به قیامت برسد و از نظر اولیای خدا و فرشتگان و از همه بالاتر خداوند بگذرد چقدر تغییر خواهد کرد. تازه این

ص: ۳۵

اصلاحات و تغییرات به شرطی مفید است که اصل کار با ریا و سُمعه و عَجَب، حبط و باطل نشده باشد.

به هر حال زحمت ها کشیدم، ولی نمی دانم حتّی یک صفحه ی آن در قیامت سبب نجاتم خواهد شد یا نه!

البته قرآن نور است و نقص از کار و نوشته های ماست. به هر حال به لطف خداوند امیدوارم تا همان گونه که در گلستان، خاک به گل تبدیل می شود، در سایه ی آیات

نورانی قرآن، نوشته های ما نیز به نور تبدیل شود. اللّهم آمین

ب) نمونه دوم: حاج آقای قرائتی در پاسخ به این سؤال که «امروز که به گذشته نگاه می کنید از این که دنبال اجتهاد و مرجعیت و این جور مسائل نرفتید و در حوزه دیگری مشغول شدید، و چنین راهی را انتخاب کردید، احساس رضایت می کنید یا نه؟» فرمودند: من ذره ای پشیمان نیستم. دغدغه ای دارم که آیا خدا قبول می کند یا نه؟ خالص است یا نیست؟ قبول شد یا نشد؟ قبول بشود و از بین نرود. حذف نشود، نابود نشود. چون خیلی وقت ها یک چراغ را روشن می کنیم، و بعد خاموش می نمایم. حادثی؛ مانند بدعاقبت شدن، بی دین شدن و... که من از آن ها خبر ندارم. خدا ما را از آنها حفظ کند. ولی ذره ای پشیمان نیستم. الآن هم اگر به گذشته برگردم، همان کار را می کنم که چهل سال پیش کردم.» (۱)

۱۱. تبلیغ عملی (واعظ متّعظ)

از شرایط تأثیر تبلیغ، ایمان و اعتقاد مبلّغ و عمل به پیامی است که می خواهد به مخاطبانش ارائه دهد؛ هر چه ایمان او به محتوای پیام بیشتر باشد و خود در عمل به آن بکوشد، تأثیر گذاری مبلّغ نیز بیشتر خواهد بود. حاج آقای قرائتی، در کنار هنر گویندگی و سخنوری، به آنچه می گوید، باور داشته و هنر عمل کردن را نیز دارد و قول او به عمل آراسته است. در حقیقت ایشان، واعظی، متّعظ است:

از قرآن و اهمیت و ترویج آن گفت و خودش در این راه قدم گرفت و برای

ص: ۳۶

ترویج آن از مال و زندگی اش گذشت و نهضتی را در این عرصه برانگیخت و متولیان نهادهای دینی و فرهنگی را به این مهم توجه داد.

از نماز گفت و اهمیت تبلیغ نماز؛ خودش به نماز اول وقت (۱)

و نماز جمعه اهتمام ورزید و در تبلیغ این موضوع مهم گام های زیادی گرفت و برای راه اندازی نماز مدارس، ادارات و ساخت و ساز مساجد و نماز خانه ها. . . و راه اندازی نماز ظهر عاشورا و. . . تلاش کرد.

از سادگی گفت، خودش با پوشش ساده در همه جا ظاهر شد. با محافظانش دوستانه و بدون

تشریفات برخورد کرد و می کند و در عرصه ی تبلیغ نیز گرفتار عناوین و القاب نشد؛ بلکه «حاج آفای قرآنی» معروفترین عنوانی است که همه ایشان را به همین عنوان می شناسند و در برنامه ها و خیر مقدم ها از ایشان یاد می کنند.

از بی تکلفی گفت، و این روحیه را به صورت ملموس در زندگی اش پیاده کرده است. در رفتن به برنامه ها بدون تشریفات حاضر شد. در پذیرش دعوتها، پاسخ دادن به تلفنها، غذا خوردن، سادگی دفتر کار از دواج فرزندان (۲) و. . . بی تکلف عمل کرد.

از مردمی بودن گفت و با همه شهرتش، در کنار مردم و از جنس مردم بود و هر کجا حضور پیدا کرد، مردم به خاطر صفا و سادگی اش به دورش حلقه زده و در چهره اش، تفرّغن، هیبت و حالت عبوسی نبود تا مردم را گریزان کند.

از انفاق گفت و خودش با فروش خانه قدیمی و بخشی از هدایایی که مردم دادند

ص: ۳۷

۱- . در یکی از خاطرات مربوط به گذشته فرمودند: «بعضی از روزها به حضور در نماز جماعت اوّل وقت موفّق نمی شدم، تصمیم گرفتم هرروز که از نماز اوّل وقت غافل شدم، مبلغی را به عنوان جریمه پردازم. پس از مدّتی که حضورم مرتّب شده بود به خود گفتم: تو برای جریمه ناراحتی یا برای از دست رفتن پاداش نماز جماعت؟!» خاطرات حجت الاسلام قرآنی (ج ۱)، ص: ۳۱.

۲- . در خصوص عروسی فرزندان در یکی از برنامه ها فرمودند: «دامادهای من یکی طلبه بود و یکی هم دانشجو. هر دو هم بی پول. منتهی اصل دار، ریشه دار و تا دو پشت آنها را می شناختم. بله برون ما چند دقیقه طول کشید. ۱۴ سکه که در آن زمان سکه ۳ هزار تومان بود. و یک حج که آن زمان ۲۰ هزار تومان بود. عقده در خانه خودمان و بدون تالار. و لباس عروسی که برای دخترم گرفتم تا حالا ۱۱ عروس دیگر هم آن را پوشیده اند. ازدواج را آسان کنیم. ۳۰ - ۴۰ نفر دعوت شدند و غذا چلوکباب کوبیده بود. . .» برنامه درسهایی از قرآن، ۱۰۷ / ۱ / ۷۶.

در یکی از نقاط لازم و ضروری برای ساخت مسجد اقدام و نزدیک به نصف هزینه آن را متقبل شد و این در حالی است که ایشان برای جمع کردن مرید، یک ریال هزینه نکرد و نمی‌کند و در این زمینه به دست و دلبازی شهره نیست.

از پرکاری و اهتمام به وقت و ارزش عمر گفت و خود برای وقت، ارزش فراوان قائل شد و سعی کرد تا از همه پاره وقت های زندگی استفاده کند و عمرش، پرتی و دور ریز نداشته باشد. یا مطالعه و تحقیق، یا هدایت و مدیریت امور دینی و فرهنگی (ستاد اقامه نماز و...) و یا تبلیغ. و البته غالب سفرهایش تبلیغی بود و گاهی در کنار کار تبلیغی، سیاحتی هم داشت.

از عدم درخواست مزد گفت و خود به آن وفادار بود و دادن هدیه و ندادن آن تأثیری در کارش نگذاشت.

از بخل نداشتن گفت و خود همه آثار علمی و فیش های تبلیغی خود را در اختیار مبلغان و معلمان گذاشت و برای انتشار کتاب هایش توسط نهادها و سازمانهای فرهنگی - که بر اساس سود جویی و تجارت نباشد - اعلام آمادگی نمود و بدون درخواست حق التألیفی آنها را در اختیار قرار داد.

و از... گفت و... دهها فضیلتی که سعی کرد تا به عنوان روحانی، مقید به آن باشد.

۱۲. سوز داشتن

انبیای الهی و به ویژه پیامبر اسلام که معلم بشرند، به «سوز» توصیف شده اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم برای هدایت مردم، حرص و تأسف شدید می خورد. (۱)

تا جایی که خدای تعالی فرمود: «فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ؛ (۲)

پس مگذار به خاطر حسرت بر آنان جانت از دست برود.»

حاج آقای قرائتی با پیروی از مبلغان الهی، در ترویج معارف و تبلیغ دین،

ص: ۳۸

۱- «حریص علیکم» توبه/ ۱۲۸. و در جای دیگر خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا؛ پس بیم آن می رود که اگر به این حدیث (قرآن) ایمان نیاورند، تو در پی آنان خود را هلاک کنی!». کهف/ ۶.

۲- فاطر/ ۸.

تلاشهای فراوانی داشته و دارد و با سوز درونی که دارد، پیوسته بی‌قراری می‌کند. ناله‌ها و نامه‌های ایشان در سالهای پس از انقلاب، موجهایی را در عرصه تبلیغ دین ایجاد نموده و توانسته است، حرکت آفرین باشد. از کارهای مهم ایشان، پیگیری جدی جهت محور قرار دادن قرآن کریم در تبلیغ و بهره‌بهتر و بیشتر گرفتن مبلغان از این کتاب آسمانی است. ایشان می‌فرماید:

«همین که دیدم در حوزه‌ها توجه به تفسیر قرآن، بیشتر در آیات فقهی است و سایر آیات آن گونه که باید مورد توجه نیست، به منزل مراجع رفتم و ناله‌ها سردادم. از جمله استاد بزرگترین درس فقه حوزه قم، آیت‌الله العظمی وحید خراسانی، سخنان و ناله‌ام را آن گونه پسندید که فرمود: من درس را تعطیل می‌کنم و شما به جای من منبر روید و این ناله را به گوش فضلاء برسانید. همین کار در درس‌های آیات عظام دیگر مکارم شیرازی، سبحانی، حاج آقا مجتبی تهرانی و فلسفی در مشهد تکرار و اقرارات بزرگانی نظیر ملاصدرا، فیض کاشانی، امام خمینی، آیت‌الله شهید صدر، آیت‌الله مدنی و دیگران را که در پایان عمر از کم‌توجهی به تفسیر و تدبر قرآن داشته‌اند، در تیراژ بسیار تکثیر و میان حوزه‌ها منتشر کردم. در نامه به ائمه جمعه، جامعه مدرسین، جامعه وعاظ و هزاران طلبه در سراسر کشور آن گونه گفتم که بحمدالله حرکت‌هایی پدید آمد از جمله درس تفسیر آیت‌الله وحید هر هفته روزهای چهارشنبه به جای درس فقه و تفسیر آیت‌الله مکارم در حرم حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها و تفسیر آیت‌الله سبحانی در مدرسه حجتیه در ماه رمضان و بسیاری از افراد و اساتید دیگر. (البته نمی‌گویم این حرکات به خاطر ناله من بود، ولی با فضل الهی درس تفسیر و ستاد تفسیر در حوزه‌ها و مساجد کم و بیش راه افتاد).

مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی اساتید حوزه قم را دعوت و من از تهران به قم رفتم و در حضور ایشان ناله تفسیر سردادم و این ناله‌ها نیز در حوزه بی‌اثر نبود.»^(۱)

حجه الاسلام قرائتی، به تحرك و تلاش شخصی خود قانع نبوده، بلکه برای به

ص: ۳۹

حرکت در آوردن دیگران و بسیج افراد و امکانات برای ترویج معارف و تبلیغ دین و ایجاد دغدغه در متولیان دینی و فرهنگی، ده ها نامه به افراد حقیقی و حقوقی نوشته اند که برخی از آنها مفصل است. بعضی از مخاطبان نامه ایشان عبارتند از: شورای عالی مدیریت حوزه، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و مدرسین بزرگوار، امام جمعه های محترم، علما و مدیران حوزه و ائمه جماعت، وزیر آموزش و پرورش، فارغ التحصیلان (نامه ای و ناله ای)، طلاب و دانشجویان (در آستانه تابستان)، نمایندگان شورای اسلامی روستا، دختران جوان، عزاداران حسینی، مسؤولان هیأت های مذهبی.

(ب) ویژگی های علمی - تبلیغی

۱. شوق فراگیری و مطالعه فراوان

رسول خدا ۹ می فرماید: «اگر روزی فرا رسد و در آن روز دانشی که مرا به خدا نزدیک کند بر من افزوده نشود، طلوع آفتاب آن روز بر من مبارک مباد.» (۱)

در روایتی آمده است که: «هر کس دو روزش مساوی باشد، زیانکار است.» (۲)

از ویژگی های حجه الاسلام قرائتی که نقش چشمگیری در موفقیت ایشان داشته، روحیه دانشجویی و طلبگی است. انس با کتاب و شوق وافر به فراگیری دانش و مطالعه فراوان، نقش معلمی ایشان را بسیار پررنگ کرده است. حاج آقا برای تشویق و ترغیب جوانان و دانشجویان در جایی فرموده اند:

«بنده از پانزده سالگی طلبه شدم، الان شصت و پنج سال دارم.» (۳)

جمعه و پنج شنبه و تابستان و زمستان ندارم؛ یعنی از یک بچه ی دبیرستانی و یک دانشجو بیشتر مطالعه می کنم.» (۴)

ایشان بارها فرموده اند که: «من هنوز یک فیلم سینمایی را به صورت کامل از

ص: ۴۰

۱- . اذا اتى على يوم لا ازاد فيه علماً يقربنى الى الله تعالى فلا بورك لى فى طلوع الشمس ذلك اليوم. نهج الفصاحه / حديث ۱۲۶.

۲- . قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ اسْتَوَى يَوْمًا فَهُوَ مَعْبُونٌ . . . الأمالى (للصدوق)، النص، ص: ۶۶۸.

۳- . تاریخ پخش: [۸۹ / ۰۷ / ۲۲]

۴- . برنامه درسهایی از قرآن، ۸۹ / ۰۷ / ۲۲.

فیش های تبلیغی حاج آقای قرائتی، ضمن این که بیانگر کوشش عالمی است که عمرش را در راه تبلیغ، گذاشت، نمونه ای از مجاهدت عالمانه ایشان، در فراگیری دانش و ارتقای معلومات می باشد و گلچینی از مطالب برگزیده ای است که ایشان، با حوصله و علاقه از بین مطالعات فراوان، انتخاب و دسته بندی نموده است. بدون تردید، این فیش ها که حاصل عمر مطالعات و بیانگر زحمات طاقت فرسای این معلم پرتلاش در مطالعه است، یکی از پشتوانه های تبلیغی این استاد فرزانه بوده و نقش مهمی در موفقیت تبلیغی ایشان داشته است.

در خصوص روحیه طلبگی حجه الاسلام قرائتی، نکات فراوانی وجود دارد. شاید خواندن خاطره ذیل که مربوط به دوره جوانی ایشان است، بتواند گوشه ای از آن عشق سرشار که در سینه اش موج می زند، را ترسیم نماید:

«مدتی که مرحوم مطهری به قم می آمد، ایشان را به خانه می آوردم؛ از ایشان پذیرایی می کردیم و چون بچه ام کوچک بود؛ بغل می کردم و داخل کوچه می بردم تا خانه آرام باشد که ایشان یک نیم ساعت بعد از نماز بخوابد و بعد از خواب برای کلاس و سخنرانی می رفت و پس از برنامه، وقتی می خواست به تهران برود، من با ایشان تا اول تهران می آمدم؛ و چون آن زمان اتوبان نبود از جاده قدیم سه ساعت طول می کشید و من در این فاصله از ایشان سؤال می کردم و چیزهای زیادی از ایشان فرا گرفتم.»^(۱)

۲. استفاده از تعطیلات و پاره وقتها

مدیریت زمان و استفاده مناسب از وقت، از ویژگی های خوب حاج آقای قرائتی است. ایشان در برنامه هایش به گونه ای عمل می کند که از کمترین وقت، بیشترین استفاده را بنماید و در تعطیلات هم به کارهای پژوهشی و علمی و تبلیغی می پردازد و بر خلاف عده ای که اصل را بر تعطیلی می گذارند، ایشان، اصل را بر تحصیل، مطالعه، پژوهش، تبلیغ و خدمت می گذارد و معتقد است که:

ص: ۴۱

«ما در اسلام تعطیلی نداریم. یک آیه داریم برای نماز جمعه که می فرماید: «وَذُرُوا الْبَيْعَ (جمعه / ۹) داد و ستد را برای نماز جمعه رها کنید و کار را تعطیل نمایید و زمانی که نماز جمعه به پایان رسید در زمین برای کسب و کار و رسیدن به فضل الهی پخش شوید. جمعه هم روز کار

است؛ اما کار متفاوت: برای نماز جمعه، غسل جمعه، دید و بازدید و عیادت و... قرآن می فرماید: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ؛ پس هر وقت (از کاری) فراغت یافتی (برای کار جدید) خود را به تعب انداز.» (شرح / ۷) «ما می توانیم جوری برنامه ریزی کنیم که یک دقیقه از عمرمان هم حرام نشود و یک هسته خرما را به یک درخت تبدیل نماییم.»

از توفیقات حجه الاسلام قرائتی، بهره مفید گرفتن از عمر و اغتنام فرصتهاست. ایشان، روحیه کار و تلاش را از ابتدای طلبگی با خود داشته است و در این خصوص می فرمایند:

«استفاده از تعطیلات برای من مبارک بود. مثلاً جمعه ها مباحثه ی نهج البلاغه داشتیم. شب های پنجشنبه و صبح های پنجشنبه و تابستان ها در خدمت آیت الله العظمی مکارم شیرازی بیست و هفت جلد تفسیر نمونه را همراه با دوستان دانشمند نوشتیم.»^(۱)

همچنین در جایی بیان فرمودند که: «اگرچه از خداوند شرمنده ام که ساعات و روزهایی را هدر داده ام، ولی در بسیاری از جلسات مهمانی تلاش می کردم جلسه را از گفتگوهای عادی به بحث های علمی و تبلیغی، تحقیقاتی و خدماتی تبدیل کنم که در کنار دید و بازدید و تفریح کاری هم انجام شده باشد، گره ای باز شود و مشکلی حل گردد یا آموزشی داده شود.»^(۲)

حاج آقای قرائتی، در مسیر سفرهای تبلیغی، در فرودگاه، در ماشین و بین راه، به طریقی مشغول کاری مفید می شود. برخی از همراهان ایشان نقل می نمایند که وقتی تأخیری در پرواز هواپیما پیش می آمد، از همین وقت استفاده می کرده است و در گوشه ای از فرودگاه به مطالعه و نوشتن می پرداخت و در حقیقت تفسیر نور،

ص: ۴۲

۱- زندگینامه، ص: ۵۲.

۲- همان، ص ۵۷.

حاصل یک نشست طولانی در گوشه کتابخانه ای آرام نبوده است؛ بلکه اثری است که از دل پاره وقتها و در بین سفرها و اماکن تبلیغی متعدد شکل گرفته است.

حاج آقا، در بسیاری از مواقع، صبحانه ساده خود را در مسیر راه و در داخل ماشین می خورد و در مسیری که برای سفر تبلیغی می روند؛ بسیار از امور اجرایی؛ مانند امور اقامه نماز، تفسیر، ارتباط با مدیران و متولیان تبلیغ و... را با تلفن همراه پیگیری می کنند. در کنار همراهی با انقلاب اسلامی و حضور در کارهای اجرایی متنوع، و داشتن جلسات متعدد و سفرهای تبلیغی گوناگون و...؛ داشتن آثار فراوان و با برکت علمی - از جمله تفسیر مبارک «نور» - شاهد مهمی از استفاده مناسب ایشان از گوهر گرانبهای وقت است.

۳. نداشتن بخل در ارائه پژوهش ها

حجهالاسلام قرائتی، معتقد است که باید دسترنج تحقیق خود را بدون بخل در اختیار دیگران قرار بدهیم. ایشان در این خصوص می فرمایند:

«متأسفانه، بسیاری از تحقیقات در مراکز علمی یا نزد افراد محقق بایگانی شده و مورد استفاده قرار نمی گیرد. بارها در قرآن سفارش شده که از آنچه به شما رزق و روزی دادیم انفاق کنید.^(۱) پژوهش ها و تحقیقات نیز رزق انسان است و شکر آن، بازگویی و در اختیار دیگران قرار دادن می باشد، و الاّ - بخل علمی و کتمان علم است و کیفیهایی که برای بخل و کتمان آمده، برای آنان نیز می باشد.»

این معلّم با اخلاص، با میل قلبی و با سخاوت، حاصل دسترنج سالها زحمات علمی اش را در اختیار معلمان و مبلغان قرار داده است. در این خصوص ایشان فرمودند:

«تقریباً تمام فیش های مباحثی که مدت سی سال در تلویزیون گفتم، مستندسازی و تایپ و اصلاح و اعراب گذاری شد و در یک سی دی بدون قفل آن را در اختیار همه قرار دادم و معتقدم اگر مطالب ما از قلم و زبان دیگران گفته شود،

ص: ۴۳

۱- . حاج آقای قرائتی می فرمودند: منزل یکی از دوستان مهمان بودم. یادداشت های او را مطالعه کردم، مطالب خوبی داشت، از او خواستم از نوشته هایش استفاده کنم و در تلویزیون بگویم. گفت: نمی دهم. هرچه اصرار کردم گفت: راضی نیستم بنویسی. دفتر را پس دادم و از این بخل فرهنگی غصه خوردم.

چون ما پیدا نیستیم، شاید ذخیره قیامت باشد. ولی آنچه را خود ما بیان می کنیم یا می نویسیم، چون خود ما مطرح می شویم، خطر ریا در آن بیشتر است.»^(۱)

همچنین فرمودند: «سی دی های آثار بنده قفل ندارد و اگر موسسه و سازمانی بدون سود بخواهد کتاب های مرا چاپ کند، بدون دریافت وجهی به او اجازه می دهم. همچنین، اجازه تکثیر نوارهای خود را به مؤسسات غیر شخصی دادم. میلیونها جلد تفسیر سوره های لقمان، حجرات، کتاب تمثیلات

و غیر آن منتشر شد و حق التألیف نگرفتم و این کار را لطف خداوند می دانم. اگر مرحوم حاج شیخ عباس قمی برای کتاب مفاتیح خود شروط مادی می گذاشت، این همه تجدید چاپ نمی شد. البته در اجازه دادن باید جلوی سوءاستفاده دیگران را گرفت.»

۴. اهتمام به معلمی

از رموز موفقیت حجه الاسلام قرائتی این است که در هیچ شرایطی معلمی خود را رها نکرده است. با آنکه می توانست به راحتی در انتخابات شرکت کند و چه بسا با رأی بالایی هم به مجلس برود؛ یا این که در برخی مناصب مهم اجرایی کشور، حضور پیدا کند؛ اما همه هم و غم خود را در راه تعلیم و تربیت مصروف کرد و در عین این که در برخی کارهای اجرایی؛ مانند نهضت سواد آموزی و ستاد اقامه نماز و... حضور داشته و اکنون نیز در برخی از کارها فعالیت دارد، اما در کنار اشتغال به این امور از مطالعه و تبلیغ و معلمی غافل نشده است. از جمله های تکراری و کلیدی حاج آقای قرائتی این است که می فرماید:

ص: ۴۴

۱- زندگینامه، ص: ۵۷ و ۵۸. در خصوص این روحیه جالب، حجه الاسلام سیدجواد بهشتی در زندگینامه حاج آقای قرائتی آورده است: من شاهد بودم که افراد زیادی در طی سه دهه گذشته مطالب ایشان را می خواسته اند و ایشان چون می دانستند که مورد بهره برداری قرار می گیرد، با کمال میل در اختیار گذاشته است. به یاد دارم که یکبار حجت الاسلام وحیدی به ایشان گفت: اجازه می دهید از تمام یادداشت های شما یک نسخه بردارم. ایشان فرمود: بله، یک دستگاه فتوکپی به منزل ما بیاور و از تمام نوشته های من یک نسخه بردار. جناب آقای وحیدی هم این کار را کرد. این روحیه حکایت از عشق ایشان به گسترش معارف دینی و مبلغان دینی است. نمونه ای دیگر ارائه متن تمام کتاب ها و تفسیر نور در سایت است تا برای تمام کسانی که طالبند و چه بسا امکان خرید کتاب ندارند، به طور رایگان در اختیار باشد. این روحیه از جوانی در ایشان بوده و باعث برکت در کارهای علمی ایشان بوده است. همان، ص: ۲۳۸ و ۲۳۷.

«من معلم قرآن هستم؛ اگر خدا قبول کند، می خواهم معلم قرآن باشم. شیرین ترین لقب برای من معلم قرآن است.»

او معلمی را با تدریس برای بچه ها آغاز کرد و این انتخاب را با همه وجودش علاقه داشت. چه افرادی بودند که این معلم با علاقه را از این کار نهی می کردند(۱)؛

اما ایشان زیر بار نرفت. در سال پنجاه و نه، در یکی از برنامه های درسهایی از قرآن فرمودند:

«بنده خودم تقریباً چهارده سال پیش کاشان بودم.(۲)

یک عده از بچه ها را جمع کردم و برای ایشان قصه می گفتم. خیلی ها به من گفتند: تو سبک می شوی! فردا به تو نخواهند گفت که فلانی دانشمند است. می گویند معلم بچه هاست، سبک می شوی. این کار را رها کن و در مساجد برو، به

منبر برو.»

و امروز به طور مکرر، وقتی از ایشان سؤال می شود که آیا پشیمان نیستید؟ می فرماید:

«ذره ای پشیمان نیستم. الآن هم اگر به گذشته برگردم، همان کار را می کنم که چهل سال پیش کرده ام.»(۳)

تمام دغدغه ایشان، معلمی و ترویج دین و احیای شعائر است؛ و به توفیق الهی پایه گذار سنت های حسنه ای در کشور شد. ایشان در خصوص نوع گرایشهایش

ص: ۴۵

۱- . همچنین در یکی از برنامه ها فرمودند: «یک روز به پدرم گفتم: پدر جان! شما چرا مرا به طلبگی فرستادی؟ گفت: راستش را بخواهی من می خواهم تو مثل آقای بروجردی شوی. حالا هم ناراحتم. البته الان از من راضی است. قبلاً ناراضی بود. می گفت: من تو را فرستادم تا آقای بروجردی شوی. یک مشت بچه جمع کرده ای و با تخته سیاه قصه می گویی؟ این هم شد کار؟ آخوند بچه ها چیست؟ من می خواهم تو ملا شوی. گفتم: آقا جان! شما ثواب پدر آقای بروجردی را داری، چون هدفت این بود که من فقیه شوم. شما مرا به قصد فقاهت فرستادی به حوزه علمیه، پس ثواب پدر آقای بروجردی را داری. حالا بنده برسم یا نرسم. تشخیص من به حق باشد یا باطل. فکر می کنم بزرگان خاص بزرگ ها و ما برای بچه ها هستیم. فکر کنید که این چند میلیون بچه هم آخوند می خواهند. حالا ما آخوند بچه ها بشویم. فکر کنید ۲۶۸ قصه در قرآن است. ما همین قصه ها را برای بچه ها بگوییم، خودش چه کار بزرگی است. من روی تشخیصم یک کاری می کنم. شما هم ثواب پدر آقای بروجردی را داری.» برنامه درسهایی از قرآن، ۱۲/۰۸/۶۷.

۲- . درسهایی از قرآن ۱۴/۰۷/۵۹.

۳- . زندگینامه، ص: ۳۹.

«من چون نه سیاسی هستم، نه نظامی و نه اقتصادی، در دنیای معلمی بودم و توجهم به نماز و زکات و تفسیر و امور تبلیغی و دینی بیش از مسائل دیگر شد. حتی ذهنم نیست که نماینده مجلس بشوم، چون افرادی هستند که هم آمادگی دارند و هم حوصله شان می رسد.»

همچنین، با این که سی سال معاون وزیر آموزش و پرورش بودند، اما می فرمایند:

«علاقه من به تبلیغ و کلاسداری بیش از معاون وزیر بودن بود و لذا امضاهای من معمولاً به نام محسن قرائتی و نماینده امام بود و هر جا که لازم بود و به ندرت با عنوان معاون وزیر امضاء می کردم.»^(۱)

۵. شهادت در گفتن «نمی دانم»

همه ما دارای علم اندکی هستیم و بسیاری از مسائل را نمی دانیم. گفتن «نمی دانم»، نشانه قدرت روحی معلم و مبلغ است. حجه الاسلام قرائتی معلمی است که در جایی که نمی داند، به راحتی و بدون خجالت می گوید: «نمی دانم» و باور دارد که با این پاسخ، نه تنها چیزی از شخصیت او کاسته نمی شود، بلکه عزیزتر می گردد. ایشان، در سفارشی به معلمان فرمودند که:

«قرآن به پیامبر می فرماید: «ما اذری» (احقاف / ۹) ای پیامبر بگو نمی دانم. «لا اَعْلَمُ» (انعام / ۵۰) ای پیامبر بگو نمی دانم. حدیث داریم: نشانه معلم خوب این است که سر کلاس راحت بگوید نمی دانم. معلمی که به راحتی «نمی دانم» بگوید؛ شاگرد هم به او علاقه مند می شود و صداقت او سبب می گردد که وقتی سخنی را دانسته می گوید، او خوب گوش می دهد.»

ایشان، در جاهای متعدد حتی در میان جمع، اگر چیزی را بلد نباشد، به راحتی می گوید نمی دانم. به عنوان نمونه، در این خصوص، خاطره ای خواندنی از این

ص: ۴۶

۱- . حاج آقای قرائتی می فرمودند که «مرحوم شهید مطهری» ره» به من فرمود: «من خیلی خوشحالم که تو در تدریس و معلمی، فردی موفق هستی و نگرانم که مسؤولیت اجرایی به تو بدهند و از فیض معلمی، محروم شوی.» نشان، ویرنامه نکوداشت حجت الاسلام و المسلمین قرائتی، ص ۱۳۵.

معلم با صداقت را مرور می کنیم:

«قبل از انقلاب، روزی برای جلسه پاسخ به سئوالات دعوت شدم. عده‌ای از دانشجویان و روشنفکران جمع شدند؛ سؤال کردند، من گفتم بلد نیستم و این کار تا بیست سؤال ادامه پیدا کرد و من هر بار گفتم: بلد نیستم و در نهایت جلسه را ترک کردم.»

من بیرون آمدم و در حال رفتن بودم که عده‌ای از همین جوانها به دنبال من آمدم و به خاطر این صراحت لهجه از من تشکر کرده و مرا در آغوش گرفتند و وقتی علت را پرسیدم، گفتند: خوشمان آمد که چندین بار گفتمی بلد نیستم.»

۶. نگاه توحیدی در توفیقات

با توجه به توفیقات علمی و تبلیغی حاج آقای قرائتی و ابتکار و خلاقیت ایشان در سخنوری و ارائه مضامین تازه و ناب، نگاه ایشان به همه‌ی این توفیقات، یک نگاه توحیدی است که در برخی مواقع، این نگاه در کلامشان بروز و ظهور پیدا کرده است.

وقتی کسی به ایشان می گوید که: می دانی چرا منبر و کلاسهای گرفته و گل کرده؟ پاسخ می دهد: «همه به خاطر لطف خداست.» و زمانی در یک از برنامه‌ها فرمودند: «من حدیثی را در جایی خواندم و زار زار گریه کردند. گفتم: این حدیث خیلی اثر دارد. همین حدیث را در جای دیگر هم خواندم و همه خندیدند. یعنی خدا متوجهم کرد که قرائتی! اگر حرفت به دل نشست، به خاطر سواد نیست. خیلی‌ها از تو باسوادتر هستند. خیلی‌ها از تو بیان بهتری دارند. من به این حدیث اثر می دهم و لذا تو فکر کردی که مردم را گریاندی. همین حدیث را با همین لب و دندان گفتمی. اما به جای اینکه مردم منقلب شوند، خندیدند.»

برداشت‌های نو و تازه و مطالب ابتکاری و شنیدنی، در سخنان و نوشته‌های حجه الاسلام قرائتی، به صورت متعدد دیده می شود و همین برداشتها بخشی از جاذبه کار ایشان است. ایشان، وقتی می خواهد برخی نکات و مثالهای شنیدنی را بگوید، معمولاً از این تعبیر که «خدا به ذهنم انداخته» استفاده می کند و این جمله، در بین سخنان ایشان از فراوانی بالایی برخوردار است و این بیانگر

نگاه توحیدی

ایشان است که سبب برکت تبلیغ و توفیق در کارش می‌گردد. (۱) برخی نمونه‌ها از «درسهایی از قرآن»:

- ... مَثَل را خدا به ذهنم انداخت؛ خدا قدرت تمثیل را به من داده است.

- راجع به اشتغال مطالبی را در جلسه قبل گفتم. چند روز پیش خدا به ذهنم مطالبی انداخت؛ اولویت‌ها در ایجاد اشتغال یا در انتخاب شغل و ...

- یک نکته لطیفی خدا به ذهنم انداخته برای شما بگویم. قرآن چند جا پیغمبر را تهدید می‌کند یک جا راجع به خدا، یک جا راجع به امام، راجع به توحید می‌گوید: «لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ» (زمر/ ۶۵) راجع به امامت هم تهدید می‌کند: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغَتْ رِسَالَتَهُ» اگر علی را معرفی نکنی رسالت هیچی، رسالت خدا را نرساندی؛ یعنی کل اعمالت هیچ.

- دو تا ستون رفت بالا؛ ستون مقدس، ستون نامقدس. این هم امروز صبح خدا به ذهنم انداخت تا امروز توی ذهنم نبود. ستون مقدس پایه‌های کعبه است که حضرت ابراهیم پایه‌های کعبه را بالا برد. ستون نامقدس هم این است که فرعون به وزیرش هامان گفت تا یک ستون، یک پایه، یک برجی برای من بساز تا ...

۷. بهره‌گیری از دیگران

از ویژگی‌های حجه‌الاسلام قرائتی این است که اگر شرایطی برای آموختن علم مفید، برای ایشان پیش بیاید، برای خود، شأن و شرطی قائل نیستند؛ بلکه

ص: ۴۸

۱- . برخی تعابیر دیگر که بیانگر نوع نگاه ایشان است: «روایت داریم که راه مستقیم الگوش اهل بیتند، حالا در این زمینه راجع به الگوهای راه مستقیم صحبت می‌کنم و بحث خوبی است، یک کمی هم فنی است، ولی آنچه خدا به من قدرت داده بتوانم این را روانش کنم که افرادی هم که عادی هستند گیر نکنند.» برنامه درسهایی از قرآن، ۱۶/۰۷/۸۳ - «من یک قصه ای را نمی‌دانم گفته‌ام یا نه؟ آخر الآن من سی در تلویزیون برنامه دارم. سی سال در تلویزیون، یک شب جمعه هم به لطف خدا تا به حال تعطیل نشده است. این از الطاف مهمی بود که خدا به من داد. سی سال حرف زدیم. . .» برنامه درسهایی از قرآن، ۲۴/۱۱/۸۷ - «من خودم در دنیای آخوندی، خدا به من لطف کرده است. چند تا کار کردم که هیچ کس تا به حال نکرده بود: من دیدم که منبری‌ها می‌گریانند. گفتم: گریه درست است. ایام سوگواری و عزاداری گریه ارزش است. خیلی هم ارزش است. اما اصل فرهنگ ما گریه نیست. ما هم گریه داریم و هم خنده. من سعی کردم در هر بحثی چند بار مردم را بخندانم. . .» برنامه درسهایی از قرآن، ۴/۳/۸۹.

متواضعانه شاگری می کند و به راحتی به شاگردی اش اعتراف می نماید. ایشان، در اهمیت فراگیری علم از دیگران می فرماید:

«نباید فراگیری برخی مطالب از افراد زیردست و یا شاگردان برای ما عار باشد. بهره گیری از علم

مفید دیگران و افزودن مطالب جدید، بر معلومات خود در هر کجا و از هر کس مطلوب است. (۱)

خداوند تعالی، گاهی انسان را با پرنده ای چون کلاغ آموزش می دهد تا بفهماند که پرنده کوچک هم می تواند وسیله ی آموزش انسان باشد؛ (۲) همچنین هدهد، چیزی می داند که سلیمان نمی داند. (۳)

حتی حضرت موسی علیه السلام که پیامبر اولوالعزمی است، برای فراگیری علم به دنبال خضر علیه السلام می رود. (۴)

نمونه های فراوانی از این معلّم فرزانه، وجود دارد که بیانگر علاقه ی ایشان در فراگیری است؛ چه از افرادی که از جهت علمی در رتبه پائین تر از ایشان باشند و یا در رتبه بالاتر. ایشان در تعبیری بیان نموده اند که:

ص: ۴۹

۱- . حجه الاسلام قرائتی، به نقل از آیت الله سبحانی که از مراجع تقلید است، نقل نمودند که: «یکی از مراجع بزرگ که در زمان مرجعیت حدود نود سال داشت، به یک جوان حافظ و قاری قرآن مصری که به منزلشان آمد، فرمود: "حالا که شما قرائت و تجویدتان خوب است، من می خواهم حمد و سوره خود را نزد تو بخوانم، تا صحت تجوید خود را با شما مقایسه کنم" و کسانی که حاضر بودند، بسیار تعجب کرده اند که چگونه یک مرجع نود ساله شیعی، نزد یک نوجوان اهل سنت به خاطر تجوید، تواضع می کند.»

۲- . «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سَوَاءَ أَخِيهِ. . . (وقتی که یکی از پسران حضرت آدم برادرش را به خاطر حسادت کشت، متحیر ماند که چه کند) خداوند، کلاغی را فرستاد که زمین را می کاوید، تا به او نشان دهد که چگونه کشته ی برادرش را بپوشاند (و دفن کند).». مائده / ۳۱.

۳- . وقتی حضرت سلیمان علیه السلام جوایای حال پرندگان می شود و هدهد را غائب می بیند گفت: مرا چه شده که هدهد را نمی بینم؟ (آیا حضور دارد و من نمی بینم) یا از غایبان است. قطعاً او را کیفری سخت خواهم داد یا او را ذبح می کنم، مگر آن که (برای غیبت خود) دلیل روشنی (و عذر موجهی) برای من بیاورد. در روایتی آمده که ابوحنیفه از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: چرا حضرت سلیمان از میان پرندگان تنها سراغ هدهد را گرفت؟ امام فرمودند: زیرا او آب را در درون زمین می بیند، همان گونه که ما روغن را در ظرف بلورین می بینیم. تفسیر نور، ج ۶، ص ۴۰۸.

۴- . «قَالَ لَهُ مُوسَى هَيْلَ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا؛ موسى به او (خضر) گفت: آیا (اجازه می دهی) در پی تو بیایم، تا از آنچه برای رشد و کمال به تو آموخته اند، به من بیاموزی؟». (کهف/ ۶۶)

«برای بهره گرفتن، لازم نیست که افراد مشهور باشند» (۱)

گاهی یک فرد عادی و غیر عالم، یا یک بچه حرفی می زند که خیلی حکیمانه است.»

حاج آقای قرائتی چه بسا برای بهره گیری از دیگران، خودش زمینه را آماده می کند. ایشان در جایی در این خصوص فرمودند:

«یکی از شیوه های من القای بحث برای دیگران و استفاده از آنان است؛ به گونه ای که در ده

دقیقه اول استادام و در ده دقیقه دوم، شاگردم؛ مواردی شده که برخی بر نکاتی که من ذیل آیه ای گفته ام، نکات تازه ای را اضافه کردند؛ مثلاً یکی از فضلاء یک روز به من گفت که من در ذیل جمله «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ»؛ آنها برای شما (همچون) لباسند و شما برای آنها (همچون) لباس. (بقره/ ۱۸۷) شصت نکته نوشتم که برخی همان نکات من بود و برخی اضافاتی از ایشان. وقتی به من گفت، شب به او زنگ زدم و حرفهای نو ایشان را یادداشت کردم.»

در اینجا دو نمونه از این ویژگی ایشان را بیان می کنیم:

الف) نمونه اول: «در اهواز کلاسهای زیادی داشتم. در یکی از کلاسها، عنوان درس من این بود: «چرا خداوند در دنیا ما را به جزای اعمالمان نمی رساند؟» برای این سؤال چند جواب آماده کرده بودم، ولی قبل از پاسخ به جوان ها گفتم: شما نیز فکر کنید و جواب بدهید. یکی از جوانها بلند شد و جوابی داد، دیدم جواب خوبی است و آن جواب در یادداشت های من نیست. قلم و دفتر خود را برداشتم و همانجا یادداشت کرده و آن جوان را هم تشویق کردم و گفتم: من این را بلد نبودم. روز آخری که خواستم از اهواز بیرون بیایم، یکی از دبیران گفت: عکس العمل شما در مقابل آن دانش آموز و قبول و یادداشت جواب او از همه سخنرانی های شما اثر تربیتی اش بیشتر بود.» (۲)

ب) نمونه دوم: از کارهای جدی که در طول این سالها من انجام داده ام و بر رونق

ص: ۵۰

۱- . حاج آقای قرائتی بیان نمودند که «از فضیلت گمنام حتی اگر در روستا بودند، استفاده می کردم. مثلاً از آیت الله شریعتی

که در تابستان در روستای نیاسر کاشان بود، در دو ماه تابستان به مقدار یک سال تحصیل کتاب لمعه را خواندیم.»

۲- . خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۶۰.

مطالب تبلیغی ام افزوده شد، این که اگر مطلب تازه ای در سخنرانی عالمی بود، یادداشت می کردم و آنها را بر مطالب خود می افزودم. در سفر حجی خدمت آیت الله العظمی سبحانی - دام ظلّه - بودم. گاهی ایشان چیزی می فرمودند که می دیدم مطلب جدیدی است. فوری در مکه دفتری تهیه کرده و مطالب را یادداشت کردم. بعد که ایران آمدم، دیدم که شصت نکته جالب از فرموده های ایشان را نوشتم.

۸. آمادگی برای تغییر موضوع بحث

یکی از مشکلات در عرصه ی تبلیغ، عدم همسویی موضوع آماده شده جهت ارائه، با نیاز مخاطبان است؛ لذا آمادگی مبلغ جهت ارائه چند موضوع متنوع، امر بسیار مناسبی است. گاهی با حضور در فضای جلسه و با دیدن مخاطبان و گفتگوی مقدماتی یا مشورتی که در باره موضوع سخنرانی صورت می گیرد، مبلغ نیاز مخاطب را شناسایی می کند؛ اینجاست که آمادگی سخنران و معلم برای تغییر موضوع می تواند، بر فضای بحث تأثیر بگذارد.

از ویژگی های حجه الاسلام قرائتی، آمادگی ایشان برای تغییر موضوع بحث در جلسه می باشد. این آمادگی ایشان از کثرت مطالعه و با ممارست در تدریس به دست آمده است؛ لذا ایشان، به غیر از برنامه «درسهایی از قرآن» که با موضوع خاصی ارائه می کند، در سایر دعوتها و جلسات آمادگی ارائه مباحث قرآنی متعددی را داشته و خود را در موضوع معینی منحصر نمی کند. البته، اگر چه این کار برای همه افراد مقدور نمی باشد؛ ولی می توان همیشه چند موضوع کاربردی را آماده داشت تا در صورت احساس نیاز به تغییر موضوع، بتوان موضوع مناسب و مورد نیاز مستمعین را ارائه کرد.

۹. عرضه کار به بزرگان

از نقاط قوت حجه الاسلام قرائتی، ارتباط با بزرگان و ارائه تحقیقات به آنان و بهره گیری از نظرات افراد صاحب نظر بوده است. هجرت های تبلیغی و بیرون رفتن از حوزه، هیچ گاه سبب قطع ارتباط ایشان با بزرگان و علماء نبوده است، بلکه ایشان ارتباط مستمری با کارشناسان دین داشته و پیوسته اصرار دارد که برداشت های نو و جدید خود را از آیات و روایات به اهل فن عرضه کند. حضرت

آیت الله سید مهدی روحانی (ره) در تقریظی که بر تفسیر نور ایشان نوشته اند، در بخشی از آن بیان داشته اند که:

«اینجانب بیشتر از یک جزء تفسیر از این مجموعه را با خود ایشان به مذاکره نشستیم و ضمناً مطالبی را خدمتشان تذکر دادم. مؤلف عزیز ما پس از ترجمه ی هر آیه به زبان ساده و رسا، به شرح محتوای آن آیه با بیان نکاتی که آنها را پیام های آیه نامیده، پرداخته است. این نکات در حقیقت روشنگر روح تفسیر و شرح و بسط آن می باشد و انصافاً در بسیاری از موارد نکات و برداشت های ایشان، ابتکاری است و تازگی دارد.»

حاج آقای قرائتی می فرماید:

«حدود چهل کتاب نوشته ام و قبل از چاپ به اسلام شناسانی ارائه کرده ام.»

۱۰. قدرت تمثیل

از توانمندی های قابل توجه حجه الاسلام قرائتی، داشتن قدرت فوق العاده در تمثیل است که در عموم مباحث از مثلهای زیبایی استفاده می نماید و با این روش مسائل پیچیده را آسان می نماید. ایشان در این زمینه فرمودند که:

«خدا آیت الله العظمی فاضل لنکرانی را رحمت کند. می فرمود: ما حرف های تو را بلد هستیم؛

اما گاهی یک مثل هایی می زنی که برای من نو است. این مثل خیلی کار را قشنگ می کند.»

حاج آقای قرائتی، بعد از بیان یک تمثیل بسیار زیبا در کلاس، به خودش خطاب می کند: «آقای قرائتی! این مثل ها را از کجا می گویی؟» و در جواب می فرماید: «این مثل را خدا به ذهنم انداخت. خدا، قدرت تمثیل به من داده؛ یعنی شاید چند هزار مثل را خدا همین طور به ذهنم انداخته و خلق کردم و از احدی هم نشنیده ام.»

توصیه ایشان به همه مبلغان و معلمان این است که اگر در تمثیل خود شان تولیدی ندارند از تولیدات دیگران استفاده نمایند. یادآوری این مطلب ضروری است که در خصوص تمثیلات، کتاب هایی نوشته شده و از جمله کتابی به نام «تمثیلات» از آثار استاد قرائتی تهیه و نشر یافته است؛ ضمن این که علاقمندان به آشنایی بیشتر به این توانمندی و بهره گیری از آن، می توانند با خواندن مباحث

«درسهایی از قرآن» با مثل‌های فراوانی که در موضوعات متنوعی بیان شده استفاده نمایند. ما در فصلی که شیوه‌ها و روشها را تبیین می‌کنیم، ذیل عنوان «بهره‌گیری از مثال» نمونه‌هایی را ارائه می‌دهیم.

۱۱. استمداد الهی

در عین این که حاج آقای قرائتی، فردی کثیرالمطالعه است و جهت ارائه مباحث، وقت وافی و کافی می‌گذارد؛ اما به این حقیقت ایمان دارد که رمز توفیق و تأثیر، عنایت حضرت حق است. ایشان در برخی از دروس، به این نکته کلیدی اشاره فرموده‌اند، به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: «نفس معلم باید با خدا گره بخورد. من مطالعه و یادداشت می‌کنم؛ اما خدا می‌داند گاهی یادداشتم را در تلویزیون می‌خوانم، هیچ اثری ندارد. ولی گاهی وسط بحث‌هایم، چیزی به خاطر می‌آید و در بین حرف‌هایم می‌گویم؛ همان چیزی که پیش بینی نمی‌کردم، به دل می‌نشیند و اثر می‌کند.»

ب) نمونه دوم: «وقتی امام خمینی (ره) فتوای قتل سلمان رشدی مرتد را به خاطر جسارتش به پیغمبر داد، قرار شد در خصوص این حکم صحبتی نکنم؛ مسأله فقهی و حقوقی بود از برخی کمک‌خواستم، آمادگی نداشتند، داخل کتابخانه رفتم، گفتم: خدایا نامردی به پیغمبرت جسارت کرده و مرد خدایی مثل امام دستور اعدامش را داد و کسی هم مثل من، می‌خواهد فتوا را تبیین کند. خاضعانه از درگاه الهی استمداد کردم. آنجا بود که همین‌طور به هر کتابی که به ذهنم می‌رفت، دست می‌گذاشتم و باز می‌کردم، قسمت «مَنْ سَبَّ النَّبِيَّ؛ کسی به پیغمبر جسارت کند»، می‌آمد. یک کتاب دیگر برداشتم، همان صفحه‌ای می‌آمد که مربوط به این قصه بود و من یقین‌یقین پیدا

کردم که خدا اراده کرده تا کار را باز کند.»

۱۲. اعتماد به نفس و شهامت

از ویژگی‌های خوب حجه الاسلام قرائتی اعتماد به نفس و شهامت در عرصه‌ی تبلیغ است. ایشان، از دوران کودکی، این روحیه را داشت؛ زمانی می‌فرمود که:

«در دوران کودکی، وقتی پدرم روزی یک ریال به من می‌داد، من پول دو روز را به مکبر مسجد می‌دادم و به او می‌گفتم که من به جای تو تکبیر بگویم و شاید این

روحیه ای که دارم، ریشه اش به همان دوران بر گردد.»

سفارش کلی ایشان این است که: «وقتی در کاری مهارت دارید، اعتماد به نفس داشته باشید و خود را عرضه کنید.» قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْم (يوسف) گفت: مرا بر خزانه های این سرزمین (مصر) بگمار، زیرا که من نگهدارنده دانا هستم.» (یوسف / ۵۵)

این معلم با تجربه، به طلاب جوان توصیه می کند که باید از سال اول طلبگی به اندازه معلومات خود تبلیغ کنند، و در این خصوص می فرمودند که: «یکی از اشتباهات من در ابتدای طلبگی این بود که بنا بر پیشنهاد پدرم فکر می کردم تا ملا نشده ام نباید منبر بروم؛ الآن معتقدم که طلبه های سال اول هم باید برای تبلیغ بروند؛ چرا که تبلیغ دو گونه است: یکی فنی و دیگری غیر فنی و طلبه سال اول نباید وارد تبلیغ فنی شود؛ چرا که آن مخصوص روحانی فاضل و درس خوانده است؛ اما تبلیغ غیر فنی را طلبه سال اول هم می تواند انجام دهد.»

حکایت زیر نمونه ای از اعتماد به نفس ایشان در ارائه و تبلیغ است:

«سال های قبل از انقلاب که تازه برای جوانان کلاس شروع کرده و در کاشان جلسه داشتیم، به قصد زیارت امام رضا ۷ به مشهد رفتم. در حرم به امام عرض کردم: چه خوب بود این چند روزی که اینجا هستم جلسه و کلاسی می داشتم.»

در همین حال، یکی از روحانیون که او را می شناختم، پیش من آمد و گفت: آقای قرائتی! دبیران تعلیمات دینی جلسه ای دارند، شما نیز با ما بیا. با هم رفتیم، دیدم جلسه ای است با عظمت که افرادی مثل آیه الله خامنه ای، شهیدان مطهری و باهنر و بهشتی (ره) نیز تشریف داشتند. گفتم: اینجا عجب جایی است! آیا می شود که من اینجا حرف بزنم؟ اگر پنج دقیقه به من وقت بدهید، من یک طرحی دارم که روی تخته سیاه می گویم. مرحوم بهشتی پنج دقیقه وقت را خالی کرد. من روی سن رفتم و یکی از بحث های درجه یک خودم را گفتم. در این پنج دقیقه چهار بار برای من کف زدند. خیلی پسندیدند. حتی موقع سخنرانی من، آنقدر شهید مطهری خندید که

نزدیک بود صندلی اش بیافتد! آقای صادقی، نماینده مشهد که در میان ۷۲ تن شهید شد، آنجا بود که بلند شد و گفت: من وقتم را به آقای قرائتی می دهم.

ایشان وقت مفصلی داشت و به من داد و من حسابی معرکه گرفتم. معرکه که گرفتم، آیت الله خامنه‌ای جلو آمد و گفت: من اسم شما را شنیده بودم؛ اما نمی دانستم به این قشنگی صحبت می کنید. در آن زمان، ایشان امامت یکی از مساجد مهم مشهد را به عهده داشتند، مرا به منزل دعوت کردند و پس از پذیرائی، اطاقی به من دادند و بعد مرا به مسجد خودشان بردند که البته مأمومین مسجد ایشان، پر طراوت و خیلی هم جوان بودند، فرمودند: آقای قرائتی! شما هر چند وقت که مشهد هستید، در اینجا بمانید و برای مردم و جوانان کلاس داشته باشید. بعد از نماز، خودش هم می نشست و من هم کلاس داری می کردم.» (۱)

۱۳. حرص در هدایت کردن و تبلیغ

از ویژگی‌های بارز حجه الاسلام قرائتی، حریص بودن در تبلیغ دین است؛ ایشان، این روحیه را از ابتدای طلبگی داشته (۲) و امروز نیز به صورت بسیار پررنگ تر دارد. این مبلغ موفق، پس از پایان درس سطح حوزه، به صورت رسمی و برای همیشه به تبلیغ روی می آورد؛ ابتداء به کاشان می رود و ضمن دعوت از نوجوانان، برنامه تبلیغی خود را با حضور هفت نفر آغاز و به علت علاقه و استقبال نوجوانان، کلاس ها را تا چهار سال ادامه می دهد و هر هفته از قم به کاشان می رود و به ارائه مطالب زنده و تازه روی تخته سیاه می پردازد. به دنبال جلسات کاشان، در قم نیز کار تبلیغی مشابهی را با جوانان و نوجوانان شروع می کند. ایشان، با استناد به قرآن کریم، معتقد است که دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، باید به صورت دائمی باشد، نه موسمی و موقتی؛ (۳) لذا در همه عمرش به این امر الهی، اهتمام ورزید. این مبلغ پرکار در این خصوص فرمودند:

«تبلیغ دین، نباید مخصوص ایام رمضان و محرم و صفر باشد، گرچه در آن ایام

ص: ۵۵

۱- . خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۴۶.

۲- . حاج آقای قرائتی می فرمودند که: «جوان بودم، اما به مطالعه احادیث علاقه داشتم. گاهی که به مغازه بقالی نزدیک خانه می رفتم و به او می گفتم: می خواهی برای شما یک حدیث بخوانم؟ او می گفت: بخوان و من حدیثی را می خواندم. روزی مرد بقال به من گفت: آنقدر که تو برای من حدیث گفتی، پای منبرها نشنیده ام!» خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۱۰۰.

۳- . ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران. تفسیر نور (۱۰ جلدی)، ج ۱، ص: ۵۷۸.

آمدگی عمومی بیشتر است، ولی در جامعه افرادی هستند که ظرفیت بیشتری دارند. لذا در طول عمرم تبلیغ را

مخصوص زمان و مکان خاص قرار ندادم.»^(۱)

ایشان، در بیان خاطرات قبل از انقلاب خود فرمودند: «زمانی که در یکی از روستاهای مشهد، در حال اختفاء بودم؛ دو بچه حدود ده ساله را کنار کوچه جمع کردم و با آنها گفتگو نمودم.»

همچنین، در آستانه تابستان، نامه‌ای را برای طلاب و دانشجویان می‌نویسند و به آنان سفارش می‌کنند:

«در این ایام تعطیلات به پا خیزیم و حداقل با چند نفر از جوانانی که تاکنون با ما رابطه نداشته‌اند، ارتباط برقرار کنیم و چون در این رابطه هدفی جز خداوند و دستگیری جوانان آسیب پذیر نداریم، قطعاً یاری خداوند را خواهیم داشت.»^(۲)

در شرایط فعلی، حاج آقای قرائتی در طول سال، حدود صد روز سفر تبلیغی دارد و چه جالب که ایشان حتی غصه آینده را هم می‌خورد و با همه کارهایی متنوع تبلیغی، باز می‌فرماید:

«یک دور تفسیر گفتم؛ از اول قرآن تا آخر قرآن. حدود ۵۰۰ ساعت! این را هم برای بعد از مرگ ذخیره کرده‌ام.»^(۳)

در خصوص این روحیه، نکات و خاطرات فراوانی وجود دارد و فقط به عنوان نمونه دو مورد را نقل می‌نماییم:

الف) نمونه اول: «در زمان ریاست جمهوری مقام معظم رهبری، در سفر پاکستان با ایشان بودیم؛ من به آقا گفتم که شما برای خود یک آقای بزرگی، من هم یک آقای کوچک. پهلوی شما که هستم مثل چراغ قوه در کنار خورشیدم؛ اما همین چراغ قوه در اتاق تاریک ارزش دارد. از این که هیأت همراه باشم، احساس می‌کنم که تلف می‌شوم. من فکر می‌کردم که به اینجا بیایم کاری هست و حالا می‌بینم که فقط تشریفات است. مترجمی به من بدهید تا من هم کاری بکنم. ایشان

ص: ۵۶

۱- زندگینامه، ص: ۵۴.

۲- همان، ص ۱۶۵.

۳- برنامه درسهایی از قرآن ۱۲ / ۰۱ / ۸۹

پذیرفتند و هر جا که آقا می رفتند من جای دیگری می رفتم تا کار تبلیغی بکنم. وقتی توی فرودگاه به هم ملحق شدیم، مقام معظم رهبری فرمودند: من از این آقای قرائتی راضی ام؛ خودش را تلف نکرد؛ هر جا رفتیم او هم کار کرد.» (۱)

ب) نمونه دوم: «من چند روز پیش (۲) در یکی از کشورهای کمونسیتی بودم. دو سه دانشجوی ایرانی در آنجا بودند. گفتم شما چند نفرید؟ گفتند: سه، چهار نفریم. گفتم: اینجا از کشورهای عربی دانشجو نیستند؟ گفتند چرا ما صد و پنجاه دانشجو از مصر، اردن، الجزایر، یمن و... داریم. گفتم می شود که آنان را دعوت کنید؟ گفتند: «بله، ما با هم رفیق هستیم.» دانشجویان ایرانی، آنها را دعوت کردند و من برایشان، بحثی قرآنی را به عربی ارائه کردم. (۳)

بنا شده بود که من نیم ساعت صحبت کنم، اما با اصرار دانشجویان عرب مسلمان، در چند جلسه، هفت ساعت سخنرانی کردم. بعد از این هفت ساعت، آن دانشجویانی که سنی بودند، عبا می بوسیدند...» (۴)

ص: ۵۷

۱- . نشان، ویرنامه نکوداشت حجت الاسلام قرائتی، ص ۹۳.

۲- . برنامه درسهایی از قرآن، تاریخ ارائه بحث عید غدیر ۲۲/۰۵/۶۶.

۳- . بحث حاج آقای قرائتی، در خصوص معنای اولی الامر بود که در برنامه ۲۲/۰۵/۶۶ درسهایی از قرآن نیز ارائه فرمودند. و خلاصه این بحث این که: ایشان پس از خواندن آیه شریفه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/ ۵۹) بیان می کنند که: قرآن می فرماید که از اولی الامر پیروی کنید. البته هر کس، از نگاه خودش اولی الامر را تفسیر و پیروی می کند. فلان شاه و فلان خلیفه... اما ما می گوئیم هیچ کدامشان قابل اطاعت نیستند. چرا؟ درست است گفته از او اطاعت کنید، ولی آیات دیگر هم داریم که می گوید: «وَ لَا تُطِيعُ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا» (دهر/ ۲۴) «از هیچ گنه کار یا کفران پیشه اطاعت مکن». آیه دیگر می گوید: «لَا تُطِيعُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا» (کهف/ ۲۸) «مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ» کسی که قلبش غافل است، اطاعت نکند. همچنین، آیه دیگر می گوید: «وَ لَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ» (قلم/ ۱۰) یعنی از کسی که می گوید و قسم می خورد که من آدم خوبی هستم و کسی که «مَهِينٍ» و آدم پستی است، اطاعت نکند. در قرآن «لَا تَتَّبِعْ» هم داریم. «لَا تَتَّبِعْ» یعنی تبعیت نکن، پیروی نکن. «وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف/ ۱۴۲). . . از اولی الامر پیروی کنید؛ اما اولی الامر که آثم، کفور، غافل، پیرو هوی و هوس، مهین، مفسد، مسرف و بد سابقه نباشد. پس امام باید معصوم باشد چون اولی الامر که نه گناه کند، نه اسراف کند، نه فساد کند، نه مهین باشد، نه غافل باشد. اولی الامر که هیچ کدام اینها نباشد، پس امام معصوم است. عید غدیر یعنی چه؟ یعنی روزی که امام معصوم به مردم معرفی شد.

۴- . برنامه درسهایی از قرآن، مورخه ۲۲/۰۵/۶۶.

از ویژگی‌های حاج آقای قرائتی، این است که خودش به دنبال مخاطب می‌رود؛ ایشان، چه دعوت‌هایی را غیر ضروری تشخیص داده و جواب منفی به آنها داده است؛ ولی چه جاهایی را که تشخیص داد که باید برود و بدون دعوت رفتند. این معلم فرزانه در این خصوص فرمودند:

«روحانی باید خودش مردم را دعوت و مخاطب و مطلب را انتخاب کند و این کار زمانی است که عالم دلسوز و فعال به سراغ مردم برود، نه آن که فکر کند، او مثل کعبه است و مردم باید دور او طواف کنند. اگر روحانی خودش را از مردم، در مردم و با مردم بداند موفق است.»^(۱)

در اینجا دو رفتار ایشان را به عنوان نمونه ارائه می‌کنیم:

الف) نمونه اول: «قبل از انقلاب برای تبلیغ و کلاس‌داری به شهرستان خوانسار رفتم، اما از جلسات استقبالی نشد. یک روز در حمام عمومی بودم که جوانی برای زدن کیسه به پشتش از من کمک خواست. یک لحظه به ذهنم رسید که امام رضا علیه السلام هم در حمام چنین کاری کرد. بدون تأمل کیسه و صابون را گرفته و کمک کردم. من زودتر از او از حمام بیرون آمده و لباسهایم را پوشیدم، او وقتی مرا با لباس روحانیت دید جلو آمد و شروع به عذرخواهی کرد. گفتم: اشکالی ندارد، من به وظیفه ام عمل کرده‌ام. پول حمام او را هم حساب کردم.»

از حمام که بیرون آمدم گفت: حاج آقا! مرا خجالت دادید، من هم باید برای شما کاری بکنم. گفتم: من احتیاجی ندارم، ولی داستان آمدنم به خوانسار و استقبال نکردن از کلاس را برایش تعریف کرده و از هم جدا شدیم. از آن روز به بعد دیدم جلسه شلوغ شد و جوانان بسیاری شرکت کردند، متوجه شدم که این به برکت تقلید از امام رضا علیه السلام و تأثیرپذیری و پی‌گیری آن جوان بوده است.»^(۲)

ب) نمونه دوم: قبل از انقلاب، برادرم در خرم‌آباد (پادگان بدرآباد) سرباز بود و من

ص: ۵۸

۱- زندگینامه، ص ۵۵.

۲- خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۶۰ و ۵۹.

طلبه جوانی بودم. به دیدنش رفتم و به او گفتم که آیا مرا برای سخنرانی، به داخل پادگان راه می دهند؟ گفت: نه. من از دژبان و سرگروهان و وحتى افسری که فرمانده قسمتی بود از هر کدام جداگانه در خواست کردم؛ همه به من خندیدند. تا این که به برادرم گفتم که من به شهر می روم و چیزی برای خوردن می خرم و تو بچه های هم شهری را جمع کن و آنها را به بهانه خوردن به بیرون پادگان بیاور. من هم به شهر رفتم سی - چهل کیلو کاهو گرفتم، در جایی شستم و سکنجبین خریدم و با لباس مبدل و لباس شخصی (غیر آخوندی) دوبار به نزدیکی پادگان آمدم. سربازهای کاشانی با برادرم به عنوان خوردن کاهو آمدند و من به آنها گفتم؛ هر چند نفر به سمتی بنشینند تا دژبان مشکوک نشود و بعد همین طور که آنها مشغول خوردن بودند، من برای آنها احادیث خواندم. (۱)

۱۵. مخاطب اول دانستن خود

از نکات دقیقی که باید مد نظر مبلغ باشد این که مطالعه اش، در قدم اول برای خودش و عمل به آن باشد و در کلاس و منبر، خودش را مخاطب اول بداند. این موضوع، نکته ای است که حاج

آقای قرائتی به آن توجه دارد و بیان او به گونه ای است که مخاطب آن را حس می کند. ایشان، در خصوص ضرورت توجه مربی به خود فرمودند:

«خدای تعالی، وقتی می خواهد به ما بگوید صلوات بفرستید، می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» خدا و فرشته ها صلوات می فرستند و بعد دستور می دهد که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب / ۵۶) همچنین، خداوند، در آغاز نهضت مقدس اسلام از رسول اکرم ۹ می خواهد که پیاخیزد، پروردگارش را بزرگ شمرد و لباسش را پاک و از پلیدی دوری کند: «قم فانذر و ربك فكبر و ثيابك فطهر و الرجز فاهجر» (مدثر / ۵ - ۲)؛ بنابراین اولین مرحله در تأثیر گذاری در مخاطب، مربوط به خود مربی است.»

حاج آقای قرائتی، معتقد است که بیان ما به گونه ای باشد که خود را از مباحثی

ص: ۵۹

که ارائه می دهیم، بی نیاز ندانیم و در سخن، خود را مخاطب اول بدانیم. ایشان در مباحث، گاه گاهی به صورت هوشمندانه و البته واقعی به خودش هم نهیب می زند. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: من مثل جوی آب هستم. آب را از چشمه می گیرم و به مزرعه می رسانم. منتها اگر خیلی آدم خوبی باشم و خدا لطف به من بکند، مثل جوی خاکی می باشم و مقدار آبی که عبور می کند در خودم هم اثر می کند. و گرنه وای بر من، اگر جوی سیمانی باشم... (۱)

ب) نمونه دوم: حدیث داریم دل شما برای خداست! در حرم خدا غیر خدا را راه ندهید. من بعضی حدیث ها را وقتی مطالعه می کنم، خجالت می کشم، بعضی را وقتی می خواهم بگویم خجالت می کشم، این حدیث را باید یک کسی بگوید که در قلبش غیر خدا نباشد. (۲)

۱۶. صداقت

داشتن صداقت و رو راست بودن با مخاطبان از ویژگی های خیلی خوب حاج آقای قرائتی است. ایشان برخی مطالب را اظهار می کند که برای بعضی ها به زبان آوردن آنها سخت است. البته بیان برخی حقایق و مطالب که از جهت اخلاقی برای گوینده، فایده هایی دارد، غیر از تحقیر خود است. در رفتار و گفتار ایشان، این مشی صادقانه به وفور به چشم می خورد. این موضوع شواهد و حکایات زیادی دارد. این کار سبب علاقه و محبت مخاطبان می شود. برخی از تعابیر و گفتار ذیل، بیانگر این ویژگی است:

- ایشان، در برنامه ای که به مناسبت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها تهیه شده بود، فرمودند: «گرچه من بلد نیستم روضه بخوانم، ولی می خواهم دو دقیقه در مورد حضرت زهراء صحبت کنم...» (۳)

ص: ۶۰

۱- برنامه درسهایی از قرآن، ۷۰ / ۰۲ / ۰۵.

۲- برنامه درسهایی از قرآن، ۶۲ / ۰۴ / ۲۲.

۳- در آخر یکی از جلسات (امام حسین علیه السلام، عاشورا ۱۲ / ۰۶ / ۶۶) که به مناسبت ایام عاشورا برگزار شده بود در یک برنامه تلویزیونی فرمودند: «ما از برادر عزیزمان که خودش و پدرش و خانواده اش سالهاست در مکتب امام حسین روضه خوان امام حسین هستند و در مکتب امام حسین هستند، استفاده می کنیم. چون من خودم بلد نیستم روضه بخوانم و از این جهت غصه می خورم. از امام حسین خواستم تا واسطه شود و خدا به من کمک کند که من هم روضه خوان شوم. ننگ من است که من نمی توانم روضه بخوانم، ولی خوب آقای کوثری را دعوت کردیم که آن کمبودی که در بحث ما وجود دارد، ایشان در شب عاشورا روضه بخواند و ایشان ما را به فیض رساند.

- در جایی دیگر فرمودند: «اسامی قراء را من بلد نیستم، ولی یک دور تفسیر نور نو شتم بیست بار هم چاپ شد.»

- در برنامه ای فرمودند: «بنده خودم در این پانزده سال که در تلویزیون برنامه داشتم، این قدر اشتباه کردم «ان» را «آن» خواندم «فی الذین» را «من الذین» خواندم یک اشتباهاتی کردم که گاهی هم مچم را گرفتند. منتهی اشتباه کردم.»

- آن نماز شبی خوب است که آدم خودش را از رختخواب بکند. آن وقت اگر آن نماز شب بود، ارزش دارد و حالا دیگر من خجالت می کشم درباره ی نماز شب بگویم، چون باید خودم ابتدا نماز شب بخوانم، بعد بیایم و بگویم. ضمناً به شما بگویم: شما آدم خوبی باشید، کاری به من نداشته باشید.

- من لازم است یک گزارشی از وضع نهضت، خدمتتان بگویم نهضت سوادآموزی در طول تاسیس، سه میلیون آدم را سر کلاس نشانده است. ولی متأسفانه یک میلیون نفر بیشتر باسواد نشده اند. این را من باید با کمال صداقت و صراحت بگویم. . .

یک نمونه از رفتارهای جالب ایشان در این خصوص:

«یک روز به علّت جلسات پی در پی و سخنرانی زیاد، در جلسه آخر، ضعف مرا فراگرفت. پنج دقیقه صحبت کردم؛ اما ادامه آن مشکل شد، به حاضرین در جلسه گفتم: حال ندارم، ختم جلسه را اعلام کنید. اما آنان بر ادامه جلسه اصرار داشتند، گفتم: از گرسنگی ضعف گرفته ام. مقداری نان و پنیر و سبزی آوردند و در همان بالای منبر به من دادند. مقداری خوردم و بعد صحبت را ادامه دادم.»^(۱)

۱۷. هجرت های مکرر

از اصول کارهای حجه الاسلام قرائتی، هجرت های مکرر برای تبلیغ است.

ص: ۶۱

۱- . خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۵۱ و ۵۰.

ایشان در خصوص اهمیت هجرت بیان نموده اند:

«قرآن می‌فرماید: کسانی که ایمان آورده‌اند؛ ولی اهل هجرت نیستند، حق هیچ گونه دوستی و حمایت از آنان را ندارید؛ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا» (انفال/۷۲)

کسی که هجرت نکند، نه او را یاری کنید و نه از او یاری بخواهید. (کلمه ی «وَلَايَتِهِمْ» را دو گونه می‌توان معنا کرد: یکی «ولایت و حمایت شما از آنان» و دیگری «کمک و حمایت آنان از شما»).

هجرت برای اهل علم، یک جاده دو طرفه است؛ هم برای آموختن و هم برای آموزاندن، هجرت لازم است: «فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ؛ چرا از هر گروهی، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین فقیه شوند و هنگامی که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنان را بیم دهند تا شاید آنان (از گناه و طغیان) حذر کنند.» (توبه/۱۲۲)

بیشتر بلاهای مردم از غرق شدن در رفاه و ترک هجرت‌های سازنده سرچشمه می‌گیرد. اگر همه‌ی مغزها و متخصصان و کارشناسان مسلمانی که در کشورهای غربی به سر می‌برند، به کشور خود هجرت کنند، هم ضربه به دشمن است و هم تقویت اسلام و مسلمانان و کشورهای اسلامی.

متأسفانه گروهی عنوان پژوهشگر یا محقق، آن گونه غرق در تحقیق و پژوهش هستند که حتی از فرزندان خود غافل‌اند.»

حجه الاسلام قرائتی، نمونه‌ای موفق از مبلغان مهاجر است؛ سفرهای پی‌در پی ایشان از تعابیر زیر کاملاً هویدا است:

- زمان شاه من خیلی تبلیغ می‌کردم. الآن هم زیاد تبلیغ می‌کنم. حدوداً سالی صد تا سفر دارم. ولی زمان شاه بیشتر تبلیغ می‌کردم و می‌گفتم تا شاه جلوی زبان ما را نگرفته است و ممنوع المنبرنکرده، حرف می‌زنم. بعد که ممنوع المنبر کردند، می‌نشینیم درس می‌خوانیم. ولذا مثلاً در یک روز جمعه، صبح را به ساوه می‌رفتیم. عصر کاشان می‌رفتیم. جلسه‌ها هم همه از دم مجانی! برای نسل نو کلاس‌داری... .

- به علّت عشق زیادی که به کار داشتم، تقریباً به تمام شهرهای ایران مسافرت

نموده، کلاسی برقرار می‌کردم.

- تقریباً سی تا کشور رفتم و همه شهرهای ایران را رفتم؛ بعضی شهرها را یکبار و بعضی شهرها

را چند بار. در هر جا که می‌روم نماز را چهار رکعتی می‌خوانم؛ یعنی به قدری سفر کردم که مثل راننده‌ها شدم. . .

- باید بگویم که یکی از نعمت‌هایی که خداوند تعالی به من داده این است که پرسفرتین یا از پرسفرتین آخوندها هستم؛ و این مهم است کسی را سراغ ندارم که در دانشگاه‌های کشور به اندازه من سخنرانی بکند.

۱۸. عدم درخواست مزد

پیامبران از مردم در خواست مزد نداشتند(۱) و این عدم توقع، هم بهانه را از دست مخالفان می‌گرفت و هم به مردم می‌فهماند که پیروی از راه انبیای الهی، به سود خودشان است و سود مادی برای مبلغ ندارد. با توجه به این مبنای قرآنی، حاج آقای قرائتی یکی از دلایل موفقیت خود را، عدم درخواست مزد می‌داند. ایشان «مجانی گویی» را برای خود یک اصل می‌داند و در این خصوص می‌فرماید:

«این گونه نیست که به من پول بدهند، صحبت کنم، پول ندهند، صحبت نکنم. چنین عادتی ندارم. در عمرم نقشه مادی برای خود نداشتم موارد زیادی هدایایی به من دادند و موارد زیادی هم ندادند؛ ولی در تبلیغ من اثری نداشته است.»

ایشان در جایی دیگر فرمودند:

«تاکنون در کار تبلیغ، انتظار حق الزحمه و حق التدریس از کسی نداشته‌ام و راجع به آن با احدی سخن نگفته‌ام. در طول سی سال برنامه تلویزیونی «درسهای قرآن» جز یک جایزه و یک سفر عمره از صداوسیما چیزی نگرفتم و دادن‌ها و ندادن‌ها در تبلیغ و کلاس من اثری نداشته است: «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي» (نمل / ۴۰) (۲)

البته، ایشان در مواردی، در کنار سفارشهایی که برای عدم درخواست مزد به

ص: ۶۳

۱- در قرآن کریم، چهار مرتبه تعبیر «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا»؛ (ای پیامبر! به مردم) بگو: من بر این (رسالت و دعوت) از شما مزدی طلب نمی‌کنم. (أنعام / ۹۰). و هفت مرتبه تعبیر «قُلْ مَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ»؛ بگو: از شما هیچ گونه مزدی در برابر رسالتم درخواست نمی‌کنم. (فرقان / ۵۷) آمده است.

۲- زندگینامه، ص: ۵۱.

مبلغان دارد، متذکر این نکته شده است که مبلغ نباید با نگاه مادی به تبلیغ بنگرد و الا مردم وظیفه خود را نسبت به مبلغان می دانند و مثل همیشه پشتوانه ای برای تبلیغ بوده و هستند؛ ضمن آنکه درخواست مزد نکردن، غیر از گرفتن هدیه ای است، که از طرف بانی یا بانیان مجلس داده می شود.

۱۹. قانع نبودن به فعالیت های تبلیغی خود

حجهالاسلام قرائتی، پیوسته بر روی دوش خود، بار سنگین تبلیغ را حس می کند و با آن همه تلاش تبلیغی، دغدغه تکلیف دارد و هیچ گاه احساس رضایت از خویش ندارد. برخی تعابیر ایشان به عنوان نمونه:

- من خودم از اول انقلاب رسماً معاون وزیر آموزش و پرورش بوده ام، ولی هرگز به شغل رسمی قانع نبوده ام و هر سال حدود صد سفر می روم و با فریادها و تماس ها و نامه ها توفیقاتی را خداوند عطا فرموده است. ولی به خدا قسم، حق خدا را نداده ام و به خدا قسم، حق پیامبر و اهل بیت و شهدا و مستضعفین و نسل نو را ادا نکرده ام. (۱)

- و امروز پس از آنها هم تلاش و سفرهای تبلیغی بارها فرمودند: «بنده که در تلویزیون هستم ممکن است روز قیامت از من پرسند: چه کردی؟ من در تلویزیون قرآن و حدیث تفسیر می کردم... ممکن است خدا بگوید: تو اشتباه کردی باید زبان چینی یاد می گرفتی، می رفتی چین. ما که نمی دانیم خدا از ما چه می خواهد، ما داریم طبل خود را می زنیم.» (۲)

- نامه ای به طلاب عزیز به مناسبت تابستان (۲۷/۳/۸۴)... خدایا! از لحظه های غفلت خود در این غروب جمعه، ۲۷ خرداد هشتاد و چهار، استغفار می کنم. خدا می داند که چقدر استعدادها و توانایی های خود را به هدر داده ام که در قیامت شرمنده ام و خود را با یک سری سخنرانی ها و کتاب های رسمی مشغول کرده ام که اگر در قیامت سؤال کنند که تو می توانستی با یک رابطه، تلفن، نامه،

ص: ۶۴

۱- زندگینامه، ص ۱۵۷.

۲- برنامه درسهایی از قرآن، ۲۹/۰۹/۷۸.

هدیه، ملاقات، تبریک، تسلیت و امثال آن ها یک جوان آسیب پذیر منزوی را به صحنه دین و علم و مسجد و تقوا بکشانی! من جوابی ندارم، زیرا تمام ملاقات ها و برخوردها رسمی و دعوتی بوده و رنگ اقتصادی یا سیاسی و یا علمی و حوزوی و یا رقابت و رودربایستی و یا عنوان و مقام و امثال آن داشته است و گاهی که صد در صد خالصانه و بدون هیچ پیرایه باشد، در خود سراغ ندارم. بیش از این بگویم که فقط خداوند می داند این سخن از کسی است که چهل سال تبلیغ برای نسل نو داشته و ۲۶ سال بدون هیچ تعطیلی، در صدا و سیما به صورت مرتب برنامه داشته است، ولی در شصت سالگی به فکر افتاده ام که همه این کارها رسمی

بوده و ما در کدام خانه را زده و یا به دنبال کدام گمشده ای رفته ایم؟ و کدام تلاشی را خودجوش انجام داده ایم؟»^(۱)

۲۰. نگاه نقادانه به جلسات خود

از کارهای مناسب حجه الاسلام قرائتی، نگاه نقادانه به برنامه های خودش می باشد. ایشان هم از دیگران نظرخواهی می نماید و هم خودش با نگاه بیننده تلویزیونی به برنامه هایش نگاه می کند. وقتی کسی از ایشان پرسید که آیا شما خودتان برنامه های «درسهایی از قرآن» را از تلویزیون می بینی؟ در پاسخ فرمودند:

«بله، خوب هم گوش می کنم. چون در آن وقت است که نقاط ضعف و قوت خود را می فهمم.»

همچنین بارها از مخاطبانش می خواهد تا اگر مواردی است تذکر دهند. تعابیر زیر بخشی از سخنان ایشان در این خصوص می باشد:

۱- اگر پای تلویزیون نشستید و از بحثهایم چیزی گیرتان نیامد، به دفتر نهضت سوادآموزی، نامه بنویسید و ...

۲- ارتباط ما با مردم خیلی زیاد است. چند روز پیش، مسئول دفتر ما گفت: این ماه (۲) ششصد نامه داشته ایم. از میان این نامه ها سه مدل نامه را دقت می کنم، یکی

ص: ۶۵

۱- زندگینامه، ص ۱۶۶.

۲- تاریخ پخش برنامه: [۱۶ / ۱۱ / ۶۵]

مسائلی که مربوط به نهضت سواد آموزی است، نامه هایی که مربوط به اشکالات درس هایی از قرآن است. یکی هم پیشنهادهایی که مردم دارند.

- من استفاده ام از مردم خیلی زیاد بوده است. بسیاری از وقت ها شده که ما چیزی در تلویزیون گفتیم یک نامه از معلم عزیزی یا... آمده است و بیان کرده که آقای قرائتی این را کم گفتی و یا اگر فلان مطلب یا نکته را اضافه می کردی، بهتر بود و من استفاده می کنم.

۲۱. دغدغه انتقال تجارب

انتقال تجربه های تبلیغی از دغدغه های جدی حاج آقای قرائتی است؛ لذا از قبل از انقلاب تا امروز، جلسات فراوانی برای طلاب و روحانیون ایرانی و خارجی برگزار نموده است و سفرهای فراوانی برای این کار انجام داده است تا بتواند بخشی از شیوه ها و مهارت های تبلیغی خود را انتقال بدهد. ایشان، در این خصوص می فرماید:

«از همان ابتدای تبلیغ و کلاسرداری سعی کردم تجربیات خود را به طلاب و معلمین و مربیان منتقل کنم و لذا ابتدا در خانه قدیمی که در قم داشتم، برای طلاب جلسه گرفتم. هنگامی که اتاق پر شد، جلسه را در حیاط و هنگامی که حیاط پر شد، جلسات را به مدرسه فیضیه، مسجد امام قم، مدرسه امیرالمومنین علیه السلام و سالن دفتر تبلیغات و مهدیه مرحوم اسلامی بردم و شاید هزاران طلبه جوان آن روز با سبک جدید تبلیغ آشنا شدند. بعضی از شاگردان آن روز، امروز استاد من هستند و به خاطر ادامه تحصیل در فقه و اصول به درجه اجتهاد رسیدند و امروز از چهره های برجسته هستند، ولی با کمال تواضع نسبت به بنده که معلم قدیمی آنان بودم، محبت و احترام دارند. من نیز آنان را به شدت دوست دارم. اگر کار برای خدا باشد، هیچ تضادی در کار نیست. خدا کند که این گونه بماند.»^(۱)

این انتقال تجربه از سال های حدود پنجاه تا امروز همچنان ادامه دارد. نکته جالب این که حاج آقای قرائتی، در برگزاری کلاس، خودش پا به میدان می گذرد،

ص: ۶۶

و برای این کار با بی تکلفی که دارد، هم خودش اطلاعیه می زند و هم خودش سراغ مخاطبان می رود. از همان زمان که تعداد معدودی از طلاب خارجی به ایران آمده بودند، خودش به مدرسه حجیته (در قم) می رود و به آنها می گوید که: «من در تدریس سبکی دارم، شما به خانه ام بیایید و این سبک را یاد بگیرید و در کشورهایتان اجراء کنید.»

ایشان با پنج - شش نفر آفریقایی و پاکستانی کار را آغاز می کند و امروز دیگر با محوریت جامعه المصطفی العالمیه، دوره های متعددی در طول سال برگزار و بسیاری از طلاب خارجی، این شیوه تبلیغی را پیشه خود کرده و از روش و آثار استاد قرائتی به زیبایی استفاده می کنند. یکی از طلاب تاجیکستانی(۱)

که در دوره «تربیت مبلغ قرآن محور» شرکت کرده و از نفرات ممتاز دوره بوده، می گوید:

«از طریق تلویزیون و مدرسه امام خمینی (ره) به سبک و سیاق ایشان علاقمند شدم. . . با توجه به استفاده های معنوی از این دوره، رشته تحصیلی خود را از فلسفه و عرفان به علوم قرآن و حدیث تغییر دادم. . .»(۲)

همچنین یکی دیگر از طلاب هندوستانی که از نفرات ممتاز این دوره بود، می گوید که:

«این دوره ها، ثمرات بسیاری از لحاظ مختلفی داشته است. مثلا در رشد اخلاق بچه ها اثرگذار بوده است. . . بیشتر با قرآن مأنوس شدند. همچنین سبب شد که انجمن های قرآن محور از سوی طلبه ها تشکیل بشود. برای مثال انجمن های هندوستان و تاجیکستان شکل گرفت که قرآن محور هستند و در زمینه روش آقای قرائتی دارند کار می کنند یا این که بعد از دوره ای که در مشهد تشکیل شد، مباحثات ترجمه قرآن شکل گرفت که الان حدود صد طلبه می شناسم که به صورت دو یا سه نفری در باره تفسیر نور با هم مباحثه می کنند.»(۳)

ص: ۶۷

۱- . به نام سلام الدین محمد امین از تاجیکستان

۲- . ویژه نامه نشان. (ویژنامه نکوداشت حجت الاسلام والمسلمین قرائتی)، ص ۱۳۸.

۳- . به نقل از سید عباس مهدی از هندوستان، همان، ص ۱۳۹.

۱. مردمی بودن

از رموز موفقیت حجه الاسلام قرائتی، داشتن روحیه مردمی است. ایشان با آنکه علاوه بر شهرت تلویزیونی، نماینده امام در نهضت سواد آموزی بوده و ریاست ستاد اقامه و مسؤولیت های دیگر هم داشته و دارد، اما هیچ یک از این مسائل، ایشان را از مردم دور نکرد. روحیه حاج آقای قرائتی مردم گراست نه مردم گریز. در اماکن تبلیغی، پیوسته در دسترس افراد است و به خوبی به محبت های مردم جواب می دهد. برای رفت و آمد و حضور در جلسات، شرایط ویژه ای ندارد. به ابراز احساسات مخاطبان پاسخ می گوید و اگر بخواهند عکس یادگاری بگیرند، منعی ندارد و معمولاً اگر مانعی نباشد، به تلفن‌ها، حتی به تماس افراد ناشناس پاسخ می دهد؛ از پشت خط تلفن ماندن، ناراحت نمی شود. هر خانواده گمنامی که برای عقد کردن وقت بخواهد، در صورت داشتن وقت و رعایت برخی شرایطی که لازم می داند، وقت می دهد و بدون توقع و با نشاط و شوخی و محبت و پس از بیان برخی سفارشات به عروس و داماد و خانواده های آنان، عقد می خواند.

ایشان، با کم و زیاد زندگی مردم آشناست. تعابیر و جملات کلاسه و سخنرانی هایشان، بیانگر ارتباط جدی شان با مردم است و شاید یکی از دلایل اصلی محبوبیت و جاذبه تبلیغی این معلم فرزانه، بعد مردمی اوست. حاج آقا می فرماید:

«اگر روحانی خودش را از مردم، در مردم و با مردم بداند موفق است. همان گونه که قرآن درباره پیامبر اسلام می فرماید: او از مردم بود: «رَسُولًا مِنْهُمْ» در مردم بود: «رَسُولًا فِيهِمْ» با مردم بود: «وَالَّذِينَ مَعَهُ»» (۱)

ایشان، در سالهای دور، به مناسبتی فرمودند: «ارتباط من با مردم کم نیست. مثلاً من در این هفت، هشت سالی (۲)

که نماز جمعه بوده است، شاید من فقط پنج جمعه بوده که نماز جمعه نرفته ام. یا در شهرها هستم، یا در استان ها هستم، یا در تهران

ص: ۶۸

۱- زندگینامه، ص ۵۵.

۲- تاریخ پخش برنامه: ۱۶ / ۱۱ / ۶۵.

هستم. در کنار مردم هستم. . .»

این روحیه، هم اکنون نیز در وجود ایشان مشهود و ملموس است. دو نمونه از رفتار مردمی:

الف) نمونه اول: در یکی از سفرها به استان کرمان، وقتی وارد شهری شدند، مردم به احترام ایشان، شتری را آورده بودند تا قربانی کنند. ایشان خیلی ناراحت شدند و تذکر دادند که من آدمی مثل خودتان هستم و برای بیان مطالبی تبلیغی اینجا آمده ام و این کارها را نکنید. (۱)

ب) نمونه دوم: قرار بود در نماز جمعه شیراز صحبت کنم. امام جمعه فرمود: امروز کارگران نمونه می آیند، شما آنان را تشویق کنید. عرض کردم شما باید . . . ، ایشان اصرار کرد، پذیرفتم. در پایان سخنرانی گفتم: من سالها این حدیث را برای مردم خوانده ام که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دست کارگر را می بوسید، لذا کارگران نمونه را به جایگاه دعوت کردم و دست آنها را بوسیدم، مردم گفتند: این دست بوسی شما که به روایت عمل کردی، اثرش بیشتر از سخنرانی بود. (۲)

۲. تواضع و فروتنی

تواضع و فروتنی و عدم عُجب و غرور از ویژگی های مهم حجه الاسلام قرائتی است. ایشان با توجه به حُسن شهرتی که دارد؛ اما در دام شهرت اسیر نشد و گرفتار عُجب و تکبر نگردید و به دیگران با نگاه برتری جویی نگاه نکرد. این معلّم متواضع، با همه احاطه و آمادگی که برای ارائه بحثهای معارف دارد و با توجه به این که مورد استقبال مخاطبان و تحسین بزرگان قرار می گیرد؛ اما خود را از افراد متوسط حوزه می داند و سعی می کند تا نگاه ها را از خود دور نماید. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: می گویند: «روحانی خوب آن روحانی است که اگر از دنیا برود، شکافی توی جامعه پیدا شود که دیگر جایش پر نشود.» (۳)

مطهری روحانی خوب بود، وقتی رفت دیگر جایش نیست، بهشتی، مفتوح، هاشمی نژاد، شهید محراب ها،

ص: ۶۹

۱- . ویرنامه نشان، ص ۸۷.

۲- . خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۵۲

۳- . «إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ الْفَقِيهُ تَلَمَّ فِي الْإِسْلَامِ تَلَمَّةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ» کافی، ج ۱، ص ۳۸.

عده ای بودند رفتند و جایشان کس دیگری نیست. اما اگر بنده بروم هزارها قرائتی است. آنقدر طلبه هستند که سواد و تقوایش از من بیشتر

است. (۱)

ب) نمونه دوم: وقتی قرار شد برای حجه الاسلام قرائتی آئین نکوداشتی از طرف انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گرفته شود، ایشان نامه ای می نویسند که در بخشی از آن آمده است:

«... بعد از انبیا و اوصیا و محمّد و آل محمّد (صلوات الله عليهم اجمعين)، مفیدها و طوسی ها و طبرسی ها و حلّی ها و مجلسی ها و حائری ها و خمینی ها مفاخر ما هستند و بعد از آنان، شهدا و جانبازان و آزادگان و ایثارگران و پس از آنان، دانشمندان و نویسندگان و... قبول این نکوداشت برای من سنگین بود، ولی با استمداد از قرآن پذیرفتم. از همه مفاخر واقعی که تلاش های من نزد زحمات آنان ذره ای به حساب نمی آید، عذرخواهی می کنم و به خداوند عرض می کنم: «يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ» و «كَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشْرْتَهُ». تصمیم گرفتم از فرصت استفاده کرده و چند نمونه از تجربه های موفق خود را که از الطاف الهی است، به یادگار بنویسم. (۲)

۳. صراحت لهجه

حاج آقای قرائتی، اهل لفافه و کنایه و رودربایستی نیست. اگر تذکر ضروری و نصیحتی باشد؛ چه در رفتارهای شخصی و چه در مسائل اجتماعی، به عنوان مبلغ دین به راحتی تذکر می دهد. نامه نگاری های متعدد ایشان با مسؤولین کشوری و تذکرات صریح به متولیان فرهنگی و مسؤولین حوزه در خصوص توجه به قرآن کریم و ترویج تفسیر و حتی بیان این مطالب در محضر مراجع عظام، نمونه ای از صراحت گفتار ایشان است. (۳) ایشان زیر بار، مسامحه، مصلحت اندیشی و سازش

ص: ۷۰

۱- برنامه درسهایی از قرآن، ۱۰/۱۰/۶۷.

۲- زندگینامه ص: ۴۶.

۳- در بخشی از نامه ای خطاب به «محضر مبارک آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و مدرسین بزرگوار (دامت برکاتهم)» نوشتند: علمای عزیز و حضرت آیت الله العظمی فاضل شما می دانید که راضی کردن پیامبر و مهجوریت زدایی، هر دو کار خداوند است. قبله عوض شد تا پیامبر راضی شود: فلنولينك قبله ترضيها. اعطای مقام شفاعت به خاطر راضی کردن اوست: و لسوف يعطيك ربك فترضى. به گفته امام رضا علیه السلام ذیل آیه در تفسیر نورالثقلین، نماز واجب شد تا قرآن از مهجوریت بیرون بیاید و تکرار حدیث ثقلین در چندین مورد به خاطر محوریت قرآن و اهل بیت است. ای کاش نژاد تربیتی حوزه از روز اول با محوریت قرآن بود و به جای ضرب زید عمرأ، به ما یاد می دادند: ضرب الله مثلاً و ای کاش در درس اخلاق، آیات اخلاقی قرآن محور بود و ای کاش بخشی از شهریه ها بر اساس محوریت قرآن بود. خدا را شکر که نام تفسیر از درس جنبی بودن خارج شد. ای کاش خطبا با محوریت قرآن حرف می زدند و ای کاش قرآن را نور فکر و عمل و سیره

خود قرار می دادیم.

نمی رود و اگر مطلبی را باید تذکر دهد، با احترام، به هر مقامی باشد، متذکر می گردد و در این

خصوص فرمودند:

«مبلغ، باید از محافظه کاری و سازشکاری به دور بوده و از چنان صلابتی برخوردار باشد که به هیچ وجه تقاضای مدافعت و سازشکاری از او نکنند. باید با صراحت تمام سخن حق را گفت چنانکه حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«اخر الناس من قدر علی ان یقول الحق فلم یقل؛^(۱) زیانکارترین مردم کسی است که بتواند حق را بگوید و نگوید.»

قرآن، در کنار انتقاد از یهودیان، با کمال صراحت از انتظارات بیجای مسلمانان هم انتقاد کرده است؛ «لیس بامائیکم و لا امانی اهل الکتاب؛ (پاداش و عقاب و برتری) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست! (بلکه هر کس کار بد کند هر که باشد کیفر آن را خواهد دید.» (نساء/ ۱۲۳)

مبلغ، نباید به خاطر مصالح و منافع شخصی و ترس از خدشه دار شدن موقعیت اجتماعی - سیاسی اش و ... از گفتن حق چشم پوشی کرده و طبق هوس های مردم سخن بگوید و به اصطلاح عوام زده شود «و لا تتبع اهوئهم» (مائده/ ۴۸) که در این صورت، مردم رهبر او خواهند بود نه او رهبر مردم.»^(۲)

ایشان این صراحت لهجه را هم در خصوص خودش و هم در خصوص دیگران دارد.^(۳)

در خصوص این ویژگی حجه الاسلام قرائتی، مصادیق و شواهد فراوانی است

ص: ۷۱

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، فصل ۸/ حدیث ۳۵۴.

۲- قرآن و تبلیغ، ص: ۷۲.

۳- در یکی از درسها فرمودند: من بیماری را به دکتر بردم. پزشکی برای معاینه آمد. من دیدم که این دکتر حلقه طلا دست کرده است. من نمی توانستم در حال معاینه چیزی بگویم: آقای دکتر چرا حلقه ی طلا دست کرده اید؟ حلقه ی طلا حرام است. اگر اینطور می گفتم: ممکن بود که پزشک عصبانی شود. من گفتم: آقای دکتر اگر کسی در حین معاینه بخواهد به شما تذکری بدهد، در تشخیص شما اثر نمی گذارد؟ پزشک گفت: نخیر. بفرمایید. گفتم: حلقه ی طلا برای مرد حرام است. من خواهش می کنم که این حلقه ی طلا را در بیاورید. گفت: باشد. حلقه طلا را در آورد. گفتم: حالا بیمار را معاینه کنید.

که دو نمونه بیان می گردد:

الف) نمونه اول: شبی بحثی در تلویزیون کردم و به دو گروه انتقاد کردم گفتم: ای کاش این گروه این کار را می کردند و ای کاش آن گروه آن کار را می کردند. خود آن دو گروه با هم بد بودند. کسی گفت آنچه به آن گروه گفتی دستت درد نکند، ولی آقای قرائتی چرا پایت را توی کفش ما کردی؟ چطور شد به رفیق تو که انتقاد می کنم خوب هستم؛ اما به تو که انتقاد می کنم، بد هستم؟ این که نشد.

ب) نمونه دوم: وقتی از ایشان سؤال می شود که با توجه به این که مخاطب این گفتگو مبلغین هستند، شما جهت الگوگیری مخاطبان، مطالبی در خصوص ارتباط با خانواده بیان کنید! می فرمایند: «مرا الگو قرار ندهید؛ چون انسان الگو باید در همه جنبه ها نمونه باشد. اگرچه خدا به من در کلاسداری لطف کرده تا الگو باشم؛ اما در زن داری و همسایه داری الگو نیستم و خیلی ضعیفم.»^(۱)

۴. پرهیز از موضع اتهام

از کارهایی که حجه الاسلام قرائتی به آن اهتمام جدی دارد، دور کردن خود از مواضع اتهام است. ایشان از ابتدای دوران تبلیغ تا امروز به این اصل توجه داشته و در جایی که لازم باشد، با رفتار یا گفتارش خود را از معرض تهمت خارج می کند. گاهی رعایت نکردن این اصل، ضربه جبران ناپذیری به مبلغ می زند. دو نمونه:

الف) نمونه اول: طلبه که بودم، در کاشان، برای دخترها و خانم ها جلسه داشتم، یادم هست دو، سه تا از پیرمرد ها را با خودم، به جلسه می بردم و آنها جلو می نشستند. من به پیرمرد ها نگاه می کردم و خانمها هم گوش می دادند، ما اگر خواسته باشیم گناه نکنیم، باید زمینه گناه را به وجود نیاوریم.

ب) نمونه دوم: در سال ۱۳۹۴ در برج میلاد، همایشی جهت مبلغان زن برگزار شده بود. پایان جلسه با وقت نماز مصادف شده بود. حاج آقای قرائتی بعد از صحبت در حال ترک سِن و محل سخنرانی بود که در مسیر به یادش آمد تا تذکری بدهد، از

ص: ۷۲

میکروفن مجری برنامه به همه خطاب کرد: «خواهرها توجه داشته باشند که زبان من زخم و خونی است و برای نمازخواندن عذر دارم؛ بعضی نگویند که رئیس ستاد اقامه نماز موقع اذان، نماز نخوانده و محل را ترک کرده است.»

۵. در خط و جناح نبودن (پرهیز از تحزب)

یکی از رموز موفقیت و محبوبیت حاج آقای قرائتی، بودن در خط ولایت و دوری از گرایش به یک خط و جناح است. ایشان در خصوص این ویژگی می فرماید:

«از رنگی شدن هایی که از طرف عقل و وحی الزامی ندارد، دوری کردم. به حزب و گروه و شخص خاصی گره نخوردم. دیدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روزی که وارد مدینه شد، قبیله های مختلف دور

شتر حضرت جمع و افسار شتر را به سوی قبیله خود کشیدند تا افتخار کنند که پیامبر در اولین روز ورود به مدینه مهمان قبیله ما شد. حضرت دید به هر قبیله ای وارد شود، قبیله دیگر ناراحت و ممکن است بستری برای اختلاف و فتنه شود، فرمود همه افسار شتر را رها کنید، هرکجا شتر خوابید، به همان جا وارد می شوم.

از این عمل استفاده کردم کسانی که کار تربیتی و فرهنگی و اعتقادی می کنند، نباید مردم آنان را وابسته به جناح و گروه خاصی تلقی کنند.^(۱)»

به عنوان نمونه:

«برای سخنرانی در شهری بیست شب دعوت شده بودم، بعد از پنج شب فهمیدم برای رقابت و خط بازی از جلسه من سوء استفاده می شود. از آنان خداحافظی کردم. گفتند: شما قول داده اید! گفتم: من مروج اسلام هستم، نه وسیله هوسهای این و آن.»^(۲)

ص: ۷۳

۱- زندگینامه، ص ۵۳. «حاج آقای قرائتی، این روحیه را مدیون سفارشی از مرحوم پدرش می داند و می فرماید: در چهارده سالگی که برای ادامه تحصیل عازم قم شدم، پدرم آمد پای ماشین و به من گفت: محسن! «استُر ذَهَبُکَ وَ ذَهَابُکَ وَ مَذْهَبُکَ» پول و رفت و آمد و مذهب را مخفی نگهدار. گفتم: مذهب را برای چه؟ امروز که زمان تقیّه نیست! پدرم گفت: منظورم این است که هیچ وقت برای نماز مقید به یک مسجد نشو، چون که اگر روزگاری به دلیلی خواستی آن مسجد را ترک کنی می گویند: خطها دوتا شده، یا آقا مسئله ای پیدا کرده و یا این طلبه... آمده است. فرزندم! مثل امّت باش و به همه مساجد برو و مقید به جا و مکان و لباس و شخص خاصی مباش. آری گوش سپاری به همین نصیحت باعث شد که بحمدالله وارد هیچ خط سیاسی نشوم.» خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۳۲.

۲- همان، (ج ۱)، ص: ۵۳.

با توجه به تنوع سلاقی و گرایش ها در انسان ها و تفاوت ظرفیت ها و ذوق های مخاطبان، تنوع در شیوه های ارائه مباحث امری ضروری است و لازم است تا معلمان و مبلغان محترم به روش ها و شیوه های متعدد مجهز باشند. تنوع در شیوه ها، موضوعی است که در علوم دیگر نیز مطرح است. مثلاً اگر در کاشت محصولی با روش قدیمی از یک هکتار دو تُن برداشت می شد، امروزه با روشهای جدید، شش تُن برداشت می گردد. همین طور در آموزش، اگر با روش قدیمی با چهل ساعت، موضوعی تدریس می شد، با روش امروزی با ده ساعت، همان موضوع تدریس می گردد.

تبلیغ دین با روشهای متنوع از ضروریات امروز است؛ جامعه ای که از سلاقی و علایق رنگارنگ برخوردار است و حوصله و مشغله مخاطبانش، متفاوت است؛ لذا اقتضاء می کند تا مبلغان با تمرین و ممارست و کسب مهارت در ارائه، بتوانند پیام دین را در قالب های نو و تازه به مخاطبان خود عرضه نمایند.

در این فصل، ما با شیوه ها و مهارت های ارائه حجه الاسلام قرائتی آشنا می شویم، شیوه هایی که هر معلم و مبلغ می تواند با تمرین و ممارست، در آن شیوه و روش مهارت پیدا کند و به روش تبلیغی خود رونقی ببخشد.

الف) سمعی و بصری بودن

اشاره

با توجه به این که گوش و چشم، هر دو از ابزار های مهم ادراکند و در این بین، چشم در گیرایی مخاطب و پیشبرد آموزش، سهم بیشتری دارد؛ لذا آموزش سمعی و بصری، از جاذبه و تأثیر گذاری بیشتری برخوردار است. از کارهای مهم حاج آقای قرائتی در عرصه ی تبلیغ، آموزش سمعی

و بصری است که برخی از مصادیق مهم این روش بیان می‌گردد:

۱. ارائه با تخته سیاه

ارائه مطالب از طریق تابلو و تخته سیاه که همراه با حرکت بوده، سبب تنوع در حالت‌های گوینده و جذب بهتر مخاطب می‌گردد. استفاده از تخته سیاه و ارائه با نشاط برنامه توسط حجه الاسلام قرائتی از شیوه‌های مهم و با جاذبه کاری ایشان است. تخته سیاه، بستر مناسبی برای این معلم با تجربه شد تا بتواند به صورت هنرمندانه و با جاذبه معارف دینی را ارائه دهد و تنوعی را در تبلیغ معارف رقم بزند و امروز با گذشت پنجاه سال، هنوز این شیوه، برای ایشان یک اصل مهم در آموزش است. این معلم با تجربه، در خصوص بهره‌گیری از این شیوه فرمودند:

«فقط منبری نشدم که سمعی باشد؛ بلکه از تخته سیاه استفاده کردم و از گفتن و نوشتن هر دو بهره گرفتم.»

ایشان در استفاده از تابلو، سفارشی‌هایی دارند که می‌تواند برای همه‌ی معلمان و مبلغان عزیز قابل استفاده باشد. این نکات در قالب چند موضوع می‌باشد:

الف) ویژگی‌های تابلو

۱. اندازه تابلو، متناسب با حجم مطالب و سطح علمی مخاطبان باشد.

۲. اگر نور، روی قسمتی از تابلو تابیده و باعث مشکل در دید برخی حاضرین شده، نسبت به رفع آن اقدام نماییم.

۳. اگر موقعیت نشستن شخصی به صورتی است که نمی‌تواند تابلو را ببیند یا دید او ضعیف است، جای او را تغییر دهیم.

۴. قبل از شروع درس به اطراف تابلو دقت کنیم، اگر تصاویر یا اشیاء دیگر موجب جلب توجه شاگردان می‌شود، آنها را برداریم.

۵. سطح تابلو، صاف و بدون موج بوده و استقرار کامل داشته باشد تا هنگام نوشتن روی آن، دچار لغزش نشود.

ب) نکات نوشتاری روی تابلو

۱. ابتدا نام خدا را بالای تابلو بنویسیم. این کار اثر تربیتی غیرمستقیم بر مخاطبان دارد.
۲. با خط زیبا بنویسیم. خط خوش، شخصیت نویسنده را در نظر مخاطبان، نیکوتر جلوه می دهد. همان گونه که صدای بد، خسته کننده است؛ خط بد هم مخاطب را خسته می کند.
۳. در ابتدای درس، موضوع بحث را روی تابلو بنویسیم، تا افرادی که دیرتر به کلاس، ملحق می شوند در جریان موضوع درس قرار گیرند.
۴. از بالای تابلو شروع به نوشتن کنیم.
۵. در زبان هایی مثل فارسی از سمت راست تابلو، شروع به نوشتن کنیم.
۶. مطالب را دسته بندی شده و منظم بنویسیم و از نوشتن عبارت های طولانی، پرهیز کنیم.
۷. فقط عناوین و مطالب اصلی را بنویسیم و کلمات مترادف و غیرضروری را ننویسیم.
۸. اندازه نوشته ها متناسب با اندازه تابلو و مقدار فاصله مخاطبان با تابلو باشد، یعنی نه زیاد درشت بنویسیم و نه زیاد ریز.
۹. قبل از نوشتن کلمات، دقت کنیم غلط ننویسیم تا مجبور به اصلاح مکرر نشویم. زیرا این کار از اعتبار معلم می کاهد، همانند خطاهای مکرر گفتاری.
۱۰. هنگام نوشتن روی تابلو، مطالب را بخوانیم تا حاضرین برای نوشتن مطالب، نیاز به نگاه مکرر به تابلو، نداشته باشند.
۱۱. سعی کنیم روی یک خط مستقیم بنویسیم، به گونه ای که خط نه به طرف بالا برود نه پایین.
۱۲. اگر از گچ استفاده می کنیم از گچ نرم، استفاده کنیم تا صدای نامناسب ایجاد نشود.
۱۳. رنگ های مورد استفاده، متناسب با رنگ تابلو باشد. اگر تابلو تیره است از رنگ روشن استفاده کنیم و اگر روشن است از رنگ تیره.

۱۴. فاصله بین خطوط، نه کم باشد، نه زیاد.

۱۵. سعی کنیم در نوشتن مطالب از رنگ های مختلف و متنوع استفاده کنیم.

۱۶. هنگام نوشتن، گچ یا ماژیک را با فشار مناسب، روی تابلو به کار ببریم تا پرننگ، نوشته شود.

ج) آداب نویسنده

۱. تربیتی

تا جایی که ممکن است، هنگام نوشتن، پشت به حاضرین نکنیم، بلکه با زاویه ۴۵ درجه بایستیم.

پس از نوشتن مطالب، مقابل نوشته ها توقف نکنیم؛ بلکه به کنار تابلو برویم تا حاضرین به راحتی نوشته ها را ببینند.

هرگز برای پاک کردن تابلو به شاگردان، دستور ندهیم.

پس از نوشتن مطالب، فرصت کافی برای یادداشت به حاضرین داده شود و پس از حصول اطمینان، اقدام به پاک کردن تابلو نماییم.

قبل از شروع کلاس از وجود لوازم نوشتاری و تخته پاک کن، مطمئن شویم تا هنگام تدریس، کلاس با وقفه مواجه نشود.

اگر هنگام نوشتن، وسیله نوشتاری، روی زمین افتاد، برای برداشتن آن در مقابل حاضرین، خم نشویم، بلکه به حالت نشسته آن را برداریم. (با توجه به این که هنگام نوشتن، پشت سر معلم هم در مقابل دید حاضرین قرار می گیرد، معلم، باید قبل از تدریس، نسبت به مرتب کردن وضع ظاهر و جوانب لباس خود دقت لازم را بنماید.)

وقتی وارد کلاس می شویم حتما نوشته های روی تابلو کلاس را بخوانیم، تا اگر شاگردان قصد رساندن پیامی را به معلم دارند و مستقیم نمی توانند بیان کنند به آن پی ببریم و همچنین در جریان مسایل مطرح شده در کلاس قبل از تدریس قرار گیریم.

برای تفهیم بهتر مطالب از نقاشی، نمودار و فلش نیز استفاده نماییم.

اگر در نوشتن از گچ استفاده می کنیم، هنگام تدریس، با گچ بازی نکنیم. زیرا این کار علاوه بر جلب توجه حاضرین و عدم تمرکز آنان نسبت به مطالب درس، باعث آلودگی دست ها و لباس می شود.

هنگام تدریس، مواظب باشیم به تابلو تکیه نکنیم.

اگر در نوشتن از گچ استفاده می کنیم، مراقب باشیم دست آلوده به گچ را به صورت و لباس خود نکشیم.

د) نکات پاک کردن تابلو

اشاره

برای حفظ احترام، اسما مقدسی را که روی تابلو نوشته شده، آهسته تر پاک کنیم.

سعی کنیم تابلو را از بالا به پایین پاک کنیم.

اگر از گچ استفاده می کنیم، تابلو را آهسته پاک کنیم تا فضای کلاس، آلوده نشود.

برای پاک کردن تابلو از دست استفاده نکنیم.

تابلو را کامل و محکم، پاک کنیم تا اثری از نوشته های قبلی روی تابلو، باقی نماند. زیرا هم موجب اختلاط با کلمات جدید نشود و هم از سوءاستفاده در جلسه امتحان جلوگیری شود.

۲. بهره گیری از نمایش و حرکت عملی

ارائه پیام با بهره گیری از نمایش و در قالب حرکت عملی از کارهای مؤثر در عرصه ی آموزش و

تبلیغ است. حاج آقای قرائتی، در خصوص حرکات تجسمی و استفاده از نمایش می فرماید:

«وقتی حضرت ابراهیم ۷ گفت که بار الها! به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می کنی که می خواهم با دیدن آن، دلم مطمئن گردد، پاسخ او از طریق نمایش و به صورت محسوس و عملی صورت می گیرد. (۱)»

ص: ۸۰

۱- «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَيُوتَ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لِّيُطَمِّئَنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصِرْهُنَّ إِيكَكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ و (بیاد آور) هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده ای؟ عرض کرد:

چرا، ولی برای آنکه قلبم آرامش یابد. (خداوند) فرمود: چهار پرنده (طاووس، خروس، کبوتر و کلاغ) را بگیر و آنها را نزد خود جمع و قطعه قطعه کن (و درهم بیامیز) سپس بر هر کوهی قسمتی از آنها را قرار ده، آنگاه پرندگان را بخوان، به سرعت بسوی تو بیایند و بدان که خداوند توانای حکیم است. (بقره، ۲۶۰)

یا پاسخ به سؤال یکی از پیامبران (داستان عزیر) که در سوره بقره، آیه ۲۵۹ آمده است، به نوعی به صورت نمایشی بوده است. (۱)

گاهی اولیای الهی، در برخوردهای خود از شیوه نمایش استفاده می کردند و به جای صحبت، حرکتی محسوس از خود بروز می دادند.

سلمان فارسی می گوید: همراه با رسول خدا ۹ در سایه درختی نشسته بودیم که حضرت شاخه ای از آن درخت را تکان دادند؛ بطوری که برگ هایش ریخت و بعد فرمود:

آیا نمی پرسید که چه کار کردم؟

مؤمن وقتی نماز می خواند، گناهایش همچون برگ های این درخت می ریزد. (۲)

همچنین، وقتی عقیل از امیرالمؤمنین علیه السلام خواست تا به جهت عیالواری و به سبب خویشاوندی،

بهره بیشتری از بیت المال داشته باشد، حضرت در پاسخ، برای

ص: ۸۱

۱- . یا همانند کسی (عزیر) که از کنار یک آبادی عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن بر روی سقف هایش فرو ریخته بود (و مردم آن مرده و استخوان هایشان در هر سو پراکنده بود، او با خود) گفت: خداوند چگونه اینها را پس از مرگ زنده می کند؟ پس خداوند او را یک صد سال میراند و سپس زنده کرد (و به او) گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت یک روز، یا قسمتی از یک روز را درنگ کرده ام! فرمود: (نه) بلکه یک صد سال درنگ کرده ای، به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی) نگاه کن (که با گذشت سالها) تغییر نیافته است. و به الاغ خود نگاه کن (که چگونه متلاشی شده است، این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گوئیم) و (هم) تو را نشانه (رستاخیز) و حجتی برای مردم قرار می دهیم. (اکنون) به استخوان ها (ی مرکب خود) بنگر که چگونه آنها را بهم پیوند می دهیم و بر آن گوشت می پوشانیم. پس هنگامی که (این حقایق برای آن مرد خدا) آشکار شد، گفت: (اکنون با تمام وجود) می دانم که خداوند بر هر کاری قادر و تواناست.

۲- . جامع احادیث شیعه، ج ۴، ص ۱۷ و ۱۸. و باز به همین دلیل است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم برای توضیح دادن راه حق و باطل از کشیدن یک خط مستقیم و چندین خط انحرافی بر روی زمین استفاده نمود. (محجه البیضاء، ج ۵، ص ۵۶) یا برای توجه دادن افراد، به یک مسئله مهم، صحنه ای را می ساخت. بطور مثال فرمود: از صحرایی که در ظاهر چیزی نداشت، هیزم جمع کنند و پس از جمع شدن خار و خاشاک ها فرمود: گناهان کوچک هم اینگونه جمع می شوند. داستان راستان، ج ۱، ص ۲۰۴.

یادآوری آتش جهنم به عقیل، میله ای را داغ کرده و نزدیک دست او می برد.»(۱)

حجه الاسلام قرائتی، در تدریس و تبلیغ، برای عینیت بخشی به مفاهیم از حرکات نمایشی استفاده می کند و تا جایی که بتواند یک مفهوم را به صورت ملموس، عملی و نمایشی ارائه دهد، هرگز به کلام خالی اکتفاء نمی کند؛ بلکه عموماً پیام کلامی خود را با یک عنصر غیر کلامی پیوند می زند. مناسب کردن صدا و آهنگ سخن با کلمات و جملاتی که بیان می نماید و حرکات دست و چشم و انجام برخی حرکت ها به صورت عملی از جمله کارهایی است که به فراخور شرایط و اقتضائات، به صورت حکیمانه از ایشان صورت می گیرد؛ همچنین، در شرایط بسیاری، تَن صدا و سبک ادای کلمه یا جمله، حرکات مناسب چشم و ابرو که هماهنگ با کلام ایشان است، حالتی ایجاد می نماید که مخاطب را جذب می نماید. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: زمانی خواستند در خصوص علم امام زمان علیه السلام در سنین کودکی مطالبی را بیان نمایند، اطرافیان را خطاب می کنند که فَلَش دارید؟ و منتظر می مانند تا فردی فَلَش را به ایشان بدهد و سپس فَلَش را بالا می گیرد تا همه ببینند و بعد با این وسیله ای که برای هم محسوس و ملموس است و کارایی آن را می دانند، رو به جمع توضیح می دهد که شما اطلاعات چند هزار کتاب را به راحتی از کامپیوتر روی این فَلَش می ریزید. آیا خدای تعالی قدرت ندارد تا علوم را در اختیار امام علیه السلام قرار دهد؟

ب) نمونه دوم: وقتی خواستند آیه شریفه «وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً»(۲)

را توضیح بدهند، فرمودند که وقتی انسان ناراحت می شود انگشت حسرت به دهان می گیرد؛ در همین جا عملاً انگشت حسرت به دهان گرفتند تا مخاطب ببیند. سپس فرمودند وقتی ناراحتی اش بیشتر

ص: ۸۲

- ۱- امام آهنی را داغ کرد و نزدیک دست عقیل آورد، عقیل از ترس دست خود را می کشد امام می فرماید: اگر تو از این آتش ساده دنیا می ترسی، من از عذاب و قهر ابدی خدا می ترسم. نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۲۲۴.
- ۲- و روزی که ستمکار (مشرک) دو دست خود را (از روی حسرت) به دندان می گزد و می گوید: ای کاش با پیامبر همراه می شدم. فرقان/ ۲۷.

باشد یک دستش را به حسرت می‌گردد؛ در همین جا عملاً این کار را نشان دادند و سپس وقتی آیه را بیان نمودند که «و روزی که ستمکار (مشرک) دو دست خود را (از روی حسرت) به دندان می‌گزد.» در اینجا دو دست را کنار هم گرفته و به صورت محسوس انجام

دادند. (۱)

۳. بهره‌گیری از طرح و تصویر

بهره‌گیری از طرح و تصویر از دیگر شیوه‌های حجه الاسلام قرائتی است. ایشان، در مواقعی که بحثی قابلیت ارائه در قالب طرح و تصویر داشته باشد از این شیوه بهره می‌گیرد. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: ایشان به کمک تسیح و با گچ، نیم‌دایره‌ای را روی تخته می‌کشند و توضیح می‌دهند که در هندسه می‌گویند: از هر کجای این نیم‌دایره، شما دو تا خط ترسیم کنید به دو سمت نیم‌دایره، می‌گویند این زاویه، زاویه قائمه است. ... مؤمن به خدا، در هر مقامی باشد از رهبر و رئیس جمهور و استاد و دانشجو تا یک کاسب جزء و بچه ابتدایی، اگر در مدار و صراط مستقیم (در مسیر قرآن و عترت) باشد در هر موقعیتی که باشد به شکل مساوی به هدف و نتیجه می‌رسد، چون زاویه قائمه و حرکت در هر موقعیتی مستقیم است. بنابراین هیچ وقت عقده پیدا نمی‌کند. هر کسی به مقدار توان و امکاناتی که خدای تعالی داده است از او حساب می‌کشند؛ مثلاً، اگر کسی صد تومان دارد و یک تومان آن را به فقیر می‌دهد و دیگری صد میلیون دارد و یک میلیون بدهد اگر برای خداوند باشد هر دو مساوی است در ثواب چون هر دو نسبت به دارایی شان یک صدم برای خداوند دادند. حدیث داریم خداوند به آنچه داده‌ای نگاه نمی‌کند، نسبت به دارایی نگاه می‌کند. این علامت در مدار بودن و زاویه قائمه است که هدف و نتیجه مساوی است.

ص: ۸۳

۱- یا این که مکرر وقتی به مبلغین سفارش می‌کند که شما باید با لباس روشن سر کلاس بروید، در همین لحظه از یکی از روحانیون جلسه که عبا‌ی مشکی دارد، تقاضا می‌کند تا جلو بیاید و با عذرخواهی عبا‌ی او را می‌گیرد و چنان جلوی خود نگاه می‌دارد که فقط مقداری گردن و سر و صورت ایشان پیداست و سپس به مخاطبان می‌گوید که کدام حالت بهتر است.

شکل:

کتاب الله عترتی

ب) نمونه دوم: نمونه دیگری که ایشان به صورت طرح ارائه داده است، آیه صدقات است، با این توضیح:

اگر صد به پنج تقسیم شود، می شود بیست. به صد می گویند: مقسوم؛ به پنج می گویند: مقسوم علیه؛ به بیست می گویند: خارج قسمت.

قرآن در آیه ای مقسوم و مقسوم علیه را بیان کرده و خارج قسمتش را ما پیدا می کنیم. خدای تعالی می فرماید: از پر درآمدها بگیریید و به کم درآمدها، بدهید. آیه این است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه/ ۶۰)

صدقات در قرآن؛ یعنی زکات.

«الصدقات» مقسوم است و مقسوم علیه هشت مورد است که بیان شد.

حالا می خواهیم ببینیم، این تقسیم درست است یا نه. ما برای صحت تقسیم باید خارج قسمت را ضرب در مقسوم علیه کنیم.

وقتی فقرا و مساکین زندگی شان میزان شد، دوباره کار می کنند و صدقه می دهند. برده وقتی آزاد شد، دوباره کار می کند و صدقه می دهد. وقتی کارمند و عامل (که زکات را جمع می کند) تشویق شد، خود کارمند کار می کند و صدقه می دهد... یعنی هر کدام از آنها را پول بدهیم، وقتی راه افتادند، آنان نیز صدقه

ص: ۸۴

می دهند و آنچه به آنها داده شد، به جامعه برمی گردد.

شکل:

(ب) تشنه کردن مخاطب:

اشاره

ایجاد تشنگی در مخاطب، سبب آمادگی و زمینه پذیرش او می گردد. اگر مخاطب تشنه باشد،

زودتر و بهتر بحث را فرا می گیرد. ما در اینجا ضمن بیان عناوین برخی از شیوه ها، چند مورد را به صورت مستقل تبیین می ... نمایم.

۱. برخی از شیوه های تشنه کردن

حاج آقای قرائتی، برخی از راههای ایجاد عطش را این گونه بیان فرمودند:

«برخی از راههای تشنه کردن عبارتند از: بیان ضرورت های موضوع کلاس یا منبر، برکات مادی و معنوی و آثار مثبت آگاهی و آثار سوء ندانستن در باره موضوع مورد بحث، سؤال و جوابی کردن موضوع، ورود به موضوع با بیان شیرین، فشرده گویی و گزیده گویی، بیان مقدار ساعتی که برای آماده کردن بحث، وقت گذاشته است، بیان ارتباط درس با منابع متقن (وحی - معصومین - عقل - بزرگان)، سکوت کردن موقت، و نمایشی کردن موضوعاتی که ظرفیت نمایش داشته باشند و ...»

برخی از این عناوین و راههای «ایجاد عطش»، در ادامه به صورت مستقل مورد بحث قرار می گیرد، اما نمونه های ذیل، تعبیری است که حاج آقای قرائتی در «درسهایی از قرآن» به کار برده تا مخاطبان خود را ترغیب و تشنه کند که بهتر به مباحث دل بدهند:

- امروز بحث استکبار را می کنم. این بحث را عنایت داشته باشید، چون این

بحث عصاره‌ی صدها ساعت مطالعه است. بعضی بحث‌ها را، من یک نگاهی می‌کنم و صحبت می‌کنم. بعضی بحث‌ها را رویش کار می‌کنم.

- بحث درباره‌ی حق الناس است که بسیار مفیدی می‌باشد و ما بسیار گرفتار هستیم... ما گیر هستیم و من باید قبل از بحث استغفار کنم و بعد از بحث هم باید استغفار کنم. همه با یک حال خضوعی و یک حال شرمندگی به این بحث توجه کنیم.

- بحثی که شما چهل دقیقه گوش می‌دهید خودتان خواسته باشید مطالعه کنید شاید سی چهل ساعت باید در شبانه روز مطالعه کنید تا این چهل دقیقه گیرتان بیاید.

- این قصه حیف است، زیادی گوش بدهید، خیلی قشنگ است.

۲. انتخاب تیتراژ به روز با تبیین مناسب

از کارهای مهم حاج آقای قرائتی، تأمل و دقت در انتخاب تیتراژ است؛ ایشان، تا جایی که ممکن باشد، تیتراژها را امروزی و مناسب با عناوین متعارف در جامعه‌ی امروزی و اصطلاحات رایج انتخاب می‌نمایند که سبب توجه و جذب مخاطب می‌گردد.

این معلّم با تجربه، علاوه بر انتخاب تیتراژی برای هر درس و به عنوان موضوع درس، برای قسمت‌های متعدد یک درس نیز، تیتراژی مناسبی را انتخاب می‌کند.

نمونه عناوین برخی درسهای ایشان عبارتند از:

- اداره سالم و اداره مریض - معیارهای عزل و نصب

- عوامل رشد و رکود - توبه، انقلاب درونی

- استاندارد در قرآن - عمر، گوهر وقت

- بهروری در نماز - شادی‌های بجا و نابجا

- مقایسه سفرهای معنوی و مادی - سیر و سفر، جهانگردی

- آمار و ارقام و عدد در اسلام - برنده کیست، زرننگ کیست؟

- خودباوری و خودباختگی - قرآن، شفای دردهای جامعه

- و...»

یک نمونه از تیتراژ دادن به مطالب توضیحی:

مانند این مثال که ایشان در تبیین آیه شریفه: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أُنَبِّتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (۱)

این گونه پس از تقطیع به جا، با ارائه تیتراژهای مناسب به توضیح مطالب می پردازد:

عوامل

مؤثر در تربیت عبارتند از:

- روح پاک مادر. «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ»

- جسم سالم. «نَبَاتًا حَسَنًا»

- تعلیم و تربیت الهی. «كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا»

- تغذیه پاک. «وَ جَدَّ عِنْدَهَا رِزْقًا»

البته، تیتراژ مناسب و امروزی، باید با تبیین مناسب و امروزی همراه باشد تا بتواند از تاثیر گذاری

بالا تری برخوردار باشد.

در این قسمت دو نمونه از تیتراژهای به روز که در مخاطب ایجاد عطش می کنند و به همراه تبیین مناسب نیز می باشد، ارائه می گردد:

(الف)

نمونه اول: قبله و مهندسی شهر سازی

«وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكُمْ مَا بَدَعْتُمْ وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ اقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ وَ به موسی و برادرش وحی کردیم که در مصر، برای قوم خودتان خانه هایی آماده کنید و خانه هایتان را مقابل هم (یا رو به قبله) بسازید و نماز به پادارید و به مؤمنان بشارت بده (که سرانجام پیروزی با آنهاست)». (یونس/ ۸۷)

«قبله»، هم به معنای مقابل و رو بروی هم است و هم به معنای جهت کعبه،

۱- . پس پروردگارش او را به پذیرشی نیکو پذیرفت و به رویشی نیکو رویاند و سرپرستی او را به زکریا سپرد. هرگاه زکریا در محراب عبادت بر مریم وارد می شد، خوراکی (شگفت آوری) نزد او می یافت. می پرسید: ای مریم این (غدا و خوراک تو) از کجاست؟! مریم در پاسخ می گفت: آن از نزد خداست. همانا خداوند به هر کس که بخواهد بی شمار روزی می دهد.
(آل عمران/۳۷)

یعنی خانه سازی رو به قبله. شاید معنای این آیه چنین باشد که تا قدرت فرعون باقی است و تصمیم بر نابودی شما دارد، شما مراسم عبادی را در خانه هایتان برقرار سازید. مثل سه سال اول بعثت پیامبر اسلام.

بنابراین معماری و شهرسازی اسلامی باید با اهداف مکتبی سازگار باشد و جهت قبله فراموش نشود و باید به گونه ای خانه بسازیم که انجام مراسم مذهبی و اقامه ی نماز در آن عملی باشد.

همه ی برنامه های انبیا حتی روش مسکن سازی هم براساس دریافت های وحی است. لذا منطقه مسکونی افراد مؤمن باید از کفار جدا باشد و نگذاریم بیگانگان در محله و جامعه ی ما رخنه کنند، تا زمینه ساز عزت، قدرت و استقلال گروه با ایمان گردد. از طرفی خانه های مقابل یکدیگر از نظر تمرکز، حفاظت، نظارت و انس با هم مناسب تر است.

ب) نمونه دوم: دادگاه خانواده

«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا؛ و اگر از (ناسازگاری و) جدایی میان آن دو (زن و شوهر) بیم داشتید، پس داوری از خانواده ی شوهر، و داوری از خانواده ی زن برگزینید (تا به اختلاف آن دو رسیدگی کنند) اگر این دو بنای اصلاح داشته باشند خداوند میان آن دو را به توافق می رساند، زیرا خداوند، (از نیات همه) با خبر و آگاه است.» (نساء/ ۳۵)

این آیه، برای رفع اختلاف میان زن و شوهر، و پیشگیری از وقوع طلاق، یک دادگاه خانوادگی را با امتیازات زیر مطرح می کند:

۱. داوران از هر دو فامیل باشند تا سوز، تعهد و خیرخواهی بیشتری داشته باشند.

۲. این دادگاه، نیاز به بودجه ندارد.

۳. رسیدگی به اختلاف در این دادگاه، سریع، بدون تراکم پرونده و مشکلات اداری است.

۴. اسرار دادگاه به بیگانگان نمی رسد و مسائل اختلافی در میان خودشان می ماند.

۵. چون داوران از خود فامیلند، مورد اعتماد طرفین می باشند.

از امام صادق علیه السلام درباره ی «فابعثوا حکماً...» سؤال شد، حضرت فرمود: حکمین نمی توانند به طلاق وجدایی حکم کنند، مگر آنکه از طرفین اجازه داشته باشند. (۱)

ایشان در ادامه نکات و پیام هایی که از این آیه استفاه می شود، را بیان می نماید. (۲)

۳. سؤال و جواب

از راههای تشنه کردن مخاطب و مستمع، طرح سؤال و جواب است؛ آغاز سخن با سؤال، شوق شنیدن را در افراد زیاد کرده و از جمله راههای رسیدن به حقیقت است. انسان تا تشنه ی شنیدن و عاشقِ آموختن نباشد، استفاده کامل از درسها نمی کند. در تدریس و تبلیغ و ارشاد، می توان با سؤال و پرسش، فطرت دیگران را بیدار کرد و آنان را به تفکر و اندیشه وا داشت.

سؤال و پرسش، سفارش دین است و در آیات و روایات، به صورت فراوان از این

ص: ۸۹

۱- کافی، ج ۶، ص ۱۴۶.

۲- ایشان در ادامه بیان نموده اند که: اکنون نکات و پیام هایی که از این آیه استفاه می شود را بیان می کنیم: ۱. علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. نگرانی از شقاق و جدایی کافی است تا اقدام به گزینش داوران شود. «ان خفتم» ۲. قبل از نگرانی از شقاق، در زندگی مردم دخالت نکنیم. «وان خفتم» ۳. طلاق و جدایی، سزاوار ترس و نگرانی است. «خفتم شقاق» ۴. زن و شوهر، یک روح در دو پیکرند. کلمه «شقاق» در جایی بکار می رود که یک حقیقت به دو قسمت تقسیم شود. ۵. اقدام برای اصلاح میان زن و شوهر باید سریع باشد. حرف «فاء» در جمله «فابعثوا» برای تسریع است. ۶. جامعه در برابر اختلافات خانواده ها، مسئولیت دارد. «وان خفتم... فابعثوا» ۷. بستگان، در رفع اختلاف خانواده ها، مسئولیت بیشتری دارند. «من اهله» ۸. زن و مرد در انتخاب داور، حق یکسان دارند. «حکماً من اهله و حکماً من اهله» ۹. در جامعه به افرادی اعتماد کنیم و داوری آنان را بپذیریم. «فابعثوا حکماً...» ۱۰. مشکلات مردم را با کمک خود مردم حل کنیم. «فابعثوا حکماً من اهله» ۱۱. از آشتی دادن ناامید و مأیوس و نسبت به آن بی تفاوت نباشیم. «فابعثوا» ۱۲. بیش از نگرانی، موج ایجاد نکنیم، یک داور برای هر یک کافی است. «حکماً من اهله و حکماً من اهله» ۱۳. اسلام به مسائل شورایی و کدخدانمنشی توجه دارد. «حکماً من اهله و... اهله» ۱۴. همه مسائل را به قاضی و دادگاه نکشانید، خودتان درون گروهی حل کنید. «فابعثوا حکماً من اهله» ۱۵. هر جا سخن از حق و حقوق است، طرفین باید حضور داشته باشند. «حکماً من اهله و حکماً من اهله» ۱۶. باید زن و شوهر، داوری داوران انتخاب شده را بپذیرند. (لازمه انتخاب داور، اطاعت از حکم اوست.) ۱۷. در انتخاب داور باید به آگاهی، رازداری و اصلاح طلبی او توجه کرد. «ان یریدا اصلاحاً» ۱۸. هر جا حسن نیت و بنای اصلاح باشد، توفیق الهی هم سرازیر می شود. «ان یریدا اصلاحاً یوفق الله بینهما» ۱۹. دلها بدست خداست. «یوفق الله بینهما» ۲۰. به عقل و تدبیر خود مغرور نشوید، توفیق را از خداوند بدانید. «یوفق الله» ۲۱. طرح قرآن برای اصلاح خانواده برخاسته از علم و حکمت الهی است. «علیماً خیراً». ۲۲. باید حسن نیت داشت، چرا که خداوند، به انگیزه های همه آگاه است. «ان الله کان علیماً خیراً»

شیوه استفاده شده است. قرآن کریم خود را پاسخگوی سؤالات مردم می‌داند: «آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ» (یوسف، آیه ۷) و در آن سؤالات متعدد در زمینه‌های گوناگون آمده است. گاهی در یک آیه چند سؤال طرح شده (۱) و یا در چند آیه پشت سر هم، چند سؤال آمده است. (۲)

یا به صورت مکرر به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دستور طرح سؤال داده است. «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ...» (مائده/۶۰) «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ...» (توبه/۵۲). و...

همچنین در روایات فراوانی دیده می‌شود که کلام با پرسش معصوم شروع می‌گردد: أَلَا أُنَبِّئُكُمْ (آیا شما را خبر نکنم؟)؛ أَلَا لَمَّا أُبَشِّرُكُمْ (آیا به شما بشارت ندهم؟)؛ أَلَا أَحَدَّثُكُمْ (آیا با شما سخن نگویم؟)؛ أَلَا أَخْبَرُكُمْ (آیا تو را خبر ندهم؟)؛ أَلَا أَعْلَمُكُمْ (آیا تو را تعلیم ندهم؟) (۳)

حاج آقای قرائتی در موارد متعددی، از شیوه سؤال و جواب استفاده می‌کند؛ ایشان چند سال در برنامه ای که از شبکه دو سیما پخش می‌شد، به سؤالاتی که مردم می‌کردند، پاسخ می‌دادند. در دروس دیگر نیز در مواقع مقتضی، پس از طرح سؤال، مباحث را ارائه می‌دهد. برخی سؤالاتی که از دروس متعدد ایشان انتخاب شده است؛ به عنوان نمونه ارائه می‌گردد:

- قسمت هایی از بحث درباره ی امام رضا علیه السلام است. امام رضا، با طاغوت چگونه برخورد می‌کرد؟ با مهمان چطور بود؟ با خادم، چطور بود؟ در صرفه جویی برنامه اش چگونه بود؟ در انفاق چگونه بود؟ با قرآن چگونه بود؟ با مناجات چگونه

ص: ۹۰

۱- مانند: سوره أحقاف / آیه ۴.

۲- مانند: سوره طور / آیه ۴۳-۴۱.

۳- به عنوان نمونه در روایتی می‌خوانیم که قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ۷ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَكْبَسِ الْكَيْسِيِّينَ وَأَحْمَقِ الْحَمَقِيِّينَ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَكْبَسُ الْكَيْسِيِّينَ مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَ أَحْمَقُ الْحَمَقِيِّينَ مَنْ اتَّبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا وَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ الْأَمَانِي؛ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند که از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم کی می‌فرمود: آیا از زیرک ترین زیرکان و احمق ترین احمق ها شما را خبر بدهم؟ گفتند: بله. فرمودند: زیرک ترین زیرکان کسی است که نفس خویش را به حساب بکشد و برای بعد از مرگش عمل نماید و احمق ترین احمق ها کسی است که از نفس خود پیروی نموده و بر آورده شدن آرزوهایش را از خدا بخواهد. مجموعه ورام، ج ۲، ص: ۹۴.

بود؟ با برادر چطور بود؟ خاطراتی از زندگی امام رضا نقل می کنم و... .

- امروز بحث ما درباره میزان است. از کجا بفهمیم که ما آدم خوبی هستیم؟ اگر در خیابان شخصی به شما بگوید جنابعالی بسیار آدم بدی هستید؟... حالا آیا واقعا خوب هستیم؟ مثلا از کجا

معلوم که نمازی که می خوانیم قبول است؟ اصلا خدا من را دوست دارد یا نه؟ اصلا وضع ما در قیامت چگونه است؟... .

- خدا یا طبیعت؟ شعار بحث امروز ما این است خدا یا طبیعت؟ البته هر دو، طبیعت را قبول داریم زیر نظر خدا. اینطور نیست که حالا که خدا را قبول کردیم طبیعت را قبول نکنیم... سرچشمه ما چیست؟

- علل بدبختی در جامعه در اثر چیست؟...

۴. سکوت معنا دار

از راههای تشنه کردن مخاطب، سکوت های معنا دار است. حجه الاسلام قرائتی در این خصوص می فرماید:

«گاهی فاصله انداختن کوتاه و سکوت معنا دار، در مخاطب تشنگی ایجاد می نماید. کسی از خدمت امام علیه السلام سؤال کرد. «فَأَطْرَقَ رَأْسَهُ» امام سرش را پایین انداخت و پس از مدتی جواب داد. او گفت: آقا بلد نبودی؟ امام فرمود: چرا. سپس پرسید: پس چرا سرتان را پایین انداختید و مدتی فکر کردید و سپس جواب فرمودید؟ امام فرمودند: «توقیرا للحکمه؛ برای بزرگداشت حکمت.»

همچنین، در نیشابور وقتی از امام رضا علیه السلام درخواست شنیدن مطلبی کردند، امام فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي.» بعد از مدتی که قافله حرکت کرد، با صدای رسا فرمود: «بَشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» (۱)

و پیداست که این سکوت بعد از بیان یک جمله معنا دار است.» (۲)

ص: ۹۱

۱- . توحید صدوق، ص ۲۵.

۲- . برنامه درسهایی از قرآن، ۶۸/۰۸/۲۵.

۱. تجمیع مفاهیم مشابه، ذیل عنوان مناسب

از جمله مهارت های حجه الاسلام قرآنی، دقت در مفاهیم مشابه و تجمیع آنان در ذیل «یک عنوان مناسب» و بیان ارتباط بین آنهاست. ایشان با دقت در چند جمله همسو، پیام کلی برای آیات در نظر گرفته و با انتخاب «عنوان مناسب» برای این مفاهیم، به خوبی بین آنها ارتباط برقرار می نماید. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: در جایی با عنوان «نعمت مسئولیت می آورد»، فرمودند:

«در قرآن چند بار «کُلُوا» آمده است، هر جا گفته است: «بخور» یک مسئولیت هم واگذار کرده است:

۱. بخورید؛ ولی اسراف نکنید: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» (اعراف / ۳۱)

۲. بخورید و به فقیر هم بدهید: «فَكُلُوا مِنْهَا وَ اطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ» (حج / ۲۸)

۳. بخورید، ولی سرکشی نکنید: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ» (طه / ۸۱)؛

۴. بخورید و عمل صالح انجام بدهید: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اعْمَلُوا صَالِحًا» (مؤمنون / ۵۱)

۵. بخورید... و از خدا پروا کنید: «وَ كَلُوا... وَ اتَّقُوا اللَّهَ...» (مائده / ۸۸)

۶. بخورید... و شکر کنید: «كُلُوا... وَ اشْكُرُوا» (بقره / ۱۷۲)

۷. بخورید... و دنباله رو شیطان نباشید. کُلُوا... وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ (انعام / ۱۴۲)

آری! در قرآن «کُلُوا» به تنهایی نیامده است؛ یعنی ما تنها برای خوردن نیستیم. در کنار مصرف یک دستوری داده است. این راه مستقیم است. حتی به حیوانات هم چنین دستوری داده شده است. قرآن به زنبور عسل می گوید: «ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا» (نحل / ۶۹) سپس از همه میوه ها بخور، پس راههای پروردگارت را خاضعانه طی کن!

ب) نمونه دوم: در جایی دیگر با عنوان «اسباب بخشایش گناهان در دنیا سه چیز است» بیان کردند که:

۱. توبه و جبران گذشته. «الَّذِينَ تَابُوا وَاصْلَحُوا وَيَبُوءُونَ بِآيَاتِكَ اتُوبَ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ. . .» (بقره/۱۶۰)

۲. ترک گناهان کبیره. «ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم» (نساء/۳۱)

۳. انجام دادن حسنات و کارهای نیک. «انّ الحسنات يُذهبن السيئات» (هود/۱۱۴)

۲. عددی کردن مفاهیم (کشف تنوع ها و تقسیم بندی)

از شیوه های جالب حاج آقای قرائتی، دقت در تنوعها و تقسیم بندی و عددی کردن مفاهیم است. ایشان در موارد متعدد از این روش بهره برده و با این کار نظمی به آموزش خود بخشیده و فراگیری را برای مخاطب آسان تر می نماید. ضمن این که شیوه تقسیم بندی، جاذبه کار را بالا می برد. چند نمونه:

- ما در تاریخ سه تا ۷۲ داریم؛ یکی در جنگ احد که ۷۲ نفر شهید شدند. در کربلا ۷۲ نفر شهید شدند. در حزب جمهوری هم ۷۲ نفر شهید شدند. اینکه در سه مقطع تاریخی سه تا ۷۲ بود، آدم نمی داند که تطبیق این را چه بگوید. بگوید: تصادف است. یا رمزی دارد.

- سوء ظن سه قسم می باشد: ۱. سوء ظن به خدا که ممنوع است. ۲. سوء ظن به مردم که این هم ممنوع است. ۳. سوء ظن به خودت که جایز است. . . و بگو: من قابل نیستم.

- ما اصولاً سه نوع دستور داریم: . . . فوق عقل . . . طبق عقل . . . ضد عقل؛ در اسلام، دستور ضد عقل نیست اما لازم هم نیست که تمام دستوراتش طبق عقل باشد یک سری دستورات فوق عقل است.

- ما سه رقم جوان داریم: ۱. یک جوان هست سیگار که به او دادند می کشد. ۲. یک جوان هست که سیگار نمی کشد. ۳. یک جوان هست سعی می کند یک سیگاری را از سیگار کشیدن باز دارد.

- ما سه رقم جوان داریم: ببینید شما کدامیک هستید: ۱. قالب پذیر: مثل آب در هر ظرفی شکل همان در می آید و . . . «وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ» (مدثر/۴۵)

۲. با صلابت: محکم مثل اصحاب کهف که همه شهرت پرست شدند ولی این چهار نفر گفتند ما نیستیم؛ «فَتِيهَ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ» (کهف/ ۱۳) جوانانی که به پروردگار خویش ایمان آوردند. ۳. امام و رهبرند: به بقیه هم خط می دهند؛ مثل: «يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمَ» (انبیا/ ۶۰) چه کسی بتها را شکست جوانی است که به او ابراهیم گویند.

- ما چهار رقم امنیت داریم: بدنی، مالی، فکری، آبرویی...

- ما چهار رقم تبلیغ داریم: سمعی - بصری - سمعی وبصری - عملی

۳. ملموس و عینی کردن مفاهیم

از شیوه های بسیار با جاذبه حاج آقای قرائتی در ارائه مباحث این است که ایشان با تعابیر

متنوع و متعدد، یک مفهوم معنوی یا عقلی را به صورت عینی و ملموس ارائه می نمایند؛ به گونه ای که مخاطب یک مفهوم را به زیبایی تصور می کند و به راحتی به ذهن می سپارد. دو نمونه:

الف) نمونه اول: در قرآن، بسیاری از آیات می گویند: «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» یعنی قلب و عمل هر دو پاک و درست باشد. اینکه بگوییم حالا این آقا قلبش پاک است ولو نماز نمی خواند، درست نیست. به یک کسی گفتند شما بلدی؟ گفت: پنجاه درصد. گفتند یعنی چی؟ گفت: شیرجه می روم، بیرون نمی آیم. خوب پس بگو هیچی. شما پنجاه درصدی نیست، اگر شیرجه رفتی باید بیرون هم بیایی. (۱)

ب)

نمونه دوم: چون پدر و مادر نسبت به بچه تند می روند، تمام آیات مربوط به پدر و مادر، هشدار آهسته دارد؛

«لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ؛ اموال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نسازد.» (منافقون/ ۹)

«إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ» برخی از همسران و فرزندانان برای شما دشمنند (که شما را از راه خدا بازمی دارند)، (تغابن/ ۱۴)

ص: ۹۴

«يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ؛ روزی که مال و فرزندان برای انسان نفعی ندارند» (شعرا/ ۸۸)

«لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ؛ نه اموالشان و نه فرزندانشان در برابر (عذاب) خدا (در قیامت) هیچ به کارشان نمی آید»
(آل عمران/ ۱۰)

چون پدر و مادر در علاقه سر می خورند و افراطی هستند؛ تمام آیات، آیات ترمزی است؛ همه اش ترمز کرده یواش! آهسته!
اما پسر، دختر، فرزند، چون با زور پدر و مادرش را دوست دارد؛ تمام آیات فرزندی گازی است:

«وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ و به پدر و مادر احسان کنید.» (بقره/ ۸۳)

«أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ؛ (به او سفارش کردیم که) برای من و پدر و مادرت سپاس گزار» (لقمان/ ۱۴)

«فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ به آنان «اف» مگو و آنان را از خود مران و

با آنان سنجیده و بزرگوارانه سخن بگو.» (اسرا/ ۲۳)

آیات مربوط به فرزندان گازی و آیات مربوط به والدین ترمزی است؛ این برای اعتدال در تعلیم و تربیت است. (۱)

۴. کالبد شکافی مفاهیم

یکی از مهارت های حاج آقای قرائتی، کالبد شکافی مفاهیم است. ایشان موضوعات و مفاهیمی که قابلیت تجزیه و تصویر سازی دارند را به گونه ای رشته رشته و جزء جزء می کند که اغلب فرضهای قابل تصور را استخراج و به تصویر می کشاند.
دو نمونه:

الف) نمونه اول:

ایشان با دقت در جمله کوتاه «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره/ ۸۳) به زیبایی آن را باز می کند و پیامهای فراوانی را از آن استخراج می نماید؛ مثلاً

ص: ۹۵

در احسان به والدین، مسلمان بودن آنها شرط نیست. «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»

در احسان به پدر و مادر، فرقی میان آن دو نیست. «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»

- نیکی به پدر و مادر را بی واسطه و به دست خود انجام دهیم. «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»

- احسان، بالاتر از انفاق است و شامل محبت، ادب، آموزش، مشورت، اطاعت، تشکر، مراقبت و امثال اینها می شود. «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»

- احسان به والدین، حدّ و مرز ندارد. «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نه مثل فقیر، که تا سیر شود، و جهاد که تا رفع فتنه باشد و روزه که تا افطار باشد.)

- سفارش قرآن به احسان، متوجه فرزندان است، نه والدین. «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» زیرا والدین نیازی به سفارش ندارند و به طور طبیعی به فرزندان خود احسان می کنند.

... و

ب) نمونه دوم: ایشان ذیل آیه شریفه: «يَسْئَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا» (۱) بیان می دارد که:

انگیزه های سؤال متعدّد است:

* گاهی سؤال، برای آزمایش کردن است. مانند سؤالات امتحانی.

* گاهی سؤال از روی استهزا است. مانند پرسش قدرتمند متکبر از ضعیف.

* گاهی سؤال از روی تعجب است. مانند پرسش انسان ترسو از انسان شجاع.

* گاهی سؤال، برای به بن بست کشاندن است. مانند پرسش بازپرس از مجرم.

* گاهی سؤال، برای به انحراف کشیدن است. مانند پرسش استاد منحرف از شاگرد.

* گاهی سؤال، برای ایجاد شک در دیگران است. مانند پرسش منحرفان.

* گاهی سؤال، برای رفع نگرانی است. پرسش مادر از فرزند.

* گاهی سؤال، برای دانستن است. مانند پرسش جاهل از عالم.

۱- . مردم پیوسته از زمان وقوع قیامت از تو می پرسند، بگو: علم آن تنها نزد خداست و تو چه می دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد.» سوره احزاب / آیه ۶۳.

* گاهی سؤال، برای توییح است. مانند پرسش معلم از دلیل تنبلی شاگرد.

در این آیه نیز، سؤال از زمان قیامت می تواند انگیزه های متفاوتی داشته باشد.

۵. برقراری ارتباط بین مفاهیم همسو

حجه الاسلام قرائتی، با دقت در مفاهیم و کشف یک نقطه مشترک بین آنها، بین موضوعات متعدد، به نوعی ارتباط برقرار کرده و آنها را به صورت مناسب، در یک افق معنایی قرار می دهد. دو نمونه: (در نمونه اول، «کثرت و تکاثر» و در نمونه دوم، «قداست و مقدس بودن» نقطه اشتراک بین مفاهیم است.)

الف) نمونه اول: انواع تکاثر؛ «تکاثر» از «کثرت» به معنای فزون طلبی و فخرفروشی، به واسطه کثرت اموال و اولاد است. «أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرِ» (تکاثر / ۱ و ۲)...

البته در همه امور تکاثر، امری منفی است:

تکاثر در شرک و چند خدایی «أَأَرْبَابٌ مُتَّفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ؟» (حضرت یوسف به هم زندانی های خود که مشرک بودند، گفت:) آیا ارباب متفرق بهتر است یا خداوند یکتای قهار؟» (یوسف / ۲۹)

تکاثر در غذا. بنی اسرائیل می گفتند: ما بر یک نوع غذا صبر نداریم «لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ» ما خوردنی های دیگر همچون پیاز و سیر و عدس و خیار می خواهیم. «فَتَأْتِيهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا». (بقره / ۶۱)

تکاثر در عمر. چنان که بعضی دوست دارند هزار سال عمر کنند. «يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ». (بقره / ۹۶)

تکاثر در مال. قرآن می فرماید: برخی افراد به دنبال جمع مال و شمارش آن هستند. «الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ» (همزه / ۲)

تکاثر در مسکن. قرآن در مقام سرزنش بعضی می فرماید: آیا بر هر تپه ای بنا و قصری بلند از روی هوا و هوس می سازید؟ «أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ» (شعراء / ۱۲۸)

ب) نمونه دوم: مقدسات در اسلام: در تمام دنیا با وجود عقائد مختلف، به بزرگان خود احترام خاص می گزارند. شهرها، خیابان ها، دانشگاه ها، فرودگاه ها، مدارس و

مؤسسات را به نام آنان نام گذاری می کنند. در اسلام نیز برخی افراد و حتی برخی گیاهان و جمادات قداست دارند.

در اسلام ریشه ی قداست و کرامت هر چیزی، وابستگی آن به ذات مقدّس خداوند است و هر چه این وابستگی بیشتر باشد، قداست هم بیشتر است و ما باید احترام ویژه ی آن را حفظ کنیم. اما مقدّسات:

۱. خداوند سرچشمه قدس است . . . در قرآن از تسبیح و تنزیه خداوند زیاد سخن به میان آمده است، یعنی ما باید برای خدا آن احترام و قداستی را بپذیریم که هیچ گونه عیب و نقصی برای او تصوّر نشود. نه تنها ذات او، بلکه نام او نیز باید منزّه باشد. «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (اعلی / ۱)

۲. کتاب خدا نیز احترام و قداست ویژه ای دارد. . .

۳. رهبران الهی، تمام انبیا و جانشینان بر حقّ آن بزرگواران به خصوص حضرت محمّد صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت او، دارای مقام مخصوصی هستند. پس از رحلت پیامبر نیز، زیارت آن حضرت (۱)

و زیارت و احترام جانشینان و ذریّه آن بزرگوار و تمام کسانی که به گونه ای به آن حضرت نسبت دارند، به خصوص علمای ربّانی و فقهای عادل و مراجع تقلید که به فرموده ی روایات، جانشینان پیامبرند، بر ما لازم است... نه تنها شخص پیامبران، بلکه آنچه مربوط به آنان است، قداست و کرامت دارد... (۲)

۴. در اسلام، والدین از کرامت و قداست خاصی برخوردارند....

۵. در اسلام، بعضی زمان ها مثل شب قدر، بعضی مکان ها مثل مسجد، بعضی سنگ ها مثل

حجرالاسود، بعضی آبها مثل زمزم، بعضی خاک ها؛ مثل تربت امام حسین علیه السلام بعضی لباسها؛ مثل لباس احرام، مقدّس شمرده شده است و باید برای آنها احترام خاصی قائل شد. . . .

ص: ۹۸

۱- . در کتب متعدّد مانند کتاب تبرک الصحابه نوشته آیها لله احمدی میانجی صدها نمونه از احترام اصحاب پیامبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در زمان حیات و بعد از رحلت ایشان ذکر شده است. تفسیر نور (۱۰جلدی)، ج ۹، ص: ۱۶۱.

۲- . در قرآن می خوانیم: صندوقی که موسی علیه السلام در زمان نوزادیش در آن نهاده و به دریا انداخته شده بود و پس از آن یادگارهای موسی و آل موسی در آن نگهداری می شد، به قدری مقدّس بود که فرشتگان آن را حمل می کردند و باعث پیروزی بر دشمنان می شد. بقره / ۲۴۸.

۶. انسان با ایمان نیز دارای قداست و کرامت است، تا آنجا که آبروی مؤمن از کعبه بیشتر است و آزار و غیبت او حرام و دفاع از حق او واجب و حتی بعد از مرگ نیز نبش قبر او حرام است. (۱)

۶. ارائه مفاهیم در قالب اشکال منطقی (نتیجه گیری از مضامین مرتبط)

از کارهای حجه الاسلام قرائتی، جمع آوری مضامین مرتبط و پراکنده و ارائه آن در قالب اشکال منطقی می باشد. در این شیوه، صغری و کبری از متون دینی انتخاب و سپس از آن دو مقدمه، نتیجه مورد نظر گرفته می شود. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول:

- مقدمه اول: قد افلح المؤمنون (مؤمنون/۱)

- مقدمه دوم: قد افلح من زکیها (شمس/۹)

- نتیجه: فالؤمن هو المزکی .

توضیح: در قرآن، برای رستگاری انسان ها دو عامل مطرح شده است: یکی ایمان: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» و دیگری تزکیه: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»،

بنابراین، حقیقت ایمان و تزکیه یکی است و هر کس می خواهد خودسازی کند، باید مؤمن واقعی باشد. آری! مؤمن واقعی کسی است که خود را تزکیه کند و تزکیه شده واقعی، کسی است که ایمان داشته باشد و احکام و تکالیف دینی را به دقت انجام دهد که در آغاز سوره مؤمنون آمده است.

ب) نمونه دوم:

- مقدمه اول: کلمه لاله لاله الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی. (۲)

- مقدمه دوم: ولایه علی بن ابیطالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی. (۳)

- نتیجه: ایمان و پذیرش ولایت، زمینه دریافت امتیث الهی است.

هم ایمان به خدای تعالی و هم پذیرش ولایت، هر دو زمینه دریافت امتیث الهی اند. دلیل آنکه

هم توحید و هم پذیرفتن رهبری حضرت علی ۷ هر دو با یک

ص: ۹۹

٢- .بحار الانوار، ج ٣، ص ١٣.

٣- .سفينه البحار، «ولى».

تعبیر به عنوان «دژهای محکم» (حصنی) بیان شده آن است که امام معصوم ما را به توحید راهنمایی می کند و توحید خالص هم ما را به رهبر الهی حواله می دهد و خط سیر انسان، در هر دو یکی است. به خلاف رهبران طاغوتی که ما را به سوی خود و ستایش و تملق از خودشان دعوت می کنند و از خدا دور می نمایند.

۷. دقت در وجوه تشابه و تبیین آن

با دقت در تشبیه‌ها و مثل‌هایی که در آیات و روایات آمده و تبیین وجوه تشابه، می توانیم نکات قابل توجه و لطایف شیرینی را استفاده کنیم و محتوای مناسبی را برای مخاطب آماده کنیم. در این کار، گاهی مشارکت دادن مخاطبان نیز می تواند آنان را به تأمل واداشته و آنها را نیز به ظرایف موجود در تشبیه توجه بدهد تا حلاوت درس دو چندان گردد.

در قرآن کریم، و روایات، معارف بلندی در قالب یک تشبیه آمده است؛ از شیوه های جذاب حجه الاسلام قرائتی، دقت در وجوه تشابه و استخراج نکات جالب از آن است؛ به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: تشبیه همسر به لباس.

در قرآن کریم آمده است که: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»؛ آنها (همسرانتان) برای شما (همچون) لباسند و شما برای آنها (همچون) لباس. در تشبیه همسر به لباس، نکات و لطایف بسیاری نهفته است:

* لباس باید در طرح و رنگ و جنس مناسب انسان باشد، همسر نیز باید کفو انسان و متناسب با فکر و فرهنگ و شخصیت انسان باشد.

* لباس مایه ی زینت و آرامش است، همسر و فرزند نیز مایه ی زینت و آرامش خانواده اند.

* لباس عیوب انسان را می پوشاند، هریک از زن و مرد نیز باید عیوب و نارسایی های یکدیگر را پوشانند.

* لباس انسان را از سرما و گرما حفظ می کند، وجود همسر نیز کانون خانواده را گرم و زندگی را از سردی می رهاند.

* دوری از لباس، مایه ی رسوایی است، دوری از ازدواج و همسر نیز گاهی سبب

انحراف و رسوایی انسان می گردد.

* در هوای سرد لباس ضخیم و در هوای گرم لباس نازک استفاده می شود، هر یک از دو همسر نیز باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی طرف مقابل تنظیم کند؛ اگر مرد عصبانی است، زن با لطافت با او برخورد کند و اگر زن خسته است، مرد با او مدارا کند.

* انسان باید لباس خود را از آلودگی حفظ کند، هر یک از دو همسر نیز باید دیگری را از آلوده شدن به گناه حفظ نماید.

ب) نمونه دوم: تشبیه منافقان به تنه های بریده شده درخت: «كَانَهُمْ خُشْبٌ مَّسِينَةٌ (۱)»، این شباهت، می تواند از چند جهت باشد: از جمله: سبکی و پوکی و شکسته شدن در برابر فشار و ضربه - جمود و خشکی و عدم انعطاف و تأثیر پذیری - عدم استقلال در ایستادن روی پای خود - عدم قدرت بر شنیدن و اندیشیدن.

۸. شمارش تکرارهای یک موضوع

از کارهای با جاذبه حجه الاسلام قرائتی، برجسته کردن مطالب یک موضوعی است که در موارد متعددی تکرار شده است. ایشان با بر شمردن تکرار در آیات و روایات و برجسته نمودن آن موضوع، به تبیین رابطه و اهمیت آن می پردازد. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: خطاب های خدای تعالی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم: در سراسر قرآن، بیش از دویست بار خداوند به پیامبرش می فرماید: «ربک» با آن که او پروردگار تمام هستی: «رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ» (انعام/ ۱۶۴) و پروردگار همه ی مردم است: «بِرَبِّ النَّاسِ» (ناس / ۱)، ولی از میان واژه های «رب» کلمه «ربک» بیش از همه به کار رفته و این نشانه آن است که خداوند بر پیامبرش عنایت خاصی دارد. چنانکه

ص: ۱۰۱

۱- . وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمِعَ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مَّسِينَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعِيدُ فَاحْذَرُهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ؛ و هرگاه آنان را ببینی، قیافه آنان (چنان آراسته است) که ترا به شگفت وادارد و اگر سخن گویند، (به قدری جذاب و زیباست که) به کلامشان گوش فرادهی، گویا چوب هایی هستند (خشک و بی مغز و بی فایده و به هم) تکیه داده شده، هر ندایی را علیه خود می پندارند، آنان دشمنند، پس از آنان دوری کن، خدا آنان را بکشد، چگونه از حق منحرف می شوند. سوره منافقون/ آیه ۴.

نمونه این عنایت ویژه را در آیات دیگر نیز مشاهده می‌کنیم، مثلاً خداوند نام اعضا و جوارح پیامبر را در قرآن مطرح کرده است: چهره ات: «وَجْهِكَ» (بقره/ ۱۴۴) زبانت: «لِسَانِكَ» (قیامت/ ۱۶) چشمانت: «عَيْنَيْكَ» (حجر/ ۸۸) گردنت: «عُنُقِكَ» (اسراء/ ۲۹) دستانت: «يَدَاكَ» (سراء/ ۲۹) سینه ات: «صَدْرِكَ» (اعراف/ ۲) کمرت: «ظَهْرَكَ» (ضحی/ ۳).

ب) نمونه دوم: اگر در جاده یک علامت خطر بود معلوم است یک پیچ دارد و خطر شدت ندارد؛ اما اگر علامت های متعدد؛ از قبیل: خطر، حداکثر سرعت ۲۰ کیلومتر، آهسته، و... باشد، معلوم می‌شود که خطر خیلی جدی است. حال در جاده هدایت قرآن بیش از ۱۰۰ مرتبه عبارت «دُونِ اللَّهِ» و «دُونِهِ» آمده است، یعنی اطاعت و پرستش غیر خدا شرک است. مؤمنان نیز در مواردی که به

غیر از فرمان الهی و معیارهای الهی عمل می‌کنند از مدار توحید خارج می‌شوند. «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (۱) یعنی

اکثر مؤمنان، مشرک نیز هستند و تکیه گاه های غیر الهی دارند. در روایت آمده است که این گونه شرک از حرکت مورچه در شب تاریک بر سنگ سیاه پوشیده تر است. بنابراین شرک، تنها بت پرستی نیست، بلکه وابستگی به هر قدرت، مقام، مال، مدرک، قبیله و هر امری که در جهت خدا نباشد، شرک است.

د) گزینش و چینش مناسب:

۱. داشتن طرح درس و نظم در ارائه

داشتن طرح درس و نظم در ارائه، با سیر پلکانی و ترتب داشتن آن از بهترین راههای نتیجه گرفتن است. از شیوه های مهم و مستمر حجه الاسلام قرائتی این است که مطالب خود را قبل از درس، در قالب طرحی می نویسد و با تعیین تقدّم و تأخر نکات، به صورت پله پله و گام به گام بحث را به جلو هدایت می کند و به نتیجه گیری نهایی می رسد. البته، اگر چه ایشان، به خاطر ممارست در تدریس و

ص: ۱۰۲

کثرت مطالعه، نکاتی خارج از عناوین یادداشت که به ذهنش خطور می کند و مناسب بحث است را می گوید، اما مهم این نکته است که با همه تجربه، همیشه سیر بحثی را به صورت مکتوب در دست دارد و با طرح درس، تدریس می کند. ایشان در یکی از درسها که در خصوص وقف بوده، متذکر می شود که:

«اینها چیزهایی است که محصول سی چهل ساعت مطالعه بوده که من دیشب فقط چهار ساعت نشستم، اینها را تنظیم کردم. یک تابلویی از این دریاوریم...»

البته، چنین نیاز به دقت، سلیقه و حوصله دارد و با ممارست، امر آسانی خواهد شد. از نکات مهمی که حاج آقای قرائتی، در تقدم و تأخر و چنین مباحث متذکر می شوند این که:

«در ارائه مباحث، اول از نکات واجب و ضروری و مورد ابتلاء شروع کنیم و مطالبی تکمیلی که مانند مستحبات در احکام است، را بعد از بیان مطالب لازم و واجب بگوییم و این نکات تکمیلی را هم با گزینش و انتخاب ارائه دهیم تا به خوبی وقت جلسه را مدیریت کنیم و حوصله و توان مخاطب را هم لحاظ نماییم. همچنین، در تبیین حلال و حرام، اول حلالها و سپس حرامها را بگوییم؛ مثلاً اول نگاههای حلال و بعد نگاههای حرام. چون اصل در همه چیز حلال و مباح بودن است، مگر دلیلی حرمت آن را اثبات کند.»

۲. روشن نمودن چشم انداز بحث (نوشتن سرفصل های مهم بر روی تخته)

یکی از کارهای خوب حاج آقای قرائتی این است که در ابتدای بحث عناوین و تیترهایی را که با دقت انتخاب نموده است (۱) را بر روی تابلو می نویسد و با این کار، در ابتدای درس چشم انداز و نمای کلی بحث را برای مخاطب ترسیم می نماید. در اینجا، چند نمونه از سرفصل هایی درس که ایشان، با دقت گزینش و چنین نموده و به صورت تیتروار ارائه نموده اند، را مرور می کنیم:

ص: ۱۰۳

۱- . در خصوص دقت در نوشتن تیتروار، ایشان در یکی از بحث ها می فرماید: «بحثمان این خواهد بود. عوامل شکست، باز من می ترسم تیتروار عوامل شکست یک خرده بزرگ باشد. می نویسم گوشه ای از عوامل شکست!»

الف) موضوع اصلی: فرهنگ لباس:

عناوین آن را می نویسم، بعد درباره ی آن صحبت می کنم.

۱. برهنگی کیفر الهی است ۲. لباس و تقوا

۳. لباس نازک ۴. لباس برای محرومین و محرومان

۵. لباس تشویق ۶. تناسب لباس و سن

۷. قداست لباس ۸. لباس جنگ

۹. لباس کار ۱۰. لباس نوزاد

۱۱. لباس عروس ... تا ... می رویم، آخرین لباس، کفن. (۱)

ب) موضوع بحث: مشخصات اداره ناسالم و مریض:

ابتدا تیتراها را می نویسم و سپس تذکراتی می دهم: اداره مریض:

- منت

- سوء استفاده

- سوء ظن

- کم کاری

- بی مهری

- بدرفتاری با مراجعین

- کارشکنی

- استعفا و ... (۲)

۳. تقطیع مناسب آیات و روایات

حاج آقای قرائتی برای ارائه بحث، پس از انتخاب موضوع، با دقت در آیات و روایات، محل استشهاد را انتخاب و قبل و بعد

آن را حذف می کند یا این که اگر بخواهد از یک آیه یا روایت طولانی استفاده نماید، معمولاً آن را در یک خط ممتد نمی نویسد؛ بلکه با تقطیع مناسب، به صورت جدا و از بالا به پایین می نویسد تا با

ص: ۱۰۴

۱- . برنامه درسهایی از قرآن ۲۴ / ۰۱ / ۷۰.

۲- . برنامه درسهایی از قرآن، ۲۳ / ۰۶ / ۶۸.

ایجاد جدایی بین جملات، مخاطب بتواند بهتر به ابعاد یک آیه شریفه یا حدیث توجه نماید.

البته در تقطیع باید دقت داشت تا به گونه ای عمل شود که جمله مورد نظر، قابلیت تقطیع و جدا شدن از قبل و بعد را داشته باشد و کلمه یا جمله مرتبط - که در معنای جمله تقطیع شده نقش داشته باشد - وجود نداشته نباشد و الا، در این صورت، در کنار تقطیع باید به آن نکته و مطلب اشاره کرد تا تحریفی در معنا اتفاق نیفتد.

در بحث آیات در «تفسیر نور» یا برنامه های «درسهای از قرآن» به صورت فراوان می توان به این سبک دسترسی پیدا کرد، به عنوان نمونه:

الف) در آیات: در بحث مصرف بیان نموده اند:

در اسلام مصرف چند قید دارد.

۱. حلال باشد: «حلالاً» (مائده / ۸۸)

۲. به اندازه و به دور از اسراف باشد: «وَلَا تُسْرِفُوا» (اعراف / ۳۱)

۳. پاک و دلپسند باشد: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (بقره / ۱۷۲)

ب)

تقطیع احادیث:

در احادیث نیز ایشان، همان نقطه استشهاد را تقطیع و بیان می کند؛ مثلاً

«هر کس هر کاری می کند براساس محبت است به همین خاطر روایت داریم: "هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ" ایمان چیزی جز حب و بغض نیست. همین که در فروع دین می گویند.»

جمله بالا- برگرفته از این حدیث است که: فَضَيْلُ بْنُ يَسَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبِيدٍ اللَّهِ عَنِ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ أَمْ مِنَ الْإِيمَانِ هُوَ فَقَالَ وَ هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ

زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ. (حجرات / ۷) (۱)

یا این که یک حدیث که چند جمله مستقل دارد، را به صورت جمله جمله و جدا

ص: ۱۰۵

از هم می نویسد و توضیح می دهد؛ مانند: رسول خدا ۹ فرمودند: امت من باید چهار اصل را فراموش نکنند:

۱. «يُحِبُّونَ التَّائِبَ» کسی که آمده و رو به خدا شده است، دوستش داشته باشند و نیش به او نزنند. . .

۲. «وَيَرْحَمُونَ الضَّعِيفَ» به ضعیف رحم کنند. آدم هایی هستند که ضعیف اند. حالا یا از نظر مالی ضعیف هستند که باید به ایشان رحم کرد و کمکشان کرد و یا از نظر فکری ضعیف هستند. . .

۳. «وَيُعِينُونَ الْمُحْسِنَ» اگر کسی کار خوبی می کند، کمکش کنید. . .

۴. «وَيَسْتَعْفِرُونَ لِلْمُذْنِبِ» کسی که گناه می کند، برایش طلب استغفار کن. . .

۴. دسته بندی

حاج آقای قرائتی، با گذاشتن وقت مناسب، نکات مهم، مشترک و کلیدی یک موضوع را جمع نموده و به صورت منظم دسته بندی و ارائه می نماید. برای دیدن نمونه های دسته بندی، به صورت فراوان در فیش های تبلیغی و تفسیر نور این روش دیده می شود. در این جا، نمونه هایی از دسته بندی در آیات و روایات را ارائه می نمایم:

(الف)

دسته بندی آیات: پرندگان در قرآن کریم

در قرآن، در چندین آیه از پرندگان سخن به میان آمده است از جمله:

۱. ماجرای حضرت ابراهیم و زنده شدن چهار پرنده. «فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ؛ (بقره / ۲۶۰) که پرندگان وسیله آشنایی با توحید و معادشناسی قرار می گیرند.

۲. یکی از معجزات حضرت عیسی ساختن مجسمه ای از یک پرنده بود که با دمیده شدن نفس حضرت حیات گرفت. «أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا» (مائده / ۱۱۰)

۳. در این آیه پرندگان هم نوا با داود می شوند. «وَ الطَّيْرَ مَحْشُورَةً» (ص / ۱۹)

۴. ههد که برای سلیمان خبر آورد و نامه رسانی کرد. «أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ» (نمل / ۲۸)

۵. پرندگان منطق دارند و انبیا آن را می دانند. «عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ» (نمل / ۱۶)

۶. پرندگان که وسیله ی نابودی دشمنان می شوند. «وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ» (فیل/۳)

۷. پرندگان، تسبیح و نماز آگاهانه دارند. «كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ» (نور/۴۱) (۱)

ب) دسته بندی در روایات: موضوع بحث «ادب و آداب نیایش گر» پس از بیان مقدمه: آداب دعا

۱. رو به قبله بودن: داریم که وقتی دعا می خوانید سعی کنید رو به قبله بنشینید..

۲. بلند کردن دستها: حدیث داریم وقتی می خواهید دعا کنید، دستهایتان را تا مقابل صورت بیاورید..

۳. خضوع و انابه و گریه: خیلی برای گریه آیه داریم و بیشتر روایت داریم، ..

۴. عمومی دعا کردن: یکی از آداب دعا این است که عمومی دعا کنیم. «اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ» یعنی همه را دعا کنیم..

۵. انتخاب وقت مناسب برای دعا: دعا بین دو نماز خیلی ارزش دارد وقتی باران رحمت می آید دعا سفارش شده است..

۶. پنهانی بودن دعا: دعا باید مخفیانه باشد.

۷. دسته جمعی دعا کردن: دسته جمعی دعا کنید. امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی مشکلی پدرم را محزون می کرد، زن و بچه اش را صدا می کرد و می گفت: من دعا می خوانم و شما آمین بگوئید.

۸. صلوات فرستادن قبل و بعد از دعا: قبل از دعا بگوئید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و ...

۹. شمردن نعمتها و گناهان قبل از دعا: ...

۱۰. همیشه دعا کردن: ...

۱۱. گفتن نام حاجت: ...

۱۲. مقدم کردن دیگران بر خود: ... (۲)

ص: ۱۰۷

۱- . تفسیر نور (۱۰ جلدی)، ج ۸، ص: ۸۹.

۲- . برنامه درسهایی از قرآن، ۱۹ / ۰۱ / ۷۰.

انسان فطرتاً تنوع طلب است. خلقت با تنوع، عجین است و نمونه های فراوانی دارد؛ مانند تنوع

رنگ ها در هستی، تنوع در نوع و طعم میوه ها و... همچنین در بهشت نیز باغ ها، چشمه ها، میوه ها، خوراکی ها و نهرها همه متنوع اند. (۱)

در سخنرانی نیز، یکنواختی و عدم تنوع، سبب خستگی و ملال مخاطب و قطع ارتباط با او می گردد. سخنرانی، مانند یک سفره غذاست؛ سفره ای برای روح و جان انسان؛ و همان گونه که در سفره های مادی در کنار غذای اصلی، برخی چیزهای دیگر؛ مانند آب، سبزی، ماست و... وجود دارد، همچنین در سفره معنوی سخنرانی باید در کنار غذای اصلی از برخی عناصر غذایی که نقش مکمل را دارد بهره گرفت تا با ترکیب و تنوع مناسب، اشتهاى روحى مخاطب را تحریک کند.

از روشهای مجرب و موفق حجه الاسلام قرائتی، بیان متنوع است. ایشان با گزینش و چینش مناسب و دقیق، سفره ی رنگارنگ و چشم نواز معنوی پهن می کند و این تنوع حساب شده، تأثیر زیادی در جذب مخاطبان ایفاء می نماید. این معلم موفق، در این خصوص فرمودند: «هم در شیوه بیان یک مطلب و هم در موضوع کلاس و سخنرانی، باید تنوع باشد:

الف) تنوع در شیوه ی بیان یک مطلب: تنوع در شیوه ی بیان و استدلال و آموزش، راه پذیرش را بازتر می کند. «وَ كَذَلِكَ نُصَيِّرُ الْآيَاتِ وَ بَدِينِ سَانَ آيَاتِ رَا دَر شَكْلِ هَايِ كُوناگون بِيان مِي كَنِيْم.» (أنعام / ۱۰۵) و خدای تعالی با روشهای متعددی از یک موضوع سخن گفت. (در توضیح «اصل تکرار» بیان نمودیم). (۲)

ص: ۱۰۸

۱- . إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَ عُيُونَ . وَ فَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ همانا پرهیزکاران در سایه ها و چشمه ها (قرار دارند). و هر نوع میوه که بخواهند فراهم است. سوره مرسلات / آیه ۴۲ و ۴۱.

۲- . یکی از معروف هایی که در قرآن و روایات روی آن تأکید فراوانی شده، کمک به مردم و انفاق است. قرآن برای اینکه این معروف را در مردم احیا کند، شیوه های متعدد و متنوعی به کار برده است؛ از جمله: ۱. دنیا کم است. (مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ . نساء / ۷۷) و تو انسان و جانشین خدایی. (أَنْتَى جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً . بقره / ۳۰) حیف است که تو اسیر دنیا شوی. (ارْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا . توبه / ۲۸) در این شیوه، قرآن با معرفی جایگاه انسان که خلیفه خداست و جایگاه دنیا که متاع قلیل است، انسان را آماده انفاق می کند. ۲. اگر مالی را در راه خدا بدهی، سایر اموال تو بیمه خواهد شد. بنابراین، ضرر نمی کنی. (حَصِّ نُوا اموالکم بالزکاه). ۳. اگر به فقرا کمک نکنی، اموال تو نابود خواهد شد؛ زیرا آه فقرا یا یورش محرومان مالکیت تو را متزلزل خواهد کرد. (انفقوا... و لا- تلقوا بایدیکم الی التهلکة؛ بقره / ۱۹۵ البته آیه در مورد تامین بودجه جنگ و کمک به رزمندگان است که اگر حمایت، نشوند مسلمین شکست می خورند) ۴. اگر چیزی را در راه خدا بدهی، خداوند جای آن را پر خواهد کرد. این وعده در قرآن آمده است. (ما انفقتم من شئی ء فهُوَ يُخْلِفُهُ . سباء / ۳۹) ۵. کسانی که کمک نکردند، در آب و خاک غرق شدند. نگاهی به تاریخ فرعون و قارون آن را ثابت می کند. (فَخَسَفْنَا بِهِ وَ بِحَدَارِهِ . قصص / ۸۱) اغرقناه وَ

جُنُودَه (یونس/۷۳) ۶. افرادی براحتی در راه خدا ایثار کردند. (و يُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ. حشر/ ۹) تو چرا عقب ماندی. انسان در کمالات باید در حال مسابقه و رقابت باشند. ۷. مثال مالی که انفاق می شود، مثال دانه ای است که در زمین کاشته می شود و از آن هفت خوشه بیرون آید که در هر خوشه، صد دانه است. (كَمْثَلٍ حَبِّهِ انْتَبَتْ سَيِّعٍ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُئْبَلِهِ مِأَةٌ حَبِّهِ. بقره/ ۲۶۱) ۸. اموالی که در دنیا گنج می شوند و به فقرا کمک نمی شوند، در قیامت داغ می کنند. و بر پیشانی و پهلوی سرمایه داران می گذارند و به آنان خطاب می شود: این همان چیزی است که در دنیا انداخته بودید. (فَتَكُونُ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ. توبه/ ۳۵) تمام تعبیرات فوق که برخاسته از آیات قرآنی است، شیوه به تمکین در آوردن مردم برای انفاق به فقر است.

ب) تنوع در موضوع: سبک قرآن کریم، تنوع در بیان است. خدای تعالی، در مورد خداشناسی، آسمان و شتر را در کنار هم نام می برد: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ، وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ؛ آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ و به آسمان، که چگونه برافراشته شده.» (غاشیه/ ۱۷ و ۱۸) و در عدالت، آسمان و ترازو را در کنار هم می گذارد: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ، أَلَمْ تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ؛ و آسمان را بالا برد و قانون و میزان را مقرر کرد تا در سنجش و میزان تجاوز نکنید.» (الرحمن/ ۷ و ۸)

همان گونه که در تبیین «اصل نیاز» در بحث «مخاطبان» متذکر می گردیم، نیازهای مردم متنوع است؛ لذا سخنان معلمان و مبلغان نیز باید متنوع باشد. حجه الاسلام قرائتی می فرماید: «کسی می گفت: من ده شب راجع به "سدره المنتهی" صحبت کردم. گفتم: ببخشید! مردم هیچ مشکل دیگری جز "سدره المنتهی" نداشتند؟ مشکل نماز، زکات، مشکل اخلاق، همسر داری، بچه داری، خانه داری، لقمه حلال، هیچ مشکلی نداشتند که شما ده شب روی منبر فقط راجع به این صحبت کردی؟»

ص: ۱۰۹

از شیوه های مجرب و موفق، بهره گیری از فرصت های کوتاه برای ارائه سخنرانی های مختصر و مفید است و روشن است که این حرف به معنای تعطیلی سخنرانی های سنتی که به نسبت طولانی تر است، نیست؛ بلکه با توجه به حوصله مخاطبان و اقتضای شرایط و وجود برخی فرصت های طلایی و کوتاه که امروزه در دانشگاه ها، مدارس، مراکز و محیط های نظامی، ادارات و... به دست می آید؛ لذا خوب است تا معلّمان و مبلّغان، برای ارائه صحبت های کوتاه، آمادگی لازم را داشته باشند تا بتوانند از این فرصت های ناب، در دقایق کوتاه، نکات گزیده و مفیدی را بیان نمایند.

از سفارشهای مهم حجه الاسلام قرائتی این است که: «چه خوب است که سخنان و موعظه ها

کوتاه باشد.» این منطق بر گرفته از قرآن کریم و سیره معصومین: است. خدای تعالی می فرماید: «إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ؛ من شما را به یک سخن پند می دهم.» (۱)

و امیرالمؤمنین ۷ فرمودند: «بهترین کلام این است که نه ملال آور باشد و طول بکشد و نه اینقدر کوتاه باشد که مخاطب نفهمد.» (۲)

این معلّم موفق، در سفارشی دیگر فرمودند: «گرچه گاهی سخنرانی و گفتگوی طولانی نیاز است، ولی اصل در گفتن و نوشتن کوتاه بودن است. در میان نامه های حضرت علی علیه السلام فقط چند نامه طولانی وجود دارد و در میان سخنان امیرالمؤمنین و امامان معصوم: کلمات کوتاه به مراتب بیش تر از سخنان طولانی است. تجربه نشان می دهد که کلمات مفید و کوتاه را انسان هم زود فرا می گیرد و هم دیر فراموش می کند و هم می تواند یادداشت کند و به دیگران منتقل کند.»

اگر چه توصیه اکید ایشان، گزیده گویی است؛ در عین حال، برای سخنرانی طولانی تر در شرایط مقتضی می فرماید:

ص: ۱۱۰

۱- سبأ / ۴۶.

۲- . خَيْرُ الْكَلَامِ مَا لَا يُمَلُّ وَلَا يُقِلُّ. تصنیف غررالحکم / ص ۲۱۰. همچنین فرمود: «آفَةُ الْكَلَامِ الْإِطَالَةُ؛ طول دادن، آفت کلام است.» همان، ص: ۲۱۲. «كَثْرَةُ الْكَلَامِ تَمَلُّ السَّمْعَ؛ کلام زیاد، گوش را ملول می کند.» همان، ص: ۲۱۲.

«به تمام کسانی که از من می پرسند: چرا منبرهای ما نمی گیرد، می گویم: کم حرف بنید؛ بعد که مردم خوششان آمد، کم کم زمانش را بیشتر کنید.»

همچنین، به طور مکرر یادآوری می نمایند که:

«مردم بیست دقیقه اول به سخنرانی دل می دهند، بیست دقیقه دوم فقط گوش می دهند. بیست دقیقه سوم، نه دل می دهند و نه گوش، فقط نگاه می کنند؛ لذا سخنرانی حداکثر باید بیست دقیقه باشد. هر مقدار توان ارائه شیرین و بیان مزاح حکیمانه را داشتید، بر این زمان بیفزایید. ضمن این که بیست دقیقه اول هم، باید متنوع صحبت کرد.»

حاج آقای قرائتی، با توجه به اقتضائات متفاوت، هم سخنرانی های کوتاه دارد و هم برخی برنامه ها؛ مانند درسهایی از قرآن که حدود نیم ساعت طول می کشد. در عین حال، تأکید ایشان، خسته نکردن مخاطب و پرهیز از طولانی کردن سخنرانی و توجه به گزیده گویی و ارائه مطالب گلچین شده است؛ به ویژه در برخی شرایط که مکان یا زمان اقتضای سخنان کوتاه را دارد، بهره گیری از این شیوه، بسیار اهمیت دارد؛ به همین جهت این استاد با تجربه، کتاب «دقایقی با قرآن» را برای اجرای چنین برنامه هایی منتشر کردند و خودشان، معتقد است که در برخی مواقع،

می توان به اندازه یک دقیقه صحبت کرد و در تفسیر نور، ده ها مباحث کوتاه یک دقیقه ای وجود دارد. به عنوان نمونه، خاطره ای از ایشان که در بردارنده این روش است، تقدیم می گردد:

«در پاکستان سخنرانی داشتم به من گفتند که اینجا همه استاد دانشگاه و سنی هستند، گفتم ما با سنی ها مسأله ای نداریم. حدود ۳۰۰ نفری بودند. من هم بدون پرداختن به موضوع شیعه و سنی، یک بحث کلی، ارائه دادم و آنها چند دقیقه ای کف زدند، آخر سخنرانی یکی از آنها بلند شد و فریاد زد: «احسن! حیف که تو شیعه هستی». گفتم قرار شد، بحث شیعه و سنی نکنیم و تو غصه نخور که من شیعه هستم، وقت بگیرد من ظرف یک دقیقه ثابت می کنم که چرا شیعه هستم، با سه آیه که همه ی شما حفظ هستید. دیدم خیلی حساس شدند که من می خواهم در یک دقیقه با سه آیه قرآن که همه حفظ هستند، شیعه بودنم را ثابت کنم، به

صورت مکرر گفتند: بگو... هیجانی شدند، گفتم:

۱. تا پیغمبر بود شیعه و سنی نبود، رهبر همه پیغمبر بود، «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ» (احزاب / ۲۱) که الگوی همه بندگان خدا معرفی شد، بعد از پیغمبر ما دین خود را از اهل بیت گرفتیم و شما از چهار فرد دیگر و قرآن راجع به اهل بیت علیه السلام می فرماید: «يُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب / ۳۳) لذا اهل بیت علیه السلام معصوم هستند، ولی هیچ کس نگفته امامان چهار گانه اهل سنت، معصومند.

۲. اهل بیت، در قرن اول هجری بودند و چهار امام شما (امام ابوحنیفه، امام احمد، امام مالک و امام شافعی) در قرن دوم هجری متولد شدند، لذا اهل بیت، یک قرن جلو تر هستند و قرآن می گوید، «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعہ / ۱۰ و ۱۱)

۳. تمام اهل بیت علیه السلام شهید شدند یکی از امام های شما شهید نشد، قرآن می گوید، «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ» (نساء / ۹۵)

۷. گریز زدن در بین بحث (پرانترهای به جا)

از کارهای خوبی که حاج آقای قرائتی در گزینش و چیش مطالب خود مد نظر داشته و انجام می دهد و به صورت فراوان از این شیوه بهره می گیرد، این که در کنار تبیین موضوع اصلی بحث، اگر جای گریزی به یک نکته یا مطلبی باشد، این کار را به خوبی انجام می دهد؛ البته، گریز های به جا و به موقع و پرائترهای حساب شده؛ استفاده از این شیوه، علاوه بر انتقال پیامهای کوتاه به مخاطب، سبب تنوع، روانی و شیرینی کلام نیز می گردد. دو نمونه:

الف) نمونه اول: در روز جمعه وظیفه چیست؟ نظافت، غسل جمعه و... نمی دانید چقدر حدیث

برای غسل جمعه داریم. ضمناً یک نکته تربیتی هم در این میان برایتان بگویم. گاهی پدرها از ما می پرسند که ممکن است بچه ما به سن تکلیف رسیده باشد؛ ولی خجالت می کشیم که به او غسل جنابت یاد بدهیم. چگونه به او بگوئیم؟ قبل از آنکه بچه ها بزرگ شوند، پدرها و مادرها از همان موقع که بچه هایشان می فهمند. به او غسل جمعه یاد بدهند. وقتی غسل جمعه رایاد گرفت، بعد آرام با یک اشاره ای به او می گوید اگر یک وقت مسئله ای شد، مثل غسل جمعه

باید غسل کنی. یعنی آدم غسل جمعه را که یاد داد، باقی غسل ها را می گوید مثل غسل جمعه است. (۱)

ب) نمونه دوم: موضوع درس «یاد نعمت ها»، است و ایشان به مناسبت حدیثی را خواندند که امام می گوید: «تعجب می کنم، مردم غذایی را که می خورند دقت می کنند، ولی دوستی را که می گیرند، دقت نمی کنند.» و همین جا به زیبایی گریزی می زند و نکات مناسبی را ذیل عنوان «مقایسه بین دوست فاسد و غذای فاسد» بیان می کند. (۲)

۸. زمینه سازی

برای آنکه مخاطب احساس نیاز به بحث بکند، ما نیاز به زمینه سازی و بسترسازی داریم و باید حداکثر دقت در گزینش و چینش مطالب به عمل آید. این شیوه در هر بحثی صورت گیرد، خوب و مؤثر است؛ ولی در برخی از بحثها ضروری است. حجه الاسلام قرائتی در این خصوص بیان می نماید که:

«همان گونه که هواپیما برای پرواز خود، نیاز به آماده شدن موتور، حرکت در باند و سرعت بخشیدن به حرکت، به عنوان مقدمه و برای پرواز دارد. همچنین، همان گونه که بخشی از زکات،

باید صرف تألیف قلوب شود تا بستری برای ارتباط و

ص: ۱۱۳

۱- . برنامه درسهایی از قرآن، ۶۶/۰۵/۰۱.

۲- . «حدیث در رابطه با این است که یکی از چیزهایی که ما را از یاد خدا غافل می کند، دوست فاسد است. تحلیل بیشتر حدیث: ۱. غذای فاسد، چند روزی، و دوست فاسد، برای همیشه فاسد می کند، ۲. غذای فاسد را انسان با مزه و . . . تشخیص می دهد، ولی دوست فاسد را انسان تشخیص نمی دهد. ۳. آثار غذای فاسد در فاصله ی کمی از بین می رود، ولی آثار دوست فاسد زود از بین نمی رود. ۴. در غذاشناسی کار شده است. دانشکده و پزشک غذاشناس داریم، اما در دوست شناسی کسی کار نکرده است. ۵. غذای فاسد شخص را نابود می کند، دوست فاسد شخصیت را نابود می کند ۶. شخص با خوردن غذای فاسد به فکر بهبود می افتد، ولی دوست فاسد چنان انسان را غافل می کند که انسان به فکر اصلاح نیز نمی افتد. ۷. غذای فاسد تا هست ضرر دارد، و وقتی خارج شود ضرر ندارد؛ اما دوست فاسد هم حضور و وجودش و هم نبود او ضرر دارد. ۸. غذای فاسد ضررش فردی است، ولی دوست فاسد ضررش اجتماعی است. غذای فاسد معده را مختل می کند و دوست فاسد مغز را مختل می کند. مختل کردن دستگاه گوارش یا مختل کردن دستگاه تفکر، کدام یک مهم تر است؟»

برنامه درسهایی از قرآن، ۶۰/۱۱/۰۹

شنیدن حق قرار گیرد و همان گونه که قرآن می فرماید، از طیبیات بخورید و بعد می گوید عمل صالح انجام دهید یا خداوند به حضرت آدم علیه السلام می گوید هر چه می خواهی بخور ولی، این میوه را نخور. . . در همه این نمونه ها بسترسازی به چشم می آید.

از نظر روانی و تربیتی، برای تأثیر بهتر بر مخاطب، باید زمینه سازی کرد. خدای تعالی قبل از شروع قصه یوسف، مقدمه چینی می کند. «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ؛ بهترین داستان را بر تو بازگو می کنیم» (یوسف/ ۳) یا این که در قرآن کریم، هشتاد و نه مرتبه خطابات با «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» که بیانگر نوعی احترام است، آمده و پس از آن دستوری برای انجام یا ترک کاری صادر شده است. (۱) در

اعمال عبادی هم این گونه است؛ وضو، اذان و اقامه، مقدماتی هستند که انسان را برای نماز آماده می کنند یا در زیارت؛ غسل زیارت، ذکر در مسیر و اذن دخول، مقدمات آماده کننده زیارتند.»

از روشهای خوب حاج آقای قرائتی، بهره گیری از زمینه سازی و مقدمه چینی است. ایشان در موارد متعددی، به جای عجله در بیان نکته و پیامی که در نظر دارد، با بهره گیری از زمینه سازی، و با چینش دقیق، مخاطب را به صورت گام به گام، به آن پیام اصلی که مد نظر دارد، هدایت می کند.

دو نمونه:

الف) نمونه اول: «... کلمات حق، همچون شکر است؛ ولی همین شکر را اگر در گلوی بچه بریزیم، امکان دارد خفه شود. باید شکر تبدیل به شربت شود تا برای همه افراد قابل استفاده و تحمل شود. گاهی بیان حق نیاز به زمینه سازی دارد. اینجانب از لطف خدا، تقریباً بیش از دو هزار ساعت در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی صحبت کرده ام. برای بیان بعضی بحثها از قبل زمینه سازی می کنم. از خاطر نمی رود زمانی که می خواستم درباره روایات کفن صحبت کنم، فکر کردم که بعضی از مردم، حوصله شنیدن این گونه حرفها را ندارند. پس، زمینه را این گونه

ص: ۱۱۴

۱- . مانند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ. . .» (بقره/ ۱۵۳) «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف/ ۲)

آماده کردم که: از نیازهای عمومی و همگانی، نیاز به لباس است. اسلام برای هر فصل و زمان و کاری لباس در نظر گرفته و دستوراتی داده است؛ مثل لباس کودک، لباس کار، لباس جنگ، لباس نماز

عید، لباس احرام، لباس عروس، نظافت لباس، رنگ لباس و ...

و برای هر یک از عناوین هم حدیثی و نکته ای گفتم. کم کم مردم را برای شنیدن بحث آخرین لباس (کفن) و روایات کفن آماده کردم. ولی اگر از ابتدا می گفتم: موضوع بحث امروز کفن است، شاید میلیونها نفر تلویزیون را خاموش می کردند.»

ب) نمونه دوم: برای سخنرانی به سمیناری دعوت شده بودم. در بین راه، مسئول سمینار به من گفت. شرکت کنندگان از اساتید دانشگاه و شخصیت‌های علمی هستند. لازم است بحثی در شأن تحصیلات آنها گفته شود. گفتم: ساده ترین مطالب را می توان با مقدمات و زمینه چینی برای بزرگترین افراد گفت... و این گونه بحث را آغاز کردم که:

بهترین پزشک کسی است که وقتی برای عضوی و دردی نسخه ای می نویسد، با توجه به تمام اعضاء و ارتباطات آنها باشد. برای مثال داروی کلیه، ضرری به قلب و اعصاب نزند. داروی قلب، لطمه ای به اعضای دیگر نزند. سپس گفتم: بهترین طیب، اسلام است که برای هر مسأله ای نسخه می دهد که با توجه به نظام آفرینش و همه ابعاد تربیتی است. بعد از مستمعین اجازه خواستم تا مثالی ساده بزنم.

گفتم: همین مسأله ادرار کردن، در اسلام آدابی دارد که با توجه به نظام طبیعت بیان شده است. اسلام به ما فرموده است که:

۱. رو به خورشید و ماه نباشد.

۲. رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

۳. رو به باد نباشد.

۴. در نهر آب نباشد.

۵. پای درخت میوه نباشد.

ص: ۱۱۵

۶. محل استراحت و رفت و آمد عموم نباشد.

۷. در انتظار نباشد.

۸. ایستاده نباشد.

۹. روی زمین سخت نباشد.

۱۰. در زمین غصبی نباشد.

۱۱. در سوراخ حشرات نباشد.

۱۲. بدون تطهیر با آب نباشد.

شما در این مسأله جزئی و ساده، جامعیت اسلام را می بینید. دیدید که چگونه در نسخه ای که برای ادرار کردن داده، همه چیز را در نظر گرفته است؛ هم مسائل طبیعی، هم اجتماعی، هم طبّی، هم اخلاقی و هم دینی.»

سپس بحث خود را ادامه دادم. هنگام بازگشت از مسؤول سمینار پرسیدم: آیا مشاهده کردی که چگونه آداب ادرار کردن را گفتم؛ هر چند که شنوندگان از تحصیل کرده ها بودند؟ او گفت: تو با زمینه چینی آنان را آماده شنیدن کردی.

۹. جمع بندی و خلاصه درس

جمع بندی و ارائه خلاصه درس، در برخی از فزازه‌های درس و به ویژه در پایان دروس امر مهم و ضروری است. از روشهای خوب و مناسب حاج آقای قرائتی، ارائه خلاصه درس و جمع بندی است. ایشان، ضمن این که در ابتدای برخی دروس - در صورت لزوم - خلاصه ی درس یا درسهای قبل که مرتبط است، را بیان می نمایند؛ همچنین، در بین درس - به ویژه اگر مطلبی نسبتاً مفصل باشد - به صورت خلاصه و تیتروار، نکات مهم را به صورت خلاصه تکرار می نمایند. اما مهم ترین بخش کاری ایشان، جمع بندی پایانی و خلاصه کردن بحث در آخر جلسه است که تقریباً یک روال ثابت در درسهای ایشان است که این کار، کمکی به فهم بهتر و تثبیت آموخته‌های مخاطب است؛ ضمن آن که افرادی که دیرتر به جلسه رسیدند نیز با این جمع بندی با کلیت بحث آشنا می گردند.

به عنوان نمونه، برخی تعابیر در خصوص خلاصه گویی درسهای قبل یا در بین جلسه و آخر جلسه از درسهایی از قرآن نقل می نمایم:

ص: ۱۱۶

- در جلسه قبل بحث مان این بود که یک مکتب خوب مکتبی است ...

- عرض می شود که در جلسه قبل بحث ما درباره شناخت منافق بود و ...

- بحث ما در جلسه قبل بحث رحم و عاطفه بود، خداوند حتی به کفاری که رحم دارند، در قیامت با اینکه کیفر آنها دوزخ است، حساب خاصی برایشان باز می کند.

- (وسط درس) من یک خاطراتی برایتان بگویم، جمع بندی سخنان گذشته باشد.

- جمع بندی: بحث امروز ما چی بود؟ خلاصه اش را بگویم. بحث امروزمان بحث زکات بود. ...

- عده ای به بحث دیر رسیده اند، می خواهند بگویند امسال در مورد غدیر خم در تلویزیون در مورد امیر المؤمنین علیه السلام چه گفتند؟ ۲ یا ۳ دقیقه مطلب را برای این افراد جمع بندی می کنیم.

- می خواهم بحث را جمع بندی کنم و دنباله ی این بحث را برای جلسه ی بعد بگذارم. بحث

امروز ما درباره زمینه های گناه (فرهنگی) بود. ...

- خلاصه ی حرفم را در این یک دقیقه ای که وقت دارم بگویم. چرا امام حسن صلح کرد؟ ا

- دین یعنی در اختیار راه انبیاء بودن این خلاصه بحث ما بود.

یک نمونه از خلاصه درس:

این درس ما چند تذکر داشت که سریعاً و خلاصه وار درج می کنیم:

۱. اگر خواستیم به مسافرت برویم؛ با کسی که خرج ما را می دهد مسافرت نکنیم، با کسی برویم که سهم خودمان را پرداخت کنیم.

۲. در کارها شریک شویم.

۳. کار عبادت است و هر کار که نیت شما در آن خوب بود، عبادت است، حتی خواندن فیزیک و شیمی.

۴. زراعت از صفات خداوند است.

۵. اگر حوادث به وجود آمد، حتی در سخت ترین حوادث کشاورزی را رها نکنیم.

آب دادن به درخت تشنه، مثل آب دادن به مؤمن تشنه است.

۱. بهره گیری از مثال

یکی از بهترین شیوه ها، در انتقال آسان پیام به مخاطبان، بهره گیری از مثالهای مناسب و ملموس است. با مثال، طولانی ترین راه، کوتاه و مخاطب به راحتی به مطلب و مقصد می رسد و یکی از شیوه های تبلیغی و تربیتی قرآن، استفاده از تشبیه و تمثیل است. حجه الاسلام قرائتی، در اهمیت این شیوه قرآنی می فرماید:

«یکی از بهترین روش ها برای فهماندن مطالب به مردم، خصوصاً کسانی که سواد چندانی ندارند استفاده از مثال های محسوس و مناسب با محیط است زیرا مردم با این موارد بیشتر سر و کار دارند و با حواس ظاهری خویش آنها را درک می کنند بر خلاف مسایل عقلی که فهم آنها احتیاج به کندوکاو شدید ذهن دارد.

از این روست که خداوند متعال به این مسئله اهمیت می دهد و قرآن کریم سرشار از مثال های مختلف و ساده است که شاید مردم با تفکر و دقت در آنها متذکر یاد خدا شوند؛

«وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ لِّعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» و این مثال ها را برای مردم می زنیم امید است

که تفکر کنند. (حشر / ۲۱)

«وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» و خداوند برای مردم مثل هایی می زند، باشد که به یاد آرند و پند گیرند. (ابراهیم / ۲۵) (۱)

ایشان، استفاده از مثال را یکی از ابزارهای مهم تبلیغ دانسته و در این خصوص می فرمایند:

«یکی از اصول تربیت و تبلیغ، استفاده از مثل های قابل فهم عموم و طبیعی می باشد؛ چرا که از ساده ترین، فطری ترین و عمومی ترین شیوه های انتقال مطلب، استفاده از تمثیل و ضرب المثل است و پیامبر خدا برای بیان حقایق و هدایت مردم، مأمور به استفاده از تمثیل است. «وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا» (کهف / ۳۲) «وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف / ۴۵) تمثیل، مسائل عقلی را محسوس و راه رسیدن به

ص: ۱۱۸

هدف را نزدیک و مطالب را همگانی می نماید؛ استفاده از تمثیل، در بیان معارف الهی و حقایق معنوی، شیوه ای قرآنی است.»

ما در ویژگی های فردی حجه الاسلام قرائتی، بیان نموده ایم که ایشان به لطف خدای منان از قدرت تمثیل بالایی برخوردار است و یکی از رموز جاذبه و تأثیرگذاری (۱)

درسها و سخنران های این معلّم با تجربه، بهره گیری از مثال است که در درسهای خود، به صورت فراوان از آن استفاده می کند و با این کار هم مطالب پیچیده را ملموس و هم فهم را بسیار شیرین و آسان می نماید. همچنین با مثال، سؤالات و شبهات پیچیده را به آسانی پاسخ می گوید. حاج آقای قرائتی در این خصوص بیان می کند که:

«گاهی یک مثل، کار یک ساعت حرف را می کند.»

سفارش این مطلب ضروری است که دیدن تمثیلات قرآنی و روایی، خواندن کتب تمثیلات؛ مانند امثال و حکم، و... همچنین خواندن متن های «درسهای از قرآن» و کتاب «تمثیلات» استاد قرائتی، می تواند در تقویت تمثیل مبلّغان و معلمان محترم مؤثر باشد.

به عنوان نمونه، دو مورد از بهره گیری از این شیوه از برنامه درسهای از قرآن:

الف) نمونه اول: سؤال می شود که چطور افرادی، عمری عالی ترین تحقیقات علمی را می کنند،

اما بعضی از آنها به خدا ایمان ندارند؟ جواب این است که عقل خداشناسی آن ها خواب رفته است و در تحقیق به خدا توجه ندارند. مثال بزنم. ساعتی را شما می خواهید پاک کنید، دستمال کاغذی را بر می دارید و قشنگ این ساعت را پاک می کنید، ممکن است چند دقیقه مشغول پاک کردن این ساعت باشید، اما وقتی می گویند چه ساعتی است؟ برای جواب، دومرتبه به ساعت نگاه می کنید یا آینه فروشی دو طرف یقه اش نا میزان و نامرتب است از صبح تا شام

ص: ۱۱۹

۱- . شخصی به من گفت: آقای قرائتی! در تلویزیون مثالی زدی که مرا حسابی تکان داد! مثل این بود که گفتی: اگر یک نوار ده تومانی داشته باشی حاضر نیستی صدای گربه روی آن ضبط کنی، ولی حضری روی نوار مغزت هر چرت و پرتی را ضبط کنی! چرا شنیدن دروغ و تهمت و غیبت و... برایت بی اهمیت است؟! خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۱۱۲ و ۱۱۱.

هم در مغازه ی آینه فروشی آینه می فروشد و آخر شب مغازه را می بندد و آخر هم یقه اش را صاف نمی کند. یعنی می شود کسی دوهزار بار به آینه نگاه کند و یقه اش را صاف نکند، این را می گویند خواب رفتن. لذا ممکن است کسی عالی ترین تحقیقات علمی را روی موجودات بکند و در آخر هم خدا را نشناسد. (۱)

ب) نمونه دوم: کسی سؤال کرد که ما سی سال در دنیا گناه می کنیم؛ اما چرا تا ابد می سوزیم؟ گفتم: شما یک دقیقه با چاقو چشمت را در می آوری، تا ابد کور هستی. گفت: خوب، فهمیدم. گاهی گناه یک دقیقه ولی کوری تا آخر عمر است. (۲)

۲. بهره گیری از اصل تدریج

از توصیه های جدی حجه الاسلام قرائتی، رعایت اصل تدریج است؛ در نظر گرفتن ظرفیت مخاطبان و سنجش شرایط سنی و معرفتی مخاطبان امری لازم است. بیان گام به گام معارف، راه آسان و مناسبی برای رساندن مشتاقان معارف به مقصد است و غفلت از این اصل، می تواند ضربه ای جبران ناپذیر به مخاطب بزند و چه بسا برای همیشه او را از محافل و برنامه های مذهبی دور کند. ایشان، برای تبیین این اصل قرآنی فرمودند:

«به فرموده حضرت علی علیه السلام اگر خدا می خواست آسمان و زمین را در کمتر از یک چشم بهم زدن می آفرید، ولی آسمانها و زمین را در شش روز آفرید. «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» (اعراف / ۵۴)

قرآن کریم نیز علاوه بر نزول دفعی در شب قدر بر قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، به صورت تدریجی در مدت بیست و سه سال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نازل شد که یکی از دلایل تدریجی بودن، توجه به

ظرفیت مردم بود. (۳)

«لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتَبٍ؛ تا آن را با تائنی و درنگ بر مردم بخوانی.» (اسراء / ۱۰۶)

ص: ۱۲۰

۱- . برنامه درسهایی از قرآن، ۹ / ۹ / ۶۸ .

۲- . برنامه درسهایی از قرآن، ۱۲ / ۰۲ / ۷۰ .

۳- . برای آگاهی بیشتر در خصوص «آثار و دلایل نزول تدریجی قرآن» رجوع کنید به تفسیر نور (۱۰ جلدی)، ج ۶، ص: ۲۵۲

همچنین اصل تدریج، در آفرینش انسان (۱) و طراحی حرکت زمین (۲)

و... نیز جاری است.

اگر در آموزش، سخنها و حرفها تدریجی باشد، قبول آن آسانتر می شود. در صدر اسلام، در همه خانه ها شراب بود و قرآن کریم، پس از مراحل، شراب را تحریم کرد. (۳)

این شیوه در برخی موارد دیگر؛ مانند تحریم ربا نیز وجود دارد. آری! اگر برف و باران یک دفعه نازل شود، زمین آن را خوب جذب نمی کند؛ ولی اگر به تدریج بارید، منافع بیشتری دارد.

در مسأله تدریس و تربیت نیز باید این گونه باشد. مثلاً نمازهای واجب یک جا خوانده نمی شود، بلکه به پنج وقت تقسیم می شود.

در تلاوت قرآن دستور دادند که هر روز پنجاه آیه. و نمونه های تدریجی، بسیار است.»

حاج آقای قرائتی، به این اصل توجه جدی داشته و دارد؛ ایشان از ابتدای راه تبلیغ، وقتی خواست برای بچه ها کلاس بگذارد، اول با قصه های کوتاه، شروع و کم کم افراد را به سمت معارف بیشتر سوق داد. این معلّم با تجربه، در حدود سن بیست سالگی بود که وقتی در مسیر خانه اش، در محله کاشان بود، تعدادی بچه ها به احترام روحانی بودنش سلام کردند و ایشان از همان جا به فکر تبلیغ برای بچه ها و نوجوانان می افتد و با شروعی دقیق، هنرمندانه و گام به گام، بچه ها را به برنامه های دینی جذب می نماید. ایشان در این خصوص می فرمایند:

«به بچه ها گفتم که حاضرید جمع شوید تا برایتان قصه بگویم؟ به هم نگاه

ص: ۱۲۱

۱- «تَمَّ مِنْ نُطْفِهِ ثُمَّ مِنْ عَلَقِهِ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ...» سوره حج / آیه ۵.

۲- «فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» فرقان / ۲.

۳- مرحله اول: قرآن فرمود: از انگور، هم رزق نیکو ساخته می شود و هم مایع مست کننده. و این مطلب اشاره به این است که مایع مست کننده نیکو نیست. تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَيْكْرًا وَرِزْقًا حَسَنًا. (نحل / ۶۷) مرحله دوم: قرآن فرمود: گرچه در قمار و شراب منافی به چشم می خورد، ولی ضرر آنها بیشتر است. با این بیان، منکر بودن شراب را اعلام می کند. وَ مَنَافِعَ لِلنَّاسِ وَ اٰثْمَهُمَا اَكْبَرُ... (بقره / ۲۱۹) مرحله سوم: قرآن فرمود: هنگام نماز، مست نباشید. لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ اَنْتُمْ سٰیكِرًا. (نساء / ۴۳) مرحله چهارم: قرآن فرمود: شراب به کلی حرام است؛ خواه مست بشوید یا نشوید؛ کم باشد یا زیاد؛ هنگام نماز باشد یا غیر نماز. اِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ... رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ. (مائده / ۹۰)

کردند. . . به یکی از آنها که هفده - هیجده ساله بود، گفتم اگر شما فردا شب که شب اول ماه رمضان است، این بچه ها

را به مسجد بیاوری، من یک قصه ده دقیقه ای برایشان می گویم، خواهش می کنم شما اینها را بیاور. . . وقتی بچه ها آمدند، با قصه ای کوتاه (بین پنج تا ده دقیقه) شروع کردم و یک قصه قطره ای گفتم و به آنها خطاب کردم که اگر خوب بود، فردا شب هم بیایید. گفتند: می آییم. گفتم: هر کدام هم یک بچه بیاورید! هفت تا شدند چهارده تا، بیست تا، مسجد پر از بچه ده - یازده ساله شد. . . و آخر ماه مبارک رمضان، مقاله ای برای تشکر نوشتند و پولی هم به ما دادند، پول را نگرفتم. گفتم: پول نمی خواهم. اگر حداقل بیست نفر ثبت نام کنید، من از قم، به کاشان می آیم. آنها ثبت نام کردند و من چهارسال به کاشان رفتم و برای آنها برنامه داشتم.» (۱)

۳. ارائه الگوها و نمونه‌ها

ارائه الگوها و نمونه‌ها در کنار تبیین مفاهیم، اقدامی ضروری که به نوعی مسیر را تسهیل نموده و حرکت را آسان می نماید. انسان برای رسیدن به کمال، نیاز به الگو دارد و یکی از روشهای تبلیغی قرآن این است که در کنار امر ونهی هایش، الگوهای مثبت و منفی، را معرفی می کند. (۲)

چه بسا مفاهیم آموزشی و اصطلاحات از ذهن مخاطب برود؛ اما الگوها معمولاً در ذهن می مانند و در زندگی نقش آفرینی می کنند. بهره گیری از این شیوه، از اصول کاری حجه الاسلام قرائتی است. به عنوان نمونه:

ص: ۱۲۲

۱- . برنامه درسهایی از قرآن، ۱۵ / ۱۰ / ۸۴.

۲- الف) الگوی مثبت: در قرآن کریم مصادیق فراوانی به عنوان الگوی مثبت معرفی شده است. از مردان، دو نفر (که سرآمد الگوهای مثبت اند) به عنوان اسوه از آنان یاد شده است؛ یکی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم: «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ سوره احزاب، آیه ۲۱ همانا برای شما در (سیره ی) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست.» و دیگری حضرت ابراهیم علیه السلام است: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ؛ سوره ممتحنه، آیه ۴. همانا برای شما در (روش) ابراهیم سرمشق و الگوی خوبی است.» همچنین، از زنان دو زن به عنوان الگوی مؤمنان معرفی شده اند: یکی همسر فرعون و دیگری حضرت مریم سلام الله علیها است. ب) الگوی منفی: در بعد منفی، نیز افرادی معرفی شدند؛ ابولهب و پسر نوح دو نمونه از مردان کافرند و همسر حضرت نوح و لوط، دو نماد از زنان کافرند.

الف) نمونه اول: موضوع برنامه «شهادت و عشق به خدا»: ... آیاتی از قرآن در باره ی آن هایی است که به استقبال خطر می روند و قرآن چقدر از اینها تجلیل کرد. یکی از اینها حضرت ابراهیم است. ... هاجر، که قبول کرد تا با بچه ی شیرخوار در وسط بیابان های مکه برود. ... وقتی که اسماعیل بنا شد ذبح شود، گفت: حاضرم، ... یوسف را در چاه انداختند. ... یونس را در دریا انداختند. ... انسان وقتی سختی های حضرت زینب سلام الله علیها را می شنود یا می خواند، می بیند ما در

اسلام زنی نداشتیم که در نصف روز هفتاد و دو شهید بدهد. بنابراین هر چه سختی بر ما وارد شد ما یک الگو و اسوه هایی داریم، رهبرانی داریم ...

ب) نمونه دوم: موضوع درس «عاقبت نیکو»: ... چه انسان هایی خوش عاقبت و یا بد عاقبت شدند با اینکه شایسته و اهل دعا و نماز و معنویت بودند. به نمونه هایی از آن در صدر اسلام اشاره می کنیم: ذوالخویصره که در تقسیم بیت المال به پیامبر گفت: به عدالت رفتار کن. حضرت فرمود: وای بر تو اصلاً کسی از من عادل تر هست؟ ... شخصی بود به نام «ثعلبه» که از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بوده و ... شیطان و بلعم باعورا و سامری نمونه های دیگر بد عاقبتی ... بد عاقبتی مندربن جاروت نماینده علی علیه السلام و ...

۴. بهره گیری از داستان

در کنار بیان مطالب علمی و معارف، بهره گیری از داستان می تواند ضمن شیرین کردن مباحث، آموزش را آسان نماید. از شیوه های با جاذبه حجه الاسلام قرائتی، بهره گیری هنرمندانه از داستانهای قرآنی و روایی است که علاوه بر روان و آسان کردن مباحث، تأثیر غیر مستقیم نیز در انتقال معارف بر مخاطب دارد. ایشان در خصوص ضرورت بهره گیری از داستان می فرماید:

«قصه و داستان، در تربیت انسان سهم به سزایی دارد؛ زیرا داستان، تجسم عینی زندگی یک فرد یا امت و یک ملت است. انسان، به صورت فطری، قصه و داستان را دوست دارد و چون اسلام دین فطرت است، در قرآن داستانهای زیادی نقل شده است. البته در تمام کشورها، کتاب داستان پر تیراژترین کتاب هاست و همیشه هم در طول تاریخ از گذشته تاکنون این چنین بوده است.

گوینده قصه خداست. «نَقُصُّهُ»؛ و دارای نقش و اثرات مهمی است، زیرا؛ آرامش آور، مایه تذکر و موعظه، هشدار دهنده و عبرت آموز است. «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (یوسف / ۱۱۱) (۳) همچنین، داستان‌های قرآن، ضمن روانی و جذابیت، هموارکننده‌ی راه نفوذ و تأثیر بیشتر دلائل عقلی و برهانی است و درحقیقت وسیله‌ی تفکر است، «فَأَقْصِيصِ الْقُصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ.» (اعراف / ۱۷۶)

ص: ۱۲۴

۱- . قصه و داستان، بر سه گونه می‌باشد: الف) رمان‌ها، افسانه‌ها و اساطیری که بر پایه خیال و غیرواقعی است. ب) داستان‌های تاریخی که گاهی راست و مستند و گاهی آمیخته با دروغ و امور نادرست است. ج) رویدادهایی که از زبان وحی به ما رسیده‌اند که براساس حق و واقعیت است. داستان‌های قرآنی، همه از این نوع بوده و وهم، خیال، دروغ و نادرستی، در آنها راه ندارد. تفسیر نور (۱۰جلدی)، ج ۱، ص: ۵۳۰.

۲- . حجه الاسلام قرائتی، در یک از برنامه‌های درس‌هایی از قرآن، این گونه «امتیاز داستان‌های قرآن بر دیگر داستان‌ها» را بیان نموده‌اند: داستان قرآن، واقعه‌شناسی است. (بین واقع‌نگاری و واقعه‌شناسی فرق است. بسیاری از داستان‌ها فقط واقعیات را می‌گویند، اما شناخت نمی‌دهند. اما در قرآن همه داستان‌هایش یک واقعیت را به انسان می‌شناساند.) ۲. داستان‌های قرآن فشرده است. یعنی حدود دویست و شصت و هشت تا قصه که خیلی فشرده بیان نموده که فشرده‌گی از امتیازات است. ۳. حقیقت دارد ۴. سازنده است این قصه‌های قرآن همه آنها سازنده است. یک خاطره‌ای که نقل می‌کند، وقتی می‌گوید: زن فرعون چنین بود و چنان شد. این به زنها می‌گوید: اگر برادر و خواهرت طاغوتی بودند، تو می‌توانی توی همان نظام طاغوتی خانواده، حزب اللهی باشی. قصه‌های سازنده است. ۵. مفهوم بعضی از داستانها مفهوم نیست. مفهوم، داستانهای قرآن مفهوم است، ۶. امید بخش و حرکت آفرین است. با خواندن قصه‌های قرآن، امید انسان بیش تر می‌شود. وقتی می‌گوید به مریم نازا، بچه دادیم. ۷. همراه با منطق است. ۸. عوام می‌فهمد و خواص می‌پذیرد؛ یعنی همراه با استدلال و منطق هم هست. ۹. تاریخ آن را کهنه نمی‌کند. ۱۰. متنوع است. قصه‌ای که محورش پسری است به نام یوسف، قصه‌ای که محورش زنی است به نام آسیه ۱۱. قصه‌های قرآن مطلق است و مربوط به نژاد خاصی، زبان خاصی نیست. منطقه‌ای نیست. ۱۲. قصه‌ها معمولا یک بعد انسان را تقویت می‌کنند، اما قرآن همه قصه‌هاش با مغز کار می‌کند و هم با دل کار می‌کند، هم با فرد کار می‌کند و هم با جامعه کار می‌کند ۱۳. قصه‌های قرآن تحریف نشده است. ۱۴. قرآن قصه‌هایش بدآموزی ندارد. ۱۵. در قصه‌های قرآن، تمام قصه یک هدف را دنبال می‌کند؛ در عین حال، هر آیه‌ای خود خزینه‌ای است از معارف که مطالبی دارد. برنامه‌درسهایی از قرآن، ۲۷ / ۱۰ / ۶۳.

۳- . «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقِّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ هَرِ يَكُ مِنْ سِرِّكَذِشْتِ انبِيَاي (قبلی)، که برای تو بازگو کردیم، چیزی است که دلت را بدان محکم گردانیم، و در این (اخبار)، برای تو حقایق و برای اهل ایمان، پند و تذکری آمده است. سوره هود/ آیه ۱۲۰.

همچنین، باید توجه داشت که علاوه بر متن قرآن کریم که در بردارنده داستان های متقن است، در شأن نزول های آیات، و در کتب حدیثی نیز می توان به موارد زیادی از داستانهای واقعی رسید.»

علاوه بر نوع و منبع داستان، شیوه گفتن داستان نیز از اهمیت بالایی برخوردار است، انتخاب برش های ناب از یک داستان که دارای پیام بوده و گزیده گویی، یکی از هنرهای قصه گویی است که حاج آقای قرائتی، مهارت و دقت ویژه ای در این شیوه قرآنی دارد. ایشان می فرماید:

«نکته مهم این که قرآن کریم، از بین همه انبیاء، قصه برخی از آنان را نقل نموده است. «رُسُلًا قَدْ قَصَصْنَا لَهُمْ عَلَیْكَ» (۱)؛ آن هم قسمتی از قصه آنان که در آن موعظه و رشد و عبرت بوده است. چون قرآن کتاب هدایت و تربیت است، نه داستان سرایی؛ لذا گاهی حادثه ای، بارها در کتاب الهی، نقل شده؛ اما از برخی حوادث، ذکری به میان نیامده است. در داستانهای قرآن، نام قریه، نژاد، زبان و تعداد افراد و سایر جزئیات مهم نیست؛ مثل داستان حضرت یوسف علیه السلام و زلیخا که

چون هدف تربیتی و عفاف آموزی بوده، خیلی از جزئیات داستان، حتی نام زلیخا و تعداد برادران و منطقه ای که چاه در آن بود و عمق چاه و مقدار زمانی که یوسف در چاه بود و نام قافله ای که یوسف را از چاه بیرون آورد و مدت برده بودن یوسف و امثال این جزئیات که نقشی در رشد فرد و جامعه ندارد، به میان نیاورده است.»

همچنین از سفارشهای حجه الاسلام قرائتی این است که وقتی معلم حرف می زند باید حرکاتش با حرف هایش تطبیق کند؛ به ویژه در گفتن قصه، باید داستان را به گونه ای بگوید که حالت سخنرانی و خطبه خوانی نداشته باشد. ایشان، سفارش می ... فرماید که: «در نقل داستان، باید ژست هم ژست آدم قصه گو باشد.»

ضمن این که مهارت دیگر ایشان، در قصه گویی این است که: «من خیلی ساده داستان را نقل می کنم؛ طوری که بچه ی ده ساله هم بتواند داستان را بفهمد.»

ص: ۱۲۵

۱- . وَ رُسُلًا قَدْ قَصَصْنَا لَهُمْ عَلَیْكَ مِنْ قَبْلُ وَ رُسُلًا لَمْ نَقْصُصْ لَهُمْ عَلَیْكَ وَ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا ؛ و به پیامبرانی که پیش از این داستان آنان را برایت باز گفته ایم و پیامبرانی که ماجرای آنان را برای تو نگفته ایم نیز وحی کردیم و خداوند با موسی سخن گفت، سخن گفتنی ویژه. سوره نساء / آیه ۱۶۴.

حجه‌الاسلام قرائتی از ابتدای تبلیغ تا امروز بهره‌های فراوانی از قصه‌گویی گرفت و با این شیوه، جذابیت کلاسهایش را دوچندان نموده است. شروع کارش با قصه‌گویی در کنار معارف بود، آن گونه که می‌فرماید: «هر هفته از قم به کاشان می‌رفتم؛ با این اندیشه که قرآن دهها داستان و قصه دارد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم با همین داستان‌ها، سلمان و ابوذر را تربیت فرموده است. کلاس را با تلفیقی از اصول عقاید، احکام و داستان‌های قرآنی اداره کردم. قصه برای همه، به ویژه بچه‌ها جاذبه فراوانی دارد.»

همچنین در این سالها در برنامه‌های درسهای قرآن نیز، از این روش بهره‌های فراوان گرفت. تعابیر ایشان در برخی درسها، شاهد مناسبی است:

– امسال (۱)

ماه رمضان در آستانه‌ی افطار نیم ساعت مان راجع به داستان انبیاء بود. که صدها آیه دارد. از آدم و نوح و موسی: شروع کردیم. الآن خاطراتی از حضرت ابراهیم علیه السلام می‌خواهیم بگوییم.

– این داستان یوسف خیلی قصه شیرینی است که ما چهل، پنجاه جلسه گفته ایم تا رسیده ایم . . .

۵. ساده‌گویی و روان‌گویی

ارائه ساده‌ی مباحث پیچیده و تبیین معارف به زبان روان، شیوه مهمی است که سبب رضایت خواص و عوام می‌گردد. ساده‌سازی محتواهای سنگین و ارائه آن به زبان ساده امر مهمی در تبلیغ

است. از روشهای مهم حجه‌الاسلام قرائتی، ساده کردن مباحث و روان‌گویی است. این معلّم با تجربه، به طور مکرر سفارش می‌نماید تا مبلغان و معلمان در تبلیغ و تدریس، گرفتار تعابیر و اصطلاحات پیچیده نشوند؛ بلکه مباحث را، حتی مطالب پیچیده را با بیان ساده و روان ارائه دهند و به طور طبیعی و عادی با مردم سخن بگویند که این نحوه بیان، مورد پسند و اقبال عموم مردم است. ایشان، در توضیح این روش قرآنی می‌فرماید:

«قرآن کریم برای همه‌ی مردم بیانی روشن‌گر است. «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ»

ص: ۱۲۶

(آل عمران / ۱۳۸) و خدای تعالی آن را برای تذکر (و پندپذیری)، آسان ساخت. «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ» (قمر / ۱۷) حضرت موسی علیه السلام گفت برادرم هارون در بیان از من شیواتر است «وَ أَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا» (قصص / ۳۴) ساده گویی و بیان روان، کمال است و اصل، فهمیدن مردم است، نه اصطلاحات زیبا. منظور از ساده گفتن، روان گفتن است؛ نه سست گفتن. قرآن کریم ساده بیان شده، «يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ» (قمر / ۱۷) ولی هرگز سست نیست، بلکه بسیار محکم «احکمت آیاته» (هود / ۱)، و استوار «قولاً سدیداً» (نساء / ۹)

حاج آقای قرائتی خود، هنر فوق العاده‌ای در این شیوه دارد؛ به گونه‌ای که عموم گروه‌های سنی و علمی از دروس ایشان استفاده می‌کنند. مباحث ایشان، نه پیچیده و سنگین است که عوام گریزان باشد؛ و نه در سطح پائین است که خواص نپسندند؛ بلکه ایشان، مباحث خود را در سطحی قرار می‌دهد که رضایت عموم مخاطبان را جلب می‌کند. سفارش همیشگی این معلم با جاذبه، این است که: «کلام، باید به گونه‌ای باشد که به خاطر سادگی عوام بفهمد و به خاطر منطقی بودن خواص پسندد.» (۱)

و این منطق، بر گرفته از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمودند: أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ وَ فَهْمُهُ الْخَاصُّ وَ الْعَامُّ؛ زیباترین کلام، سخنی است که چینش و تالیف نیکو، به او زینت بدهد؛ و خاص و عام آن را بفهمند.» (۲)

ایشان، مباحث خود را به آب جوشی تشبیه می‌کند که با همه معده‌ها سازگاری دارد؛ البته، بیان ساده و روان این معلم موفق، به همراه محتوای غنی می‌باشد؛ آن گونه که در یکی از درسها

فرمودند:

«... بحث، خیلی ساده و مثل آب جوش است، نه مانند غذای چرب و ترش یا سنگین که با برخی مزاجها ناسازگار باشد. البته در عین سادگی، پر از آیه و حدیث

ص: ۱۲۷

۱- . وقتی کسی از ایشان سؤال کرد که: «چرا استدلال‌های شما عامیانه است؟» ایشان در پاسخ فرمودند: «در تلویزیون نمی‌شود بحثی کرد و فقط یک قشر را در نظر گرفت. شخصی که زمانی نماینده‌ی ایران در سازمان بین‌الملل بود، در زمان طاغوت، کلاس ما می‌آمد. روزی با یکی از بچه‌هایش آمد و گفت: من می‌خواهم تبریک بگویم. گفت: آن چه را من به عنوان استاد دانشگاه فهمیدم، بچه‌ام نیز که کلاس دوم ابتدایی است، همان را فهمیده است.

۲- . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۱۰.

همچنین در تعبیر دیگر، در خصوص ضرورت پیوستگی سادگی بیان با محتوای غنی فرمودند:

«دو شخصیت مهم نکته‌ای را به من سفارش کردند: یکی مرحوم آیه الله حاج آقا مرتضی حائری و دیگری آیه الله شهید دکتر بهشتی، آنان فرمودند: قرائتی! نگو من معلّم بچه ها هستم تا سست و آبکی صحبت کنی، آسان بگو، ولی سست نگو! به شکلی این نسل را بساز و برای آنها سخن بگو که اگر دیگران آمدند، بتوانند بقیه راه را ادامه دهند و آنها را بسازند.» (۲)

۶. بیان به موقع حکایات و خاطرات از بزرگان

از شیوه های رایج حجه الاسلام قرائتی، بهره گیری بجا و به موقع از حکایات و خاطرات علماء است. این کار، علاوه بر روانی و شیرینی و ساده کردن بحث، الگوهای معاصر را، به مخاطبان معرفی نموده و سبب تثبیت و ماندگاری پیام در ذهن شان می... گردد و آنان را به عمل ترغیب می نماید. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: در تبیین موضوع «قیامت و بازخواست از همه کس و از همه چیز» پس از خواندن آیات مربوطه، می فرمایند: حساب شوخی نیست. به اندازه خردل هم باشد، حساب می شود... امام خمینی (ره) می خواست برای نماز جماعت وارد سالنی بشود، برای آنکه جلوی در کفشهای زیادی بوده، برگشتند. وقتی سؤال کردند که چرا برگشتید؟ فرمودند: اگر من بخواهم به مسجد بروم باید از روی کفش ها بگذرم. من در مال مردم تصرف نمی کنم. به ایشان گفتند: کفش ها را کنار می گذاریم. فرمودند: کفشها با هم اشتباه می شوند و مردم باید دنبال کفش های خود بروند. امام از نماز جماعت می گذرد که پایش را روی کفش مردم نگذارد... .

ب) نمونه دوم: در تبیین «تصور غلط از زرنگی و زرنگ واقعی» می فرماید: حدیث داریم که مؤمن زرنگ است. ما در دنیا به چه کسانی زرنگ می گوئیم؟ معنای

ص: ۱۲۸

۱- . برنامه درسهایی از قرآن، ۲۱/۱۲/۶۰.

۲- . خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۴۸.

زرنگی دارایی نیست... مؤمن زیرک است؛ یعنی آخرتش را به دنیا نمی فروشد. قبل از انقلاب، عالمی اصفهانی، می خواست به کربلا برود. رئیس گمرک طاغوتی گفت: می خواهم همسر تو را بینم. آن عالم

فرمودند: لزومی ندارد، گذرنامه عکس دارد و در اداره، زن هست؛ بیاید و با عکس تطبیق کند که این خانم من هست یا نیست. رئیس گمرک گفت: نه من باید خودم بینم. فرمود: بنده نمی گذارم شما خانم مرا ببینید. رئیس طاغوتی با لجبازی، سه روز ایشان را در گمرک نگه داشت و بعد از سه روز ایشان را به کربلا راه نداد. ایشان به اصفهان برگشت... مؤمن زرنگ است معنایش این است که حاضر است از گمرک باز گردد، ولی کار خلاف نکند.»

۷. بهره گیری از شوخی

خنده یک نیاز طبیعی است: «وَ أَنَّهُ هُوَ أَضْحَكٌ وَ أَبْكِي (نجم/۴۳) و اوست که بخنداند و بگریاند.» طبق روایت، مؤمن خنده بر لب است. (۱) و

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در معاشرت ها مزاح می کرد؛ البته، هرگز از مرز حق خارج نمی شد. در حدیث آمده که مؤمنی نیست؛ مگر اینکه در او رگه ای از خنده هست.

مزاح مناسب و حلال و به جا در کلاس و سخنرانی، محتوا را از خشکی به درآورده و سبب رفع خستگی و توجه بیشتر مخاطب و روانی و شیرینی بحث می گردد و اگر با پیامی همراه باشد، بسیار مناسب است. (۲)

حجه الاسلام قرائتی، با بهره گیری از شیوه ارائه شاد، مخاطب را سرزنده و با نشاط نگه می دارد و از رموز موفقیت ایشان، قدرت مزاح و هنر بیان شوخی های مناسب و حکیمانه است که در این خصوص فرمودند:

«قدرت خنداندم، بیش از گریاندم است.»

ص: ۱۲۹

۱- «الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ». بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۳۰۵.

۲- در صورتی که مانعی؛ مانند جلسات عزاداری و ختم نباشد، بهره گیری از مزاح بسیار مناسب است؛ به ویژه در جلساتی که مربوط به نوجوانان و جوانان است و یا در برخی محیط هایی که به نوعی برنامه ها در فضای اداری یا نظامی و مانند آن برگزار می شود و افراد برابر مقررات در جلسه حضور پیدا می کنند که در این گونه محافل، اجرای شاد و با نشاط و ارائه پیام به همراه مزاح بسیار مناسب و در جذب نیز مؤثر است.

با توجه به توانایی بالای ایشان در مزاح و خندانند،^(۱)

معمولاً- برنامه‌های ایشان با شوخی‌های حکیمانه همراه است و مزاح به موقع ایشان، مانع خستگی مخاطب می‌شود. البته شوخی‌های ایشان حساب شده و مناسب با موضوع است و چه بسا پیام‌هایی هم دارد. البته، حاج آقای قرائتی در خصوص بهره‌گیری از این شیوه، توصیه‌هایی دارد:

«خنده و خندانند، شرایط و حدودی دارد:

۱. خندانند و مزاح شغل فرد و هدف او نباشد تا در آن افراط نماید و به همین عنوان شناخته شود. در مزاح، باید تعادل باشد. (نه عبوس، نه دلچک) در اسلام، هم از کثرت خنده نهی شده است و هم از خشک و عبوس بودن. باید مزاح به عنوان نمک غذا و به اندازه باشد و مثل استراحت بین راه که در مسافرت انجام می‌گیرد. همچنین، در روایات، مزاح مناسب و محدود که در آن دروغ و حرف نامربوط نباشد، مطلوب شمرده شد.

۲. خنده در حد تبسم باشد نه قهقهه و بدمستی و غفلت. طبق روایات، قهقهه از شیطان است و بهترین خنده، تبسم است.^(۲) قرآن می‌فرماید که حضرت سلیمان علیه السلام وقتی می‌خواست بخندد، تبسم می‌کرد: «فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا» (نمل / ۱۹)

۳. سبب کینه و ناراحتی دیگران نشود. مزاحی که در آن توهینی نباشد، مطلوب است. در برخی روایات، مزاح به عنوان فحش کوچک معرفی شده و سبب کینه‌ها به حساب آمده است.^(۳) و ظاهراً به مزاحی اشاره می‌کند که در آن، مسخره کردن دیگران یا طعنه‌ای باشد. در خنده، نباید تحقیر لهجه و چهره و تحقیر شهر و روستا و فرد و جامعه‌ای باشد. باید خنده، با حکمت و کوتاه و هدفمند باشد و انسان را غافل نکند. در حدیثی آمده که خدای تعالی، مزاح‌کننده‌ای را که در شوخی اش،

ص: ۱۳۰

۱- . حاج آقای قرائتی می‌فرمایند که: «خندانند جزء ذاتم شده است. در یکی از جلسات فوت مرحوم پدرم، منبر رفتم و ناخود آگاه چند بار خنداندم آخر به من یادداشت دادند که در ختم پدرت منبر رفته‌ای. دیدم سخنرانی بدون خنده نمی‌توانم بکنم؛ لذا شب عاشورا نمی‌توانم منبر بروم.»

۲- . «الْقَهْقَهَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ» (کافی، ج ۲، ص ۶۶۴) «خَيْرُ الضَّحْكِ التَّبَسُّمُ» غررالحکم، حکمت ۴۴۶۳.

۳- . امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الْمِزَاحُ يُورِثُ الضَّغَائِنَ» (تحف العقول، ص ۸۵) و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْمِزَاحُ السَّبَابُ الْأَضْعَرُّ» (کافی، ج ۲، ص ۶۶۵)

حرفهای نامربوط نزند، دوست دارد. (۱)

همچنین، در مزاح نباید دروغ باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از طرفی شوخی که در آن دروغ باشد، نهی کردند و فرمودند: «ای اباذر وای به حال کسی که دروغ می گوید برای اینکه مردم را بخنداند، و وای بر او باد.» (۲) در این حدیث دو بار «وای بر او» (وَيْلٌ لَهُ) آمده است؛ و از طرف دیگر، آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «خدا کسی را که در مزاحش صادق باشد، مؤاخذه نمی کند.» (۳)

۴. مزاح در موضع تهمت نباشد؛ مثلاً جوانی مجرد در بین زنان شوخی کند. یا به خاطر دست

نداختن فرد خاصی در کلاس، مزاح معنادار و با کنایه ای صورت گیرد.

۵. مناسب جلسه باشد. مثلاً ایام عزا یا برخی جلسات که اقتضای خنده ندارد، نباشد.»

حجه الاسلام قرائتی، ترویج مزاح سالم و خنده حلال را امری پسندیده دانسته و می فرماید:

«بارها به فکر افتادم یک سایت خنده حلال برای مردم درست کنم؛ خنده ای که در آن تحقیر لهجه و چهره و تحقیر شهر و روستا و فرد و جامعه ای نباشد، خنده ای همراه با حکمت و کوتاه و ارزان. خنده ای هدفمند و فرامرزی. خنده ای که انسان را غافل نکند و در شأن مقام انسانیت و قابل ترجمه به زبان های دنیا باشد. ای کاش مسئولین فرهنگی به این فکر می افتادند.» (۴)

این معلّم با نشاط و موفق، با توجه به مهارتی که دارد، درسها و سخنرانی های خود را با مزاح های مناسب عجین می نماید و بهره ی فراوانی از این شیوه می گیرد. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: فرعونی که می گفت: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» (نازعات / ۲۴) من

ص: ۱۳۱

- ۱- .الامام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمَدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بِلا رَفَثٍ كَافِي، ج ۲، ص ۶۶۳.
- ۲- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا أَبَاذَرٍّ! وَيْلٌ لِلَّذِي يُحَدِّثُ فَيَكْذِبُ لِيُضْحِكَ بِهِ الْقَوْمَ وَيْلٌ لَهُ وَيْلٌ لَهُ. أمالي طوسی، ص ۵۳۷.
- ۳- . قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: ان الله لا يؤاخذ المزاح الصادق في مزاحه. نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم)، ص: ۳۱۴.
- ۴- . زندگینامه، ص: ۵۶.

پروردگار بزرگ شما هستم، وقتی دید که، موسی سینه‌ی دایه‌ها را نمک‌ید، می‌بیند که در تغذیه‌ی یک نوزاد، بیچاره شد. وقتی یک بچه آمد و گفت: «هَلْ أَدُلُّكُمْ» اجازه می‌دهید من شما را راهنمایی کنم «عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ» (قصص / ۱۲) من بروم سراغ یک خانواده‌ای که او اگر بیاید تکفل می‌کند. غیر از اینکه شیر می‌دهد، اصلاً متکفل تربیت بچه می‌شود. گفت: چشم، هرچه تو می‌گویی. برو بگو بیاید. رفت به مادرش گفت: بیا. فرعونِ گردن‌کلفت وقتی مضطر شد، محتاج به راهنمایی یک بچه می‌شود. می‌گویند: یک شخص مهمی، جایی مهمان شد، خیلی می‌لرزید. صاحب‌خانه گفت: والله من هرچه داشتم، روی تو انداختم؛ ولی باز هم می‌لرزی. من چه خاکی بر سرم کنم؟ اینجا یک پالان خر هست، می‌خواهی روی تو بیاندازم؟ گفت: اسمش را نگو، ولی خودش را بیا رو و بیانداز. من فعلاً دارم می‌لرزم. وقتی انسان سرما خورد، دیگر حالا اگر شاه هم هست، باید زیر پالان الاغ برود. محتاج است. (۱)

ب) نمونه دوم: بسیاری با همه امکانات، زندگی تلخی دارند. طنزی است حقیقت‌گونه که می‌گویند کسی به خدا تلگراف کرد که: خدایا! یک کامیون اسکناس را برای ما بفرست، خوش باشیم، جواب آمد که یک کامیون اسکناس می‌دهم؛ با دو پسر هروئینی، فکری کرد و دید چه فایده‌ای. یک تلگراف دیگر، که خدایا! یک وانت، تاکسی بار اسکناس بده، ما خوش باشیم. جواب

آمد که وانت اسکناس می‌دهم، ولی با یک دختر سرطانی با یک پسر سرطانی. گفت: نمی‌خواهیم، خدایا یک گونی اسکناس. گفت: یک گونی اسکناس با یک دختر کچل. خدایا یک ساک اسکناس. جواب آمد یک ساک می‌دهم با تنگی سینه. گفت: آقا اصلاً نخواستیم همان رزق خودمان را بده بیاید. جواب آمد: تدریجاً می‌رسد، فضولی موقوف. این ظاهرش طنز است، ولی یک واقعیت است؛ بسیاری از افرادی که برج دارند به مقداری که برجشان دراز است، غم درونشان هم عمیق است. در مقابل بلندی کوه، کنارش یک درّه هم هست. (۲)

ص: ۱۳۲

۱- . برنامه درسهایی از قرآن، ۱۸ / ۱۱ / ۸۶.

۲- . برنامه درسهایی از قرآن، ۰۳ / ۱۱ / ۸۱.

۸. ترجمه کلمه به کلمه (آسان نشان دادن کلمات)

از شیوه‌های حجه الاسلام قرائتی، این است که معمولاً- آیات و روایات را به صورت کلمه به کلمه ترجمه نموده و با توجه به آشنایی مخاطب با برخی کلمات، ترجمه را برای آنها آسان جلوه میدهد. ایشان، در برخی مواقع که کلمات به نسبت آسان باشد، در ترجمه از مخاطب استفاده می‌کند و با این کار هم کلاس را دو طرفه می‌کند و هم با آسان نشان دادن مطالب، شوق مخاطب را به فراگیری بیشتر می‌نماید. دو نمونه از آیات و یک نمونه از روایات:

الف) نمونه اول: ماجرای غدیر: «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (مائده/ ۶۷) و بعد «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ» اگر انجام ندهی «فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» بعد «وَ اللَّهُ يَعْصِي مَمْرًا مِنَ النَّاسِ» ترجمه آیه را برایتان بگویم: «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ» یعنی چه؟ یعنی ای رسول. «بَلِّغْ» یعنی چه؟ یعنی ابلاغ کن، «ما أُنزِلَ» یعنی آنچه نازل شده، «مِنْ» یعنی از، «رَبِّكَ» یعنی از طرف خدا. ای رسول ابلاغ کن آنچه را که از طرف خدا نازل شد، آنچه را که به تو گفتم که به مردم بگو، بگو «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ» اگر نگویی و انجام ندهی، «فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» رسالت خدا را انجام نداده ای.

ب) نمونه دوم: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَلَيْسَ بِأَحَدِكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات/ ۱۲)

فکر می‌کنم، چند کلمه این آیه را ایرانی‌ها بلدند؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» را می‌دانید یعنی چه. معنای «اجْتَنِبُوا» را هم می‌دانید. «کَثِيرًا» را هم می‌دانید، یعنی چه، «الظَّنُّ» هم می‌دانید یعنی چه، سوء ظن، تجسس، هم شنیده‌اید، «لَا تَجَسَّسُوا»، «بَعْضُ» هم فارسی است. «لَحْمٌ» یعنی گوشت «أَخِيهِ» یعنی چه؟ «اخوت» را هم می‌دانید یعنی چه «مَيْتًا»: مرده، «کراهت»؛ می‌گویند: فلانی کراهت دارد یعنی بدش می‌آید، «اتَّقُوا اللَّهَ» یعنی تقوا داشته باشید، «إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» هم می‌دانید یعنی چه، این از آن آیه‌هایی است که بچه‌های راهنمایی کلماتش را می‌دانند. حالا که تک تک کلمات را بلد هستید، ما یک بار ترجمه کنیم، بعد نکات این آیه را بیرون بکشیم.

ج) نمونه سوم: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا وَهُوَ مُتَمَسِّكٌ بِعُزْوَةِ غَيْرِنَا» (۱) «كَذَبَ»

یعنی چه؟ دروغ گفت. «كَذَبَ مَنْ» من یعنی چه؟ کسی «كَذَبَ مَنْ زَعَمَ» «زَعَمَ» یعنی خیال کند. «كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا» دروغ می گوید کسی که خیال می کند از شیعه ی ما است. پیرو ما است. «هُوَ» در حالی که او «مُتَمَسِّكٌ» استمساک، چنگ می زند، «بِعُزْوَةِ غَيْرِنَا» به ریسمان غیر ما، کسی که می گوید: من مسلمان هستم، قانونش هم باید قانون خدا باشد.

۹. رقیق کردن مباحث سنگین

حجه الاسلام قرائتی، با برقراری ارتباط بین مباحث مشکل با چیزهای متعارف، عادی و به روز، مباحث سنگین را رقیق و قابل فهم می نماید. بهره گیری از این روش، علاوه بر کثرت مطالعه و قدرت تطبیق مباحث با مسائل روز، نیاز به دیدن مباحث و برنامه های افراد موفقی چون حاج آقای قرائتی دارد. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: سؤال می شود آیا حضرت علی علیه السلام می دانست که شهید می شوند؟ می گوئیم: آری! می گویند: پس چرا با علم، سراغ مرگ و شهادت رفت؟ در جواب می گوئیم که اگر بر ماشین اداری نوشته شد: استفاده شخصی ممنوع و شخص مسؤولی از آن استفاده نمی کند به این علت است که استفاده از آن به اعتبارش لطمه می زند یا اگر رئیس بانکی نیاز به پول داشت، دست به پول بانک نمی زند و از کسی قرض می گیرد، بدان خاطر است که به اعتبارش لطمه نخورد. در اینجا هم این گونه است. درست است که امام معصوم علم غیب، معجزه، و دعای مستحب دارد؛ اما اگر استفاده شخصی بکند، دیگر از این مقام می افتد. بهترین تبلیغ عملی آنست که امامان: ما از این ابزار سه گانه (علم غیب، معجزه، دعای مستجاب) استفاده شخصی نمایند که نمودند.

ب) نمونه دوم: قرآن که می گوید: «يُضِلُّ بِهِ» (بقره/ ۲۶) «يُضِلُّ اللَّهُ» (ابراهیم/ ۲۷) خدا گمراه می کند یعنی چه؟ ببینید این هم در بحث جبر و اختیار مطرح است. در کارهایی که ما می کنیم هم دست خدا در کار است و هم خدا یک قدرت و

ص: ۱۳۴

اراده ای به خود ما می دهد. شما یک منبع آبی را فرض کنید. منبع آب دست شما نیست. شهرداری و سازمان آب فراهم می کند. نه خیابانها

و نه لوله کشی و نه برخی مقدمات دیگر دست شما نیست؛ اما باز و بسته کردن شیر در دست شماست. نظام هستی هم همین طور است. در این نظام هستی پدر و مادر دست من نیست. محیط و جامعه دست من نیست؛ اما شیر اراده، در دست من است. آدم می تواند با اراده خود - با اینکه پدرش بد، مادرش بد، محیط بد، مدرسه بد؛ اگر همه هم بد باشند - مبارزه کند. البته، مشکل است که آدم در سرازیری خودش را نگه دارد؛ اما نشدنی نیست. مسأله هدایت و ضلالت دست ماست. قرآن می گوید: ما قرآن را می فرستیم؛ اما همین قرآن «يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا» (بقره/ ۲۶) همین آیات قرآن، یک عده را گمراه می کند و یک عده را هدایت می کند. . .

۱۰. استفاده از تعابیر عامیانه

استفاده از تعابیر عامیانه و به کار بردن تعابیر متعارف در بین عموم مردم از کارهای مناسبی است که ضمن جذب مخاطب، در آسان کردن و روشن نمودن بحث نیز بسیار مؤثر است. حاج آقای قرائتی از این شیوه بسیار بهره می برد و به صورت فراوان در ادبیات گفتاری ایشان مشاهده می شود. دو نمونه:

الف) نمونه اول: اصلاً قبله به ما جهت می دهد. حضرت وقتی می خواست بنشیند رو به قبله می نشست نه تنها نماز، خوراک ما هم باید رو به قبله باشد؛ یعنی چه شکم، چه اشک، چه اقتصاد، همه باید یک جهت الهی داشته باشد. شما وقتی جنسی مثل چرخ خیاطی، را می خری؛ هم روی جعبه اش، آرم کارخانه است؛ هم روی خود چرخ خیاطی و هم روی سایر وسایل که همراهش است؛ مثل پیچ گوه‌گوشی. آدم خدائی باید همه کارهایش خدائی باشد: نشستن رو به قبله، خوابیدن رو به قبله، نماز رو به قبله، کشتن گوسفند رو به قبله، دعا رو به قبله؛ یعنی باید جهت داشته باشد.

ب) نمونه دوم: این هایی که می گویند این رابطه ها برای ازدواج آدم را پخته می کند، درست نیست؛ چون دختر و پسری که با افراد مختلف رابطه دارند، خیلی در ازدواج موفق نیستند؛ لذا تا حرفی و قهری پیش بیاید، می گوید دلیلی ندارد من با تو زندگی کنم. چون قبل از ازدواج با دیگری هم بوده است. تا چیزی شد

برمی گردد؛ مثل آدمی که بیاید در خانه، تا دید غذا باب میلش نیست، اگر دور تا دور خانه اش دیزی، کبابی، جگرکی، ساندویچی، پیتزا و... باشد، می گوید اصلاً دلیلی ندارد خانه غذا بخورم؛ بیرون غذا می خورم. وقتی راه باز بود، با مختصر بهانه خانه را رها می کند، اما اگر راه ها بسته بود، در خانه صبر می کند.

۱۱. تابلویی کردن و شعاری نمودن پیام

حجه الاسلام قرائتی، آیات، روایات و نکاتی که جنبه تابلویی دارند را به عنوان شعار برجسته می کند تا به راحتی در ذهن مخاطبان نقش ببندد. ایشان از دل آیه یا روایت، جمله کلیدی را برجسته و به اسم شعار مطرح می کند. برخی نمونه ها از متن «درسهایی از قرآن»:

- قرآن می گوید: «وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ» (انعام / ۱۲۱)؛ اگر اطاعت از دیگران بکنید، شما مشرک هستید. «شُرک به معنای اینکه ما مخلص نیستیم، در اطاعت شرک کردیم. دلم می خواهد این آیه را قشنگ بنویسد و در اتاقتان نصب کنید؛ بله قربان گویی و اطاعت از کسی که در راه خدا نیست، شرک است.

- اخلاص: شعار همه انبیاء این بود که «إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَيَّ اللَّهُ» من مزدی از شماها نمی خواهم

- شعار پیغمبر این است که «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره / ۲۵۶)، دهم...

- اولین گام برای نجات انسان ها را انبیا برداشتند. شعار انبیا این بود. «أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل / ۳۶) بود...

- قرآن از انبیا تعریف می کند. می گوید: پیغمبران وقتی مورد شکنجه قرار می گرفتند، شعار می دادند، شعار پیغمبران این بود «وَلَنْصَبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا»؛ یعنی هر چه شما ما را شکنجه بدهید، ما صبر می کنیم.

- شعاری است برای تمام انقلابیون دنیا... برای هر انسان آزاده ای. شعار این است: «لَمَّا وَ اللَّهُ لَمَّا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ» (۱)

این از سخنان امام حسین علیه السلام در روز عاشورا است.

ص: ۱۳۶

از جمله کارهایی لازم در تدریس، ارائه معیارهای طبیعی و آسان به مخاطبان است. این شیوه در معارف و احکام اسلام، به عنوان یک روش کاربردی، در جاهای متعدد به کار گرفته شد. حاج آقای قرائتی، در خصوص تبیین برخی از معیارهای طبیعی می فرماید:

«در دوست گرفتن، می فرمایند: با کسی دوست شو که عیبت را به تو تذکر دهد و حتی تو را به گریه بیندازد .

در شناخت خود، می فرمایند: اگر فکر می کنید از اولیاء خدا هستید، باید آرزوی مرگ کنید.

در انتقاد منافقین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در خصوص تقسیم صدقات و بیت المال، خدای تعالی می فرماید که: اگر چیزی از آن (اموال) به آنان داده شود، راضی می شوند (و تو را عادل می شمارند)، ولی اگر چیزی به آنان داده نشود، به ناگاه آنان خشمگین می شوند (و تو را به بی عدالتی متهم می کنند). (توبه/ ۵۸)

در وجدان می فرماید: «وانتم لا تعلمون»

و در جنس که به فقیر می دهیم، سفارش شد: چیزی ندهید که اگر خودتان فقیر بودید، آن را تحویل نمی گرفتید.

پیامبر ۹ گاهی که می دید برگ درختان در اثر باد می ریزد می فرمودند: فلان عمل مثل این باد که برگها را می ریزد، گناهان شما را می ریزد.

حضرت علی علیه السلام در دعای کمال فرماید: من که طاقت بلای کم دنیا را ندارم، با بلای آخرت چه کنم؟

اینها نمونه هایی از معیارهای طبیعی است؛ بار دیگر تکرار می کنیم:

دوست خوب کسی نیست که برای تو دلقک باشد و تو را بخنداند؛ انسان خوب نباید از مرگ بترسد؛ سخاوتمند نباید جنس نامرغوب بدهد و در کارها وجدان خودتان را حاضر بدانید.

آری! معیارهای اسلام، آسان و طبیعی است؛ بسیاری از سوره های قرآن به اسم طبیعت است؛ بقره، نمل، زیتون، تین، کهف، نور، عنکبوت، دخان، قمر، حدید، و در

احکام دینی نیز، مسائل طبیعی بسیار به چشم می خورد؛ مثلاً- معیار وقت نماز؛ طلوع، غروب، وقت زوال که دیدنی و قابل درک است، می باشد. یا در وضو شستن پهنای صورت به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می گیرد، باید شسته شود. یا در سنجش مقدار آب کر بیان شده که باید سه وجب و نیم در سه وجب و نیم باشد و... این معیارهایی که اسلام بیان نموده، در هر زمان و مکان قابل بهره برداری است.»

یک نمونه:

(مخاطب دانش آموزان دبیرستانی): الان شما درس می خوانید. می پرسم هدف شما از درس خواندن چیست؟ می گوئید: می خواهیم نمره بگیریم. می پرسم: نمره که بگیرید هدف شما چیست؟ می گوئید مدرک گرفتن. می گوئیم: هدف شما از مدرک گرفتن چیست؟ می گوئید: می خواهیم در مملکت مقامی بگیریم. می پرسم بعد از مقام گرفتن چه می شود؟ می گوئید به پول می رسیم! بعد چه؟ هیچی. این عبادت نیست. اما یک وقت درس می خوانید برای اینکه رشد کنید و دیگران را رشد بدهید. اگر هدف انسانیت باشد، این عبادت است.

حالا یک نشانه به شما بدهم که متوجه شوید که عبادت می کنید یا نه؟! اگر فردا صبح، کسی جلوی دبیرستان ایستاد و به هر کدام از شما مدرکی داد و گفت ماهی فلان مبلغ هم میدهم، اینجا آیا به درس و بحث ادامه می دهی یا از مسیر دانش بر می گردی؟ اگر هدف رشد باشد، مدرک و پول را پس می زنی و می گوئیم من هنوز رشد نکرده ام، می خواهم درس بخوانم. اما اگر هدف مدرک و پول باشد، وقتی مدرک و پول بیاید، همان جا توقف می کنیم. این نشانه اش است، خودتان را امتحان کنید که اگر به مدرک و پول رسیدید، می ایستید و یا به حرکت ادامه می دهید؟»

۱۳. بهره گیری از اصطلاحات جدید

دقت در نکات و خلق اصطلاحات جدید، از کارهای مناسب و شیرینی است که حجه الاسلام قرائتی انجام می دهند که در برخی مواقع همین اصطلاحات دهن به دهن در جامعه نقل می شود و به صورت ضرب المثل در می آید. بیان حقایق در قالب یک اصطلاح شیرین و ملموس، هم انتقال بحث را آسان می کند و هم سبب

ص: ۱۳۸

ماندگاری مطالب در ذهن مخاطبان می گردد؛ برخی نمونه ها:

- بعضی تاجرها پول دارند؛ اما سخاوت ندارند؛ یعنی گاو صندوق گوشتی هستند.

- «ما سه نوع آدم داریم: بعضی مثل توت شیرین هستند؛ یعنی با یک تکان دادن می ریزند. بعضی مثل انار هستند. باید کمی تابش داد تا از درخت جدا شود. بعضی از مردم هم مثل گردو هستند. باید چوب به سرشان زد تا از درخت بیفتند.

- دو رقم شیطان داریم: یکی شیطان مستقر و دیگری شیطان دوره گرد... (۱)

- دو رقم بحث داریم: آبگوشتی - مغز بادامی. بحث های آبگوشتی بحث هایی است که پای دیگ و داغ، داغ خوب است. اما اگر بخواهی آنرا منتقل کنی، سرد و بی مزه می شود؛ اما بعضی وقت ها بحث مغز بادامی است. یعنی آدم هم می تواند در جلسه بحث را بچود و هم در هر جای کره زمین قابل دسته بندی و بسته بندی است.

- ما دو رقم مرده داریم. مرده ی افقی و مرده ی عمودی! مرده عمودی سیخ راه می رود، ولی مرده است و اگر کسی گفت: هرچی شد به ما ربطی ندارد، حدیث داریم او مرده ی عمودی است. (۲)

- ما سه رقم بحث داریم: ۱. بحث تاکسی ۲. بحث قطار ۳. بحث کلاس. (۳)

ص: ۱۳۹

۱- در باره شیطان های مستقر خدا می فرماید: «فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» (زخرف / ۳۶) یعنی در روح انسان چنان رخنه کرده که دیگر انسان کاری با او ندارد و این به خاطر رفتار بد انسان است. اما برخی مؤمن هستند و شیطان آنان را تکان می دهد و حتی سست می کند و می اندازد، ولی نمی تواند در وجودشان رخنه کند. قرآن می فرماید: «إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا» (اعراف / ۲۰۱) یعنی شیطان با این ها قرین نشده بلکه «مَسَّهُمْ» یعنی این ها را مس می کند و تکان می دهد، و فوراً متوجه و به خدا پناه می برد. برنامه درسهایی از قرآن، ۶۱ / ۰۵ / ۰۷

۲- «فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ؛ مرده ای در بین زندگان است.» (تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۱۸۱)

۳- بحث تاکسی این است که در ماشین یا تاکسی که می نشینی، راننده یا مسافر سؤالی طرح می کند، شرایط چند دقیقه ای است و باید جواب خیلی فشرده باشد. اما بحث قطار، که بین شهرهاست، فرصت چند ساعته است و فرصت بیشتری وجود دارد. یک بحث هم، بحث کلاسی است که یکسال در کلاس دوره ببینیم. برنامه درسهایی از قرآن، ۵۹ / ۰۵ / ۰۱

۱. تطبیق مفاهیم با مصادیق مانوس و اصطلاحات

از شیوه های با جاذبه حجه الاسلام قرائتی، بیان مصادیق امروزی آیات و روایات و تطبیق مفاهیم قرآنی و روایی با مصادیق مانوس و اصطلاحات روز است؛ به عنوان نمونه، آیه و حدیثی را که تطبیق در آن صورت گرفته، بیان می کنیم:

الف) «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا» (يعقوب) گفت: ای پسر کوچکم! خوابت را برای برادرانت بازگو مکن که برایت نقشه ای (خطرناک) می کشند.» (یوسف / ۵)

تطبیق: یکی از اصول زندگی، رازداری است. اگر برای رهایی از نقشه ها، خواب را نباید تعریف کرد، برای حفظ اسرار نظامی، حفظ جان نوابغ و دانشمندان، و حفظ هر چه که دشمن چشم طمع به آن دارد، بیشتر باید راز دار باشیم. اگر مسلمانان به مفاد این آیه عمل می کردند، این همه کتب خطی، آثار علمی، هنری و عتیقه های ما، در موزه کشورهای خارجی جای نمی گرفت و به اسم کارشناس، دیپلمات و جهانگرد از منابع و امکانات و منافع ما آگاه نمی شدند و در اثر سادگی یا خیانت، اسرارمان در اختیار کسانی که دائماً در حال کید و مکر علیه ما هستند، قرار نمی گرفت و یا دانشمندان هسته ای ما به شهادت نمی رسیدند. (۱)

ب) در حدیث می خوانیم: «در میان همه صداها، سه نوع صدا را خداوند دوست دارد: صدای قلم دانشمندان - صدای پای سربازان - صدای چرخ زنان خانه دار که مشغول ریسندگی و بافندگی هستند.»

تطبیق: در توضیح این حدیث می توان گفت: آری، امتی عزیز است که علم و قدرت و اقتصادش پویا باشد و به نوعی، مصادیق این سه صدا در امروز عبارتند از:

ص: ۱۴۰

۱- . یا در این آیه می خوانیم: «وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» و اموال زیاد از طلا و نقره و اسبان ممتاز و چهارپایان و کشتزارها که همه از شهوات و خواسته های نفسانی است، در نظر مردم جلوه یافته است، (در حالی که) اینها بهره ای گذرا از زندگانی دنیاست. مصادیق جلوه های دنیا که در آیه ذکر شده، با توجه به زمان نزول آیه است و می تواند در هر زمانی مصادیق جدیدی داشته باشد. طلا- و نقره، کنایه از ثروت اندوزی، و اسب کنایه از مرکب و وسیله ی نقلیه است.

۲. تکرار هوشمندانه

تبلیغ، یک امر آموزشی صرف نیست که با یک بار گفتن، پرونده بحث بسته شود؛ بلکه هدف از تبلیغ، تربیت مخاطبان است که تکرار هوشمندانه برخی پیام‌ها و ارائه آنها در قالب‌های متنوع، نقش کلیدی در تربیت مخاطبان دارد. از کارهای جالب حجه الاسلام قرائتی، بهره‌گیری از شیوه تکرار است؛ این معلّم موفق، برخی از مفاهیم و موضوعات را به روشهای متنوعی بیان می‌کند و با آیات، روایات، داستان، خاطره، مثل و... یک مضمون را تکرار می‌نماید. ایشان، تکرار با توجه و هوشمندانه را منطق قرآن کریم می‌داند و می‌فرماید:

«قرآن درباره تکرار سه جمله دارد. گاهی می‌گوید: «صَبْرٌ فَنَّا» (اسراء/ ۴۱) گاهی می‌گوید: «وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ» (قصص/ ۵۱) گاهی هم می‌گوید: «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا» (مومنون/ ۴۴) این‌ها همه درباره تکرار است. این که می‌گویند «صَبْرٌ فَنَّا»؛ یعنی با عبارت‌های مختلف تکرار کن، مثل اینکه می‌گویند کلمه را صرف کن! «ضرب، ضربا، ضربوا» «وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ»؛ یعنی حرف‌ها را دوباره به هم وصل کن، پشت سر هم بگو و تکرار کن. «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا» یعنی پی در پی پیغمبر می‌آید. .. در تربیت تکرار لازم است. نماز باید تکرار شود. در تربیت، تکرار اصل است و چون قرآن برای تربیت است خیلی از قصه‌های تکراری است. برخی چیزها اگر تکرار نشود فراموش می‌شوند. مثل: بزرگی خدا. در یک نماز بارها می‌گوییم: الله اکبر...»

ایشان در خصوص این اصل مهم، نکاتی را متذکر می‌شوند:

«در تعلیم و تربیت و تبلیغ، گاهی باید تکرار کرد و آن هم به دلایلی است:

۱. اگر یک اخلاق و رفتاری در جامعه ریشه دارد، با یک تذکر و گفتار تغییر پیدا نمی‌کند و باید تکرار شود.
۲. اگر در افرادی ناباوری است، باید سخن را تکرار کرد، همان گونه که گاهی تنه درخت با یک تبر دو نیم نمی‌شود. آری! زندگی ما با تکرار شکل می‌گیرد؛ نفس کشیدن ما، جریان خون ما، و حرکت زمین و تابش خورشید همه تکراری است.

۳. بیان مطلبی در قالبهای گوناگون، اثر ویژه ای دارد و لذا گاهی در قرآن کریم، یک مطلب چند بار در قالبهای گوناگون تکرار شده است.

۴. گاهی تکرار نشانه ی عنایت خاص است. همان گونه که اگر برای هر جنسی که خریداری یا فروخته می شود، یک فاکتور خاص دارد و این نشان دهنده دقت است. مثلاً در سوره الرحمن چند... بعد از هر نعمتی را که نام می برد، اقرار می گیرد که کدامیک از این نعمت ها را تکذیب می کنید.

۵. قرآن می فرماید در دستور نماز به خانواده، باید صبور باشیم. آری! گاهی با یک تذکر والدین، فرزند نماز خوان نمی شود. همان گونه که با یک فریاد، مردم متوجه نماز نمی شوند و لذا باید، برای دعوت به نماز اصولی را به کار برد:

- با صدای بلند

- از طریق افراد خوش صدا

- روی بام و بلندی

هم با تکرار کلمات و هم با نوآوری محتوا مردم را دعوت کرد. تکرار الله اکبر و شهادتین و کلمه «حیّ» و نوآوری کلمات صلاه، فلاح و خیرالعمل؛ یعنی هم «تکرار» و هم «نوآوری». همان گونه که در اصل نماز، هم تکرار است؛ مثل وضو، قبله، و نیت خالص و تلاوت سوره حمد و رکوع و سجود و تشهد و سلام و در عین حال نوآوری هایی در آن لحاظ شده است. در انتخاب سوره بعد از حمد، انتخاب دعای در قنوت و بعضی از مستحبات دیگر، نماز گزار می تواند چیزهایی را در چارچوب وحی انتخاب کند و برای نماز خود نوآوری بیاورد.

ناگفته پیداست که تکرار نباید ملال آور باشد؛ بلکه باید در هر تکراری، یک نوآوری در محتوا یا سبک داشته باشد؛ در تکرار های قرآن، این نوآوری به چشم می خورد.

البته، اگر چه این معلّم فرزانه در لابلای درسهای خود، تکراری هوشمندانه در برخی مفاهیم و شعارها و نکات مهم دارد؛ اما در انتخاب موضوع درس خود این دقت را دارد تا موضوعی تکراری را ارائه ندهد.

بیان دو دیدگاه یا معرفی دو گروه و مقایسه میان آنها، عامل تفکر و انتخاب بهتر است. با مقایسه بین خوبها و بدها، خوبی ها و بدی ها، حالات انسانها و اقوام و سرانجام حق و باطل، جهل و علم، نقص و کمال و...، افراد به درک و آگاهی بیشتر رسیده و می توانند راه بهتری انتخاب نمایند. در قرآن کریم، در موارد متعدد مقایسه را مشاهده می کنیم. به عنوان نمونه مقایسه بین:

- سخن و اعتقاد پاک و پلید (كَلِمَةً طَيِّبَةً... كَلِمَةً خَبِيثَةً) (۱)

- دانا و نادان (قُلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ) (۲)

- مؤمن و فاسق (أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ) (۳)

- مؤمن و کافر (نابینا و بینا و...) (۴)

از کارهای با جاذبه حاج آقای قرائتی، بهره گیری از این شیوه قرآنی است. ایشان

ص: ۱۴۳

۱- . أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ؛ آیا ندیدی که خداوند چگونه مثل زده؟ کلمه طیبه (سخن وایمان) پاک همانند درختی پاک است که ریشه اش ثابت و شاخه اش در آسمان است. (سوره ابراهیم / آیه ۲۴) وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ؛ و مثل سخن (و اعتقاد) پلید همچون درختی پلید (و بی ریشه) است که از روی زمین برآمده و هیچ ثباتی ندارد. (سوره ابراهیم / آیه ۲۶).

۲- . أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْأَخْرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ؛ آیا (چنین کسی بهتر است یا) آن کس که در طول شب در حال سجده و قیام به اطاعت مشغول است (و) از آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: «آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟» تنها خردمندان متذکر می شوند (و پند می پذیرند). سوره زمر / آیه ۹.

۳- . أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا مَّا لَا يَسْتَوُونَ پس آیا کسی که مؤمن است مثل کسی است که فاسق است؟ (هرگز چنین نیست، این دو گروه) مساوی نیستند. سوره سجد / آیه ۱۸ .

۴- . وَ مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ (کافر و مؤمن یکسان نیستند چنانکه) نابینا و بینا یکسان نیستند. سوره فاطر / آیه ۱۹ . در ادامه سه مقایسه بین مؤمن و کافر صورت گرفت: ظلمات، نور؛ وَ لَمَّا الظُّلُمَاتُ وَ لَا النُّورُ. تاریکی و روشنایی (نیز یکسان نیستند). سوره فاطر / ۲۰. سایه و گرمای آفتاب: وَ لَا الظُّلُّ وَ لَا الْحَرُّ. و سایه و گرمای آفتاب (یکسان نیستند). سوره فاطر / ۲۱. زندگان و مردگان: وَ مَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَ لَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ؛ و زندگان و مردگان یکسان نیستند. همانا خداوند (حق را) به هر کس که بخواهد می شنواند و تو هرگز نمی توانی به کسانی که در گورها هستند (حق را) بشنوانی. تو جز بیم دهنده ای (بیش) نیستی. سوره فاطر / آیه ۲۲.

با استفاده از قرآن کریم و روایات، و با گزینش نکته های پراکنده و در کنار هم قرار دادن آنها، با شیوه سنجش و مقایسه، تدریس و تبلیغ خود را جذابتر نموده و فضای درس و بحث را شیرین تر می نماید. این معلّم با تجربه، به صورت فراوان از این شیوه بهره می برد؛ مانند این که:

- از هر پیغمبر اولوا العزم کمالاتی را می گویم، بعد بین امیرالمؤمنین و انبیا مقایسه می کنیم.

- سیمای کسانی را که اهل جبهه هستند و سیمای کسانی را هم که اهل جبهه نیستند، را می نویسم. آن وقت یک مقایسه ای می کنیم.

- می خواهیم مقایسه کنیم. مقایسه فرهنگ دیروز و فرهنگ امروز، مسجد دیروز و مسجد امروز، سیاست دیروز و سیاست امروز. زن دیروز و زن امروز و از این قبیل مقایسه ها و در مجموع می خواهیم از طریق مقایسه به بررسی گوشه ای از آن چه به آن رسیده ایم پردازم.

- بحث درباره سیمای رزمنده و اهمیت جهاد است... برای این که بحث برای افرادی که به حج نرفته اند، خوب مطرح شود، ابتدا مقایسه ای میان حج و جهاد می کنیم. یک نمونه از این شیوه:

با توجه به آیات متعدّد، میان جایگاه اصحاب یمین در بهشت و اصحاب شمال در جهنّم

مقایسه ای بین بهشتیان و دوزخیان می نماید: (۱)

ص: ۱۴۴

برای اصحاب یمین: برای اصحاب شمال:

۱. سایه ای ممتد و دائم.

«وَوَظِلٌّ»

«مَمْدُودٍ»

۲. میوه هایی مجاز و

مدام.

«لَا مَقْطُوعَهُ»

«وَلَا مَمْنُوعَهُ»

۳. نوشیدنی هایی

پاکیزه.

«شَرَابًا طَهُورًا»

۴. رودهایی از آب.

«أَنْهَارٌ مِّنْ

مَاءٍ»

۵. رودهایی از شیر.

«أَنْهَارٌ مِّنْ

لَبَنٍ»

۶. رودهایی از شراب.

«أَنْهَارٌ مِّنْ

خَمْرٍ»

۷. رودهایی از عسل.

«أَنْهَارٌ مِنْ

عَسَلٍ مُّصَفًّى»

۸. دو بهشت و باغ

بزرگ.

«جَنَّاتٍ»

۹. بر خوردهایی با سلام

و سلامتی.

«إِلَّا قِيلاً

سَلَامًا سَلَامًا»

۱۰. ورودی با احترام.

«طِبْتُمْ

فَادْخُلُوهَا»

۱۱. بر خوردار از رحمت

و درود الهی.

«سَلَامٌ قَوْلًا

مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ»

۱۲. پذیرایی کنندگانی

بی نظیر.

«يَطُوفُ

عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ»

- سایه ای از دود

سیاه.

«ظِلٌّ مِنْ»

يَحْمُومٌ»

- نه خنک و نه سودمند.

«لَا بَارِدٍ لَّا

كَرِيمٍ»

- آبی همچون فلز

گداخته.

«بِمَاءٍ

كَالْمُهْلِ»

- در آرزوی آب.

أَفِضُوا عَلَيْنَا

مِنَ الْمَاءِ...

- آبی سوزان و

زهر آلود.

«حَمِيمٌ وَ

غَسَّاقٌ»

- آبی چرک و خون آلود.

«مِنْ غَسَلِينَ»

- آبی پست.

«مَاءٍ صَدِيدٍ»

- مکانی تنگ.

«مَكَانًا ضَيِّقًا»

- لعنت و نفرین به

یکدیگر.

«كَلِمَا دَخَلَتْ اَمَهُ»

لعنت اختها»

- ورودی با قهر و

نفرت.

«خُذُوهُ»

فَعْلُوهُ»

- توهین و بایکوت.

«قَالَ اِحْسُوا»

فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ»

- گردش در میان آتش و آب

سوزان.

«يَطُوفُ عَلَيْهِمْ»

بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمِ آنِ».

القای غیر مستقیم؛ در تربیت، آموزش، موعظه، توییح و... بسیار مؤثر است. گاهی لازم

است تا با استفاده از داستان و حکایت، خاطره و مثال و... به شیوه غیر مستقیم، پیام را به مخاطبان منتقل نمود. این روش، شیوه ای قرآنی است. حجه الاسلام قرائتی، در این خصوص بیان می دارد:

«قرآن، بارها مسأله ی تسبیح موجودات و سجده و نماز آنها را با صراحت بیان کرده، تا به صورت غیر مستقیم، به انسان هشدار دهد که وقتی آنها در حال تسبیح هستند، چرا انسان غافل است؟! و... یا این که انسان را به صورت غیر مستقیم توییح کرده است(۱)».

یا برخی آیات به صورت کنایه است.(۲)

حاج آقای قرائتی، به صورت فراوان از این شیوه بهره می گیرد. ایشان، در موارد متعدد، به جای خطاب مستقیم، با بهره گیری از قالب های غیر مستقیم پیام را به مخاطب منتقل می نماید؛ مثلاً گاهی با خطاب به خود و یا با استفاده از تعبیر کلی مانند؛ «بعضی ها...» «عده ای» و... یا با حکایت و مثل و مانند آن، پیام را به صورت لطیفی به مخاطب می رساند. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: در تبیین اوصاف و ویژگی های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در درسی فرمودند: «وَيُجِيبُ دَعْوَةَ الْخَائِرِ وَالْعَبِيدِ» چه آزاد و چه برده؛ هر کس پیامبر اکرم را دعوت می کرد، قبول می نمود. اما بنده اینطور نیستیم. به بنده وقتی می گویند یک مقاله در فلان کتاب بنویس، می پرسیم: دیگر چه کسانی مقاله می دهند؟ اگر آن هایی که مقاله می دهند آدم های قوی هستند، من هم می گویم که مقاله می دهم، اما اگر دیدم صاحبان مقاله، افراد معروف و مهمی نیستند، می گویم متأسفانه من گرفتارم. دعوتم که می کنند

ص: ۱۴۶

- ۱- «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ...» اگر این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم، بی شک آن کوه را از خشیت خداوند، خاشع و فرو پاشیده می دیدی...» سوره حشر/ آیه ۲۱.
- ۲- امام صادق علیه السلام فرمودند: «نَزَلَ الْقُرْآنُ بِإِيَّاكَ أَغْنَىٰ وَاسْمَعِي يَا جَارَةَ»؛ یعنی قرآن این گونه (مانند این ضرب المثل عربی) نازل شده که به تو می گویم و ای همسایه! تو گوش کن! (به در می گویند تا دیوار بشنود). کافی، ج ۲، ص ۶۳۰.

می گویم چه کسانی هستند؟ اگر به عقد دعوت می کنند، می گویم چه کسانی در جلسه عقد هستند؟ افطاری و مهمانی می گویم چه کسانی می آیند؟ اگر مهم بودند، قبول می کنم و اگر مهم نبودند نمی پذیرم.» (۱)

ایشان، در این فراز با خطاب به خود، به طور غیر مستقیم به مخاطب نیز پیام را منتقل می نماید.

ب) نمونه دوم: در یکی از درسهایش فرموده اند: «زمان شاه جوانی مرتب به کلاس من می آمد. مدتی نیامد! او را دیدم و گفتم: چرا کلاس نمی آیی؟ گفت: من قبلاً جوان پاکی بودم،

حالا با کمال تأسف آلوده شده ام. وقتی می خواهم به مسجد و جلسات قرآن بیایم، به خودم می گویم: نمی خواهد به جلسه قرآن بروی، بقیه کارهایت را درست کن!! گفتم: اصلاً شیطان هم، همین را می خواهد. شیطان، اول تو را هل می دهد به طرف گناه و بعد می گوید: نمی خواهد نماز بخوانی، برو سراغ کارهای دیگر! قرآن می فرماید: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود/ ۱۱۴) کار نیک، کارهای بد را از بین می برد. پس هر کس گناهی مرتکب شد، سریع نماز بخواند.»

در این سخن نیز، حاج آقای قرائتی با بیان این خاطره، خواست به نوعی غیر مستقیم، به مخاطبانش پیام بدهد که اگر شما نیز مرتکب خلافی شده اید، با توبه و نماز و کار خیر می توانید، جبران کنید.

۵. خواندن از روی نوشته

از شیوه های خوب حجه الاسلام قرائتی، خواندن از روی نوشته است. ایشان هیچ اصراری ندارد تا مطالب را از حفظ و بدون نگاه به نوشته ارائه دهد. این معلم متواضع، در خصوص علت این کار می فرماید:

«اگرچه حفظ بودن آیات و روایات مناسب است؛ اما اگر ما مباحث خود را به همراه داشته باشیم، و برخی مطالب مهم؛ مانند کلام الهی یا کلام معصومین و... را از رو بخوانیم؛ هم جلوی اشتباه خواندن و یا جابجایی احتمالی کلمات و جملات را می گیریم وهم این کار شائبه ریا و خودنمایی ندارد. خیلی از بزرگان از گذشته تا

ص: ۱۴۷

امروز، این کار را انجام می دهند. آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) سالی دو سه شب منبر می رفت؛ کتاب را باز می کرد و از رو می خواند. همچنین، مقام معظم رهبری از روی لہوف روضه خواند. از رو خواندن عیب نیست و من چندین سال است که در تلویزیون چنین کاری را انجام می دهم.»

۶. دو طرفه کردن کلاس (برقراری ارتباط چند سویه در کلاس)

از شیوه های پسندیده برای سرزنده داشتن و نشاط مخاطبان و تقویت انگیزه و ارتقای روند آموزش، چند سویه نمودن کلاس است. فعال کردن مخاطبان به گونه ای که آنها نقشی در کلاس داشته باشند، هنر معلمان موفق است؛ آنان با این روش، با درگیر کردن ذهن مخاطب با پیام تبلیغ، ضمن ایجاد انگیزه و نشاط، به درک ماندگار فکر می کنند و با دوسویه یا چند سویه کردن درس، کلاس را از حالت یک سخنرانی یک طرفه خارج و مخاطب را از کسالت، خواب آلودگی و حواس پرتی و بی انگیزگی خارج می نمایند.

یکی از مهارت های حجه الاسلام قرائتی، این است که به نوعی مخاطبان را در امر کلاس مشارکت می دهد. این معلم موفق، در شرایطی که اقتضاء کند، کلاس را چند سویه نموده و به مخاطبان میدان می دهد تا دیدگاه های خود را در خصوص موضوع درس ارائه دهند. به عنوان نمونه، در خاطراتشان فرمودند:

«در اهواز کلاسهای زیادی داشتم. در یکی از کلاسها، عنوان درس این بود: «چرا خداوند در دنیا ما را به جزای اعمالمان نمی رساند؟» برای این سؤال چند جواب آماده کرده بودم، ولی قبل از پاسخ به جوان ها گفتم: شما نیز فکر کنید و جواب بدهید...» (۱)

همچنین، در برخی موارد دیگر؛ مانند بحثهای تلویزیونی که عموماً شرایط چند سویه شدن وجود ندارد، با مهارتی که دارد، به نوعی مخاطبان را همراه کرده و جلسه را دو طرفه می کند. گاهی برای رفع خستگی و تازه نگه داشتن فضای کلاس، از مخاطبان می خواهد تا با هم چیزی از آیه یا روایت یا ... را که بلد

ص: ۱۴۸

هستند یا روی تخته نوشته شده، را با هم تکرار کنند یا در کلاس‌های خود، برخی آیات، روایات و شعرها و ضرب‌المثلها و مطالب و مفاهیمی که مردم با آن مأنوس بوده و در ذهن دارند، را به صورت ناقص می‌خوانند و برای تکمیل آن از مخاطبانش کمک می‌گیرند. ایشان علت این کار را در کلاسی این گونه بیان فرمودند:

«اینکه می‌گوییم: "بخشی را من می‌گویم و بخشی را شما بگویید." این فن معلمی من است، معلم باید بعضی حرفهایش را ناقص بزند؛ مقداری را خودش و مقداری را مخاطبانش بگویند تا علاوه بر تعامل و مشارکت در گفتگو، مخاطب نیز در کلاس سر حال و با توجه باشد.» این کار در کلاسها، به صورت فراوان از ایشان دیده می‌شود؛ در اینجا، چند نمونه را ارائه می‌کنیم:

- اما آگاهی، نصفش را من می‌خوانم و نصفش را شما «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَظُنُّونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر / ۹)

- یکی از داستان‌ها، داستان نوح با پسرش است که قصه اش را می‌دانید. حالا نصفش را من می‌خوانم و نصفش را شما بخوانید. پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد

- پیغمبر ما به علی بن ابیطالب گفت: نصفش را من می‌گویم. نصفش را شما بگویید. «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» (بحارالانوار / ج ۵ / ص ۶۹) و... (۱).

۶. تذکر و یادآوری نعمتها

هم‌تعلیم جاهل وظیفه مبلغ و معلم است و هم‌تنبیه غافل. زندگی روزمره، چه بسا انسان را دچار خواب غفلت نماید، لذا انسان پیوسته نیاز به یادآوری و تذکر دارد؛ از شیوه‌های مهم و مجرب در عرصه‌ی تعلیم و تبلیغ، بهره‌گیری از تذکر و تنبیه و هوشیار کردن مخاطبان است. این روش، شیوه‌ی قرآنی است و از سفارشهای الهی، یادآوری از نعمت‌ها و آلاء است؛ «فَاذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ

ص: ۱۴۹

۱- . حاج آقای قرائتی، یک بار برای سخنرانی راهپیمایی بیست و دوم بهمن شهر اصفهان دعوت شدند. ابتداء به صورت صادقانه گفتند که برای این جلسه سخنران حماسی می‌خواهد. اما با درخواست دعوت کنندگان پذیرفتند؛ لکن همین مهارت را به کار گرفته‌اند و بیان نموده‌اند که هر چه من می‌گویم به جای تکبیر و شعارهای رسمی، بگویید: «مُوتُوا بِعَيْظِكُمْ». ایشان این برنامه را در درسهایی از قرآن هم انجام داده‌اند. موضوع برنامه: ویژگی‌های یاران پیامبر در قرآن تاریخ پخش: ۲۴ / ۰۱ /

۸۵

پس نعمت های خدا را به یاد آورید، باشد که رستگار شوید.» (أعراف / ۶۹)

حجه الاسلام قرائتی، با بهره گیری از این شیوه قرآنی، به تبیین و یادآوری نعمت های الهی می پردازد. ایشان، علاوه بر این که در فرصت های گوناگون و در لابلای مباحث و موضوعات، مخاطبان را به نعمت های خداوند متعال توجه می دهد، بیش از یک سال، درسهایی از قرآن را به این موضوع اختصاص دادند (۲) و در ابتدای مباحث، در خصوص علت پرداختن به بحث «نعمت های الهی» فرمودند:

«بینندگان عزیز، روز اول ماه رمضان ۷۱ بحث را می بینند. موضوع ما نعمت های الهی است. شمردن نعمت ها، انسان را از غفلت بیرون می آورد و عشق خدا را در او زیاد می کند. وقتی انسان متوجه شد که خدا چقدر به او نعمت داده است، بعد وقتی گفتند: روزه بگیر. می گوید: چشم! شما اگر بدانی که پدرت چه خدماتی کرده است، به پدرت، نه نمی گویی. اگر یادی از زحمات مادر بکنی، به مادر، نه نمی گویی. گاهی که ما نسبت به پدر و مادر طغیان و تمرد می کنیم، یادمان می رود که اینها چقدر زجر کشیدند. افرادی که در مقابل خدا معصیت می کنند، یادشان می رود که خدا چقدر خدای خوبی است.» (۳)

همچنین، قرآن کریم در بیان نعمتها با استفاده از مقلوب کردن وجابه جایی نعمتها و بیان فرض مخالف، انسان را نسبت به نعمتها متذکر و به نظام احسن توجه می دهد. (۴)

حجه الاسلام قرائتی از این روش قرآن کریم، در یادآوری نعمتها،

ص: ۱۵۰

۱- . کلمه ی «آلاء» جامع تر از نعمت می باشد و شامل هر نعمت ظاهری و باطنی، مادی یا معنوی می شود، چنانکه در سوره ی الزمّن مکرر آمده است، و حتّی شامل عقاب و جهنّم که لازمه ی عدل الهی است، نیز می شود. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص: ۱۳۶

۲- . البته اگرچه موضوع درس، برای مدتی یک چیز بوده و آن «نعمتهای الهی» مورد بحث قرار گرفته بود و بحث به صورت سلسله ای ارائه گردید؛ اما نه تنها دروس متعدد در این سلسله بحثها، بلکه هر درس از اصل تنوع غفلت نشده و دروس از تنوع برخوردار بوده اند.

۳- . برنامه درسهایی از قرآن، ۰۶ / ۱۲ / ۷۱.

۴- . حاج آقای قرائتی، در درسها و آثارش، مکرر به این روش قرآنی اشاره می نمایند. در تفسیر نور، (ج ۱، ص ۱۷۷) بیان کرده اند که: «خداوند می تواند هرگاه اراده کند، در آفرینش ایجاد تغییر کند؛ مثلاً آب را تلخ کند؛ «لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا» واقعه / ۷۰. و یا درختان را خشک سازد؛ «لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا» واقعه / ۶۵. و بالا-تر از همه، تمامی مردمان را نابود و گروه دیگری را بیافریند؛ «إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ» ابراهیم / ۱۹. چنانکه به گروهی از بنی اسرائیل فرمود: «كُونُوا قِرَدَةً

خاسِئِينَ» بقره/ ۶۵. یعنی شما به شکل بوزینگان در آید و آنان از شکل انسانی به صورت بوزینگان در آمدند. این نوع تغییر و تحوّل را بنی اسرائیل در طول تاریخ زندگانی خویش بارها دیده است، خشک شدن دریا برای عبور آنان، ازدها شدن عصای حضرت موسی، شکافته شدن سنگ ها و جاری شدن آب، چگونه است این همه را با چشم خود دیده اند، ولی اکنون با تغییر مختصری در احکام و دستورات بهانه گیری می کنند؟»

بسیار بهره می برد. به عنوان نمونه:

در یکی از درسها فرمودند: «شما در ساختمان خودتان قدری فکر کنید، مثلاً محل تغذیه نوزاد کجای بدن مادر بود بهتر بود؟ غیر از سینه که هم بتواند با دستهایش بچه را نگه دارد، هم با چشم هایش نظارت کند، هم سر بچه روی قلب مادر باشد که این آهنگ قلبی که در شکم با آن مأنوس بوده، بیرون شکم هم با آن مأنوس بشود... خدا در قرآن می گوید اگر می خواهید قدر نعمت های من را بدانید جابه جا کنید؛ یعنی تا چشمت را نبندی و چند متر راه نروی، نعمت چشم برایت معلوم نمی شود. شما همین انگشتت را دو سه روز، پارچه ببند تا اینها به هم بچسبند، آن وقت اگر توانستی کت و شلوارت را بپوشی. ما یک مقدار نعمت ها را باید برعکس کنیم تا قدرش را بدانیم.

فرض کنید، اگر آب تلخ شود، یا درختها پس از پاییز، سبز نشوند، یا فرض کنید همه حیوانها وحشی شوند. یا اگر بیست سال همه زنها دختر بزایند، چه می شود! اگر همه بیست سال پسر بزایند، چه می شود! اگر درختها همه اکسیژن بگیرند، کربن پس بدهند، چه می شود!...» (۱)

۷. برقراری ارتباط بین حوادث گذشته با مصادیق امروز

بیان کاربردی مباحث و ایجاد پیوند بین حوادث گذشته و امروز و گره زدن میان آنها سبب جاذبه بیشتر مباحث می گردد. از کارهای جذاب و تأثیر گذار حاج آقای قرائتی این است که آیات و روایات و تاریخ را به گونه ای برای مخاطبان تبیین می کند که فرد تازه بودن و کاربردی بودن این مفاهیم را احساس می کند و پس از درس، می تواند از این تطبیق کاربردی در زندگی اش بهره ببرد. این شیوه از پرکاربردترین شیوه های این معلم با تجربه است. به عنوان نمونه:

ص: ۱۵۱

الف) نمونه اول: قبل از انقلاب، تحت عنوان استبداد بحثی در خصوص قصه فرعون ارائه می نماید و این گونه آن را تطبیق می دهد: حاکم مستبدی به نام فرعون بود که از مردم می خواست تا به جای نام خدا بگویند: بنام نامی فلان (به جای: آریا مهر) و خود را همه کاره و مردم را بله قربانگو می خواست و مردم هم از ترس احترام و تعظیم می کردند تا جایی که کار زشت فرعون برایش زیبا جلوه کرد «وَ كَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ» (غافر/ ۳۷) و این حکام مستبد، اگر جرأت پیدا کنند تا ادعای خدایی پیش می روند «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى». فرعون به موسی تهمت می زد و می گفت که: «يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكَ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا» (طه/ ۶۳). حضرت موسی می خواهد با سحر و جادو شما را از زمینتان بیرون کند و تفرقه بوجود آورد. کار فرعون ها تهمت زدن به مردان خدا و ایجاد تفرقه در بین ملت است. «وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا؛ مردم آنجا را فرقه فرقه نموده است.» (قصص/ ۴) و...

ب) نمونه دوم: وقتی داستان حضرت یوسف ۷ را بیان می کند به جوانها خطاب می نماید که: همه شما یوسف هستید و همه شما در معرض خطر. یوسف را به بهانه ی بازی بردند. شما را هم به همین بهانه می برند. یوسف را پرت کردند، شما را هم پرت می کنند؛ از هدف پرت می کنند. وقتی خواستند یوسف را ببرند، او را با لحنی بردند که ما آن لحن را دوست داریم. «وَ إِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ» (یوسف/ ۱۱) ما نصیحتش می کنیم. ما خیر خواهش هستیم. «إِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ» (یوسف/ ۱۲) ما یوسف را حفظ می کنیم. شما را هم با لحن دلسوزانه، فریب می دهند. . .

۸. تکیه بر مشترکات

از شیوه های قرآنی در عرصه تبلیغ، تکیه بر مشترکات است: (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ؛ بگو: ای اهل کتاب! به سوی سخنی بیابید که میان ما و شما مشترک است.) (سوره آل عمران، آیه ۶۴) مبالغه موفق، برای کم کردن فاصله با مخاطبی که هم فکر او نیست، باید از طریق مشترکات او را به سمت خود و پیامش جلب نماید. تکیه بر مشترکات ادیان و به ویژه مشترکات مذاهب معروف اسلام از روشهای خوبی است که حجه الاسلام قرائتی به خوبی از آن استفاده کرده و می کند. ایشان در برنامه های متعدد درسهایی از قرآن که

مخاطبان متنوعی دارد، برخی مباحث و معارف مهم شیعی را با تکیه بر همین روش ارائه نموده است. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: «پیامبر اکرم ۹ فرمودند که فاطمه جگر گوشه ی من است، رضای فاطمه، رضای خداست و غضب او، غضب خداست. یعنی ای مردم من فردا می میرم و خط رهبری مترزل

می گردد، شما اگر گیج شدید، ببینید فاطمه کدام خط را تأیید می کند. . . این حدیث از آن حدیث هایی است که همه این را نقل کرده اند و شاید ۲۰ نفر از علمای اهل سنت در جلد ۱۰ الغدیر نقل کرده اند، البته علمای شیعه نیز نقل کرده اند. من علمای سنی را شمرده‌ام. بنابر این، حدیثی است از پیامبر، حدیث نبوی است و شیعه و سنی این را قبول دارند که پیغمبر فرمود: فاطمه رضایت و غضبش ارزش دارد. . .» (۱)

ب) نمونه دوم: (موضوع درس: امام زمان علیه السلام درقرآن). . . «در تورات یهودی ها این اصل هست که در آینده شخصی می آید که دنیا را از شرک و فساد نجات می دهد، منتهی آنها نمی دانند که امام زمان علیه السلام است. اصل این مطلب را که کسی می آید و انقلاب آسمانی را پیا می کند، را قبول دارند. . . در انجیل در چند مورد داریم که آینده جهان شخصی می آید و یک حکومت عدل جهانی برقرار می کند. در کتابهای زرتشتی ها هم چند مورد نقل شده است آنها هم همچین چیزی را معتقد هستند. در کتابهای اهل سنت روایات زیادی نقل شده است که آنها هم قبول دارند، امام زمان علیه السلام مال شیعه نیست. روایت داریم از پیغمبر که فرمود بعد از من دوازده نفر می آیند و شیعه و سنی نقل کرده اند که: «لَا يَزَالُ أَمْرُ أُمَّتِي ظَاهِرًا حَتَّى يَمُضِيَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۳۱)

بنی امیه و بنی عباس از آنجایی که می خواستند خودشان را هم قاطی کنند گیر کردند که این دوازده تا را چطور دستکاری کنند پیغمبر ما اسم دوازده تا را برد، الان هم در مسجد پیغمبر اسم این دوازده تا هست.» (۲)

ص: ۱۵۳

۱- . برنامه درسهایی از قرآن، ۱۹/۰۷/۶۳.

۲- . برنامه درسهایی از قرآن، ۱۷/۱۱/۱۵.

فصل سوم: محتوا

اشاره

ص: ۱۵۵

از ارکان مهم تبلیغ، محتواست. همه‌ی ویژگی‌ها و تجربه‌ها، مهارت‌ها و شیوه‌های یک مبلغ، در خدمت انتقال «محتوا» به مخاطب است؛ لذا دقت در انتخاب منابع، برای تهیه محتوای محکم و متقن و تلاش در آماده‌سازی و تهیه محتوای تبلیغ و تأمل و دقت در ارائه مناسب محتوا از نکات مهمی است که در موفقیت معلم و مبلغ نقش ایفاء می‌کند. ما در این فصل به بحث مهم محتوا که رکن مهمی در تبلیغ حجه‌الاسلام قرائتی است، می‌پردازیم و آن را در سه عنوان کلی زیر ارائه می‌دهیم:

الف) منابع محتوا ب) تهیه و آماده‌سازی محتوای محتوا ج) ارائه محتوا.

الف) منابع محتوا

۱. داشتن محتوای غنی قرآنی

قرآن، سندی قطعی و بین‌ای الهی است که مورد قبول همه فرق اسلامی است و از جامعیت برخوردار بوده و ظرفیت پاسخگویی به نیازهای بشری را دارد و در دسترس مردم می‌باشد و مهمترین عنصر تبلیغ است. محتوای قرآنی تبلیغ حجه الاسلام قرائتی، از دلایل جدی درخشش تبلیغ این معلم قرآنی می‌باشد. ایشان از منبع غنی و متقن قرآن کریم بهره گرفته و با زحمت و تلاش وافر، مطالب و نکات مورد نیاز را جمع‌آوری و به صورت کاربردی به مخاطبان عمومی خود ارائه نموده و از لغظاتی و بیان مطالب غیرقرآنی و تحلیل‌های بی پایه پرهیز کرده است. از توفیقات الهی این استاد فرزانه، این که از ابتدای راه حوزه، با این کتاب الهی ارتباط جدی

برقرار نموده است و بهره‌های فراوانی از قرآن کریم برده است. این معلّم قرآن، در خصوص حُسن مطلع عمر طلبگی خود که با قرآن و تفسیر پیوند خورده، می‌فرماید:

«از الطاف الهی که خیر فراوان به من رساند، این بود که اوایل طلبگی، همراه درس های حوزه، مباحثه ی تفسیر و نهج البلاغه را کم و بیش داشتم. در روایتی آمده است که: "مَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَتَوَزَّ الْقُرْآنَ؛ هر که علم می خواهد، در قرآن تدبیر کند." فهمیدم که بسیاری، مزه قرآن را نچشیده اند و ما نچشیدیم و نچشانندیم.»^(۱)

ایشان برای بهره گیری خودش و غنا بخشی به تبلیغ، با عزم جدی وارد تفسیر و مطالعات قرآنی شد و کاری را که از اوایل طلبگی آغاز کرد، رها نکرد، بلکه با عشق ادامه داد؛ آن گونه که در برنامه ای از «درسهای قرآن» در سال ۱۳۷۵^(۲) فرمودند:

«الحمد لله، گرایش قرآنی من، زیاد است. الان هم، نود و پنج درصد مطالعه من قرآن است. یعنی اگر صبح تا شب تفسیر مطالعه کنم، خسته نمی شوم.»

این معلّم قرآن، در پاسخ به سؤالی در خصوص رمز با جاذبه بودن و نو بودن مباحث درسهای قرآن، در جایی فرمودند:

«اگر خدا عمر بدهد تا صد سال دیگر هم حرف تازه دارم؛ چون پشتیبان حرف های من قرآن و حدیث است. من هر شب که مطالعه می کنم، حرف نو و تازه می بینم. حرف من تمام شدنی نیست، چون قرآن و سنت تمام شدنی نیست.»^(۳)

ص: ۱۵۷

۱- . تفسیر نور، یک نمونه روشنی است که بسیاری از نکات را ایشان با تدبیر در آیات ارائه کرده است. حاج آقای قرائتی، در یکی از درسها فرمودند که: «در سوره کوثر بنده طلبه هشتاد نکته جمع آوری کرده ام، سه تا آیه هم بیشتر نیست.»
۲- . [۷۵ / ۰۲ / ۰۶].

۳- . حاج آقای قرائتی در خاطراتش بیان نمودند که: در بعضی شب های جمعه که در نجف بودم توفیقی بود که به کربلا می رفتم و در حرم امام حسین علیه السلام به مناجات می پرداختم. از آنجا که دعا زیر گنبد امام حسین علیه السلام مستجاب است، از استادم پرسیدم: در آنجا چه دعا و درخواستی از خدا داشته باشم؟ ایشان فرمودند: دعا کن هرچه مفید نیست، علاقه اش از دل تو بیرون رود. بسیاری از کسانی که علاقمند به کاری هستند که بی فایده است. در دعا نیز می خوانیم: «اعوذ بک من علم لا ینفع» خداوندا! از علم بدون منفعت به تو پناه می برم. خدا را شاکرم که به جز قرآن و تفسیر، به بسیاری از علوم غیر مفید علاقه ای ندارم. خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۴۳. ایشان در نامه ای که به شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم می نویسد، در بخشی از آن آورده است که: «همه دردهای جامعه را قرآن شفا است. جامعه پر است از سخنرانی های کم محتوا و شعارگونه و تحلیل سیاسی و جناح بندی ها و علوم بی فایده ای که هر روز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از سرّ آن به خدا پناه می برد "اعوذ بک من علم لا ینفع" به سراغ راه حل ها برویم.» زندگینامه، ص: ۱۲۹.

نکته مهم این که ایشان، در کنار مطالعه جدی، معتقد است که ما باید قرآن کریم را به گونه ای ارائه دهیم که پاسخگوی مسائل روز باشد و پیامهایی برای جامعه امروزی و جهان داشته باشد.

در خصوص محتوای غنی قرآنی، متن برنامه «درسهایی از قرآن» بهترین شاهد است؛ ایشان

بسیاری از موضوعات را از آیات متعدد سوره هایی از قرآن کریم جمع آوری و با تکیه بر آیات، نکات مهم و کاربردی را به مخاطبانش ارائه می دهد.

به عنوان نمونه، گوشه ای از یک بحث را مرور می کنیم:

«آداب مهمانی رفتن و چگونگی برخورد با یکدیگر»

- با دعوت باشد؛ (بی دعوت جایی نروید.) «وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ» (احزاب/ ۵۳)

- با اجازه باشد؛ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! به خانه هایی که منزل شما نیست، وارد نشوید، مگر آنکه اجازه بگیرید. (۱)

(نور/ ۲۷)

- اگر اجازه دادند، داخل شوید و اگر به هر دلیلی از پذیرش شما معذور بودند و گفتند: بر گردید «إِنْ قِيلَ لَكُمْ اذْجِعُوا فَازْجِعُوا» (نور/ ۲۸)، بدون ناراحتی بر گردید؛ چون نشانه رشد است «هُوَ أَزْكَى لَكُمْ» (نور/ ۲۸)

- اگر گفتند: بسم الله! بفروماید! تا داخل شدید، سلام کنید؛ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا؛ و بر اهل آن سلام کنید. (نور/ ۲۷) همچنین: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ» (نور/ ۶۱)

- هر کس به شما سلام کرد، سلام گرم تر به او بدهید. «وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا. . .»؛ و هر گاه شما را به درودی ستایش گفتند، پس شما به بهتر از آن تحیت گوید. . .» (نساء/ ۸۶)

- در خصوص جای نشستن، نیز قرآن می فرماید که وقتی کسی وارد شد و دیدید

ص: ۱۵۸

۱- . معنای «استیناس»، اجازه خواستن و اعلام ورود است که به گفته ی روایات می تواند با ذکر خدا باشد و یا با سلام کردن و امثال آن.

که به دنبال جا می گردد، برای اوجا باز کنید: «إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا» (مجادله / ۱۱)

همچنین وقتی در جلسه که نشسته اید:

- داد نزنید! «إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» (لقمان / ۱۹)

- در گوشی حرف نزنید! «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ» (مجادله / ۱۰) نجوا هم کار خوبی نیست.

- در انتظار وقت غذا نباشید! «غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَاءً» (احزاب / ۵۳) یعنی مهمان زودتر از وقت پذیرایی نیاید تا منتظر پخته شدن غذا بماند.

- وقتی غذا خوردید، پراکنده شوید! «فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا» (احزاب / ۵۳)

- (بعد از غذا خوردن) به گفتگو نپردازید! «وَلَا مُشْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ» (احزاب / ۵۳)

- وقتی هم می خواهید از مجلس بروید از رئیس جلسه اجازه بگیرید. (۱)

ص: ۱۵۹

۱- . حاج آقای قرائتی، پس از آیات ۲۷-۲۴ سوره ذاریات (هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ «۲۴» إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ «۲۵» فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ «۲۶» فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ «۲۷»)) در خصوص برخی آداب مهمانی می نویسد: از این آیات و آیات پس از آن، برخی آداب مهمانی به دست می آید که به آن اشاره می کنیم: ۱. مهمان، محترم است. ضَيْفٍ... الْمُكْرَمِينَ ۲. مهمان، وقتی وارد شد، سلام کند. «فَقَالُوا سَلَامًا» ۳. جواب سلام او لازم است. «قَالَ سَلَامٌ» ۴. صاحب خانه دور از چشم مهمان به سراغ تهیه غذا برود. «فَرَاغَ» ۵. غذا را در خانه و به کمک خانواده تهیه کنیم. «إِلَى أَهْلِهِ» ۶. پذیرایی سریع باشد. «فَجَاءَ» (حرف «فاء» نشانه سرعت و زمانی کوتاه است) ۷. بهترین غذاها فراهم شود. «بِعِجْلٍ سَمِينٍ» ۸. مهمان را نزد سفره نبریم، بلکه سفره را نزد مهمان بیاندازیم. «فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ» ۹. از مهمان نپرسیم که غذا خورده ای یا نه. «فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ» (حضرت ابراهیم بدون پرسش به سراغ خانواده و تهیه غذا رفت) ۱۰. شخصاً از مهمان پذیرایی کنیم. «فَجَاءَ» (خود حضرت غذا آورد) ۱۱. غذا در دسترس مهمان باشد. «فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ» ۱۲. مهمان غذا را بپذیرد و میل کند، که صاحب خانه دغدغه نداشته باشد. «أَلَا تَأْكُلُونَ» ۱۳. اول پذیرایی، بعد گفتگو. فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ... بعد پرسیدند: «فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ» ۱۴. اگر مهمان خبر تلخ و شیرینی دارد، اول خبر شیرین و سپس تلخ را عنوان کند. بَشْرُوهُ... أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (ابتدا بشارت فرزند سپس نزول عذاب بر مجرمان)

در کنار قرآن کریم، بیانات معصومین: مهم ترین منبع غنی تبلیغ است. از کارهای مهم حجه الاسلام قرائتی، بهره گیری فراوان از روایات است که بر غناء و شیرینی دروس ایشان افزوده است. بعد از قرآن کریم، ایشان بیشترین بهره را از احادیث می برد و با سلیقه، احادیثی را انتخاب می نماید که متناسب با موضوع درس و شرایط سنی و علمی مخاطب می باشد. از توصیه های ایشان، در خصوص انتخاب احادیث و استفاده از آن، این است که:

در بیان معارف به دیدن یک حدیث یا چند حدیث اکتفاء نکنیم. حتما در تجزیه و تحلیل احادیث یک موضوع از کتاب یا نظر یک عالم اسلام شناس بهره ببریم.

احادیث از کتب معتبر نقل شود و از نقل روایات ضعیف یا احادیثی که از مضامین بلندی برخوردار است و جا انداختن آن نیاز به معلومات کافی دارد، و یا ویژه مخاطبان خاص و سطح بالاتری است، پرهیز شود.

برخی احادیث در بعضی از مجالس نباید خوانده شود؛ مانند این که در مجلسی که عده ای جوان مخاطب ما هستند، روایت «الغیبه اشد من الزنا» بدون قیود و توضیحات بیان شود و فرد به همین خیال از چاله به چاه بیفتد.

از خواندن برخی احادیث که نقل ثواب های زیادی دارد؛ بدون در نظر گرفتن قیدها پرهیز نماییم؛ مثلاً «هر کس سوره ی «عَمَّ یَتَسَاءَلُونَ» را شب جمعه بخواند، سر سال مکه می رود.» این حدیث را این طور بخوانیم: روایت داریم خواندن سوره ی «عَمَّ یَتَسَاءَلُونَ» در شب جمعه، در مکه رفتن مؤثر است. البته اگر موانع دیگری جلوی این تأثیر را نگیرد.

حاج آقای قرائتی، به صورت گسترده از معارف غنی روایات بهره می برد. ایشان در درسی بیان می کند که: «در مورد انفاق روایات زیادی داریم. حدیث هایی که یادداشت کردم، شاید بیش از سیصد حدیث باشد. من این سیصد حدیث را انتخاب کردم و باید به طور فشرده برایتان بگویم.»

برخی نمونه ها:

الف) نمونه اول: ۱- توجه اسلام به امنیت حیوانات: امنیت حتی برای حیوانات نیز

مطرح است؛ شما حق نداری تا حیوان را روبروی حیوان دیگر سر ببری. اگر حیوان خواب است، حق نداری آن حیوان را بگیری؛ چون حق خواب دارد و گرفتن او در حال خواب نامردی است؛ اما هر وقت بیدار بود، می توانی برای ذبح بگیری. همچنین، در نهج البلاغه داریم. اگر شیر می دوشید، مقداری شیر باقی بگذارید تا اگر بچه حیوان، خواست شیر بخورد، مادرش شیر داشته باشد. یا اگر خواستید، باری بر حیوان حمل نمایید، باید توان و طاقت حیوان سنجیده شود تا فوق طاقتش بار بر او حمل نکنید. یا اگر روی اسب و یا حیوانی نشسته اید، حق ندارید تا با این وضعیت با کسی حرف بزنید؛ بلکه باید پائین بیایید و وقتی صحبت تمام شد و خواستید حرکت کنید، سوار شوید. . . اینها همه حدیث است.

ب) نمونه دوم: روزه در آیات و روایات... بیست تا حدیث برای روزه می خواهم بگویم:

۱. حدیث داریم: پایه های دین پنج تاست، «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ» (۱)

یعنی گنبد اسلام روی پنج پایه است، نماز، زکات، روزه، حج، رهبری معصوم، ولایت امیرالمؤمنین. یعنی روزه یکی پایه های دین است.

۲. حدیث داریم: «دَعْوَةٌ لَا تُرَدُّ»؛ (۲) یعنی روزه دار، وقتی می خواهد افطار کند، یک دعای مستجاب دارد.

۳. حدیث داریم: اگر کسی با میل روزه بگیرد حتی اگر زمین را پر از طلا کنند، اجرش داده نمی شود.

حدیث داریم: . . .

۳. بهره گیری از متون ادعیه

از منابع مُتَقَنِّ، جهت محتوای دروس و سخنرانی ها، ادعیه است. متون دعا از معارف بلندی برخوردار است و برای غناء بخشی به محتوای تبلیغ، بسیار مفید و مؤثر است. حاج آقای قرائتی، به صورت فراوان از متون ادعیه بهره برده و حتی

ص: ۱۶۱

۱- . کافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲- . مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۶۱.

برخی از ادعیه؛ مانند دعای «مکارم الاخلاق» را به صورت مستقل در بحثهای متعددی ارائه داده است. ایشان در این خصوص فرمودند:

«در دعاها نیز اسراری است. با کمی دقت در دعای مکارم الاخلاق صحیفه سجادیه حدود صد جلسه تلویزیونی را اداره کردم که در هر جمله آن نکته هایی قابل دقت بود.»

جملاتی از برخی دروس، به عنوان نمونه:

- امام سجاد علیه السلام در دعایی که می کند می گویند: بعضی می خواهند عزیز شوند. می خواهند به چه چیزی عزیز شوند؟ در دعا داریم: «فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أَنْاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بغيرِكَ فَذَلُّوا، وَ رَأَمُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا، وَ حَاوَلُوا الْإِزْتِفَاعَ فَاتَّضَعُوا»... (۱)

- در دعا داریم «الْهَى بِيَدِكَ لَمَّا بِيَدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَ نَقْصِي» (بحار الانوار/ ج ۹۱ / ص ۹۶) در مناجات شعبانیه «الْهَى» یعنی خدایا «بِيَدِكَ» به دست توست «لَمَّا بِيَدِ غَيْرِكَ» نه به دست غیر تو «زِيَادَتِي وَ نَقْصِي» یعنی نقص و زیاد من ...

- در یکی از سخنرانی هایم در خارج از کشور، فرازی از دعای ابو حمزه را تحت عنوان «عوامل سقوط جامعه» توضیح می دادم. بعد از جلسه دکتری آمد و خیلی تعریف کرد و گفت: من خیلی لذت بردم و خوشحال هستم.

دلیلش را پرسیدم؟ گفت: برای من بسیار تعجب آور و شگفت انگیز بود که امام سجاد علیه السلام در یک سطر و جمله دعا، عوامل سقوط جامعه را بر شمرده است، آنجا که می فرماید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ

بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفُسْلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ...

۴. استفاده از تاریخ

تاریخ، عنصری مهم در تبلیغ و منبعی غنی برای مبلغ است. بهره گیری از تاریخ صحیح و بیان فلسفه ی تاریخ، بخشی از مواد تبلیغ و محتوای مباحث حجه الاسلام قرائتی است که ایشان، با الهام از قرآن کریم و منابع متقن در کار تبلیغی اش از این عنصر مهم استفاده کرده و می کند. این معلّم قرآنی، در خصوص «تاریخ و فلسفه آن» می فرماید:

«از چیزهایی که در رشد و تربیت مؤثر است، آگاهی از تاریخ و فلسفه

ص: ۱۶۲

آن می باشد. شناخت تاریخ و رفتار و سرنوشت پیشینیان در انتخاب راه، مفید است؛ چرا که قوانین و سنت های ثابتی بر تاریخ دیروز بشر حاکم است که ریشه یابی آن، چراغ راه زندگی امروز است: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛ به یقین پیش از شما سنت هایی بوده (و سپری شده) است. پس در روی زمین گردش کنید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است.» (آل عمران/ ۱۳۷)

هر چه با تاریخ و سرگذشت پیشینیان آشنا باشیم، گویا به اندازه عمر آن مردم زندگی کرده ایم. حضرت علی علیه السلام در نامه سی و یکم نهج البلاغه خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید: فرزندم! من در سرگذشت گذشتگان چنان مطالعه کرده ام و به آنها آگاهم که گویا با آنان زیسته ام و به اندازه ی آنها عمر نموده ام.

یکی از راههای شناخت تاریخ پیشینیان، وحی است؛ و قسمت هایی از قرآن کریم از بخشهای قطعی و مفید نمونه هایی را آورده است. در تمام آیاتی که در قرآن کریم، فرمان «سیرُوا فِي الْأَرْضِ» و «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ» (۱)

آمده، به عنصر تاریخ توجه شده است و برخی تعابیر مثل «واتل عليهم» (۲) و مانند آن (۳)

و آیاتی که به نقل

ص: ۱۶۳

۱- در قرآن کریم چهار مرتبه جمله «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ» و هفت مرتبه جمله «أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ» آمده است. پنج مرتبه «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ» آمده است: وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (مریم/ ۱۶) وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِذْ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (مریم/ ۴۱) وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (مریم/ ۵۱) وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (مریم/ ۵۴) وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (مریم/ ۵۶).

۲- وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يَتَّخِذْ مِنَ الْآخَرِ قَالًا لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَّخِذُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ. (ای پیامبر!) داستان دو پسر آدم را به حق بر مردم بازخوان، آنگاه که (هر یک از آن دو) قربانی پیش آوردند، پس از یکی (هابیل) پذیرفته شد و از دیگری (قابیل) قبول نگشت. (قابیل) گفت: حتماً تو را خواهم کشت، (هابیل) گفت: خداوند، تنها از متقین قبول می کند. سوره مائده/ آیه ۲۷

۳- تعابیری مانند: «الم تر... أَلَمْ يَرَوْا... لا- تَكُونُوا كَالَّذِينَ... أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأٌ... وَ بَجَّهْمُ عَنْ... وَ...» در قرآن کریم آمده است که مخاطبان را از تاریخ انبیاء و اقوام گذشته و... آشنا می نماید.

قصه و سرگذشت پیشینیان می‌پردازند و گفتار و رفتار

دیگران را نقل می‌نمایند، بیانگر تاریخ گذشتگان است.

همچنین، قرآن کریم با دستور به نگاه کردن به عاقبت مکذبین، مجرمین، مفسدین، ظالمین و منذرین انسان را به مطالعه و عبرت گرفتن از تاریخ دعوت نمود. از صبر انبیای پیشین و نابودی اقوامی چون قوم هود و صالح و لوط تا عوامل تفرقه، نابودی، عاقبت به خیری و عاقبت به شری... همه و همه درسهای تاریخی است که قرآن کریم می‌آموزد؛ چرا که تاریخهایی که قرآن نقل کرده، وسیله‌ی تذکر است، نه عامل سرگرمی؛ لذا باید در آن تدبیر نمود. امام صادق علیه السلام درباره‌ی معنای «أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ» که چند مرتبه در قرآن کریم آمده است، علاوه بر معنای ظاهری آیه شریفه، فرمودند: «مراد تدبیر و سیر در تاریخ اقوام گذشته در قرآن است.»

در قرآن کریم، در نقل تاریخ به عناصر اصلی، و کلیدی و کارگشا توجه گردید. قرآن، بعد از نقل یک ماجرای واقعی و تاریخی، قانون حاکم بر آن ماجرا را که به نام سنت‌های الهی در تاریخ است، بیان می‌نماید. «كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» کلمه «كذلك» که بعد از مطلبی تاریخی می‌آید، بیان فلسفه تاریخ است؛ یعنی آن قوانین، اصول، درسه‌ها، عبرت‌ها و پندهایی است که از حوادث گذشته برای زندگی امروز به دست می‌آید.»

فیش‌های تحقیقاتی حاج آقای قرائتی، گویای مطالعه فراوان و نکته‌برداری‌های ایشان از کتب تاریخی است که در موارد مقتضی در برنامه‌هایش از این نکات بهره‌برد و فرازهای ناب و شنیدنی آن را گزینش، و به مخاطبان خود ارائه نمود. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: دلایل ایمان ابوطالب زیاد است که ما فشرده‌ای از آن را از کتاب الصحيح من السیره نقل می‌کنیم:

۱. جملاتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه هدی علیه السلام در باره ایمان او گفته‌اند، بهترین دلیل برای ایمان آن بزرگوار است.

۲. حمایت‌های بی‌دریغ او از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در شرایط بسیار سخت.

۳. اقرار ابوطالب علیه السلام در اشعاری که درباره پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم و ارتباط با خداوند سروده است. ۴.
...و

ب) نمونه دوم: حاج آقای قرائتی پس از بیان خاطره شهید خندان که در قبر خندیده بود(۱) و این را قبل از شهادت از خدای تعالی خواسته بود، در ادامه بیان می کند: .. «الله اکبر» این مسأله را به تاریخ اسلام گره بزنید. جنگ احد پیش آمد. «عمرو بن جموح» با چند تا جوانانش جبهه رفتند و در احد در یاری اسلام شهید شدند. همسرش آمد و شتری آورد که شهداء را برای دفن به مدینه ببرد. هرچه شتر را زد، قدم بر نداشت. خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت: یا رسول الله! این ها یاران تو هستند که شهید شده اند. می خواهم به مدینه ببرم و دفنشان کنم. اما شتر پیش نمی آید. پیغمبر فکر کرد و فرمود که: «آیا وقتی این ها به جبهه می رفتند حرفی هم زدند؟» گفت: بله! شوهر من که به جبهه رفت، گفت: خدایا! می خواهم بروم شهید بشوم، دیگر مرا به مدینه برنگردان. گفت: چون از خدا خواسته که به مدینه برنگردد، این شتر به مدینه بر نمی گردد. شما هم در احد و در یک فرسخی مدینه دفنش کنید. دعا در پای شتر اثر می گذارد. دعا در لحد اثر می گذارد.

۵. مطالعه کتب مفید دیگر

اگر چه اکثر مطالعات حاج آقای قرائتی، بر محور تفسیر و روایات است؛ لکن از تجربیات و زحمات دیگران بهره برده و بسیاری از کتابهایی که می توانست در ارائه

ص: ۱۶۵

۱- حجه الاسلام قرائتی: شنیدم پدر دو شهید که شهید دوم خود را در قبر گذاشت، شهید خندید. ملاقاتی با این پدر داشتیم. پدرش گفت که: «پسر دومم، چهار سال در جبهه بوده است. او غواص بود و از جهت خلوص و عرفان انسان خودساخته ای بود. در جزیره فاو و عملیات والفجرهشت شهید می شود...» و بعد عکس شهادت تا عکس های دیگر را که در جاهای متعدد گرفته شده بود، نشان داد؛ از روز شهادت تا روز دفن روزها طول کشید و در مراحل مختلف از فاو، بیمارستان و سردخانه و در همه مراحل چهره ساده ای داشته، اما پدرش گفت: «همین که او را داخل قبر گذاشتیم، خندید.» هم عکس بود و هم عده ای که دیده بودند تأیید می کردند. وصیت نامه شهید را خواندم. دیدیم عجب وصیتنامه ای دارد. گفتم: غیر از وصیتنامه چیز دیگری ندارد؟ گفتند: یک کتابی دارد و گاهی هم شعر می گفته و مناجات می کرده است. دفتر مناجاتش را خواستم که آوردند و خواندم. یک لحظه متوجه شدم که یکی از جملاتش این است: «خدایا مرا طوری کن که وقتی سرم را به لحد می گذارم، بخندم.» حال عجیبی به من دست داد، هر کاری کردم خودم را نگه دارم نشد. برنامه درسهایی از قرآن، ۲۸ / ۱ / ۶۵.

بهرتر معارف به او کمک کند، مطالعه و فیش برداری نموده است و دقت در درسهای ایشان، بیانگر این حقیقت می باشد که اطلاعات عمومی مناسبی دارد و در برخی بزنگاه ها از این مطالعات عمومی بهره برده و نکات مفیدی را برای مخاطبانش بیان نموده است.

نگاه گذرا به فیش های تبلیغی این معلم پرکار، به خوبی نشان می دهد که بخشهایی از مطالعات ایشان، مطالعات عمومی و دیدن برخی کتب تخصصی مفید و قابل استفاده بوده است. حتی برخی مطالب آماری و قابل استفاده را از مطبوعات استفاده نموده است. عناوین برخی کتابهایی که

نامش در فیش های تحقیقاتی بیان شده است، عبارتند از: آخرین گفتارها، اخلاق مدیریت، درس هایی از اخلاق مدیریت، روح القوانين، نظام حقوق زنان در اسلام، وهابیان، گنجینه های ویران، انجیل متی، امامت و مهدویت، و . . .

همچنین یک نمونه از فیش برداری در خصوص اطلاعات عمومی که فقط تیتراها با حذف مطالب بیان می شود:

عنوان اصلی: خواندنی های دنیای کتاب

۱. بزرگترین کتابخانه ها... ۲. قدیمی ترین کتاب های چاپ شده...

۳. اولین کتاب چاپی....

۴. طولانی ترین رمان...

۵. اولین مرکز واردات کتاب ۶. ضمیمه ای مهمتر از کتاب... (۱)

۷. بزرگ ترین مؤسسه چاپ جهان ۸. بزرگترین چاپخانه دولتی

۹. کسل کننده ترین کتاب ۱۰. پر حجم ترین کتاب

۱۱. کتاب مادر ... ۱۲. بالاترین دستمزدها. . .

منبع: مجله سروش سال شانزدهم شماره ۷۲۱ شنبه ۲۶ آذرماه ۷۳.

ص: ۱۶۶

۱- . سال ۱۸۳۱ ریاضی دانی فرانسوی به نام فارکاس بولیا، کتابی درباره ریاضیات منتشر کرد که شامل ضمیمه ای ۲۶ صفحه ای، نوشته پسر بیست ساله او بود. این ضمیمه که به یکی از اصول هندسی غیر اقلیدسی می پردازد، نقطه عطفی در علم ریاضی ایجاد کرد و بسیار با ارزش تر از اصل کتاب شد.

۶. بهره‌گیری از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه معصومین:

از منابع اصلی و مهم دیگر مطالعاتی حجه الاسلام قرائتی، مطالعه جدی و بهره‌گیری از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه معصومین: می‌باشد. در فیش‌های تحقیقاتی ایشان، نام منابع متعددی از کتب سیره ذکر شده که بهترین گواه بر مطالعه و پژوهش حاج آقا در این زمینه است. ایشان، در یک ماه مبارک، موضوع درسهایی از قرآن را به سیره نبوی اختصاص داد؛ ضمن این که در برنامه‌های تبلیغی خود، در جاهای مناسب از سیره معصومین: بهره‌های فراوانی می‌برد.

به عنوان نمونه: در یک درس، وقتی سیره امام کاظم علیه السلام در برخورد با طاغوت را بیان می‌کند، دو مطلب مهم از امام کاظم و امام رضا علیه السلام در کنار هم نقل می‌نماید و می‌فرماید:

دو نفر خدمت امام رضا علیه السلام آمدند و گفتند: ما مسافر هستیم، نماز ما کامل است یا شکسته؟ امام علیه السلام به یکی فرمود: نماز تو کامل و به دیگری گفت: نماز تو شکسته است. گفتند: ما دو نفر از یک جا آمده ایم. فرمود: تو آمده ای زیارت من امام معصوم! ولی تو آمدی زیارت هارون الرشید! اصلاً سفر تو سفر حرام است و کسی اگر سفرش سفر حرام باشد، نمازش شکسته نیست.

امام کاظم علیه السلام به صفوان گفت: شنیده‌ام شترهایت را به هارون الرشید اجاره داده‌ای؟ گفت: برای سفر مکه اجاره داده‌ام. فرمود: تو راضی هستی که هارون الرشید زنده بماند و تو اجاره شترهایت را از او بگیری؟ همین مقداری که راضی هستی هارون ظالم زنده بماند، همین مقدار گناهکار هستی. او هم رفت و همه شترهایش را فروخت. (۱)

ص: ۱۶۷

۱. تدبّر با نگاه موضوعی در آیات

یکی از کارهای حجه الاسلام قرائتی این است که هر بار با نگاه خاصی و از دریچه ویژه ای آیات قرآن کریم را می بیند. یعنی هر دفعه از منظر موضوعی به آیات نگاه می کند و سپس به یک دیدگاه و دسته بندی مناسبی می رسد. به عنوان نمونه ایشان در یکی از درسها فرمودند:

«هر دفعه که انسان قرآن را با دید خاصی می خواند، چیز نویی دستگیرش می شود. من در باره روش تبلیغ از اول تا آخر قرآن را یک نگاه ساده کردم، حدود ۵۰۰، ۶۰۰ آیه درباره ی اصول تبلیغات و شیوه ی تبلیغ را استخراج کردم.»

یا در جایی فرمودند که:

«من تقریباً صد و سی شیوه در قرآن پیدا کردم که در باره راه های تربیت است.»

یادآوری این نکته ضروری است که ایشان، وقتی بخواهد در خصوص واژه ای تحقیق کند، هم به توسعه معنایی که در قرآن کریم در خصوص آن «واژه» وجود دارد و هم به سایر تعابیر و واژه های مرتبط توجه نموده و نگاه شان به موضوع، یک نگاه جامع است.

به عنوان نمونه:

در قرآن کریم از چند چیز به عنوان «لباس» (پوشش) یاد شده است (= توسعه معنایی):

- شب: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا، و او کسی است که شب را برای شما پوشش و خواب را آرام بخش گردانید» (فرقان / ۴۷)

- همسر: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ و انتم لباس لهنّ؛ آنها برای شما (همچون) لباسند و شما برای آنها (همچون) لباس.» (بقره/ ۱۸۷)

- تقوا: «و لباس التّقوی ذلک خیر؛ لباس تقوا همانا بهتر است» (اعراف / ۲۶)

علاوه بر واژه «لباس»، واژه های مرتبط با «لباس» (پوشش) در قرآن کریم وجود دارد؛ مثلاً:

- ثياب: «و ثيابک فَطَهَّرْهُ و لباست را پاکیزه دار. (مدثر / ۴)

- ورق: وَ طَفِقَا يَخْصِمَا عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ؛ و به (پوشاندن خویش با) چسباندن برگ درختان بهشت بر خود پرداختند.
(اعراف / ۲۲)

- سربیل: (۱)

«وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيَكُمُ الْحَرَّ وَ سَرَابِيلَ تَقِيَكُمُ بَأْسَكُمْ...» و برای شما لباس هایی قرار داد که شما را از گرما (و سرما) حفظ می کند و لباس هایی که شما را از آسیب های یکدیگر حفظ می نماید.» (نحل / ۸۱)

۲. تفسیر آیات برگزیده

از سفارشهای حجه الاسلام قرائتی، در تهیه و آماده سازی محتوا، انتخاب آیات برگزیده و مناسب با مخاطبان و تبیین و تفسیر آن است. ایشان معتقد است که برای عموم مردم، نه تفسیر ترتیبی - که آیات را از اول تا به آخر سوره ای بیان کنیم - لازم و مناسب است و نه تفسیر موضوعی که یک موضوع را در چندین جلسه ارائه بدهیم، کار درستی است. ایشان می فرماید:

«قرآن کریم، داروخانه ای است که باید داروی مخاطب را از آیات آن انتخاب کنیم؛ باید تفسیر از آیات انتخابی باشد و انتخاب نیز، باید هنرمندانه صورت گیرد؛ انتخابی که به نیاز مخاطب یا با زمان و مکان ارائه بحث سنخیت داشته باشد.»

این معلم با تجربه معتقد است که در انتخاب آیات نیز، تا مقداری که امکان دارد یا آیات کوتاه که حالت تابلویی دارد؛ گزینش شود؛ مانند: «أَوْفُوا بَعْهْدِي أَوْفِ بَعْهْدِكُمْ» (بقره/۴۰) «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (بقره/۱۵۳) «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم/۷) «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره/۸۳) و... و یا اگر آیه ای طولانی برای تفسیر انتخاب شد، جمله ای که مناسب تیر شدن است، را بنویسم و به صورت تابلویی ارائه دهیم.

از کارهای مناسب و مؤثری که حاج آقای قرائتی، در تفسیرانجام می دهد این که ضمن پرهیز از بیان اقوال و اختلافات در شأن نزول ها، آیات را با مباحث اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و... مرتبط نموده و تطبیق می نماید و این باور را به مخاطبانش تزریق می کند که قرآن کریم کتاب زندگی است و در هر عصری

ص: ۱۶۹

۱- در میان انواع لباس ها، نام «سربیل» (پیراهن)، برده شده که لباس دائمی برای زن و مرد، کودک و بزرگ، در همه حال و همه جاست و تمام بدن را می پوشاند. تفسیر نور (۱۰جلدی)، ج ۴، ص: ۵۶۰.

می توان از این چراغ هدایت الهی بهره برد.

۳. فیش برداری

قلم، بهترین وسیله انتقال دانش و جلوه ای از لطف الهی است؛ خدای تعالی، با قلم آموخت؛ «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (علق / ۴) و به قلم قسم خورد؛ «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم / ۱) و

پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خودش جمع کند.»^(۱)

و فرمود: «با نوشتن، علم را به بند بکشید!»^(۲)

اگر تحقیقات ما به همراه یادداشت باشد و در قالب فیشهای تحقیقاتی جمع گردد و به صورت منظم موضوع بندی و ساماندهی شود، پس از مدت کوتاهی مطالب بسیاری را در اختیار داریم و در این صورت، می توانیم برای هر سخنرانی یا کلاسی - به جای مطالعه مجدد - وقت کافی را روی چگونگی بیان و ارائه مطالب بگذاریم. از مزایای یادداشت برداری این که ضمن امکان اضافه و تکمیل کردن مباحث فیش برداری شده، یادداشت ها، قابلیت تکثیر و انتقال به دیگران داشته و ما نیز به مستندات و منابع تحقیق و تبلیغ خود، به آسانی دسترسی داریم.

یادآوری این نکته ضروری است که اگر یادداشت برداری به صورت دستنویس می باشد، باید با خط خوانا و با فاصله مناسب بین خطوط صورت بگیرد، تا برای دیگران هم قابل استفاده باشد. همچنین، علاوه بر خلاصه نویسی و نظم در نوشتن، هیچگاه از ثبت آدرس منابع تحقیق، نباید غفلت نمود.

از کارهای مهم حاج آقای قرائتی، فیش برداری و یادداشت های کلاس و منبر است؛ ایشان می فرماید که: «وقتی کسی تصمیم گرفت طلبه بشود باید قلم و کاغذ یادش باشد. من هر چه تبلیغ کردم، نوشتم. تقریباً الآن شاید پنجاه شصت کیلو یادداشت داشته باشم. تقریباً هر چه در کلاسها و منبرهایم گفتم، را نوشتم.»^(۳)

ص: ۱۷۰

۱- «أَعَلَّمَ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ». من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۴.

۲- «قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ» أعلام الدين، ص ۸۲.

۳- زندگینامه، ص: ۳۰. حاج آقای قرائتی: زمان شاه به ملاقات یکی از علمای قم که در زندان بود رفتم، از پشت میله های زندان از ایشان تقاضا کردم مرا نصیحتی بفرمایند. ایشان هر چه فکر کرد چیزی به یادش نیامد، اصرار کردم فرمود: از همین ناتوانی من الهام بگیر و دانستنی های خود را یادداشت کن، از اینجا که رفت تعدادی دفتر تهیه کن و به صورت موضوعی مطالب خود را در دفترها یادداشت کن. من نیز چنین کردم. این موعظه در موفقیت من بسیار مؤثر بود. خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۹۲.

ایشان در کنار مطالعه آیات، به صورت جدی در روایات تحقیق نموده و همچنین از سایر منابع متقن نیز بهره برده و در مسیر مطالعات، هر روز بر یادداشت های خود افزوده است و امروزه، فیش های تبلیغی ایشان، یکی از منابع غنی برای معلمان و مبلغان است. برای پرهیز از بسط مباحث، علاقمندان می توانند نمونه فیش های حاج آقای قرائتی را در نرم افزار آثار ایشان (۱)، ملاحظه نمایند.

۴. تشکیل پرونده تبلیغی

از کارهای مفید و مهم، برای مبلغان محترم تشکیل پرونده برای موضوعات سخنرانی است. جمع آوری و دسته بندی فیش های تحقیقاتی و تشکیل پرونده تبلیغی، سبب صرف جویی در وقت، پیشبرد سریع کار و دسترسی آسان به مطالب مورد نیاز است. همچنین، سبب می شود تا انسان در مسیر مطالعات خود، نکاتی را که برای مخاطب، مفید می یابد در پرونده موضوع مربوطه درج نماید تا هم به مرور زمان، پرونده موضوع سخنرانی غنی شود و هم این که هر وقت برای سخنرانی دعوت شد، آمادگی لازم را داشته باشد.

این کار برای همه مبلغان، به ویژه مبلغینی که مخاطبان ثابت دارند (۲)، ضروری است؛ چرا که مبلغ می تواند با مراجعه به پرونده تبلیغی، هم از ارائه مباحث تکراری جلوگیری کند و هم، هر از چند گاهی، موضوعات ارائه شده را سنجش و محاسبه نموده تا در صورتی که از موضوعی غافل شده یا به برخی از فروع یک موضوع پرداخته، به آنها بپردازد و در این صورت، اعتماد مخاطب نیز بیشتر جلب و مخاطبان، به امید فراگیری نکات تازه در برنامه تبلیغی حضور پیدا می کنند.

ص: ۱۷۱

- ۱- نرم افزار آثار حجه الاسلام قرائتی، توسط مرکز فرهنگی درسهای از قرآن و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی تهیه شده است. در این نرم افزار، علاوه بر مجموعه فیش های تحقیقاتی، سایر آثار ایشان، به ویژه برنامه «درسهای از قرآن» وجود دارد که می تواند هم از جهت محتوا و هم از جهت شیوه ارائه، کمک مناسبی برای همه معلمان و مبلغان محترم باشد.
- ۲- در تبلیغ هایی که فرد برای مدت کوتاهی برای مخاطبان برنامه دارد، معمولاً مشکل مباحث تکراری پیش نمی آید؛ اما اگر فرد برای مدتی در مسجد یا محل تبلیغی حضور مستمر داشته باشد، تشکیل پرونده تبلیغی، کمک مؤثری برای جلوگیری از مباحث و موضوعات تکراری می باشد.

برای تشکیل پرونده تبلیغی، می توان به صورت ساده، مباحث مکتوب یک موضوع را در پاکت (یا در صورت تمکن مالی در فایلها) کد گذاری و نگهداری نمود و یا کسانی که با نرم افزارهای مطالعاتی سر و کار دارند، با فیش نگار نور به آسانی به دسته بندی مطالب پردازند.

حاج آقای قرائتی، با در نظر داشتن این فواید برای مباحث خود، پرونده تبلیغی تشکیل داده است تا:

- با توجه به اینکه مخاطبان ثابتی در صدا و سیما دارد؛ سابقه مباحث را داشته باشد و از تکرار برخی موضوعات پرهیز نماید.

- اگر موضوعی را اصلاً طرح ننموده، برای طرح به موقع آن موضوع، پرونده تبلیغی داشته باشد.

- یا در صورتی که موضوعی فروعاتی دارد، به فرعهای دیگر یک موضوع که به آن پرداخته پردازد.

مطالب ذیل، نمونه‌ای از تعابیر این معلم با تجربه، در خصوص موضوع مهم «پرونده تبلیغی» است و بیانگر دقت های ایشان است:

- «... من خیال کردم که بحث دروغ را در تلویزیون گفته ام، به دلیل این که موضوع تکراری نباشد، به پرونده ها مراجعه می کنم؛ چون برای هر بحثی که در تلویزیون دارم، یک پرونده تشکیل می دهم. پرونده ها را دیدم و متوجه شدم که در حرف «دال» بحث دروغ نیست. درباره ی صدق کمی صحبت کردم، اما درباره ی دروغ زیاد صحبت نکردم و حالا بحث امروز ما درباره ی دروغ است.»

- یا در بحثی دیگر، سابقه ای از مباحث یک موضوع را این گونه طرح نمودند: «من راجع به امام حسن مجتبی علیه السلام در این تقریباً سی سال گذشته، سی تا بحث داشتم که چند تا صلح امام حسن علیه السلام بوده، در این جلسه می خواهم راجع به امام حسن علیه السلام و صبر صحبت کنم. چون الگوی صبر بود.»

- «داشتن پرونده برای هر بحث بسیار مفید است. مثلاً اگر یک روز من می خواستم درباره اعتیاد صحبت کنم، باید مطالبی از قبل داشته باشم. لذا با دادستان ملاقاتی داشتم و از او خواستم تا برخی معتادین در زندان را ببینم و دلایل اعتیاد آنها را سؤال کنم. ملاقات صورت گرفت؛ برخی دلایل اعتیاد را نوشتم. بعد

مقداری مطالعه کرده ام و آماری نیز به دست آورده ام. مطالب دیگری هم جمع کردم و همه را در پرونده اعتیاد گذاشتم. الان وقتی می گویند درباره اعتیاد صحبت کن از این پرونده استفاده می کنم.»

۵. تحقیق در زوایا و اضلاع یک موضوع

حجه الاسلام قرائتی، برای تهیه محتوا برای ارائه یک موضوع، ضمن تجمیع نکات از آیات و روایات و متون ادعیه و منابع متقن دیگر، تا حد امکان به همه اضلاع بحث توجه نموده و غفلت نمی کند. دقت در فیش های تبلیغی ایشان، بیانگر دقت در زوایا و جوانب یک بحث است.

ما در اینجا یک مورد از این توجه و دقت که در فیشهای تبلیغی ایشان آمده است را ارائه می دهیم؛ البته، به جهت رعایت اختصار، تنها تیتراها و سرفصل های اصلی تحقیق یک موضوع - آن هم قسمتی از این تیتراها و عناوین - را بیان می کنیم .

به عنوان نمونه:

موضوع تحقیق: «انسان»

الف) اساس خلقت انسان بر تکریم است. . .

ب) خلقت انسان. . .

مراحل خلقت:

۱. چیزی نبود. ۲. چیز قابل ذکری نبود. ۳. آب بی ارزشی بود. ۴. خاک بی مقدار بود. ۵. نطفه و علقه شد. ۶. ضعیف بود. ۷. روح خدا به او دمیده شد. ۸. برترین مخلوق شد. ۹. زیباترین موجود شد. ۱۰. مظهر رحمانیت خدا شد. ۱۱. مظهر ربوبیت و خلاقیت شد.

ویژگی های خمیرمایه وجودی انسان:

۱. از زمین بود. ۲. از خاک بود. ۳. از سفال بود. ۴. از گل بود. ۵. از آب بود. ۶. از نطفه بود.

روح انسان از منظر قرآن. . .

ج) مقام انسان در عالم الهی

۱. انسان مسجود ملائک.

۲. امانت دار بزرگ است.

۳. انسان خلیفه الله است.

۴. کرامت دارد.

(د) رابطه انسان و نظام تسخیر

۱. خلق همه چیز برای انسان است.

۲. استخدام موجودات زنده.

۲. رابطه انسانها برای تولد انسان.

۳. انواع انسان برحسب جاذبه و دافعه.

ه) بهترین خالق و بهترین مخلوق. . .

و) ویژگی های انسان. . .

۶. نگاه متفاوت، تدوین متفاوت

از کارهای جالب حاج آقای قرائتی، تدوین و ارائه متفاوت برخی از موضوعات است. ایشان از منظر تبلیغی، به منابعی که مطالعه می کنند، نگاه نموده و با زاویه دید متفاوتی که دارد، اطلاعات و داده ها را در قالبی متفاوت ریخته و تدوین تازه ای می نماید. این ویژگی، غیر از نظم در دسته بندی است. در این جا نگاه متفاوت ایشان، به تدوین متفاوت و در نهایت به بحث متفاوت می انجامد. به عنوان نمونه:

ایشان بحثی را در خصوص ایام محرم ارائه می دهد ابتداء با ورود بسیار مناسب از «جایگاه ویژه امام حسین علیه السلام و زیارت آن حضرت» می گوید و سپس در ادامه این گونه بحث را ادامه می دهد:

«خاطراتی از کربلا- و کربلا بیان»: من کمی خاطرات کربلا را امروز برایتان بگویم و دقت هم کنید. چند خاطره ی شنیدنی جالب از کربلا می گویم. . . در تاریخ کربلا داریم که: زن، شوهر و پسر همه با هم سهیم بودند؛ جناده انصاری، خودش با پسرش شهید و همسرش اسیر می شود. . .

در کربلا کسی بود که خودش و پدرش و پدر بزرگش شهید شده اند. جعفر در یاری اسلام در جنگ مته، محمد پسر او در یاری امیرالمؤمنین علیه السلام در صفین شهید، قاسم پسر محمد در یاری امام حسین علیه السلام شهید می شود. . .

در کربلا شهیدی داریم که در غدیر هم شاهد بود و در کربلا شهید شد...»

در ادامه، به «خصوصیات برخی یاران امام حسین علیه السلام» می پردازد:

شهید یک پا داریم، شهیدی است به نام مسلم عضدی که یک پا دارد، ... ما در کربلا شهدای کوچک داریم، مثلاً شهید ده ساله به نام عبدالله... شهید هفت ساله داریم...

سپس به تبیین «ترکیب یاران امام حسین علیه السلام» می پردازد؛ در کربلا افرادی از اصحاب پیغمبر علیه السلام شهید شدند. مسلم بن عوسجه... جابر غفاری... انس کاهلی که از اصحاب پیغمبر بودند. بعضی از اصحاب اول برای حسین علیه السلام گریه کردند و بعد خودشان هم شهید شدند...

در کربلا شهیدانی داریم که تا چند لحظه ی قبل از شهادت جهنمی بودند. اسم حرّ را همه بلد هستید. اما دو نفر دیگر به نام سعد بود و برادرش هم ابوالهطوف بود. شهیدی که با حیل به کربلا آمد، یک پدر و پسر بودند. مسعود و پدرش عبدالرحمان (مسعود بن عبدالرحمان)... (۱)

- سپس «ترکیب یاران حسینی» را بیان می نماید: در کربلا ترکیب، چه ترکیبی بود، ترکیبی از انسان ها بود. غلام سیاه، به نام جون... شخصی ترک بود...، عزیزی از فارس... عزیزی حبشی بود؛ پیرمردهایی بودند که وقتی خواستند به جبهه بروند، با دستمال ابرویشان را بالا می آوردند و به پیشانی می بستند که جلوی دیدشان را نگیرد، در این حد از پیری بودند و امام حسین علیه السلام

وضعشان را که می دید، گریه می کرد. (۲)

۷. استفاده از فهرست

یکی از راههای آماده سازی موضوع تدریس و سخنرانی، دقت در فهرست کتابهاست. فهرست، راه آسانی برای آماده سازی مباحث موضوعی است. یکی از

ص: ۱۷۵

۱- این پدر و پسر خواستند از کوفه به یاری امام حسین علیه السلام بیایند، آمدند بیرون و دیدند جاده ها بسته است. در لشکر یزید رفتند و گفتند می خواهیم به یزید کمک کنیم اسمشان را نوشتند و با لشکر یزید حرکت کردند و ۱۶ فرسخ از کوفه به کربلا آمد، وقتی آمد کربلا، گفتند: ما می خواهیم برویم امام حسین علیه السلام را بکشیم، تا به صف اول رسیدند، یک مرتبه پدر و پسر دویدند به طرف لشکر امام حسین علیه السلام. حسین جان ما با تو هستیم، راه نبوده است، با لشکر یزید آمدیم. چیزهایی در کربلا هست که جای دیگر نیست، هر چقدر برای کربلا ایثار شود، جا دارد.

۲- برنامه درسهایی از قرآن، ۰۵/۰۷/۶۳.

شیوه های حجه الاسلام قرائتی در تهیه برخی مباحث موضوعی، مراجعه به فهرست هاست که می تواند به شیوه های زیر صورت پذیرد:

الف) استفاده از فهرست کتابها.

ب) مراجعه به کتبی که فهرست آنها توسط برخی محققین تهیه شده است که ما را برای شناسایی موضوعات و انتخاب موضوع کمک می کند. در این خصوص، فهرست هایی، چاپ شده که کار را برای معلمان و مبلغان راحت کرده است؛ مانند معجم القرآن، دلیل المیزان (فهرست تفسیر المیزان)، فهرست موضوعی تفسیر نمونه، معجم نهج البلاغه، معجم صحیفه سجاده، فهرست میزان الحکمه و... برای کتب روایی اهل سنت نیز، معجم هایی نوشته شده است.

ج) دستنویس کردن فهرست کتابهای چند جلدی که فهرستی از آنها چاپ نشده است. حاج آقای قرائتی می فرمودند که: «شرح نهج البلاغه بیست جلد است و من فهرست هر جلد را نوشتم.»

البته، امروزه با وجود نرم افزارهای قرآنی و روایی و نرم افزارهای تبلیغی که در حوزه علمیه قم و سایر مراکز حوزوی تولید شده است، دسترسی به موضوعات، به صورت نسبی، آسانتر گردیده است. دیدن عناوین و فهرست مطالب یک موضوع، نقش بسیار مهمی برای آماده کردن محتوا دارد؛ چرا که با دیدن فهرست مطالب، با همه اضلاع بحث آشنا شده و ضمن احاطه به همه ابعاد یک موضوع، برای مخاطب خود، بخشهای مناسب با او را انتخاب و ارائه می نماییم.

۸. گلچین کردن مطالب

از کارهای مهم حجه الاسلام قرائتی در تهیه محتوا، گلچین کردن مطالب است. هنر گزینش و تلخیص این معلّم توانمند، یکی از عوامل جاذبه کلاسهای ایشان است. برخلاف برخی افراد که به مطالعه ی اندک خود آب می بندند و بیهوده، یک مطلب ساده را بسط می دهند، ایشان، زحمات زیادی در جمع آوری مطالب کشیده و پس از مطالعه فراوان، شیر و جان مطالب را به مخاطب تقدیم می کند. در تعابیر فراوانی ایشان به این روش خود در تهیه محتوا تصریح می کند. به عنوان

نمونه:

- به مناسبت هفته ی وحدت چهل حدیث انتخاب کردم. در مورد ریزه کاری های

ص: ۱۷۶

حکومت پیامبر؛ این احادیث در دو جلد کتاب که یکی از علمای اهل سنت نوشته آمده است. که حدود هزار صفحه است. من این هزار صفحه را در یک صفحه آورده ام. چهل حدیث جدید آورده ام.

- در این بحث (مسأله شورا و مشورت) از دیشب تا به حال موفق شدم حدود ۲۰۰ حدیث و آیه دیده ام. از این ۲۰۰ تا ۳۰ تا انتخاب کردم و ...

- کتابی راجع به معجزات عددی قرآن نوشته شده، من در سفری نویسنده کتاب را دیدم. . . کتاب عجیب و داری نکات لطیفی است. . . البته من همه کتاب را مطالعه نکردم، صد صفحه اش را مطالعه کردم، یعنی این سه دقیقه، خلاصه صد صفحه کتاب بود. . .

- شش جلد کتاب بنام «الامام الصادق والمذاهب الاربعه» است، که نویسنده آن اسد حیدر می باشد و خداوند لطف کرد و من تمام این شش جلد را مطالعه کردم و من کلماتی درباره امام صادق علیه السلام را در این چند صفحه خلاصه کردم.

- تاریخ آل سعود خیلی مفصل است که شاید چند جلسه بحث داشته باشد. کتابی به نام «کشف» است که من از این کتاب حدود صد صفحه اش را مطالعه کردم از این صد صفحه، دو صفحه اش را در آوردم از این دو صفحه یک مقداری از سیمای وهابی ها را برایتان می گویم . . .

- قصه حضرت نوح در شش سوره آمده است. در صفحات زیادی از المیزان سیمای نوح گفته شده است که من چند صفحه از آن را خلاصه کردم تا برایتان بگویم. . .

- این بحث (عمر، گوهر وقت) مورد نیاز همه ی طبقات است. من خلاصه ی یک کتاب قطوری به نام «گوهر وقت» را در حدود نیم ساعت برای شما می گویم.

۹. اکتفاء نکردن به مطالعات قبلی

قناعت نکردن به مطالعات قبلی و بازنگری و تکمیل فیش ها با مطالعه جدید، از کارهای خوب حجه الاسلام قرائتی است. ایشان، برای ارائه بحث تا جایی که امکان دارد، علاوه بر مراجعه به فیش های تحقیقاتی خویش، وقت مناسبی را برای تکمیل و دسته بندی می گذارد. بی تردید بخشی از جذابیت های کلاس ایشان، به

این تلاش و کوشش و عدم اکتفاء به مطالعات قبلی بستگی دارد. تعبیر زیر نمونه ای از جدی گرفتن کلاس و مخاطب و تلاش مضاعف ایشان، در ارائه غنی برنامه هاست:

- من یادداشتهایی از سالهای خیلی قبل داشتم و بعد هم دیشب مطالعه کردم و وسائل و میزان

الحکمه و الحیاه و... را دیدم که یک سری هم روایت هست که آن وقت که من یادداشت برداشتم، به آنها نرسیده بودم.

- در جهاد سازندگی هستیم. موضوع بحثمان راجع به کشاورزی و درختکاری است. به مناسبت هفته درختکاری من یادداشت هایی قبلاً داشتم. دیشب هم توانستم چهار ساعتی مطالعه کنم. یک چیزهایی را هم درآوردم.

- در محضر مبارک خانواده های شهدا هستیم. من در ایام جنگ راجع به شهید یک بحثی داشتم. دیشب حدود چند ساعتی توفیق بود مطالعه کردم. به آن بحث با یک چیزهایی اضافه نظام دادم...

- ما امسال (برای ماه مبارک) فیلم هایمان را در سیرجان پر کردیم. کار سنگینی بود که بنده هم در این مدت نه تلفن جواب دادم، نه حتی اخبار گوش دادم و نه روزنامه خواندم، متمرکز شدم که بتوانم این بار سنگین را بلند کنم...

۱۰. دقت در موضوعات تبلیغ

موضوع تبلیغ از دغدغه های جدی حجه الاسلام قرائتی است. این معلّم موفق، به فراخور اهمیت و جایگاه موضوعات در متون دینی، برای ترویج آنها قدم می گیرد. تکیه بر اصول دین، و برخی فروعات؛ مانند نماز و زکات و... بر اساس همین نگاه است. نگاه اول ایشان در انتخاب موضوع، قرآن کریم است. و در مباحث ایشان، بالاترین سهم برای موضوعاتی است که از وزن بیشتری در قرآن کریم برخوردارند.

ایشان معتقد است که در عرصه ی تبلیغ تا زمانی که موضوعات واجب است، نوبت به مستحبات و مباحات نمی رسد. همچنین، معتقد است که از ظرفیت ماههای تبلیغی، باید نهایت بهره را برد و برای جا انداختن واجبات فراموش شده قدم گذاشت و از پرداختن به برخی موضوعات دم دستی و غیرمفید، پرهیز کرد.

بهره گیری و استفاده از توانمندیهای دیگران، سبب رشد و برکت در کارها می باشد. حجه الاسلام قرائتی، سعی نموده بدون تکیه بر توانمندی ها و مطالعات خود از دیگران بهره بگیرد و با کار گروهی، رونقی به تبلیغات دینی ببخشد. ایشان در این خصوص فرمودند:

«تجربه کار گروهی را در تفسیر نمونه از آیت الله مکارم آموختم و فهمیدم اگر ما نیز مثل

حضرت موسی علیه السلام در کارها از خداوند شریک خوبی که هم افق باشیم، درخواست کنیم، در کارها موفق تر خواهیم بود. موسی علیه السلام از خداوند خواست که برادرش هارون را در کارش شریک کند.»^(۱)

این معلم فرزانه، با همه پرکاری که دارد، در برخی مواقع، جهت ارائه درسهایی از قرآن کریم از افراد توانمند دیگر بهره گرفته و برای رونق بخشیدن به مباحث از بزرگوارانی فاضل استفاده کرده است. البته، این بهره گیری بیشتر در خصوص برنامه های ماه مبارک رمضان که سی برنامه تلویزیونی می باشد، بوده است. همچنین، در نوشتن تفسیر نور نیز از مشارکت برخی فضلاء بهره مند بوده است.^(۲)

ایشان، در سفارش به متولیان امور فرهنگی و دینی، به طور مکرر فرمودند: «اگر مساجدی که امام جماعت یا خادم یا هیأت امنای آن سالمند هستند، با نسل فرهیخته و دلسوز شریک شوند، رونقی به مسجد داده خواهد شد که قابل وصف نیست. مثلاً عالم سالمند اقامه جماعت کند و طلبه جوان کلاسداری و تبلیغ و تفقد مردم را برعهده گیرد.»

ص: ۱۷۹

۱- . وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ اَهْلِي . هَارُوْنَ اَخِي . اَشْدُّ بِهِ اَزْرِي . وَ اَشْرِكُهُ فِي اَمْرِي . كَيْ نُسَيِّبُحَكَ كَثِيْرًا . وَ نَذْكُرَكَ كَثِيْرًا ؛ و از خاندانم (یاور و) وزیری برایم قرار بده. برادرم هارون را. (و اینگونه) پشت مرا با او استوار ساز. و او را در کارم شریک گردان. تا ما تورا بسیار به پاکی بستاییم. و تورا بسیار یاد نمایم. طه/۳۴-۲۹.

۲- . حجه الاسلام قرائتی، در خاطراتش بیان فرموده اند که: «از فضلالی گمنام حتی اگر در روستا بودند، استفاده می کردم. مثلاً از آیت الله شریعتی که در تابستان در روستای نیاسر کاشان بود، در دو ماه تابستان به مقدار یک سال تحصیل کتاب لمعه را خواندیم و از دو فاضل عزیز جناب حجت الاسلام والمسلمین دهشیری و جعفری که اهل بادرود هستند، برای نوشتن تفسیر نور در چند سال بهره ها گرفتیم و معتقدم گاهی کار با افراد گمنام بهتر از کار با افراد مشهور و نامدار است.» زندگینامه، ص: ۵۲.

۱. تکیه بر جامعیت اسلام

گاهی مطالعات موضوعی یا علائق فردی در مطالعه و یا گرایش به برخی موضوعات و مسائل، سبب می‌گردد تا برخی مبلغان از سایر ابعاد اسلام غافل شوند؛ در حالی که اسلام دین جامعی است و برای همه زوایا و عرصه‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... و حتی کارهای جزئی برنامه دارد.

از دقت‌های حجه الاسلام قرائتی، توجه به جامعیت اسلام و تکیه و تأکید بر آن است. توجه به عناوین درسی این معلم با تجربه، بیانگر این حقیقت است که ایشان در ارائه مباحث خود، به بیان

مطالب اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و... پرداخته و در جاهای متعدد و درضمن موضوعات گوناگون از جامعیت اسلام و شیرینی آن سخن گفته (۱)

و به این حقیقت، گریز زده است و البته در کنار به کار بردن این تعبیر که «اسلام دین جامع است»، جلوه‌هایی را به صورت مستند ارائه داده است.

یک نمونه:

«از امتیازات اسلام آن است که اقتصاد آن با اخلاق و عاطفه آمیخته است، همان گونه که سیاست و دیانت آن به هم آمیخته است. نماز جمعه با این که یک عمل عبادی است، یک مانور سیاسی هم هست. اسلام حتی در جهاد، به مسائل

ص: ۱۸۰

۱- سه نمونه از تعبیر که حاج آقای قرائتی، در مباحث به این نکته گریز زده اند: ۱. در اسلام سفارش شده که ساعات شبانه روز خود را برای چند موضوع تقسیم کنید، ساعاتی را برای کار و ساعاتی را برای عبادت و ساعاتی را برای استراحت و تفریح و لذت حلال اختصاص دهید تا بدین وسیله نیازهای مادی و معنوی شما تأمین شود. در برنامه ریزی نه دنیا باید فراموش شود و نه آخرت. در قرآن صدو پانزده بار کلمه دنیا و به همین تعداد کلمه آخرت آمده است؛ یعنی بین دنیا و آخرت باید توازن برقرار باشد. ۲. «... این دستورات، نشان دهنده جامعیت اسلام است. هر یک از مکتب‌های مختلف چیزی را اصل قرار داده و سایر مسایل را فراموش کرده اند. امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، هم نماز می‌خواند، «أَنْتِ احَبُّ الصَّلَاةِ» و هم شمشیرش را تیز می‌کرد. . . .» ۳. «پیامبر، هم کار فردی انجام می‌داد «و کان یأمر اهله بالصلاة» و هم کار جمعی «و کان رسولاً نبیاً» او رسالت عمومی دارد. امیرمؤمنان علیه السلام هم در کارهای خانه، حضرت زهرا سلام الله علیها را کمک می‌کرد و هم در میدان جنگ شمشیر می‌زد. دانشجو و طلبه ای موفق است که در کنار دروس تئوری، وارد میدان عمل نیز بشود.»

عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی نیز توجّه دقیق دارد.

این علی بن ابیطالب علیه السلام است که در بحبوحه جنگ به خورشید نگاه می کند تا مبادا نماز اول وقتش از دست برود! و فرزندش امام حسین علیه السلام ظهر عاشورا در برابر سیل تیر دشمن، نه تنها نماز واجب می خواند، بلکه به مستحبات نماز نیز از قبیل اذان، اقامه، جماعت، اول وقت و... توجّه کامل دارد و باز می بینیم همین علی بن ابیطالب علیه السلام در وسط جنگ، وقتی یارانش آب را در ظرفی ترک دار برای او می آورند، می فرماید: آشامیدن آب از ظرف ترک دار مکروه است. (چه بسا ذرات آلوده ای که لابه لای آن ترک باشد و آب را غیربهداشتی کند.)

باز می بینیم در وسط جنگ بعضی از حضرتش می پرسند: نظر شما درباره فلانی و فلانی چیست؟ حضرت می بیند پاسخ این سؤال سبب فتنه و تفرقه می شود، سؤال کننده را توبیخ می کند و اجازه نمی دهد اقامتی که به وحدت کلمه نیاز دارند، دستخوش تفرقه شوند، و باز می بینیم به هنگام جنگ، شخصی از علی ۷ معنای توحید را می پرسد و رزمندگان از سؤال او ناراحت

می شوند، حضرت می فرماید: جنگ ما برای توحید است و سپس توحید را برای او معنا می کند. به رزمندگان دستور می دهد آب آشامیدنی دشمن را مسموم نکنید، درختانشان را قطع ننمایید و به فراریان تیراندازی نکنید، به زنان و کودکان و سالمندان کاری نداشته باشید. در کجای دنیا سراغ دارید که جنگ، سیاست، عبادت و اقتصاد این گونه با مسائل اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی، بهداشتی و عاطفی آمیخته باشد.

در نظام اسلامی رابطه میان مردم و رهبر الهی رابطه صلوات و درود است. به مردم فرمان می دهد که به پیامبران درود فرستند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب / ۵۶) و به پیامبر نیز دستور می دهد به پرداخت کنندگان زکات صلوات و درود فرستد: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ» (توبه / ۱۰۳) در اسلام، روزهایی عید نامیده شده است که ضمن شادی و تبریک، رسیدگی به محرومان از طریق تقسیم گوشت قربانی در عید قربان و سیر

کردن شکم گرسنگان در عید فطر از طریق زکات فطره مورد توجه است.» (۱)

۲. در نظر گرفتن ابعاد یک موضوع

ارائه یک بُعدی مباحث، علاوه بر ناقص بودن بحث، آثار سوئی نیز در پی دارد. معلّم و مبلغ، هر موضوعی را که بیان می کند، باید این دقت را داشته باشد که اگر قید و شرطی یا ابعاد توضیحی دیگر دارد، بیان نماید؛ مثلاً موضوع «حبّ دنیا»، اگر درست و جامع مطرح نشود چه بسا عده ای به انزوای طلبی و گوشه گیری کشیده شوند و از جامعه فاصله بگیرند. یا این که اگر بیان کردیم که طبق روایت، کسی که در همسایگی مسجد است، نمازش در منزل، نماز نیست؛ «لا- صِلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي مَسْجِدِهِ» باید توضیح داده شود که مسجد رفتن شرط کمال نماز است؛ نه شرط صحت نماز. (۲)

به عنوان نمونه خلاصه ای از یک موضوع را از درسهای ایشان ارائه می دهیم:

«مال و دارایی از دیدگاه قرآن کریم»

از نظر قرآن، مال و دارایی مثبت است: نظر قرآن درباره مال نظر مثبتی است؛ منتهی مال دو جور است. مال خوب است، اما علاقه مفرط به مال بد است. قرآن می گوید مال خوب است،

آیات زیادی داریم:

قرآن می گوید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» (کهف / ۴۶) مال و اولاد زینت دنیا است و زینت که بد نیست! زینت خوب است.

و... (سایر آیات را بیان می کند.)

از نظر قرآن علاقه به مال بد است: قرآن درباره علاقه به مال زیاد صحبت کرده است. می گوید افرادی هستند که «الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ» (همزه / ۲) جمع مال و شمارش مال و دل بستن به مال بد است.

و... (سایر آیات را بیان می کند.)

ص: ۱۸۲

۱- محسن قرائتی، خمس و زکات، ص: ۲۳-۲۱.

۲- قال امیرالمؤمنین علیه السلام: لا- صلاه لجار المسجد إلا- فی المسجد إلا أن یكون له عذر أو به عله. فقیل: و من جار المسجد یا امیر المؤمنین؟ قال: من سمع النداء. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۹.

... پس نظر قرآن این است که مال زینت است و فضل است و خیر است و امداد. مال خوب است؛ اما علاقه به مال بد است. انسان، باید دنبال مال برود، مال هم پیدا کند؛ اما وقتی می خواهد از مال بگذرد، خیلی آسان بتواند از آن بگذرد. (۱)

۳. بیان دنیا در کنار آخرت

از کارهای مناسب حجه الاسلام قرآنی بیان مسائل دنیایی، در کنار مسائل آخرتی است. ایشان در کنار تفسیر و تبیین عقاید و اخلاق، نکات فراوانی در زمینه مسائل معیشتی و خورد و خوراک و سایر مسائل زندگی فردی و اجتماعی را نیز مطرح می کند و به این مسأله، یا به صورت مستقل پرداخته و یا در کنار سایر مباحث و موضوعات، به این مسائل مورد نیاز هم اشاره نموده اند.

به عنوان نمونه:

الف) نمونه بحثهای مستقل: برخی عناوین در سها عبارتند از:

«تغذیه در اسلام» - «محیط زیست» - «مرزدارها» - «مهمانی و افطاری» - «میوه» - «نظافت» - «نظام آموزشی» - «همسایه» - «کار در اسلام» - «امنیت در قرآن» - «غم و شادی» - «دید و بازدید» - «مصرف» - «خنده و شادی» - «اوقات فراغت، ورزش» - «زمین و کشت» - «زینت و خودآرایی» و... ده ها بحث مستقل دیگر.

ب) نمونه بحثهای ضمنی (که در ضمن سایر مباحث معارفی و در کنار بیان مسائل معنوی و اخروی، نیم نگاهی به مسائل روزمره و عادی و مادی مردم داشت).

ایشان در خصوص «توجه اسلام به نیازهای مادی و دنیوی بشر» بیان فرمودند:

«اسلام فقط به مسائل فردی و عبادی نپرداخته است و خالق انسان و هستی، برای همه نیازمندی های انسان برنامه دارد. قرآن به صورت گسترده به نیازهای مادی انسان پرداخته است. و در خصوص خوردن، نخوردن، حلال و حرام از غذاها، ازدواج، ارتباطات و... به خوبی به مسائل اشاره کرده است. همچنین

ص: ۱۸۳

روایات نیز، بسیار فراوان است. شاید فقط حدود سه، چهار هزار حدیث راجع به خوردنی‌ها داریم. کتابهایی هم در این خصوص نوشته شده است.

همچنین در روایات راجع به لباس، ۱۶۰ عنوان مطلب طرح شده است: رنگ لباس، جنس لباس، دوخت لباس، رنگ لباس، اسراف در لباس، لباس شهرت، لباس کُفَّار، نجس کردن لباس، لباس دزدی، لباس احرام، لباس جنگ، لباس عروس، لباس دادن به برهنه‌ها، و... .

راجع به مسکن روایت‌های زیبا و زیادی داریم. مسکن‌هایی که ما می‌سازیم، کجای آن درست است، کجای آن درست نیست؟

تفریح، برای تفریح هم دنیایی حدیث دارد. چه تفریحی؟ با چه کسی؟ چند ساعت؟ چه زمان؟ نوع تفریح، جایزه‌ی ورزش و مسابقه، نوع جایزه، زمان جایزه، مکان جایزه، یک دنیایی است. در نیازهای مادی هم ما عقب هستیم. تا...» (۱)

۴. ترکیب مناسب و موزون

سخنرانی، مانند یک غذاست و همان گونه که در تهیه غذا، دقت در اندازه و ترکیب مواد آن، نقش جدی در مزه، عطر و طعم آن دارد، دقت در اندازه‌ی مواد ترکیبی محتوا نیز، نقش مؤثری در کیفیت محتوا داشته و در نهایت در موفقیت معلم و مبلّغ در جذب مخاطبان نقش دارد؛ لذا همان گونه که برای خوشمزه شدن یک غذا باید، مواد و ادویه و سایر اجزایش به اندازه باشد و کم و زیاد آن، در طعم و مزه آن تأثیر می‌گذارد، کم و زیاد کردن در ترکیب مواد سخنرانی و جابجایی نقشها، به جاذبه‌ی محتوای تبلیغ صدمه می‌زند و در عطر و طعم و مزه آن اثرگذار است.

از هنرهای حجه الاسلام قرائتی، این که در ترکیب محتوای خود به صورت هوشمندانه عمل می‌کند. ایشان با ترکیب موزون و مناسب محتوا، دست پخت مناسبی را آماده می‌نماید که با ذائقه مخاطبانش هماهنگ است. البته در ترکیب محتوا، توجه به نقشها با اهمیت است و نکته مهم در ترکیب محتوای کلاس و

ص: ۱۸۴

سخنرانی حاج آقای قرائتی، توجه ایشان، به نقش مواد محتوای که هر کدام را به اندازه و وزنش، نقش می دهد؛ یعنی، در تهیه و ترکیب غذای معنوی، نقش اصلی را به

آیات می دهد و در کنار آن به صورت مناسب و به فراخور مباحث از احادیث بهره مناسب و زیادی می گیرد و سپس در گام بعدی، تاریخ، حکایات، خاطرات و مزاحها قرار دارد و همه اینها با درصد نسبتا مشخص، در کلام ایشان مورد بهره برداری قرار می گیرد و در نهایت، معجون معرفتی مناسبی با ترکیب دقیق آماده و ارائه می نماید.

البته، حاج آقای قرائتی، این ترکیب موزونی را که آماده می نماید، آن را با قدرت تمثیل، بیان عامیانه و روان و بهره گیری از لسان قوم و ادبیات و تعابیر رایج در جامعه، پشتیبانی می کند. برای آشنایی و استفاده از این شیوه، در تهیه و ارائه محتوا، دیدن برخی از متنهای «درسهایی از قرآن» ضروری است.

۵. تبلیغ فرهنگ صحیح و مبارزه با انحرافات و عادات غلط

از ویژگی های خوب مبلغ، شهامت به جا در نقد از آداب و عادات و فرهنگ غلط جامعه است که باید به صورت متین و محکم به این بحث پردازد و در ترویج فرهنگ صحیح نیز قدم بگیرد. حجه الاسلام قرائتی می فرماید که:

«مشکل بسیاری از مردم، عادات و رسوم و باورهای غلط آنهاست و نمی دانند علم واقعی، عزت واقعی، آرامش واقعی، دوست واقعی، کمال واقعی و... در چیست. باید با نفی فرهنگ غلط و معرفی فرهنگ صحیح، به اصلاح ریشه ها پرداخت.

مبارزه با فرهنگ غلط مشی قرآن کریم و روایات است: هنگامی که قبله عوض شد، سخن روز مردم پیرامون تغییر قبله بود. آیه نازل شد که بحث کردن درباره اینکه به هنگام نماز روی خود را به سوی مشرق یا مغرب بگردانیم، نیکی نیست، بلکه نیکوکار کسی است که اهل ایمان و عمل و انفاق و صبر و... باشد. (۱)

ص: ۱۸۵

۱- «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ...» بقره/ ۱۷۷.

یا در روایات نیز نکات فراوانی برای تصحیح دیدگاه های غلط بیان گردید. (۱)

مثلا در روایت آمده است که: «بزرگی، در ظاهر آراسته نیست، بلکه در آرامش و وقار است: «لَيْسَ الْبِرُّ فِي حُسْنِ

الزِّيِّ وَ لَكِنَّ فِي السَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ» (۲)

از جاذبه های درسها و سخنرانی های حجه الاسلام قرائتی این است که ایشان با حضوری که در جامعه و مردم دارد و دقتی که در گفتارها و رفتارها می نماید و آشنایی که با عرف عامه دارد؛ ضمن تشویق و ترغیب به عادت های صحیح و فرهنگ مناسب، با عادت های غلط، رفتارهای انحرافی و برداشت های ناصواب و خرافی برخورد نموده و در درسهایش نکاتی را، به صورت هوشمندانه متذکر می گردد و در تصحیح گفتارها، رفتارها و شیوه ها اقدام مناسبی می نماید.

ایشان، این گونه مسائل و نکات را - که به نوعی مباحث روز برای مخاطب است در فراز های متعدد از مباحث خود و در لابلای دروس و با استفاده از شیوه گریز (= پرانتز های به جا) ارائه می دهد.

به عنوان نمونه:

- هدف انسان چیست؟ قرآن می گوید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات / ۵۶) هدف ما عبادت است. این را مکرر گفته ام که: «عبادت به جزء خدمت خلق نیست.» غلط است. عبادت، فقط نماز هم غلط است. بلکه هم نماز؛ هم خدمت به خلق؛ هم کار؛ هم تفکر؛ هم تربیت است. همه این ها، عبادت است. عبادت؛ یعنی کاری که جهت خدایی دارد.

- یک چیزهایی است که نمی گذارد شما حق را بفهمید. دختر و پسری برای ازدواج علاقه بهم پیدا می کنند. هرچه پدر و مادر می گویند که این پسر یا دختر مناسب نیست؛ روی علاقه و عشقی که پیدا کرده است، نمی تواند بفهمد که حرف پدر و مادر چیست؟ ...

ص: ۱۸۶

۱- از تعابیری که در قرآن و روایات آمده است و راه مناسبی برای شناختن برخی امور صحیح از غلط است این که می گوید: «لیس الزهد... بل الزهد...؛ زهد این نیست... زهد این است.» «لیس الشجاعه... شجاعت این نیست»، «بل الشجاعه... بللکه شجاعت این است...». با جستجو در نرم افزارهای حدیثی به مصادیق متعددی بر می خوریم.

۲- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۰۶.

- چه کسی گفته زن بدبخت است؟! به زن وحی می شود. قرآن می فرماید: «وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ» (قصص / ۷) به مادر موسی علیه السلام وحی کردیم. . . «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ» (آل عمران / ۳۹) فرشته با حضرت مریم حرف زد. . .

- استفاده از غرب آری، اما غرب زدگی نه. افرادی هستند که وقتی می گوئیم خدا، ناراحت می شوند. «إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ» (صافات / ۳۵) تا می گوئیم موسیقی حرام است و خدا راضی نیست، . . تا یک دستور از خدا می گویی، تکبر می ورزند؛ وجدان و روحشان آماده نمی شود. اما در برابر غرب تسلیم است و لذا هر فرم غربی، برایش فرم روشن است، هر برنامه الهی، ارتجاعی است. . .

۶. پرهیز از بیان اقوال و احتمالات

وظیفه معلّم و مبلغ، مطالعه و گلچین کردن نکاتی است که برای عموم مردم فایده کاربردی دارد. لذا باید در کلاسهای غیر تخصصی، در بیان اقوال، به قول مشهور اکتفاء گردد. همچنین اگر چه در کتب علمی، در خصوص مسأله و موضوعی احتمالاتی بیان می شود؛ اما در عرصه تدریس و تبلیغ، نباید به بحثهای لغوی و یا بیان احتمالات پرداخت. حجه الاسلام قرائتی، می فرماید:

«در لغات، اقوال و احتمالات نمانید. بعضی ها وقتی به یک لغت می رسند، می گویند که ریشه ی این چیست؟ مشابه این چیست؟ این برای کسی است که می خواهد در مباحث تخصصی کار کند و فرصت برای این کار دارد؛ اما مخاطبی که در فرصت محدود در اختیار ماست و معمولاً این نسل، کم حوصله هم است. حالا بخواهیم به مباحث لغوی بپردازیم، مناسب نیست.»

همچنین ایشان می فرمایند: «بعضی ها در اقوال گیر می کنند. سؤال می کند که مهر نماز باید چقدر باشد؟ یک جواب این است که: به اندازه همین بند انگشتی که روز انتخابات روی شناسنامه می زنیم. یک جواب این است که: «مهر نماز باید به اندازه یک درهم باشد. درهم سه رقم است. رقی - بصری - کوفی داریم. مراجع در این خصوص اختلاف دارند. صاحب عروه چه می گوید؟ صاحب تحریر چه می گوید؟» باید مواظب باشیم که بیان برخی اقوال و احتمالات برای عموم به اتلاف علم

نکشد. بله، اگر یکی دو دقیقه راجع به لغات نکته ای گفتیم عیبی ندارد و یا در اقوال و احتمالات دو تا قول و احتمال مهم را بگوییم، اشکالی ندارد. البته مطالعه نکات لغوی و احتمالات و اقوال، برای مبلغ مناسب و چه بسا در بسیاری از موارد، ضروری و لازم است.»

۷. صداقت در ارائه مباحث

یکی از کارهای مهم که می تواند مبلغ را محبوب تر نموده و بر کارش اثر بهتری بگذارد، صداقت او در ارائه مطالب است. حجه الاسلام قرائتی، در این خصوص می فرماید:

«متأسفانه، برخی نتایج زحمات دیگران را می خواهند به نام خود ثبت نمایند؛ مثلاً مطلبی را از کتاب داستان راستان می بینند که شهید مطهری آن را از کتب اربعه نقل کرده است، نویسنده به هنگام آدرس دادن، نام کتاب قدما را می برد، تا گمان کنند ایشان در کتب قدما تحقیق کرده است. هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم معاذ را راهی یمن می کنند بر صداقت در گفتار تأکید می فرمایند؛ چرا که عامل مهم در موفقیت معلم و مبلغ است؛ «یا معاذ... و اوصیک بتقوی الله و صدق الحدیث؛

ای معاذ... و تو را به تقوای الهی و صداقت در سخن سفارش می کنم.»^(۱)

حاج آقای قرائتی، در ارائه مطالب از صداقت بالایی برخوردار است؛ برخی تعابیر که بیانگر این ویژگی ایشان است، را به عنوان نمونه از برنامه درسهایی از قرآن نقل می کنیم:

- بحث «قرآن و امام حسین» خیلی خوب است. خلاصه ی یک جزوه ای است که دو نفر از فضلاء نوشته اند که هنوز چاپ نشده و حدود سیصد ساعت کار کرده اند و من این جزوه را خلاصه کرده ام و برای شما می گویم.

- این هایی که نقل می کنم، مدرکم در معنا لغتنامه ی دهخدا است که لغت نامه ی دهخدا هم برای بررسی الفاظ و معانی کتاب مهمی است... .

- حافظ ابوحاتم می گوید: در مورد امام صادق سؤال نکن، که برای او معنی و

ص: ۱۸۸

بیانی نیست. ابن خلکان می فرماید؛ حالا من از کجا این حرفها را نقل می کنم؟ شش جلد کتاب است، بنام «الامام الصادق والمذاهب الاربعه» که نویسنده آن اسد حیدر است. اسد حیدر کاری کرد که علامه امینی درباره علی علیه السلام در الغدیر کرد. در معرفی امام صادق علیه السلام کتابی است که بسیار عالی است و خداوند لطف کرد و من تمام این شش جلد را مطالعه کردم و من کلماتی درباره امام صادق علیه السلام را در این چند صفحه خلاصه کردم.

- تا کنون هفتاد نوع مواد در شیر کشف شده و من اینها را از دکتر مرنندی برایتان نقل می کنم. . .

- من از تاریخ شیعه نقل می کنم، علامه مظفر نوشته است. . .

- علت دومی که امام حسین علیه السلام را شهید کردند، عقده بود. این حرف را از میرزا خلیل کمره ای نقل می کنم.

- اخیرا کتابی به دستم رسید تحت عنوان والدین، این کتاب را خلاصه کردم، یک نکاتی در آن هست که خدمتتان بگویم. . .

۸. آسان و شیرین جلوه دادن دین

یکی از عوامل طرد مردم از دین خدا، سخت گیری های بی مورد است. دین اسلام، دین موافق با فطرت و احکام آن بدون مشقت است؛ «ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ خداوند هیچ گونه سختی در دین برای شما قرار نداد.» (حج / ۷۸) و «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ؛

خداوند برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد.» (بقره / ۱۸۵) هیچ حکمی در اسلام، بیشتر از طاقت انسان نیست. این دین مقدس، بر خلاف بعضی از ادیان ساختگی و تحریف شده، بنایش بر سر کوبی خواسته های طبیعی انسان؛ همچون خوردن طعام، تفریح و غرایز جنسی نیست، بلکه در صدد کنترل این غرایز است تا مانند سیلی بنیان کن ریشه انسانیت را از بین نبرند. حجه الاسلام قرائتی، در ارائه معارف، به این اصل توجه دارد و سفارش می کند که:

«سعی معلم و مبلغ، باید آسان و شیرین جلوه دادن احکام الهی باشد و از هر کاری که مردم را از دین گریزان می کند، پرهیز نماید. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرموده

است: من به دین آسان و سهل مبعوث شده ام. (۱) هر کس مریض یا مسافر بود روزه نگیرد و قضای آن را انجام دهد. اگر وضو گرفتن مشکل است، تیمم را جایگزین کند. اگر ایستادن در نماز مشکل است، اجازه ی نشسته نماز خواندن را می دهد. این قانون به نام «قاعده لاجرح» در فقه مشهور است.

همچنین، باید هدف دستوراتی مثل روزه، که بر حسب ظاهر از وظایف دیگر سخت تر است، برای مردم روشن، تا برایشان شیرین و ساده جلوه کند. (۲)

یا باید از یک جنبه نگرشی پرهیز شود و مطالبی مانند؛ انداز و بشارت؛ و بهشت و جهنم، خوف و رجاء و... در کنار هم بیان گردد. در دین قواعد و اصولی وجود دارد که زندگی را بر ما آسان می کند:

اصل بر این است که همه چیز پاک است، مگر خلاف آن ثابت شود.

اصل بر این است که اموالی که در دست مسلمانان است از خودشان بوده و حلال است.

اصل بر این است که همه چیز حلال است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

همچنین، باید فضای مسجد و تبلیغ را شیرین و دلنشین نماییم. این که سفارش شده تا با زینت به مسجد بروید، برای همین است. آهنگی که آیات قرآن کریم دارد، شیرین است. ما صدو بیست و چهار هزار پیغمبر داشتیم که ظاهر هیچ کدام تنفر آور نبوده است. حتی پیغمبر می فرمودند: "من از یوسف نمکم بیشتر است." پیغمبر ما خیلی نمک دارد. خیلی با مزه است.

حاج آقای قرائتی، به این روش معتقد است و دقت در درسها و آثار ایشان بیانگر این حقیقت است که در بیان معارف به این اصل توجه جدی دارد؛ ایشان، ضمن

ص: ۱۹۰

۱- «بعثنی بالحنیفیه السهله السمحه» بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۶۳.

۲- مردم باید بدانند که هدف خداوند قرار دادن آنها در سختی نیست بلکه می خواهد آنان را پاک کند و نعمتش را بر ایشان تمام کند: «ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج ولکن یرید لیطهرکم و لیتم نعمته علیکم» (مائده/ آیه ۶) «خداوند نمی خواهد برای شما تنگناو رنج قرار دهد، ولی می خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما کامل سازد» «فمن کان منکم مریضاً او علی سفر فعدّه من ایام آخر» (سوره بقره/ آیه ۱۸۴) «پس هر کس از شما که مریض یا مسافر باشد در ایام دیگر روزه گیرد.» اشاره به وجوب روزه بر امت های قبل، محدود بودن ایام روزه و تعیین «فدیة» برای کسانی که مریض یا مسافرند، همه برای آسان جلوه دادن این تکلیف الهی است. قرآن و تبلیغ، ص: ۱۱۶ و ۱۱۵.

اشاره به این اصل در ارائه دروس خود، در عین حال در فرازهای از نوشته‌ها و برنامه‌ها به این حقیقت اشاره می‌فرمایند.

به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: آسان بگیریم که اگر آسان گرفتیم، مردم خیلی به سمت دین می‌آیند. اگر خواستیم که بچه‌هایمان متدین بار بیایند، باید دین آسان را به آنها معرفی کنیم و لذا به ما گفته‌اند پیشنهاد باید مراعات مأمومین بی‌حال را بکند. ممکن است بیشتر افراد، دوست داشته باشند که امام جماعت نمازش را طول بدهد، ولی عده‌ی کمی این را نخواهند، اینجا اکثریت نیست، اینجا اسلام می‌گوید که پیشنهاد باید مراعات آن تعداد کم را بکند. یا مثلاً شیوه آسان نماز شب را بگوییم؛ چون از نماز شب سه رکعتی، بی‌قل هو الله داریم؛ یعنی شفع که یک دو رکعت است، و وتر که یک یک رکعت است که با سه تا حمد بدون قل هو الله می‌شود سه دقیقه نماز شب خواند. از سه دقیقه‌ای داریم تا چهل و پنج دقیقه‌ای، یعنی یک جوری اسلام گرفته است که هیچ کس حرج و سختی نداشته باشد. (۱)

ب) نمونه دوم: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره/ ۱۸۵) دین، آسان است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «دین، شیرین است». (۲) هر جا مردم فرار می‌کنند، سخت‌گیری و بدبینی است. اصل بر آسان گرفتن و جاذبه است. اگر صدای اذان زیبا باشد. اگر پیش نماز، نماز را با رعایت حال ضعیف‌ترین مأمومین بخواند. اگر مردم بین دو نماز برای استخاره و سخنرانی معطل نشوند. اگر در سخنرانی مُحکّمات احادیث خوانده شود و از خواندن احادیث ضعیف یا احادیث عجیب که چه بسا برای افراد خاص یا برای شرایط خاص است یا دارای تجزیه و تحلیلی است که در فراخور جلسه نیست و... پرهیز شود. اینها مخاطب را جذب می‌کند. معارف و

ص: ۱۹۱

۱- نماز شب آسان که یک دو رکعتی و یک رکعتی بی‌قل هو الله است و فقط سه تا یک دقیقه طول می‌کشد، این دستور برای آدمهای لیز و فراری، اگر لیز و فراری نیست می‌گوئیم یازده رکعت بخوان بی‌قل هو الله. اگر عاشق است، با قل هو الله. اگر خیلی عاشق است می‌گوئیم سیصد تا العفو بخوان. هفتاد بار هم «استغفر الله ربّی و اتوب الیه» بگو و... برنامه‌درسهایی از قرآن، ۷۳/۰۲/۰۱

۲- حاج آقای قرائتی، در یکی از دروس خود فرمودند: «هر کس را دیدید که دین برایش شیرین نیست. بدانید که دین برایش درست معرفی نشده است. اگر خوب معرفی بشود، دین برایشان شیرین می‌شود.»

احکام را، هرچه ساده تر و آسان تر بیان کنیم، گرایش بیشتر می شود... طوری اسلام را معرفی کنیم که نسل نو از اسلام وحشت نکنند.

(۱)

۹. دقت در انگیزه انتخاب موضوع

داشتن انگیزه‌های مثبت در انتخاب موضوع و پرهیز از انگیزه‌های منفی از رموز مؤثر در تبلیغ است. حجه الاسلام قرائتی، در انتخاب موضوع، به انگیزه و نیت توجه جدی دارد. ایشان برخی مصادیق انگیزه‌های مثبت و منفی در انتخاب موضوع را این گونه تبیین نمودند:

«انگیزه‌های مثبت: اگر دلیل انتخاب موضوع: رضایت حق، نیاز مخاطبان، رشد مردم، مصون سازی و بیمه کردن آنان از لغزش‌ها و پاسخ به شبهات و نوعی ترقی و پیشرفت در کمالات و تشویق مردم به حق‌گرایی و توجه به خدا، کمک به محرومان، خدمت به خلق، ترویج پاکی و پاکدامنی و تقوا و صداقت و امانت و شجاعت و فرا گرفتن عبرت و مسابقه در خدمت و توجه به قیامت و تقویت رهبران و پیروان حق و ظلم ستیزی و مظلوم‌یابی، و امثال آن باشد، این نمونه‌ها انگیزه‌های مثبت است.

انگیزه‌های منفی: اما اگر دلیل انتخاب موضوع: اظهار معلومات شخصی و مصرف کردن یادداشتهای و محفوظات یا علاقه‌ی مردم (در حالی که ضرورت و نیاز نیست)؛ صرف نو بودن مطلب، رسم و عادت، رقابت با دیگران، تقاضای بانی و میزبان، رضایت خواص، حفظ عنوان و پرستیژ، و هر چه که در مقابل انگیزه‌های مثبت است، اینها خروج از مدار توحید و وظیفه شرعی است.»

همچنین ایشان، توصیه می‌کنند که در کنار توجه به انگیزه انتخاب موضوع، نباید از عنصر زمان و مکان غافل بود و در این خصوص می‌فرمایند:

«مخفی نماند که زمان و مکان و افراد، در انتخاب محتوا باید مورد نظر قرار بگیرد. گاهی طرح یک مسأله در مکانی و برای افرادی و در زمان خاصی آثاری دارد، که در غیر آن زمان و مکان آن آثار را ندارد. مکان و زمان، در خیلی از موارد

ص: ۱۹۲

نقش ایفاء می کنند؛ مثلاً در حدیث می خوانیم که ضربت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز خندق از عبادت جن و انس برتر است. اما همین ضربت از همین امام معصوم، در جنگهای دیگر آن اثر جنگ خندق را ندارد. همچنین، با این که استغفار همیشه مطلوب است؛ ولی استغفار در زمان سحر آثار بیشتری دارد.»

۱۰. تناسب محتوا با زمان و مکان

سنخیت و تناسب، یک اصل قرآنی است که در موارد متعددی از کتاب آسمانی به چشم می آید که در بخشی از موارد، رعایت تناسب به صورت محسوس، (۱) و در برخی موارد، به صورت لطیفی این اصل به کار رفته است. (۲)

رعایت این اصل در تبلیغ امری لازم است. در سخن باید محتوا، لحن، زمان، مکان و سن مخاطب را لحاظ نمود و در این موارد به اصل «سنخیت و تناسب» توجه داشت؛ به غیر از سخنرانی های عمومی، در برخی موارد، سخنرانی باید با زمان و مکان سنخیت و تناسب داشته باشد. حجه الاسلام قرائتی، در برنامه هایش به «اصل سنخیت و تناسب» توجه جدی دارد. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول؛ سنخیت مکان: «یک روز غروب در جبهه این مطلب را گفتم که: "یک شب پیغمبر در جنگ فرمود: ده تا دیگ بار بگذارید. گفتند: آقا یک دیگ بس است. فرمود: بله! یک دیگ برای غذا باشد و در نه تای دیگر آبجوش بریزید.

ص: ۱۹۳

۱- در قرآن کریم، سنخیت و تناسب، در موارد متعددی به چشم می آید؛ مثلاً سنخیت کيفرهای الهی، با جرم بشر «و مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ» (آل عمران / ۵۴) «نَسَاهُمْ كَمَا نَسُوا» (اعراف / ۵۱) «زَاعُوا أَرْأَعُ اللَّهُ» (صف / ۵) «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا» (بقره / ۱۰) یا رعایت تناسب بین خواسته و اسمای الهی در دعا: «رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» (نوح): پروردگارا! مرا با نزولی پر برکت فرود آور که تو بهترین فرود آورندگان.» (مؤمنون / ۲۹) یا دعای حضرت شعیب علیه السلام: «رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ»؛ پروردگارا! میان ما و قوم ما به حق داوری و راهگشایی کن که تو بهترین داوران و راهگشایانی. (اعراف / ۸۹) یا دعای حضرت زکریا علیه السلام: «لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ»... پروردگارا! مرا تنها مگذار و (فرزندی به عنوان وارث به من عطا فرما و البته که) تو خود، بهترین وارثان هستی. (انبیاء / ۸۹) یا حضرت سلیمان علیه السلام: «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مَلَكًا لَا يَتَّبِعِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَلَمُّ الْوَهَّابُ» و گفت: پروردگارا! مرا بیامرزد و به من فرمانروایی و ملکی عطا کن که پس از من سزاوار هیچ کس نباشد، همانا تو بسیار بخشنده ای. (ص / ۳۵)

۲- مثلاً در آغاز سوره تحریم، سخن از انحراف دو نفر از زنان پیامبر بود، در اواخر سوره، سخن از دو همسر حضرت نوح و لوط به میان آمده است. در بحث تناسب محتوا و مخاطب این مطلب را توضیح می دهیم.

گفتند: آبجوش چرا؟ فرمود: دیدبان دشمن امشب دیدبانی می کند. اگر ما یک دیگ داشته باشیم، می گویند: مسلمان ها کم هستند و آن وقت به ما حمله می کنند، ولی اگر ما چنین کاری کنیم دیده بان خیال می کند که جمعیت ما زیاد است." فرمانده و رزمندگان خیلی خوششان آمد.»

ب) نمونه دوم: سنخیت زمان: حاج آقای قرائتی، به مناسبت ها، توجه داشته و اگر حتی سلسله بحثی داشته اند، آن را قطع و به مناسبت مربوطه پرداخته اند. (۱)

مثلاً:

- در این جلسه ای که نشست نوزدهم ما هست، ادامه بحث ها، کشیده شد به بحث نبوت، مناسبتی دارد که این بحث ها را قطع کنیم و به مناسبت شهادت حضرت علی علیه السلام و ایام شب قدر صحبت بکنیم . . .

- به مناسبت حج در برنامه ی درس هایی از قرآن بحثی داشتیم و برای این مناسبت «وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ» (بقره/ ۲۰۳) در مورد ذکر بحث کردیم.

- شب جمعه ای که برنامه را برادران و خواهران تماشا می کنند، شب اول ژانویه، شب سال مسیحیت است. مثل این که برای ما در سال شمسی، عید نوروز سال نو می شود، و یا اول محرم سال قمری نو می شود. در مسیحیت تولد حضرت عیسی مبدأ تاریخ است و امشب، شب سال نو مسیحیان است و چون شب سال نو مسیحیان است، من می خواهم در مورد عظمت حضرت عیسی در قرآن صحبت کنم. سیمای عیسی در قرآن که هم با درسهایی از قرآن مناسبت دارد و هم قرآن در مورد حضرت عیسی و حضرت مریم خاطرات زیادی دارد.

۱۱. تناسب لحن و حرکات دست

از نکاتی که در ارائه محتوا، برای جذب مخاطب مؤثر است؛ استفاده مناسب و متعارف از حرکات دست و داشتن لحن و آهنگ مناسب با مضمون است. به ویژه لحن با موضوع سخن مرتبط است و در صورتی که فرد، موضوع سخنش اخلاقی و

ص: ۱۹۴

۱- اگر بحث به گونه ای باشد که با زمان ارائه نسبت نداشته باشد، و به دلیلی بیان گردد، ایشان متذکر می شود. مانند این سخنان: «... در سلسله اصول عقاید، بحث ما رسید به بحث امامت. . . بحث غدیر یا باید به مناسبت عید غدیر گفته بشود و یا مناسبت های دیگر، اگر در این زمان بحث می کنیم به این جهت است که چون سلسله بحثهای اصول عقاید به امامت رسید، نمی شود به این بحث اشاره نکرد...»

موعظه است، این موضوع، لحن نرم و ملایم خود را می‌طلبد؛ آن گونه که موضوعات سیاسی و حماسی لحن محکم تر و خطابه‌ای را طلب می‌کند و یا این که نوع مخاطب، نیز در استفاده از لحن و آهنگ سخن مؤثر است. گاهی مخاطب افراد سن خورده‌ای هستند که خطاب به این گروه، چه بسا متفاوت با گروهی که جوان هستند، باشد و یا این که مخاطب کودکان دبستانی‌اند که لحن لطیف و مناسب این قشر را می‌طلبد.

حجه الاسلام قرائتی می‌فرماید: «در آموزش، حرکات باید مناسب باشد. کسی قصه حضرت یوسف علیه السلام را تعریف می‌کرد و می‌گفت: وقتی یوسف وارد چاه شد. (دستش را بالا می‌برد) و وقتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به معراج رفت (دستش را پایین می‌آورد) یعنی دقیقاً کارش عکس بود. تن صدا باید با متن بخورد. عربهای مصری وقتی قرآن می‌خوانند، قصه ای در قرآن هست که در آن موسی علیه السلام به دو تا دختر گفت: چرا شما به چوپانی آمدید؟ گفتند: پدرمان حضرت

شعیب علیه السلام پیر و زمین گیر است. کسی نیست و ما چوپانی می‌کنیم. وقتی قاریان می‌خوانند بگویند: «وَ اَبونا شَيْخٌ كَبِيرٌ» (قصص / ۲۳) پدری داریم پیر شده سنش بالاست... این آیه را با لحن زیبا و موزونی می‌خوانند که قیافه و صوت آنها این را نشان دهد. اینها مهم است.»

با دیدن بخشهایی از سخنرانی حجه الاسلام قرائتی، به این نکته اذعان می‌کنیم که ایشان سعی دارد تا حرکات دست و آهنگ سخن او با مضمونی که ارائه می‌دهد، هماهنگ باشد. البته، چه بسا برخی لحنها، برای اجراء نیاز به تمرین دارد که مبلغان محترم باید این نکته را مدّ نظر قرار بدهند.

۱۲. مستند کردن آموزش

از سفارشهای تبلیغی حجه الاسلام قرائتی این است که: «محتوایی که ارائه می‌دهیم، نباید مبتنی بر حدس و گمان باشد؛ بلکه اثبات یا نفی هر مطلبی، باید مستند به وحی و علم باشد. در مواردی از قرآن، ظالم ترین افراد کسانی معرفی شده اند که بر خدا افتراء می‌بندند و چیزی را که خدا نگفته، طبق سلیقه و پیش داوری های خود، آن را به خدا نسبت می‌دهند.

حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم حق ندارد چیزی را به خدا نسبت دهد، مگر آن که از طرف

خدا به او وحی شده باشد: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ؛ و اگر پیامبر بعضی گفتارهای ساختگی را به ما نسبت دهد، قطعاً او را با قدرت (و به قهر) می گرفتیم. سپس رگ قلبش را قطع می کردیم.» (حاقه / ۴۶-۴۴)

ابا بصیر به امام صادق علیه السلام می گوید: «گاهی به مسائلی بر می خوریم که در قرآن و سنت حکم آنرا نمی یابیم، آیا اجازه می دهید طبق نظریه خود راهی را انتخاب کنیم؟ (و یا منتظر شناخت وظیفه از طریق وحی باشیم؟) امام فرمود: هرگز، زیرا اگر نظریه شما مطابق با حکم خدا باشد، پاداشی نداری و اگر خطا روی، بر خدا دروغ بسته ای.»^(۱)

حاج آقای قرائتی، با تکیه بر عقل و وحی، مطالب خود را به صورت مستند ارائه می دهد و حتی برخی از مطالب مهم و مباحث روز را با استناد به آیات الهی به راحتی حل می کند. در این خصوص نمونه های فراوانی است، ما به عنوان نمونه، دو مورد را نقل می نمایم:

الف) نمونه اول: ایشان در بحثی در خصوص «گریه و روضه» فرمودند:

«نکته اول این که عزاداری های ما باید با عقل و احساس هر دو باشد. زبان، آئینه عقل است و کلید احساسات چشم است و چشمی که گریه ندارد، نشان دهنده این است که فرد احساسات ندارد. خدای تعالی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل / ۹۰) عدل، همان گرایشی است که در عقل ریشه دارد و احسان، جلوه ای که بیانگر احساس است. عزاداری های ما باید با عقل و احساس عجین باشد. نکته دوم این که این ابراز احساسات ما در عزاداری ها، ریشه قرآنی دارد. خدای تعالی در سوره بروج، از مؤمنانی یاد می کند که آنان را به جرم ایمان، سوزاندند.^(۲)

یا به پیامبرش صلی الله علیه و آله وسلم دستور می دهد که: «وَأَذْكَرٌ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ»

ص: ۱۹۶

- ۱- . أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: "قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَرِدُ عَلَيْنَا أَشْيَاءُ لَيْسَ نَعْرِفُهَا فِي كِتَابِ اللَّهِ (وَ لَا سُنَّتِهِ) فَتَنْظُرُ فِيهَا فَقَالَ: لَا أَمَّا إِنَّكَ إِنْ أَصَبْتَ لَمْ تُوجِزْ وَإِنْ أَخْطَأْتَ كَذَبْتَ عَلَى اللَّهِ" وسائل الشيعه، ج ۲۷، ص ۴۰.
- ۲- . «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ . وَ الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ . وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ . قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ . النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ . إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ . وَ هُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ . وَ مَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ . الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»؛ سوگند به آسمان که دارای برجهای بسیار است. به روز موعود سوگند. به شاهد و مشهود سوگند. مرگ بر صاحبان گودال (پر آتش). همان آتش پرهیزم. آنگاه که آنان بالای آن نشسته بودند. و تماشاگر شکنجه ای بودند که نسبت به مؤمنان روا می داشتند. آنان هیچ ایرادی به مؤمنان نداشتند، جز آنکه به خدای عزیز و حمید ایمان آورده بودند. آن که حکومت آسمان ها و زمین برای اوست و خداوند بر هر چیز گواه است. (بروج / ۹-۱)

(مریم / ۴۱) ابراهیم علیه السلام حاضر شد تا فرزندش را قربانی کند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم باید از او یاد کند؛ حال آیا امام حسین علیه السلام که فرزندش، برای خدای تعالی قطعه قطعه شده، «و اذکر» ندارد؟ همچنین، در قرآن کریم آمده: «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ مَرْیَمَ» (مریم / ۱۶) که بر مبنای قرآن کریم، تاریخ زنان قهرمان نیز باید همچون تاریخ مردان بزرگ زنده نگه داشته شود. حال آیا از حضرت زینب سلام الله علیها که قهرمان کربلاست، نباید یاد گردد؟ یا این که معمولاً خدای تعالی کمالات را پشت سرهم می آورد و آیه ای نداریم که فقط یک کمال را بیان کرده باشد؛ مگر در باره وفا: «وَ اِبْرَاهِیْمَ الَّذِیْ وَفَّی» (نجم / ۳۷) و حضرت ابوالفضل علیه السلام در کربلا، مظهر وفاداری به ولی خداست و . . .

(ب)

نمونه دوم: ایشان برای سخنرانی در خصوص برخی آثار و تبعات قمه زدن، به استانی که قمه زدن در آنجا رواج داشت، سفری داشتند و وقتی خواستند برای مردم سخنرانی کند، این آیه شریفه را خواندند که: «یا أَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمِعُوا وَ لِلْکَافِرِیْنَ عَذَابٌ أَلِیْمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! (به پیامبر) نگوئید: «راعنا» مراعاتمان کن، بلکه بگوئید: «انظرنا» ما را در نظر بگیر، و (این توصیه را) بشنوید و برای کافران عذاب دردناکی است.» (بقره / ۱۰۴)

و توضیح دادند که برخی از مسلمانان برای اینکه سخنان پیامبر را خوب درک کنند، درخواست می کردند که آن حضرت با تأنی و رعایت حال آنان سخن بگوید. این تقاضا را با کلمه «راعنا» می گفتند. یعنی مراعاتمان کن. ولی چون «راعنا» از ماده ی «رعی» به معنی مهلت دادن است،

ولی یهود کلمه ی «راعنا» را از ماده ی «الرعونه» که به معنی کودنی و حماقت است، می گرفتند؛ لذا آیه نازل شد که بجای «راعنا» بگوئید: «انظرنا» تا دشمن سوء استفاده نکند.

این آیه قرآن است که می فرماید، چون دشمن از کلمه «راعنا» سوء استفاده می کند، به جای آن از کلمه ای به کار برید که سوء استفاده نشود. حالا شما که قمه

می‌زنید، این کار، مثل «راعنا» است؛ شما از روی عشق می‌زنید؛ اما برخی رسانه‌های غربی، از این اقدام سوء استفاده کرده و همه اعتقادات ما را زیر سؤال می‌برند. حال که قمه زدن، ریشه روایی ندارد. می‌شود به نوعی عزاداری کرد که جلوی سوء استفاده آنان را گرفت.

۱۳. پرداختن به موضوعات واجب

از اصول تبلیغی حجه‌الاسلام قرائتی، پرداختن به موضوعات واجب، زمین مانده و میلیونی است. ایشان معتقد است که در کار فرهنگی و در تبلیغ دین، اهمّ و مهمّ باید مراعات شود و با توجه به روایت که نافله ای که به واجب ضرر بزند، آن نافله را باید ترک کرد،^(۱)

پرداختن به مستحبات فرهنگی را در فرضی خوب می‌دانند که قبل از آن به واجبات فرهنگی بپردازیم. همچنین، علاوه بر واجب بودن، باید کاری باشد که بر زمین مانده است و کسی برای احیاء و ترویج آن قدم نگذاشته باشد و حتی المقدور گستره میلیونی هم داشته باشد.

ایشان با همین دیدگاه به تأسیس ستاد نماز، ستاد احیاء زکات، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، ستاد تفسیر، ستاد تبلیغی چهره به چهره و مرکز مهدویت، پرداخته است. حاج آقای قرائتی، در تبیین این دیدگاه می‌فرماید:

«ما باید در انتخاب کار به سراغ کارهای واجب و میلیونی و فراموش شده برویم، نه کارهای مستحبی که در بورس است.»

ایشان در خصوص تبلیغ در حوزه زکات فرمودند:

«در روایات متعدد می‌خوانیم که اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز و زکات و حج و روزه و ولایت. با خود گفتم به چه دلیل بارها سفر حج رفتی، ولی سفری برای تبلیغ زکات نرفتی؟ پس معلوم می‌شود آنچه را دوست داری عمل می‌کنی، نه آنچه را که اسلام گفته. لذا چند سالی حج نرفتم و سفرهای متعدد به استان‌ها برای زکات رفتم تا کمی وجدانم آرام گیرد.»^(۲)

ص: ۱۹۸

۱- . قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا أَضْرَبْتَ النَّوَافِلَ بِالْفَرَائِضِ فَارْضُوهَا. نهج البلاغه (للصّبحي صالح)، ص: ۵۲۵.

۲- . زندگینامه، ص: ۵۲ و ۵۳.

از کارهای شایسته حجه الاسلام قرائتی، نقد دلسوزانه و مشفقانه است که در این کار، تعصب صنفی ندارد؛ لذا قبل از این که یک جوالدوز به دیگران بزند، یک سوزن به خود و سازمان خود می زند و این کار را به طور هوشمندانه انجام می دهد. پرهیز از تبعیض و نداشتن تعصب باطل صنفی در نقد، سبب اعتماد بیشتر مردم شده و آنان بدون موضعگیری و مقابله، نقد را راحت می پذیرند. دو نمونه:

الف) نمونه اول: در یکی از درسها که برای «دانشجویان و بعضی اساتید و مسئولین دانشگاه در دانشکده دندان پزشکی» (موضوع درس: «طب و بهداشت») داشت، فرمودند:

«اگر پزشکی ناشیانه کار بکند باید به زندان برود. این حدیث است. عالم فاسق و پزشک غیر حاذق باید به زندان برود. بد نیست حدیثش را بخوانم... (۱)»

اگر چیزی رانمی دانی، بگو نمی دانم و یا هیچ چیز نگو. بنده مشکل دارم. شما هم که دانشجوی پزشکی هستی، مشکل داری. بنده استخاره می کنم، آیه را نمی فهمم؛ خجالت می کشم که بگویم نفهمیدم. می گویم: این آیه متوسط است. یک صدقه بدهید ان شاء الله مشکلی نیست. شما چه کار می کنی؟ شما هم یک ویزیت می نویسی، می گویی: بله. شما این نسخه را ببرد عمل کنید تا چهل و هشت ساعت دیگر بیاید تا من بینم که زنده اید یا مرده؟ ...»

ب) نمونه دوم: در باره ی حق الناس قرآن می فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ» (مطففین / ۱) وای به حال آن هایی که کم فروشی می کنند، کم کاری می کنند. شامل من طلبه می شود که می روم روی منبر حرف حسابی نمی زنم، وقت مردم را می گیرم، من کم فروشی می کنم. وقتی من روی منبر نشسته ام، باید حرفی بزنم که مردم استفاده کنند. این آیه، شامل همه می شود؛ یعنی حق الناس کار به روحانی و کارگر و کشاورز ندارد. همه گیر هستیم...»

ص: ۱۹۹

۱- امام علی علیه السلام فرمود: «يَجِبُ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَحْبِسَ الْفُسَّاقَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَالْجُهَّالَ مِنَ الْأَطِبَّاءِ وَالْمَفَالِيسَ مِنَ الْأَكْرِيَاءِ وَ قَالَ: حَبَسَ الْإِمَامُ بَعْدَ الْحَدِّ ظُلْمٌ» (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱)

از نکته های مهم در عرصه تبلیغ، دقت در ارائه مطالب و محتوایی است که برای مردم، مفید، کاربردی و سبب رشد آنان باشد. برخی معلومات، چه بسا برای برخی مخاطبان جاذبه داشته باشد؛ اما هیچ فایده و نفعی نداشته و اثر مثبتی در افراد نمی گذارد. بیان هر معلومات و اطلاعات جدید و

لو این که ارتباطی با رشد مخاطب نداشته باشد، کار غلطی است. محتوای تبلیغ باید دینی و بر گرفته از آیات و روایات باشد و مبلغ دینی وظیفه دارد تا با حوصله و سلیقه و ارائه هنرمندانه، معارف را به مخاطبان برساند.

حاج آقای قرائتی، در تهیه و ارائه محتوا، تکیه بر علم مفید نموده و پیوسته مبلغان را به این امر سفارش می نماید. ایشان در بیانی فرمودند که:

«علم حقیقی، از خدای تعالی بوده و در قرآن مجید است و سپس معصومین: به اذن الهی معدن علمند.»^(۱)

قرآن کریم، برای علم سه مرحله بیان کرده است:

الف) علم مفید که سبب رشد معنوی انسان باشد، مانند علمی که حضرت موسی از خضر علیه السلام درخواست کرد: «مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا»

ب) علم بی فایده، مانند علم به عدد اصحاب کهف که آیا سه نفر بودند یا... زیرا مهم تصمیم آنان برای حفظ دینشان بود.

ج) علم مضر، مانند سحر و جادو برای جدایی میان زن و شوهر و امثال آن.»^(۲)

ایشان در بیان دیگری تاکید می نماید که: «نقش انبیاء و رهبران آسمانی، بیشتر شناساندن و توجه دادن به چهار اصل است که در حدیثی بیان شده است. امام کاظم علیه السلام فرمودند: زیر بنای علم را در چهار چیز یافتیم:

۱. «أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ». خودشناسی؛ یعنی پروردگار خود را از راه عقل و نگاه دقیق به آفریده ها و اسرار و رموز آن و تدبیر حکیمانه آن بشناسیم.

ص: ۲۰۰

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «شَرِّقًا وَ غَرِّبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَاحِحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ اگر به شرق و غرب

بروید، علم صحیحی نمی یابید مگر اینکه در نزد ما امامان معصوم هست.» رجال الکشی، ص ۲۰۹.

۲- تفسیر نور (۱۰ جلدی)، ج ۸، ص: ۳۰۳.

۲. «أَنْ تَعْرِفَ مَا صَيَّعَ بِكَ»؛ یعنی در وجود ما چه هنرنمایی کرده است؛ از یک تک سلول، ده ها دستگاه در بدن ما آفریده که آشنایی با هر یک از اینها، قرن ها عمر دانشمندان را به خود جلب کرده است. (دستگاه بینایی، شنوایی، کلیه، قلب، معده و گوارش، استخوان بندی، وجود سلولها و گلبولها در یک حجم کم، با کارآمدی ده ها ساله و طراحی این همه دستگاه، آن هم روی یک سلول مایع، آن هم در تاریکی های در هم پیچیده رحم مادر)

۳. «ما اراد منك» این که بدانیم هدف از آفرینش انسان و هستی چیست؟ تا بیراهه نرویم و

استعدادها و امکانات خود را هدر ندهیم.

۴. «مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ»؛ (۱) یعنی

بدانیم که چه آسیب ها ما را از راه حق جدا می کند؟ یعنی دشمن شناسی، شیطان شناسی، نفس و هوس شناسی، دشمنان انسانی و غیر انسانی که گاهی در قالب های دوستانه و وعده ها و شعارها و فیلمها و کتاب ها و تهدیدها و تبلیغات و توطئه های پیدا و ناپیدا و امثال آن، انسان را از مدار حق خارج می کند.

آری! این چهار شناخت زیر بنای همه علوم است که اگر این چهار شناخت بود، اطلاعات بشری مفید خواهد بود و اگر هر یک از اینها نبود، مثل آبی است که ظرف نداشته باشد. راستی اگر دامنه کوهها و نهرها و سدها و جوی ها و لوله کشی ها نباشد از برف و باران امروز، برای روز دیگر نمی توان بهره جست. همچنین اگر انسان، از خدای حکیم، از خود، از هدف و از خطرات و آسیبها غافل باشد، تحصیلات بشری همراه با عمر او و امکانات و استعدادها یا به ضرر انسانیت تمام خواهد شد و یا لااقل هدر خواهد رفت. و نقش انبیاء و رهبران آسمانی، بیشتر شناساندن و توجه دادن به این چهار اصل است. گرچه بسیاری از دستورات آنان، فراتر از این چهار اصل است ولی این چهار اصل مانند سدسازی و لوله کشی، بستری برای باقی قطرات باران است.»

حاج آقای قرائتی از بیان مباحث غیر مفید و غیر کاربردی پرهیز نموده و از رموز

ص: ۲۰۱

۱- «وَحَدَّثْتُ عِلْمَ النَّاسِ فِي أَرْبَعِ أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ وَ الثَّانِيَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا صَيَّعَ بِحُكِّكَ وَ الثَّلَاثَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَ الرَّابِعَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ» كُنُزُ الْفَوَائِدِ، ج ۱، ص ۲۱۹.

ماندگاری ایشان در عرصه تبلیغ و با جاذبه بودن مباحث ایشان، این است که درسهای ایشان بر گرفته از آیات و روایات بوده و تنها اطلاعات و معلوماتی را به مخاطبانش داده که برگرفته از متون دینی بوده است. البته با هنر و ذوقی که دارد، سعی کرده تا معارف را به زبان امروزی و به صورت تطبیقی و کاربردی ارائه بدهد.

۱۶. مدح و نقد مسؤولین نظام

نگاه حجه الاسلام قرائتی، به مسؤولین نظام، نگاهی منصفانه است. این معلم دلسوز، ضمن دفاع از مبانی نظام اسلامی از همه عملکردها و از همه مسؤولین دفاع یک جانبه نکرده است؛ بلکه در کنار تعریفها و دیدن نکات مثبت، برخی مطالب و مسائل را به مسؤولان نظام جمهوری اسلامی تذکر می دهد و در حقیقت هم به وظیفه حمایت از نظام و هم به وظیفه مردمی بودنش عمل نموده است. البته، ایشان این کار را به صورت دقیق و هوشمندانه انجام می دهد؛ به گونه ای که در نقد،

تقریباً به کلیات و معیارها اکتفاء نموده و تطبیق را به مخاطبانش واگذار می نماید. همچنین، با توجه به گستردگی ابعاد مثبت، بیشتر به دفاع از نظام و مبانی آن پرداخته است. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: در ماجرائی، رهبر الهی به مردم گفت که طرف جبهه می رویم و در مسیر نهر آبی است که وسیله آزمایش شماست «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ ؛ خداوند شما را به نهر آبی آزمایش می کند، هر کس از آن بخورد از ما نیست هر کس نخورد از ماست.» (بقره/ ۲۴۹) «بیت المال» هم این چنین است. هر کس بخورد از ما نیست و هر کس نخورد از ماست. به مقدار عادی طوری نیست؛ زندگی افراد باید جوری باشد که اگر دوربین نشان داد، انسان خجالت نکشد و ما از بیت المال جوری خرج می کنیم که اگر مردم ببینند، یقیناً خجالت می کشیم و آنها که پول مملکت را به دست دارند، باید حواسشان جمع باشد. مثل سازمان برنامه و بودجه و معاونین مالی اداری در همه ادارات و مسؤولین بانک و کارخانه دارها هر کجا که بودجه هست، و علمایی که سهم امام به دستشان است .

ب) نمونه دوم: «... باید مقایسه کنیم، مقایسه میان خوبی ها و ضعف ها. ممکن

است یک چیزی گران شده باشد، یک چیزی کم شده باشد، یک مشکلاتی پیش بیاید، توجیه نمی خواهیم بکنیم. به نظرم مکرر این کلمه را گفته ام از آن کلمه های طلایی یکی از فضیلتهاست: توجیه حماقت است؛ یعنی کار اشتباه را توجیه کنیم و بگوییم مملکت ما عیبی وضعی ندارد. تضعیف هم جنایت است، چرا؟ بخاطر صدها هزار شهید، جانباز و اسیر. چقدر بچه ها یتیم شدند و زن ها بیوه شدند و... تا این نظام به دستمان رسید. اما تکمیل رسالت است؛ یعنی مسؤولیت ما این است که بیایم تکمیل کنیم.

۱۷. معرفی منابع بحث

مستندسازی سخنرانی و مطالب کلاس، با معرفی منابع بحث، سبب بالا بردن اعتماد مخاطب می گردد تا او نکات بیان شده را برداشت های شخصی گوینده به حساب نیاورد و با دقت بهتر و بیشتری به مطالب گوش فرادهد. از کارهای خوب حجه الاسلام قرائتی، این که ایشان، معمولاً به بیان منابع درس می پردازد و در برخی مواقع، منبع مورد استفاده را نیز به طور اختصار معرفی می کند. برخی نمونه ها:

- کتابی است به نام احتجاج از مرحوم طبرسی. احتجاج یعنی استدلال. بحث هایی که امامان با منافقین و کفار می کردند، مرحوم طبرسی قسمتی از آن استدلال ها را در دو جلد جمع کرده است به نام کتاب احتجاج. از احتجاج رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام شروع کرده است تا همین

طور یکی یکی از امامان نقل کرده است. حالا ما مقداری از احتجاجات حضرت رضا علیه السلام را می گوئیم.

- حدیث نبوی برایتان بخوانم تا در یک خط حرکت کنیم. حدیث از کنز العمال است. شما اهل مهاباد کردستان هستید از برادران اهل سنت هستید، این حدیث هم از علمای اهل تسنن نقل شده است. این کتاب از کتب مهم حدیثی است که احادیثش را اهل تسنن نقل کرده اند. پیغمبر فرمود: «ان أخوف ما أخاف علی امتی الائمة المضلّون» من از همه چیز بیشتر از رهبران گمراه کننده می ترسم.»

- جملاتی که می گوئیم از کتاب سنی هاست. علامه ی امینی (ره) در جلد هفت الغدیر به طور مفصل از علمای اهل سنت نقل کرده است... .

- مسأله شهادت فقط مربوط به دین اسلام نیست. الان ما در جبهه افراد

مسیحی و ارمنی داریم. در انجیل، کتاب مذهبی مسیحی ها، در انجیل متی از قول حضرت عیسی علیه السلام نقل می کنند که خیال نکنید من آمدم تا شما راحت بخورید و بخوابید، بلکه آمدم تا سالم زندگی کنید؟ آمدم تا با شمشیر دست به اصلاح بزنم. یا در انجیل لوقا همین مسأله را مطرح می کنند که حضرت عیسی علیه السلام هم مسأله شهادت را مطرح کرده است.

- من امروز جلد ششم الغدیر و همچنین کتاب مستدرک، که از کتاب های مهم اهل سنت است را مطالعه کردم. تماماً قبول دارند که حضرت علی علیه السلام در کعبه متولد شد. یعنی مسئله ی تولد علی را در کعبه شیعه و سنی هر دو می گویند.

- اما مرزرداری؛ یک روایت در کتاب مکیال المکارم که کتاب بسیار خوبی است و یک دایره المعارفی در مورد امام زمان است نقل شده است که یکی از کارهای حضرت مهدی علیه السلام حفاظت از مرز مسلمان هاست.

- نماز جمعه... این حدیث هایی که نقل می کنم، اکثراً از جلد ۸۹ بحار الانوار است.

۱۸. بازگذاشتن پرونده بحث

باز گذاشتن پرونده بحث از محسنات معلمی حجه الاسلام قرائتی است. ایشان مباحث خود را به گونه ای ارائه می دهد که اگر نکات دیگری در خصوص موضوع مورد بحث باشد، در مباحث دیگر تکمیل نماید و یا این که اگر مخاطبی در خصوص موضوع مورد بحث، نکات دیگری داشت، به تدریس ایشان، ایراد وارد نشود و یا اگر کسی خواست تحقیق تکمیلی بکند، راه را تمام شده فرض نکند. به عنوان نمونه فزاهایی از مباحث که در بردارنده این دقت است، بیان می گردد:

- بی حجابی عواملی دارد که امروز بحث می کنیم. گوشه ای از عوامل را می گویم و ادعا نمی کنم که همه را می گویم، زیرا من این مقدار را جمع کرده ام.

- گریز از مذهب، بیست تا علت دارد. البته بیست علت، من جمع آوری کرده ام؛ شاید علت های دیگر هم داشته باشد

- من دیشب در مورد قصه های قرآن فکر می کردم. چند تا لطیفه خدا به ذهنم انداخت که امتیازات و فرق بین داستان های قرآن و داستان های دیگران است، سیزده فرق دارد. اینکه می گویم سیزده تا فرق دارد، این چیزی است که من بلد هستم.

شاید فرقه‌های بیشتری داشته باشد.

- خطرات همسر بی ایمان، چهار چیز است . . . این چهار تا چیزی است که به ذهن من رسید.

- و در تفسیر نور می نویسد: «خوانندگان محترمی که تحصیلات خوبی دارند، اگر در نکات و پیام های این تفسیر دقت کنند، شاید مطالب جدیدی به فکرشان برسد که به ذهن نویسنده نیامده است. اگر آن نکات را برای ما ارسال کنند. ضمن تشکر از آنان، در چاپ های بعدی با علامت خاص درج می نمایم.»

۱۹. پرهیز از بحثهای تخصصی

از عوامل دفع مخاطب، پرداختن به مباحث تخصصی و علمی حوزوی است که مختص به اماکن علمی و مخاطبان خاص می باشد. از رموز موفقیت حجه الاسلام قرائتی این است که در تبلیغ برای عموم مردم، به شدت از مباحث تخصصی و پیچیده پرهیز نموده است و در پرداختن به هر موضوع معارفی، تنها به نکات و مباحث عمومی و قابل فهم مردم اکتفاء کرده است. ایشان، در این خصوص در بیانی فرمودند:

«گاهی وقت ها من یک کتاب را از اول تا آخر نگاه می کنم، اما هیچ چیز برای تلویزیون در آن نیست. چون همه کتاب تخصصی است. ما از آیات و روایاتی می گوئیم که مثل آب جوش باشد. چون پای بحث تلویزیونی از بچه ی هفت ساله تا آدم نود ساله می نشیند. از باسواد تا بی سواد، همه نوع آدم می نشیند. . .»^(۱)

این معلّم قرآن، در مقدمه تفسیر نور بیان نموده است که: «این تفسیر از اصطلاحات فنی، ادبی، فقهی، کلامی، فلسفی که فهم آن مخصوص گروه خاصی است احتراز کرده و تنها درسهایی از

قرآن را که قابل ترجمه به زبان های زنده ی دنیا و به صورت تابلو و پیام باشد آورده است.»^(۲)

همچنین، ایشان به مباحثی ورود می کند که در تخصص ایشان است؛ لذا اگر

ص: ۲۰۵

۱- . برنامه درسهایی از قرآن، ۲۶ / ۳ / ۶۲.

۲- . تفسیر نور (۱۰جلدی)، ج ۱، ص: ۱۰.

بحثی در تخصص ایشان نبوده و ناچار به اشاره بوده است، محتاطانه و گذار به آن اشاره نموده و رد شده است و به مخاطب نیز متذکر می شود که این بحث در تخصص من نیست و به اقتضای ضرورت اشاره ای می کنم. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: این حدیث هایی که نقل می کنم اکثراً از جلد ۸۹ بحارالانوار است. متنی یک سری احادیث فقهی دارد که مربوط به فقها است و من روایات غیر فقهی را نقل می کنم. (۱)

ب) نمونه دوم: ورزش یک برکاتی دارد که اینها را چون من آخوند هستم و بلد نیستم از دکترها گرفتم. ورزش در کم کردن سگته، قند، فشار خون، زخم معده مؤثر است. حتی اینهایی که ورزش می کنند، در پیری از کار خودشان خیر می بینند. آدم ورزشکار برای کارهای سنگین، آمادگی دارد. در مقابل امراض مقاومت دارد. . . اینها را دیگر چون در تخصص من نیست، باید کسانی که اهلش هستند، بگویند. چون بحث، در خصوص تربیت است و یکی از ابعاد تربیت، تربیت بدنی است، اشاره ای می کنم. آن چیزی که مربوط به من است، من باید توقف می کنم. آن چیزی که مربوط به من نیست، فنی و تخصصی است باید اشاره کنم. (۲)

۲۰. پرهیز از بحث های جنجالی

از سفارشهای حجه الاسلام قرائتی، این است که در سخنرانی و کلاس، باید از بحث های جنجال آفرین پرهیز نمود و اگر قرار باشد که یک بحث جنجالی و اختلافی بیان گردد، باید با زاویه دید مناسب، به آن نگاه کرد و به صورت هنرمندانه آن را ارائه نمود. به عنوان نمونه:

در یکی از برنامه های آموزشی جهت مبلغان و معلمان، ایشان در خصوص موضوع «عید نوروز» فرمودند:

«بحث عید نوروز از مباحثی است که هم مردم گرایش دارند و هم رسانه ملی صدا و سیما روی آن مانور می دهد و بعضی هم در صدد نفی آن می باشند. البته

ص: ۲۰۶

۱- . برنامه درسهایی از قرآن، ۳۰ / ۱۱ / ۶۱.

۲- . برنامه درسهایی از قرآن، ۲۶ / ۰۵ / ۸۹.

می‌توان با نگاه دقیق و لطیف به جای نفی و اثبات بحث، به صورت زیبا از دیدگاه اسلام مفهوم عید را بررسی کرد و نکات خوبی را

بیان نمود؛ مثلاً درباره‌ی عید بیان شود که از دیدگاه قرآن کریم، مبدأ عید، نزول مائده آسمانی است: «رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا؛ پروردگارا! مائده‌ای از آسمان بر ما فرو فرست که برای نسل کنونی و آیندگان ما عید باشد. (مائده ۱۱۴/)

سپس بیان شود که ما چهار جور عید داریم:

۱. عید طبیعت ۲. عید آغاز به کار. مثلاً افتتاح طرحی یا مکانی را جشن می‌گیرند ۳. عید برای پایان کار که جشن فارغ التحصیلی و مانند آن می‌باشد ۴. عید برای سالروز ولادت خودش که جشن تشریفاتی است.

سپس بیان کنید که بهترین عیدها، عید نتیجه‌گیری است؛ یعنی رسیدن انسان به قلّه. لذا بیان می‌شود عید غدیر، عید است و بهترین عید می‌باشد چون مکتب به رهبر معصوم سپرده می‌شود یا آخرماه مبارک رمضان که ماه غلبه و وظیفه بر غریزه می‌باشد، در عید فطر، جشن می‌گیریم. یا عید قربان که درگیری وظیفه و غریزه در انسان است که در ابراهیم علیه السلام وظیفه بر غریزه غلبه کرد، این را جشن می‌گیریم. اینجا می‌توانیم حدیث «كُلُّ يَوْمٍ لَّا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٌ» را بیان و توضیح دهیم که چرا هر روزی که معصیت نشود، عید است. بعد به مردم خطاب نمائیم: شما به سال گذشته خود نگاه کنید، چند روز عصبانی شدید و غریزه گفت: فحش بده؛ ولی وظیفه گفت نده و... در ادامه می‌توانید فرق عیدها را با عید اسلام بیان نمائید. در عیدهای اسلامی، هم بحث رابطه‌ی شخص با خدای سبحان مطرح است (نماز عید) هم بحث رابطه‌ی شخص با خودش مطرح می‌باشد (پوشیدن لباس مناسب و استفاده از عطر) هم رابطه‌ی با مردم (زکات فطره).

پس می‌توان با یک نگاه دیگر و از زاویه دید جدیدی، برخی مباحث را مطرح کرد. اما اگر این توانایی نباشد، باید از مباحث جنجالی پرهیز نمود.

فصل چهارم: مخاطب

اشاره

ص: ۲۰۹

از ارکان مهم و کلیدی تبلیغ، شناخت مخاطب و توجه به زمینه، ظرفیت و نیاز تبلیغی اوست. معلّم و مبلغ موفق، مخاطب شناس خوبی است و به این حقیقت واقف است که با توجه به تنوع علایق و سلايق، تفاوت سطوح معرفتی، زمینه، ظرفیت، استعداد و نیاز مخاطبان و... باید مخاطب پیام خود را بشناسد تا در انتخاب نوع پیام و شیوه انتقال او برنامه ریزی صحیح بنماید.

یکی از توفقیات حجه الاسلام قرائتی، مخاطب شناسی است. ما در این قسمت به بخشی از نکاتی که این معلّم با تجربه به آنها توجه داشته اشاره می کنیم.

۱. توجه به اصل نیاز

از اصول قطعی تبلیغی حجه الاسلام قرائتی، توجه به نیاز مخاطبان است. ایشان در موارد متعددی وقتی برای سخنرانی دعوت می گردند، با پرسش از مسوؤلین و متولیان فرهنگی یا خود مخاطبان و پس از شناخت نسبی نیاز آنان بحث را ارائه می دهند. این معلّم با تجربه، در این زمینه این گونه توصیه می فرمایند:

«اگر آنچه تدریس و تبلیغ می شود، مورد نیاز باشد با علاقه گوش می دهند و الا آن را پس می زنند. شما اگر لباس های زمستانی را در تابستان به مناطق گرمسیر ببرید، مشتری ندارد. در ارائه مباحث، معیار مطالعات ما نیست؛ بلکه اصل، مسائل ضروری و نیاز مخاطب است. البته، چیزی را که ارائه می دهیم باید: یا واجب باشد، یا مستحب؛ یا نیاز فردی را حل کند، یا نیاز جامعه را.»

چه بسا در کتب تحقیقی، به صورت تفصیلی به موضوعی پرداخته شود؛ یا در

کتاب و رساله، فروعاً متعددی بیان گردد، اما هنر معلم و مبلغ دستچین کردن مطالب با توجه به ضرورتها و نیاز مخاطب است. چون نه عمر انسان برای شنیدن همه ی مطالب مفصل کافی است و نه نیازی به

شنیدن همه ی آنهاست. ما باید از داروخانه کتب و علوم، دارویی که ضرورت و نیاز امروز مخاطب ماست را انتخاب و به او بدهیم و این اقدام، علاوه بر شناخت مخاطب، نیاز به سلیقه و حوصله نیز دارد.»

البته از سفارشهای جدی ایشان این است که باید به همه نیازهای مخاطب توجه داشت و در مباحث به صورت متنوع از عقاید، اخلاق و سیره و احکام سخن گفت.

۲. سنخیت و تناسب محتوا با مخاطبان

به غیر از سخنرانی های عمومی، در برخی موارد، مخاطب نیاز به محتوای خاصی دارد که گاهی سن مخاطب یا از صنف خاص بودن مخاطب، این اقتضاء را دارد. حجه الاسلام قرائتی می فرماید:

«با دقت در قرآن و روایات صدها نمونه از تناسب موضوع با مخاطب را می بینیم. لقمان ۷ به فرزند خود در کنار فرمان به نماز، به امر به معروف و نهی از منکر دستور می دهد در حالی که معمولاً در کنار نماز، زکات مطرح است و این به خاطر آن است که نوجوان معمولاً مالی ندارد تا فرمان زکات به او داده شود. قرصی که بعنوان داروی کودکان ساخته می شود، هم کوچک تر است و هم قشنگ و شیرین تر تا کودک که به فلسفه دارو آگاه نیست، به خوردن آن میل پیدا کند.

گاهی قرآن کریم این تناسب و سنخیت را به روش بسیار لطیفی انجام داده است؛ مثلاً چون در آغاز سوره تحریم، سخن از انحراف دو نفر از زنان پیامبر بود. «صَغَتْ قُلُوبُكُما؛ دل های شما منحرف گشته است. (۱)

«در اواخر این سوره، سخن از

ص: ۲۱۱

۱- . إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُما وَ إِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ؛ اگر شما دو نفر، (افشاگر راز و شنونده آن) به سوی خدا توبه کنید، (به نفع شماست.) زیرا دل های شما منحرف گشته است و اگر در مقابل پیامبر یاور هم باشید، (کاری از پیش نخواهید برد.) زیرا خداوند، اوست یاور او و هم چنین جبرئیل و مؤمنان صالح و علاوه بر آنان، همه فرشتگان حامی او هستند. (تحریم/ ۴)

دو همسر حضرت نوح و لوط به میان آمده است؛ با این که ابولهب و پسر نوح نیز نمونه کفر بودند، اما خداوند به همسران دو پیامبر مثال زد و کلمه خیانت را مطرح کرد تا با فاش کردن راز پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم توسط همسرش که نوعی خیانت است، تناسب داشته باشد و هشدار و اخطاری به زنان پیامبر باشد که گمان نکنند وابستگی به پیامبر کلید نجات است.»

حاج آقای قرائتی، در تهیه و ارائه مباحث، سعی می نماید تا مطالب او با مخاطبانش سنخیت داشته باشد. در موارد زیادی ایشان از یک آیه طولانی یا یک روایت بلند، از آن قسمتی که مناسب با مخاطب اوست، استفاده می کند؛ البته آیه یا روایتی را تقطیع می نماید که قابلیت این کار

را داشته باشد. ایشان در بیانی به مبلغان سفارش فرمودند:

«در تبلیغ باید با هر کسی به تناسب نیازهای او سخن گفت. گاهی بخشی از یک حدیث طولانی به درد مخاطب می خورد، در این جا باید همان بخش را ارائه کرد؛ مثلاً حدیثی به نام حدیث مناهی داریم؛ یعنی حضرت از این کارها نهی کرد. این حدیث، مفصل است و نباید اینها را پشت سرهم و برای هر مخاطب خواند؛ بلکه باید با دقت تفکیک گردد و برای هر قشری، بخش مناسب با آن را خواند. به عنوان مثال: «نَهَى النَّبِيُّ عَنْ تَقْلِيمِ الْأَظْفَارِ بِاللِّسَانِ»^(۱)

ناخن هایتان را با دندان نگیرید. این کار، معمولاً- مربوط به بچه ها است. یعنی بچه ها ممکن است چنین کنند، پس این قسمت، مناسب برای بچه هاست.

یا در قسمت دیگر آمده است که با جنابت به مسجد نرو. خوب چه کسی می تواند جنب در مسجد برود؟ بزرگترها!

یا از گچ کاری کردن قبر نهی نموده است. چه کسی قبرش را گچ کاری می کند؟ پیرمردهای سرمایه دار!

پس یک نهی، برای بچه ها، یک نهی برای جوان ها و یک نهی برای پیرها است. هر سه هم نهی است؛ ما باید حساب کنیم که کدام بخش این حدیث برای چه

ص: ۲۱۲

همچنین، در طول این سالها، بخش هایی از «درسهایی از قرآن»، برای گروه هایی برگزار شده که از صنف خاصی بوده‌اند و ایشان هم در چنین شرایطی، موضوع بحث خود را هم سنخ با مخاطبانش انتخاب نموده است. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: به مناسبت تولد حضرت زینب کبری سلام الله علیها که روز پرستار است در مجتمع پزشکی امام خمینی در تهران در خدمت خواهران و برادران پرستار و همکاران و دست اندرکاران این بیمارستان هستیم. . . . سرفصل بحثهایی که ارائه شد: ۱. قدمت طب در ایران ۲. دقت اسلام درباره بهداشت خوردن ۳. کسانی که از انبیا دورند در خوراکی ها مشکل دارند. ۴. دقت اسلام در مسائل بهداشتی ظروف. ۵. ارزش و پاداش پزشک و پرستار در اسلام. ۶. باید پزشکی و پرستاری از روی علاقه باشد. ۷. . . .

ب) نمونه دوم: در جمع خواهران دبیرستان شهید باهنر هستیم خواهرانی که درسشان خوب است و نمازشان خوب است و حجابشان هم خوب. من می خواهم مقداری راجع به حضرت

زهرا سلام الله علیها صحبت کنم فاطمه یعنی جدا یعنی همه چیزش با باقی ها فرق می کند زهرا یعنی درخشنده. روایت داریم حضرت زهرا وقتی وارد نماز می شدند غرق در حضور قلب و غرق در توجه بودند. . . در میان هزاران کمالی که دارد یکی از کمالاتش این است. فاطمه سلام الله علیها دختر نبوت، همسر ولایت، مادر امامت، این سه تا لقب را احدی ندارد. . .

۳. توجه به آمادگی مخاطب

آمادگی روحی، نقش فوق العاده ای در انتقال پیام دارد. «إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ إِقْبَالَ وَ إِذْبَارًا فَاتُّوْهَا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا وَ إِقْبَالِهَا (۱)»

دل گاهی رو می آورد گاهی پشت می کند و وقتی دل رو می آورد و می خواهد، شما وارد شوید. « گاهی دل، حرف را پس می زند؛ لذا وقتی زمینه وجود دارد یا زمینه‌ای به وجود آورده‌ایم، آن وقت حرف تأثیر دارد و الا اگر به هر دلیل، آمادگی و میل به سخنرانی نباشد؛ مثلا زمان یا مکان

ص: ۲۱۳

مناسب نباشد و یا مخاطب خسته باشد و . . . در این شرایط، چه بسا نتیجه معکوسی داشته باشد. حاج آقای قرائتی در بیانی فرمودند:

«بسیاری از آیات قرآن، در زمانهایی نازل می شد که یک حادثه، صحنه و شأن نزولی پیش بیاید که آن حادثه، ظرفیت و زمینه ای در فرد و جامعه به وجود می آورد. در دعا نیز سفارش شده که در وقت های خاص و شرائط خاص دعا کنید! نظیر سحر، ساعت آخر روز جمعه، شب قدر، روز عرفه، بعد از نماز، بین الطلوعین، هنگام بارش باران، شب های جمعه و در مکه و در کنار قبر امام حسین علیه السلام .

همچنین، بعضی از دستورات اسلام، از همان روزهای اول واجب شد؛ مثل نماز و توحید و ایمان به یگانگی خدا. اما بعضی دستورات سخت که مربوط به پول دادن و جان دادن است؛ مثل خمس، زکات و روزه و جهاد و . . . ، بعد از پانزده سال واجب شده است.»

این معلم با تجربه، به آمادگی مخاطب توجه دارد و در بسیاری از برنامه ها که احتمال عدم آمادگی مخاطبان بدهد از آنان سؤال می کند و در صورتی که ببیند که مخاطبان زمینه پذیرش سخنرانی را ندارند، سخنرانی نمی کند. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: «جبهه جنوب بودم، برادرانی را در حال توپ بازی دیدم، خواستند بازی آنان را برای سخنرانی من تعطیل کنند، گفتم: نه و اجازه ندادم، آنگاه خودم هم لباس را کنار گذارده و همراه آنان بازی کردم.»^(۱)

ب) نمونه دوم: «قبل از انقلاب در سفری که به کرمان داشتم، وارد دبیرستانی شدم. بچه ها در حال بازی بودند و رئیس دبیرستان زنگ را به صدا در آورد و ورزش را تعطیل و بچه ها را برای سخنرانی من جمع کرد. من هم گفتم: بسم الله الرحمن الرحيم. اسلام طرفدار ورزش است والسلام. این بود سخنرانی من، بروید سراغ ورزش.

رئیس دبیرستان گفت: آقای قرائتی شما مرا خراب کردی! گفتم: تو می خواستی مرا خراب کنی و بچه ها را از بازی شیرین جدا کنی و پای سخن من بیاوری. آنان

ص: ۲۱۴

تا قیامت نگاهشان به هر آخوندی می افتاد می گفتند: اینها ضد ورزش هستند و با این حرکت از آخوند یک قیافه ضد ورزش درست می کردی. بچه ها دور من جمع شدند و گفتند: عجب آقای خوبی. پرسیدند شب ها کجا سخنرانی دارید. من هم آدرس مسجدی را که در آن برنامه داشتم، به بچه ها دادم. شب دیدم که مسجد پر از جوان شد.» (۱)

۴. توجه و تکریم به مخاطب

احترام و تکریم مخاطب، اصلی لازم و از علل مهم جذب است. از کارهای جدی حجه الاسلام قرائتی، توجه و تکریم مخاطبان می باشد. (۲) ایشان، مخاطب را به عنوان یکی از ارکان تبلیغ دانسته و معلّمان و مبلغان، را به رعایت این اصل کلیدی سفارش نموده و می فرماید:

«قرآن کریم، حتی اجازه نمی دهد تا انسان خودش را خوار کند تا چه رسد به دیگران و با صراحت اعلام کرده ؛ وای به کسانی که با نیش و کنایه دیگران را تحقیر می کنند؛ «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ؛ وای بر هر عیب جوی طعنه زن.» (همزه/۱) و صریحا فرمود: «وَ لَا تَنَابَرُوا بِاللَّقَابِ ؛ یکدیگر را با لقب های بد نخوانید.» (حجرات / ۱۱) همچنین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم حتی اسم افراد را با کنیه و با کرامت می برد و به ما سفارش شده که اگر خواستید افرادی را تحت تربیت قرار داده و امر به معروف کنید، نام آنان را نیکو ببرید. امامان ما هم در شب ها به فقراء کمک می کردند و هم روی صورت خود را می ... پوشاندند تا هم فقیر سیر شود و هم تحقیر نشود و کرامتش حفظ گردد.

البته، اگر چه اصل احترام و تکریم، مخاطب امری لازم است؛ لکن مقدار آن، نسبت به زمان ها و مکان ها و افراد و معیارها، باید متعادل باشد.»

ص: ۲۱۵

۱- همان، (ج ۱)، ص: ۷۱.

۲- به عیادت یکی از مراجع رفتم، ایشان از جای خود بلند شد و عمامه اش را به سر گذاشت و نشست، علت را پرسیدم. فرمود: به احترام شما. من تقاضا کردم راحت باشد و استراحت کند، ایشان قبول کرد و فرمود: حال که اجازه می دهی عمامه را برمی دارم. شاید من تمام درسهایی که در محضرش خوانده ام فراموش کرده باشم، ولی این خاطره هنوز در ذهنم مانده که به احترام من بلند شد و عمامه به سر گذاشت. لذا به معلّمان و مبلغان توصیه می کنم که با احترام و محبت به مخاطبان، تأثیر کلام خود را بیشتر کنند.

سعی حاج آقای قرائتی، بر این است تا حق مخاطبان خود را رعایت نماید و اگر در جلسه و برنامه، تضييع حقوقی صورت بگیرد، از آنها دفاع کند. (۱)

علاقمندی و اختیار مخاطب در کلاسی که می خواهد بنشینند، برای ایشان مهم است. همچنین، در نوع بحثی که بخواید ارائه بدهد، نگاهی به همه دارد و حتی افراد کم سن و کم سواد هم برای ایشان اهمیت داشته و در تبلیغ و در جملات او سهمی دارند و در تعابیر خود مواظبت می کند تا نسبت به برخی گروه ها یا اصناف و... بی احترامی صورت نگیرد.

ایشان، با همه بی تکلفی که خودش دارد؛ اما به هر چیزی که می تواند، در توجه و راحتی نسبی مخاطبان در کلاس تأثیر داشته باشد؛ مانند سرما و گرمای فضای کلاس، گرسنگی و خستگی مخاطب، ساعت کلاس و... توجه نموده و حساسیت نشان می دهد و برای راه حل چاره اندیشی می کند. اگر مخاطب از صبح در کلاس بوده و خسته است؛ استراحت کوتاهی در نظر می گیرد. اگر گرسنه است و منتظر پذیرایی، بعد از پذیرایی، کلاس را برگزار می نماید و... و در مجموع، حال و توقع مخاطب برای ایشان مهم و مورد توجه است. لذا در موارد متعدد که به برخی دوره های آموزشی - تربیتی دعوت می شوند، وضعیت آمادگی مخاطبان را سنجش می کند و بی توجه و بی اهمیت از کنار آن عبور نمی نماید.

همچنین، جای نشستن مخاطب و راحتی او و نبود موانع برای دیدن سخنران، برای ایشان مهم است؛ اگر محل نشستن مخاطب به گونه ای باشد که در دید نباشد، بی توجه نمی گذرد، بلکه برای همان جمع محدود، تلاش می کند تا با جابجایی خودش یا مخاطبان آنها را هم ببیند و به گونه ای توجهش را به مخاطب ابراز می کند. به عنوان نمونه:

ایشان در سخنرانی که برای روحانیون در قم داشتند، ظرفیت صندلی ها جوابگوی جمعیت حاضر نبود و عده ای در حاشیه سالن و انتهای آن، به صورت ایستاده بودند. حاج آقای قرائتی از آنها سؤال نموده که چرا نمی نشینید، پاسخ

ص: ۲۱۶

۱- در همین فصل و ذیل عنوان «پرهیز از تبعیض» توضیح و نمونه ارائه می شود.

شنیدند که جای خالی نیست. ایشان از آنان خواستند تا بر روی سن که فضای مناسب بوده و استحکام نیز داشت (جنس سن سبک نبوده و مشکلی برای نشستن افراد نداشت) بنشینند. برخی گفتند که دکور به هم می‌خورد و ایشان فرمودند که این خوب نیست که فقط به خاطر دکور، این افراد سر پا بایستند و سرانجام تعدادی که سر پا بودند، نشستند.»

۵. توجه به تنوع سنی و تحصیلی مخاطبان

باتوجه به تنوع در سن، تحصیلات و سلاقی و حوصله ی مخاطبان، تنوع بخشی در ارائه محتوا امر ضروری است. حجه الاسلام قرائتی، در ارائه معارف دینی، به یک راه و یک کار، قناعت نکرده و بلکه تبلیغ کلامی و کتبی، وضبط برنامه های صوتی و تصویری، جلوه هایی از کار های تبلیغی ایشان برای گروه ها و مخاطبان گوناگون است. ایشان می فرمایند:

«از جمله الطاف الهی تنوع تألیف و سخنرانی و کلاس‌داری برای مخاطبان است. برای اسرار نماز، چند نوع کتاب نوشتم: آشنایی با نماز برای نوجوانان، راز نماز برای جوانان، پرتوی از اسرار نماز و تفسیر نماز برای اساتید و معلمان و یکصد و چهارده نکته از نماز برای اتاق انتظار و قطار و مراکزی که مردم باید دقایقی در انتظار بمانند. کتاب اصول عقاید و امر به معروف و نهی از منکر را به صورت مفصل برای باحوصله ها و به صورت مختصر برای کم حوصله ها منتشر کردم. برای طلاب و مبلغان دینی، کتاب قرآن و تبلیغ و برای زائران خانه خدا کتاب های حج و عمره تدوین نمودم و برای کشاورزان نواری صوتی درباره اهمیت زکات ضبط نمودیم که در روستاها توزیع شد.»

ایشان علاوه بر برنامه تلویزیونی «درس‌هایی از قرآن»، یک دوره تفسیر قرآن کریم را با عنوان «آینه وحی» از سال ۶۹ در رادیو آغاز کرد و به سرانجام رساند و در ادامه، با همت و تلاش مضاعف، یک دوره تفسیر را به صورت برنامه های کوتاه و به صورت تلویزیونی ضبط نمودند.

حجه الاسلام قرائتی از عمق وجود به تبلیغ برای نسل نو معتقد است. (۱)

ایشان فعالیت تبلیغی خود را با چند بچه و نوجوان آغاز کرد و در این عرصه، سالیانی سال با نوجوانان و جوانان حشر و نشر داشت و در خصوص علت گرایش خود به نسل نو فرمودند:

«در قرآن کریم چندین بار از زبان برخی پیامبران بزرگ مانند نوح، ابراهیم و یعقوب و... «یا بُنَّیَّ» آمده است که بیانگر اهمیت نسل جوان در قرآن کریم است. در زمان فرعون، تنها نسل نو به حضرت موسی گرویدند. همچنین، ناراحتی کفار از پیامبر اسلام این بود که حضرت، جوانان را جذب کرده بود. همچنین، حضرت علی ۷ می فرماید: روح نوجوان همچون زمین خالی است و آموزش نوجوان نقش بر سنگ است. (۲)

در روایات نیز می خوانیم: علیک بالاحداث فانهم اسرع الی الخیر؛ به سراغ نسل نو بروید، زیرا که آنان زودتر از دیگران به سوی خیر گرایش پیدا می کنند. (۳)

و رسول خدا فرمود: جوانان با من موافقت و پیران با من مخالفت کردند. (۴)

این معلم قرآنی، با توجه به همین مبنای قرآنی و روایی، به سراغ نسل نو رفته و در این خصوص فرمودند:

«من در مخاطب، به جای نسل کهنه، سراغ نسل نو رفتم. (۵)»

چون هم قدرت

ص: ۲۱۸

۱- . حاج آقای قرائتی: زمان طاغوت برای جوانان و نوجوانان جلسه داشتم، شخصی به من گفت: زیاد خودت را خسته نکن اینها تا ۱۸ سالگی به حرفه‌های گوش می کنند، بعد یا به سربازی می روند یا دانشگاه و در آن محیط های بزرگ غرق مسائل انحرافی و شهوانی می شوند. به او گفتم: فایده حرفه‌های من این است که وقتی انسان فهمید حلال و حرام چیست؟ راه خدا و راه شیطان کدام است؟ بر فرض به انحراف کشیده شود، اما باز می گردد. خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۱۱۱.

۲- . انما قلب الحدث كالارض الخاليه. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳- . وسایل، ج ۱۱، ص ۴۴۸

۴- . وافقنی الشبان و خالفنی الشيوخ. حجه الاسلام فلسفی، جوان، ج ۲، ص ۲۴۸.

۵- . در خاطرات حجه الاسلام قرائتی آمده است: وقتی دوره سطح را در حوزه تمام کردم، متحیر مانده بودم که چه برنامه ای برای خودم داشته باشم. دوستانم به درس خارج فقه رفتند، اما من سرگردان بودم. بالاخره تصمیم گرفتم جوان های محل را به خانه ام دعوت کنم و برای آنان اصول دین بگویم. تخته سیاهی تهیه کردم و مقداری هم میوه و شیرینی خریدم و شروع به

دعوت کردم. بعد دیدم کار خوبی است، ولی یک دست صدا ندارد، طلبه ها مشغول درس هستند و جوانها رها و مفاسد بسیار، در فکر بودم که آیا کار من درست است یا کار دوستان، من درس را رها کرده به سراغ جوانها رفته ام و آنها جوانها را رها کرده به سراغ درس رفته اند. تا اینکه یکی از فضیله محترم روزی به من گفت: در خواب دیدم که به من گفتند: لباس را بپوش تا خدمت امام زمان علیه السلام برسی. به محضر آقا رسیدم، اما زبانم گرفت، به شدت ناراحت شدم تا اینکه زبانم باز شد. از آقا سؤال کردم: الآن وظیفه چیست؟ فرمودند: وظیفه این است که هر کدام از شما تعدادی از جوانها را جمع کنید و به آنها دین بیاموزید. با این مطلب، امیدوار شدم و به کارم ادامه دادم. خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۴۴ و ۴۵.

جذب نسل نوبالاست وهم این که چون به طور معمول، هیئت ها و مساجد، دارای بانی بوده و قدرت دعوت از وعاظ و خطباء را دارند، اما مدارس و دانشگاه ها این گونه نیستند. من الآن بالای سی و پنج سال در تهران هستم، سه شب در هیچ مسجدی سخنرانی نکردم. اما در دبیرستان ها، پادگان ها و دانشگاهها پیوسته حضور پیدا کرده و می کنم. این یکی از علت هایی است که کار مرا برجسته کرد.»

از عوامل دیگری که در تقویت این انتخاب و ادامه آن، مؤثر بود این که روزی شهید بهشتی در سفارشی به ایشان فرمودند: «آقای قرائتی! من نگرانم در آینده بچه ها را رها کنی و سراغ بزرگسالان بروی و من دوست دارم زندگی شما را پشتیبانی کنم تا از این مخاطب جوان دست

برنداری!» (۱)

توصیه ایشان در کلاسها و برنامه های نوجوانان، ارائه برنامه شاد و با نشاط و به همراه داستانهای قرآنی و روایی است. ضمن این که در برنامه های جوانان نیز، کلاسها باید از نشاط لازم برخوردار باشد.

۷. نظر خواهی

نظر خواهی، یکی از راههای شخصیت دادن به دیگران است. این عمل، هم علامت تواضع و رشد مشورت کننده و هم، سبب رشد دادن مخاطبان است؛ چون ضمن احترام کردن و به حساب آوردن آنان، با نظر خواهی، به فکر وادار می شوند و به نوعی به صورت غیر مستقیم، آموزش می بینند و به مشورت کردن با دیگران اهمیت می دهند.

به غیر از برنامه «درسهایی از قرآن» که افراد با علاقه و آمادگی جهت بحث

ص: ۲۱۹

شرکت می کنند، در سایر برنامه ها، بارها و بارها شده است که حجه الاسلام قرائتی، مذاق مخاطب را سنجش کرده و ضمن نظر خواهی در باره موضوع بحث از بین موضوعات پیشنهادی، موضوع مورد نیاز مخاطب را انتخاب و ذیل آن مطالبی را ارائه کرد. ایشان، مکرراً در کلاسهای گوناگونی که دعوت می شوند از مخاطبان در خصوص مناسب بودن وقت ارائه مطلب و در خصوص موضوعی که می خواهد ارائه نماید، سؤال می کند. این معلم فرزانه، در این خصوص می فرماید:

«گاهی یک دانش آموز و دانشجو چیزی می فهمد که معلم و استاد هم متوجه آن نمی شود؛ چراکه در فکر، سلسله مراتب نیست. شهید مطهری سخنانی می کرد. ما شاگرد ایشان هم حساب نمی شدیم. اما سؤال می کرد: آقای قرائتی نمره ی منبر من چند بود؟ به نظر شما این بحث خوب بود؟» (۱)

۸. استفاده از احساسات و عواطف

از سفارشهای تبلیغی حجه الاسلام قرائتی، توجه کردن به احساسات و عواطف مخاطبان است که از عوامل نرم کردن و جذب دل‌های آنان می باشد. ایشان در توصیه ای در این خصوص فرمودند:

«قرآن کریم در موارد متعددی، به تحریک عواطف و احساسات پرداخته است. خداوند متعال برای تحریک و بسیج مردم برای جهاد، چهره کودکانی را که در چنگ ستمگران گرفتار شده اند، ترسیم نموده است. (۲) یا جهت سفارش به غذا دادن در ایام قحطی، یتیم را به خویشاوند «ذَا مَقْرَبِهِ» و مسکین را به خاک نشین «ذَا

ص: ۲۲۰

۱- . حاج آقای قرائتی بعد از بیان مطلب فوق، فرمودند: «روزی شهید مطهری به من فرمود: من منزلی می سازم تو به آنجا برو و مشاهده کن که آیا منزل من از سادگی و زنی طلبگی خارج است یا نه؟ من رفتم و برگشتم و گفتم منزل شما در حال سفت کاری است و اسراف در نازک کاری ها مثل لوستر و قالی و کابینت و... است و با دیدن سیمان و آجر من قدرت قضاوت ندارم؛ آنچه مهم است آن که از یک فقیه و علامه ای این گونه هم مواظب سخنان خود است و هم مراعات ساخت و ساز خانه اش را می کند.»

۲- . وَمَا لَكُمْ لَأَتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلَاهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ شما را چه شده که در راه خدا و (در راه نجات) مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی جنگید، آنان که می گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمگرند بیرون بر و از جانب خود رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، یآوری برای ما تعیین فرما. نساء/ ۷۵.

همچنین، برای دور نمودن مردم از غیبت کردن، آن را به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه می کند که با توجه به نفرت انسان از مرده خواری عواطف و احساسات را برمی انگیزد: «أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» (حجرات / ۱۲) یا برای ترغیب فرزندان به احترام والدین و توهین نکردن به آنها پیری و ناتوانی آنها را مطرح کرده و می فرماید: «إِنَّمَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا»... (۲) در روایات نیز موارد متعددی سفارش وجود دارد. (۳)

حاج آقای قرائتی، گاهی در شرایط مقتضی، در تبلیغ خود از این اصل بهره می گیرد. به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: من یک سؤالی از دخترخانم ها می کنم. اگر دوست دارید راحت جواب بدهید.

دوست دارید که یک خانمی با جلوه ای که در خیابان دارد، دل پدر شما را ببرد؟ پدرت دیگر کاری به زندگی نداشته باشد. دختر خانم، شما که با سر و وضعت دل یک جوان را می بری، فکر نمی کنی که این جوان که نامزد دارد، با دیدن شما، زندگی اش متزلزل می شود. فکر نمی کنی که فردا هم یک دختری

ص: ۲۲۱

۱- . بلد / ۱۵ و ۱۶.

۲- . اسراء / ۲۳. یا این که حضرت ابراهیم علیه السلام عموی خود آزر را با لفظ «یا اَبْتِ؛ ای پدرم»، خطاب می فرمود، تا شاید دلش نرم شده، عاطفه اش برانگیخته و به راه راست هدایت شود. (مریم / ۴۲) یا خدای تعالی، برای بیان لطف خود، در آیه ای هفت مرتبه تعبیر «خودم را» به کار برده است. وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسِّرْ لِي تَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ؛ و هرگاه بندگانم از تو درباره من پرسند (بگو): همانا من نزدیکم؛ دعای نیایشگر را آنگاه که مرا می خواند پاسخ می گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند، باشد که به رشد رسند. بقره / ۱۸۶.

۳- . اسلام برای حفظ عواطف و احساسات، به ما سفارش کرده است که حتی کودکان را با نام خوب و کنیه صدا بزنید، اگر کودکی در جایی نشست او را بلند نکنید. اگر سخنی گفت گوش دهید، اگر به او قولی دادید عمل کنید. در سلام کردن میان فقیر و ثروتمند فرقی نگذارید. در میهمانی ها هم فقیران را دعوت کنید و هم ثروتمندان را. در امر به معروف و نهی از منکر، کلام نرم بکار ببرید. هرگز خود را یکطرفه، بر حق ندانید و انصاف را رعایت کنید. قرآن و تبلیغ، ص: ۱۳۹. همچنین: حضرت علی علیه السلام به شخصی که توقع بیش از حد داشت، فرمود: جمعه بیا. حضرت ایشان را به نماز جمعه برد و فرمود: توقع بیش از حد؛ یعنی سرقت مال این جمعیت. دیدن جمعت کثیر نماز جمعه، وجدان دینی متقاضی را بیدار کرد و وی به اشتباه خویش پی برد. یا کسی که قصد زنا داشت، امام معصوم به او فرمود: آیا دوست داری که شخصی با مادر و خواهرت زنا کند؟ پرسش و پاسخهای قرآنی (ج ۲)، ص: ۵۰.

زیباتر از خودت بیاید و با جلوه خودش، دل شوهر شما را حسابی تسخیر کند؟(۱)

۲) نمونه دوم: دختر خانمها! می خواهید قیمت شماها را بگویم؟ بگذار من یک قیمتی برای دخترها بگویم از قرآن. دختر کیست؟ نرخ دختر چیست؟ جسم نر و مادگی دارد؛ اما روح نر و مادگی ندارد؛ یعنی مرد و زن، روحشان یکی است. قرآن می گوید که: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره / ۳۰) تو خلیفه الهی. «سَخَّرَ لَكُمْ» «خَلَقَ لَكُمْ» «مَتَاعاً لَكُمْ». این لکم یعنی مال شما. ابر و باد و مه و خورشید مال تو است. «فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین / ۴) بهترین ساختمان را خدا برای تو داد. «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر / ۲۹) روح خدا در شماست. قدرت انتخاب داری. مجبور نیستی یک کاری را بکنی. آزادی داری. ظرفیت تو بی حد است. تو می توانی از فرشته بالاتر بروی. تو می توانی خودت وصل به خدا بشوی. الهی بشوی. «صَبَّغَهُ اللَّهُ» (بقره / ۱۳۸) یعنی همه کارهایت رنگ الهی باشد. خانم! ابرو باد و مه و خورشید و فلک مال شماست. بهترین ساختمان مال بشر است. روح خدا مال بشر است. قدرت انتخاب مال بشر است. ظرفیت بی نهایت مال بشر است. رنگ الهی مال بشر است. تو این هستی! حالا مثلاً می خواهی دل چه کسی را خوش کنی با این قیافه ات؟ با این کلمه می خواهی دل چه کسی را خوش کنی؟(۲)

۹. پرهیز از تبعیض

تبعیض آن است که بدون دلیل و براساس هوای نفس یکی را بر دیگری ترجیح دهیم که گاهی گناه و ظلم است و میان افراد، حسادت را بر می انگیزاند؛ لذا هر نوع تبعیض نژادی، زبانی، اقلیمی و... ممنوع است. «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء / ۱) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم با غنی و فقیر و کوچک و بزرگ مصافحه می کرد. (۳)

از توصیه های جدی حجه الاسلام قرائتی این است که:

«بر معلم و مبلغ لازم است؛ حتی در نگاه کردن بین مخاطبان نیز، مساوات را رعایت کند و فقط

به افراد مقابل خود نگاه ننماید؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نگاهشان را بین

ص: ۲۲۲

۱- . برنامه درسهایی از قرآن، ۳۱ / ۰۵ / ۷۰.

۲- . برنامه درسهایی از قرآن، ۱۹ / ۰۵ / ۸۵.

۳- . «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُصَافِحُ الْغَنِيِّ وَالْفَقِيرَ وَالصَّغِيرَ وَالْكَبِيرَ». بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۰۸.

اصحاب به طور مساوی تقسیم می کردند. (۱)

و امیرالمؤمنین علیه السلام به والی خود فرمودند: «وقتی نگاه می کنی، باید همه را به یک چشم نگاه کنی.» معلم و مبلغ نیز باید با مخاطبانش به عدالت رفتار کند.

یادآوری این نکته ضروری است که عدالت، غیر از تساوی است؛ عدالت آن است که به هر کس بر اساس استحقاقش بدهیم؛ و اگرچه این کار به تفاوت هم ختم گردد، نام آن تبعیض نیست. (۲)

البته، گاهی مردم توجیه نیستند و شرایط را یکسان می پندارند و همین که یک برتری و امتیازی دیدند، حسادت می ورزند. در حالی که اگر حکمت و دلیل تفاوت ها را بدانند آرام می شوند. پدر و پسر به عنوان مهمان، وارد خانه ی امیرالمؤمنین علیه السلام شدند؛ حضرت دست پدر را خودش شست، بعد ظرف را به امام حسن علیه السلام داد و فرمود: تو هم دست پسر را بشور! بعد حضرت فرمود: اگر پسر تنها خودش مهمان من بود، خودم دست پسر را می شستم؛ اما چون پدر و پسر با هم آمدند، اگر من دست هر دو را بشورم، احترام اینها از بین می رود.

حاج آقای قرائتی، در بین مخاطبان خود تبعیضی قائل نیست و اگر در برخورد متولیان، تبعیضی احساس نماید، بدون تعارف برخورد می کند. (۳) به عنوان نمونه:

الف) نمونه اول: در ایام عاشورا، جایی سخنرانی می کردم، جمعیت زیادی هم حضور داشتند. برخی از مقامات مسؤول آمدند. رئیس هیات، مسؤولین را تا پای

ص: ۲۲۳

۱- «كان رسول الله يقسم لحظاته بين اصحابه فينظر الى ذا و ينظر الى ذا بالسوية» بحارالانوار، چاپ بیروت (مؤسسهالوفاء) / ج ۱۶ / ص ۲۶۰.

۲- عدالت، غیر از تساوی است. عدالت همه جا ارزش است، ولی تساوی گاهی ارزش و گاهی ظلم است. مثلاً اگر معلم به همه شاگردان یک نوع نمره بدهد، تساوی هست، اما عدالت نیست. عدالت، آن است که به هر کس بر اساس استحقاقش بدهیم و اگرچه این کار به تفاوت ختم می گردد، اما ظلم نیست؛ زیرا تفاوت گذاشتن بر اساس لیاقت ها و کمالات و شرایط حق است و با معیار صورت گرفته است؛ مثلاً پزشک در یک اتاق بیمارستان به هر مریض یک دستور ویژه دارویی می دهد و این ظلم نیست. اما تبعیض باطل است؛ چون ترجیح در آن، بدون دلیل و براساس هوای نفس است.

۳- حاج آقای قرائتی: یکی از نهادها مرا برای درس اخلاق دعوت کردند، پس از عبور از چند اتاق وارد سالنی شدیم، درها را بستند و گفتند اینها مسئولین اداره هستند. گفتم: مگر ما می خواهیم هروین تقسیم کنیم، ما که حرف محرمانه ای نداریم، می خواهیم قرآن و حدیث بگوئیم، بگذارید همه بیایند و در جلسه شرکت کنند. گفتند: آخر آنها در شأن این جمع نیستند. گفتم: مرحوم علامه طباطبائی می فرمود: درس اخلاق گفتنی نیست، عملی است و همین کار شما ضد اخلاق است. خاطرات حجت الاسلام قرائتی (ج ۱)، ص: ۱۱۷.

منبر هدایت کرد و تعدادی از بچه ها را که نشسته بودند، بلند کرد و مسئولین را نشان داد. این کار، به نوعی غصب جای دیگران و خلاف شرع بوده است. گفتم: روضه امام حسین علیه السلام مستحب است و بلند کردن یک بچه، حتی

برای هر مسئولی جایز نیست. من سخنرانی ام را قطع کردم و در خطاب به مسئولین گفتم که از این که تشریف آوردید، خوش آمدید؛ اما جایی که نشستید، مثل جای غصبی است؛ چون بچه ها را به زور بلند کردند و شما را نشانند و محبت کنید و بلند شوید و هر کجا، جا هست، بنشینید.

با این حرف، مسئولین را بلند کردیم و بچه ها را سر جای خودشان آوردیم؛ بچه ها از این توجه، چنان خوشحال شده بودند که از پای منبر دستشان را می بوسیدند و بوس را بالای منبر پرتاب می کردند و ابراز احساسات آنان دیدنی بود. (۱)

ب) نمونه دوم: به مرکز استان مهمی برای سخنرانی رفته بودم تا قبل از خطبه ها سخنرانی کنم. تا روی سکو و بلندی رفتم، دیدم هرچه قالی است، زیر پای مردها است و هرچه موکت است، زیر پای زنها است. گفتم: آقایان! اگر می خواهید من صحبت کنم، محبت کنید همه ی شما بلند شوید. بلند شدند. گفتم: یک ده تا از این قالی ها را به طرف خانمها بدهید. ایستادم تا قالی ها آن طرف رفت. گفتم: عدالت اجتماعی این است و سخنرانی من همین است. والسلام علیکم ورحمة الله! (۲)

۱۰. توجه به ظرفیت و گرایش مخاطبان

با توجه به تفاوت ظرفیت و گرایش مخاطبان، باید در عرصه تبلیغ به این تنوع توجه داشت. مخاطبان ما برخی موافق و برخی مخالفند و موافقان نیز یا از خواص اند و یا از عوام. از سفارشهای حجه الاسلام قرائتی، توجه به این تنوع است. ایشان می فرمایند:

«خداوند متعال به پیامبرش می فرماید: «أذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (ای پیامبر! مردم را) با حکمت (و گفتار استوار

ص: ۲۲۴

۱- . برنامه درسهایی از قرآن، ۸۰ / ۰۷ / ۰۵

۲- . برنامه درسهایی از قرآن، ۸۸ / ۰۱ / ۲۰

و منطقی) و پسند نیکو، به راه پروردگارت بخوان و (با مخالفان) به شیوه ای که نیکوتر است جدال و گفتگو کن. (نحل / ۱۲۵)

این آیه ضمن آموختن شیوه برخورد نیکو؛ حتی با مخالفان، دستور جامعی دارد که باید معلمان و مبلغان، به شیوه های گوناگون آموزش، مجهز باشند، چرا که همه ی مردم را نمی توان با یک شیوه دعوت کرد. هر شخصی ظرفیتی دارد که باید با زبان خودش با او سخن گفت؛ خواص را با

حکمت و استدلال، عوام را با موعظه نیکو، و مخالفان را با جدال نیکو. (۱)

موعظه نیکو آن است که واعظ خود به آنچه می گوید، عمل کند و جدال (۲)

نیکو آن است که توهین و تحریک احساسات طرف دیگر در آن نباشد. (۳)

ایشان، ضمن سفارش به شناخت مخاطب، از جمله معیارهای شناخت مخاطب را این می داند که:

«انسان باید مخاطب را بشناسد که او منطقی است یا عاطفی یا موضع خاصی دارد. اگر منطقی است با حکمت، اگر عاطفی است با موعظه و اگر موضع دارد با جدال با او مذاکره نماید.»

البته، موعظه سخن عام تری است که در برخی شرایط، می توان از آن برای همه گروه ها بهره گرفت.

ص: ۲۲۵

۱- . حکمت و برهان همیشه نیکو است، ولی موعظه و جدال ممکن است با شیوه خوب یا شیوه ی بد باشد. لذا کلمه حسن و احسن برای حکمت نیامده است.

۲- . «جدل» روشی است که در آن سعی بر تسلیم کردن مخالف است اما منحصر در سخنان علمی و عقلی نیست بلکه می توان از چیزهایی استفاده کرد که مورد قبول طرف است اگر چه این مطالب یقینی و مورد قبول همه نباشد. مثل اینکه مخالف، سخن یک دانشمند را قبول دارد و ما با استناد به سخن آن دانشمند، او را محکوم می کنیم در حالی که خود ما ممکن است آن را قبول نداشته باشیم. در یک جلسه مناظره علمی، که دانشمندان مذاهب مختلف حضور داشتند، امام رضا علیه السلام در مقابل دانشمند مسیحی که معتقد بود حضرت عیسی علیه السلام فرزند خداست از جدل استفاده نمود به این صورت که فرمود: حضرت عیسی علیه السلام همه صفاتش خوب بود فقط یک نقص داشت و آن اینکه به عبادت علاقه ای نداشت. دانشمند مسیحی گفت: این چه سخنی است؟! او عبادتش از همه مردم بیشتر بود. امام رضا علیه السلام فرمود: پس اگر عبادت می کرد بنده خدا بود نه فرزند خدا؛ زیرا عبادت یعنی بندگی. در این گفتگو حضرت از چیزی استفاده کردند که مورد قبول مسیحی بود و او را محکوم کردند. قرآن و تبلیغ، ص: ۱۶۱.

۳- . محسن قرائتی، اخلاق آموزش، ص ۳۰ و ۲۹.

برخورد صمیمی و بدون تکلف با مخاطب، از عوامل جذب بوده و ارتباط دوستانه، نقش مهمی در ایجاد فضای مناسب برای تبلیغ دارد. فضای رسمی و خشک، مانع مهمی در برقراری ارتباط بوده و در مقابل، صمیمیت و خودی شدن با مخاطبان به اندازه ای که فضای جلسه تلطیف شود و توجه مخاطبان به استاد و درس جلب گردد، امری ضروری برای برقراری ارتباط با مخاطبان است.

حججهالاسلام قرائتی، با اخلاق و روی خوشی که دارد از ابتدای ورود در برنامه ها، جلسه را از حالت رسمی و خشک خارج می کند و عموماً با مزاح یا سؤال از مخاطبان در باره پایه تحصیلات، موضوع برنامه جلسه قبل، و سؤالاتی که می تواند جلسه را از حالت رسمی خارج کند، به گونه ای عمل می نماید که مخاطبان این صمیمیت را حس می کنند.

فصل پنجم: سایر نکات

اشاره

ص: ۲۲۷

در این قسمت برخی نکات و تجربیات و سفارشهای حجه الاسلام قرائتی که در کلاس‌داری و تبلیغ مفید و قابل استفاده است را بیان می‌نماییم.

توصیه‌هایی برای پاسخگویی

در پاسخ به سؤالات، نکاتی را باید مد نظر قرار داد:

۱. در صورت ندانستن پاسخ، به راحتی بگوییم، نمی‌دانم و جواب را برای فرصت دیگری بگذارید و پس از مراجعه یا سؤال از فردی که می‌داند، جواب را ارائه دهید.

۲. ارجاع به دانایان؛ یعنی فلانی از من بهتر می‌داند.

۳. توجه به انگیزه‌ها:

گاهی سؤال برای خودنمایی و اظهار فضل، به چالش کشیدن، بهانه‌جویی، تحقیر و تمسخر و ایجاد شک و تردید در دیگران و... است. در این گونه موارد، باید دقت لازم را به عمل آورد و کریمانه از آن عبور کرد.

۴. در پاسخ، اولویت با سؤالاتی است که تعلیم واجب یا مستحبی باشد یا مشکلی از فرد یا عموم مخاطبان را حل کند. به مسائل نادر الوجود؛ مثل عبادت در قطبین و.. جواب ندهید و وقت کلاس را به مطالب و مسائل کاربردی اختصاص بدهید.

۵. سعی کنید جواب کلی و کلیدی بدهید که سؤال کننده، همیشه بتواند با آن معیار کلی، جواب را بیابد. مثلاً کسی می‌پرسد نمی‌دانم لباسم نجس شده است یا خیر؟ باید گفت که: «همه چیز پاک است؛ مگر این که بدانیم نجس است.»

۶. سند جواب را ارائه کنید. امام باقر علیه السلام می فرماید: هرکس از من سؤالی کرد و من جواب دادم از من سند بخواهید تا سند قرآنی آن را برایتان بگویم.

۷. بعضی سؤالات را باید به صورت کلی و یا با سکوت پاسخ داد، تا بحث منحرف نشده و یا دستاویز دیگران نگردد. وقتی فرعون از حضرت موسی حال اقوام قبلی و مردگان را پرسید: «فَمَا بِالْأَقْرُونِ الْأُولَى؛ (فرعون) گفت: پس، حال نسل های پیشین چگونه است؟!» (طه / ۵۱)، موسی علیه السلام با اینکه می توانست به تفصیل جواب دهد، اما چون می دانست مردم نسبت به نیاکان خویش تعصب و حساسیت دارند، لذا در جواب آنان کلی گویی کرد و علم آن را به خداوند احاله داد و فرمود «عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي» (طه / ۵۲) تا هم با سخن نرم «قَوْلًا لَيِّنًا» (طه / ۴۴) که به آن مأمور بود، عمل کرده باشد و هم بهانه ای به دست آنان ندهد.

۸. در برخی مواقع به عین سؤال نباید جواب داد، بلکه باید با تغییر مسیر سؤال، جوابی هوشمندانه و کاربردی داد. در قرآن کریم می خوانیم: هنگامی که مردم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می پرسند که چه چیز انفاق کنند: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ» (بقره / ۲۱۵) خداوند چیز دیگری جواب می دهد و به چیزی اشاره کرد که سؤال کننده از آن غافل است و مسیر فکر آنان را به این سو می برد که به چه افرادی انفاق شود: «مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ» (بقره / ۲۱۵) تا بگویند مهم نیست که انفاق شما کوچک باشد یا بزرگ، نقد باشد یا جنس. مهم آن است که به چه افرادی داده شود.

اصولی برای بیان احکام

درباره بیان مسایل و احکام حجه الاسلام قرائتی - زید عزه - سفارشهای کلی دارند که برای معلمان و مبلغان محترم مفید و کاربردی است:

۱. در بیان احکام، باید به دقت مسایل را گلچین کنیم هر چیز در رساله آمده است، برای بیان نیست؛ مثلاً در بحث «مرجع تقلید» نیازی نیست بگوئید «حلال زاده، عاقل باشد» اگر مسأله در رساله می آید، مثل دارو در داروخانه است و نیاز نیست که همه را بیان بکنید. ما باید مسایل مبتلا به مردم را بگوئیم مسائلی که مورد سؤال مردم می باشد؛ مباحثی مانند شکایاتی که مورد ابتلاء است و اتفاق می افتد،

خمس کسب، بحث قرض، بانک ها و ...

۲. سعی شود مباحث کلی و قواعد کلی بیان شود؛ مانند: همه چیز پاک است مگر یقین به نجاست پیدا کنیم، هیچ نماز اذان و اقامه ندارد؛ مگر نمازهای واجب، همه نمازهای مستحبی دو رکعتی است مگر وتر...

۳. از طول دادن و بسط دادن احکام پرهیز گردد، سعی کنیم دو سه دقیقه مسأله بگوئیم؛ نه بیشتر. همچنین، یکی دو مسأله بگوئیم تا در ذهنها بماند.

۴. احکامی که قابلیت اجرای عملی دارد به صورت عملی آموزش داده شود؛ مثل برخی احکام حج، وضو، تیمم و ...

۵. برای عموم، احکام را به صورت استدلالی بیان نکنید که نیازی به بیان نکات استنباطی و آیات و روایات نیست.

۶. وارد مسایل فنی نشوید و از بیان اصطلاحات حوزوی پرهیز نمائید؛ مثلا اگر چیزی پاک بوده و الان در طهارت آن شک داریم پاک است دیگر نگوئیم اینجا جای استصحاب است.

۷. بیان احکام و برخی مسایل به صورت پرسش و پاسخ خوب است؛ مثلا- از مردم سؤال کنیم، مردم جواب می دهند، بعد مطلب صحیح را بیان نمائیم. به عنوان نمونه در روایات هست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم از مردم سوال کردند که بدترین گناه چیست؟ هرکسی چیزی گفت. وقتی ذهنها تشنه جواب صحیح شد، حضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: کوچک گرفتن گناهان، بدترین گناه است.

۸. از بیان اقوال مختلف و مطالب اختلافی پرهیز شود.

۹. اسم مراجع عظام را یکسان ببریم.

۱۰. اگر مقدور باشد، احکام بانوان از طریق بانوان بیان شود.

۱۱. بعضی از احکام را تا سؤال نکردند، نگوئیم و اگر سوال شد به همان شخص، گفته شود. مثلا آیا زن محتلم می شود؟

۱۲. از توضیح المسائل حدود شصت مسأله مبتلا به را بگوئید و در بیان مسائل مسأله روان تر را بیان نمائیم؛ مثلا نماز آیات را به دو نحو می شود خواند، شما نحوه آسان را تعلیم بدهید.

۱۳. اصطلاحاتی که ضرورتاً بیان می‌نمائیم، معنا کنیم. مثلاً اگر بیان می‌شود که اقتدای حاضر به مسافر مکروه است، توضیح بدهیم که مراد از «کراهت» در اینجا، اقلیت در ثواب می‌باشد.

۱۴. از همه ابعاد استفاده کنید در قرآن کریم می‌آید: «والی الأبل کیف خلقت» و «الی السماء کیف رفعت» شما نیز اگر یک مسأله از تقلید گفتید، یک مسأله از دیه سیلی زدن و کبود کردن صورت بگوئید یکی این طرف فقه و یکی آن طرف فقه تا تنوعی در بیان احکام باشد.

۱۵. اگر چه بیان احکام در حد دو - سه مسأله در شرایط گوناگون مطلوب است؛ اما توجه به زمان، در بیان احکام لازم است و سعی شود در فرض وجود مناسبتی، احکام با تناسب زمانی بیان شود. مثلاً احکام روزه در ماه مبارک، احکام زکات فطره در روزهای پایانی ماه مبارک، احکام نذر در ایام محرم و صفر و روزهای که مردم نذورات می‌دهند و یا احکام وصیت، احتضار و سایر احکام مربوطه در مجالس ختم و . . .

۱۶. توجه به سن و شرائط مخاطب از نکات مهم و قابل دقت در بیان احکام است.

۱۷. احکام را از رساله بگوئید نه از تقریرات درس خارج؛ چون مردم مقلدند.

۱۸. تا می‌توانید دین را سهل بیان کنید: اول واجبات و بعد از مدتی مستحبات را بگوئید. وقتی از مستحبات می‌گوئید، مستحب در مستحب نکنید؛ مثلاً شخصی که می‌خواهد تازه با نماز شب آشنا شود، بگوئیم نماز شب یازده رکعت است که می‌توان بدون «قل هو الله احد» و سوره هم خواند و وقتی نماز وتر را توضیح می‌دهیم، همین که فرد بداند که نماز وتر یک رکعت است و شیوه آن بیان شود؛ دیگر ضرورتی ندارد در همان جلسه مستحبات وارد شده در قنوت نماز وتر را بیان کنیم و این نکات اضافی را در صورت لزوم در جلسه دیگر یا بعد از جلسه به افرادی که خواهان آن هستند ارائه بدهیم. آموزش تدریجی و آسان، سبب می‌شود که وقتی فرد با عملی انس گرفت و راه افتاد، معمولاً خودش گام به گام جلو می‌آید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم اول فرمودند: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» بعد که مردم مسلمان

شدند و احکام یکی یکی بر آنها واجب شد، آن موقع از سوی خدای تعالی وقتی آیه روزه را ابلاغ می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/ ۱۸۳) اینجا از «لعل» (شاید) صحبت می‌شود، در حالی که در ابتدای راه «تفلاحوا؛ رستگار می‌شوید» فرمودند. (دقت شود!)

۱۹. در بیان احکام کلمات عربی را کمتر بگوئید: ثمن، مثنی، بیع، شراء... .

۲۰. از بیان کلمات و سوسه انگیز پرهیز کنید؛ مثلاً این جمله «اگر در غسل سر مویی شسته نشود...» انسان را به وسوسه می‌اندازد.

۲۱. در کنار بیان محرمات، مسایل حلال را هم بگوئید. قرآن کریم قبل از بیان حرمت شرب خمر، منافع آن را هم می‌گوید و بعد می‌فرماید گناه آن بدتر است.

توصیه جهت پرهیز از برخی آسیب‌ها

برخی از آسیب‌های عرصه تعلیم و تبلیغ، در همین نوشتار به صورت مستقل بیان شد. بعضی دیگر از آسیب‌ها وجود دارد که باید از آنها نیز پرهیز شود:

۱. ایجاد شبهه به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم؛ بدون پاسخگویی به آن.

۲. ارائه تحلیل‌های ذوقی و سلیقه‌ای که مستندی ندارد.

۳. دامن زدن به اختلافات.

۴. نداشتن نشاط و انگیزه درونی.

۵. باور نداشتن یا عمل نکردن به آنچه گفته می‌شود. (مثلاً کسی که از نظم می‌گوید یا از نماز اول وقت، خودش باید عامل باشد.)

۶. دامن زدن به خرافات (مثل نحس بودن سیزده، یا شمع روشن کردن در مسجد در شب اول ربیع، ...)

۷. رعایت نکردن حدود شرعی؛ خودمانی شدن و گفتگوی محرم و نامحرم.

۸. خواندن آیات و روایات به نحو غلط.

۹. تفسیر به رأی آیات و ارائه برداشت‌های شخصی بدون مراجعه به تفاسیر معتبر.

۱۰. مستند نکردن مطالب به آیات و روایات قطعی و استناد دادن مطالب به خواب و رؤیا.

۱۱. سیاست گذاری نامناسب در زمان برگزاری کلاسها. اگر به مدیریت آموزشی توجه نشود، ضررهای آن قابل جبران نیست. مثلا در آغاز صبح که مخاطبان خواب شب را طی کرده‌اند و صبحانه خورده‌اند و نشاط دارند برای آنان، برنامه‌های ورزشی و کارهای حاشیه‌ای قرار دهیم، ولی نزدیک ظهر که خسته هستند، برنامه درسی قرار دهیم. نتیجه این بی توجهی به ظرفیت و روحیه، آن می شود که مخاطب حرف را، آن گونه که باید جذب نمی کند و نتیجه آن تلف شدن میلیونها ساعت عمر نسل نو و میلیاردها تومان بیت المال و شکست در امتحانات آخر سال است.

۱۲. بیان مطالب غیر یقینی و مشکوک. دعوت باید با بصیرت باشد: «أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي؛ (ای پیامبر!) بگو: این راه من است. من و هر کس پیروی ام کرد، با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم.» (یوسف / ۱۰۸)

رعایت برخی نکات شکلی

برخی نکات شکلی و ظاهری در جاذبه کلاس های حجه الاسلام قرائتی نقش ایفاء می نماید که بعضی از موارد، به صورت فهرست وار بیان می گردد:

۱. داشتن خط خوش

۲. نشاط در ارائه مطلب

۳. نظم در برپایی کلاس (رعایت دقیق وقت)

۴. ابتداء به سلام

۵. روی میز بودن قرآن کریم و ارتباط نسبتا مستمر با کتاب الهی در طول کلاس و به دست گرفتن آن در برخی مواقع و خواندن بخشی از آیات از روی قرآن.

۶. دقت و رعایت نکات کلاسداری (شیوه نوشتن، پاک کردن و . .)

۷. ورود به بحث با حذف مقدمات (شروع با بسم الله و با دعای کوتاه و همیشگی: «الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی»)

۸. رعایت جوانب سخن (سعی ایشان به گونه ای است تا به شیوه‌ای سخن بگویند که ضمن نقد ناصحانه، به افراد، اصناف، گروه ها بی احترامی نشود.)

۹. پرهیز از بیان واضحات و عبور سریع از مطالب مقدماتی.

۱۰. احترام به مخاطب و بیان برخی مطالب با استفاده از جمله «اجازه بدهید» در موارد متعدد؛ مثلاً اجازه بدهید حدیثی را که تا به حال سه مرتبه خوانده ام برای بار چهارم بخوانم. آخر گاهی وقتها چیزهایی را باید تکرار کنم... .

برخی از سفارشهای تبلیغی و نکات کوتاه استاد

۱. تواضع ما برای مخاطبان حقیقی باشد و از تواضع دروغین و تصنعی پرهیز شود.

۲. اگر سؤالی را طرح نموده ایم و مخاطبی به درستی جواب داد، او را تشویق کنیم و اگر نکته جدیدی مخاطبان به ما گفتند به راحتی از آنها بیاموزیم و بگوییم که این را من نمی دانستم و از شما آموختم.

۳. برای دعوت، شرط خاصی نداشته باشیم و هیچ گاه بین بانیان و نهادهایی که دعوت می کنند، سبک و سنگین نکنیم؛ مگر این که از جهت تبلیغی ضرورتی ایجاب نماید. اگر عذری نداریم، اولین دعوت را بدون شرط و شروط بپذیریم.

۴. نامه هایی که از طرف خانمها داده می شود را خودتان نخوانید و بهتر است تا کسی دیگر بخواند و اگر موردی است به شما اطلاع دهد.

۵. هشیار باشید که برخی از افراد با طرح سؤالات نامناسب یا با دادن اطلاعات غلط در صدد بهم ریختن موضوع سخنرانی و ایجاد تغییر در آنند و با این کار می خواهند تا از موضوع مهمی که برای صحبت انتخاب نمودید، شما را منحرف و به یک موضوع وهمی و فرضی سوق بدهند.

۶. هرچه رابطه مربی و متربی، بر محور محبت و انصاف باشد، تأثیر گذاری معلم بهتر و بیشتر می گردد. باید با مردم مأنوس و رفیق شوید! بسیاری از افراد با احترام و محبت یک مبلغ جذب می شوند.

۷. از تحقیر و بردن آبروی دیگران به جدّ پرهیز نماییم و از «اصل تغافل» به خوبی استفاده نماییم. هر انسانی برای خود در جامعه مقام و حریم و حیایی پذیرفته است که اگر این حریم و حیا پاره

شود و انسان خودش را بی آبرو احساس کند هر خلافی برایش آسان می شود و با خود می گوید آب که از سر ما گذشت و ما غرق شدیم؛ خواه یک متر خواه صدمتر.

۸. در انتخاب مکانهای تبلیغی، جاهای بدون مسأله را انتخاب نماییم و مراقب

باشیم تا دستاویز این و آن نشویم و از ما بهره برداری جناحی، سیاسی، صنفی و قبیله‌ای نگردد.

۹. خرافات را به دین نبندیم و با حرفهای خرافی که به دین نسبت داده می‌شود، با شهادت مبارزه کنیم.

۱۰. مهم‌ترین وظیفه مبلّغ، عمل به وظیفه است؛ لذا اقبال و ادبار دیگران نباید ما را نگران کند و هراسی از بی‌اعتنایی و بی‌مهری‌ها نداشته باشیم.

۱۱. فضائل دیگران را بگویید و مبتلا به حسد نشوید و از رقابت منفی و شرک آلود پرهیز نمایید؛ چه بین دو مبلّغ، چه بین دو مسجد یا دو حسینیه و ...

۱۲. در کنار تبلیغ عمومی از ارتباط چهره به چهره غافل نشویم. گاهی چند دقیقه خصوصی با کسی حرف زدن، اثرش از پانزده سال در تلویزیون بیشتر است. (۱)

گرچه تلویزیون نعمت بزرگی است؛ ولی من از تبلیغات چهره به چهره غافل نبودم.

۱۳. تمام برنامه‌های فرهنگی باید ریشه دار باشد و از هزینه کردن در برنامه‌هایی که ریشه‌ای در دین ندارد، پرهیز گردد. همچنین، به جای تواشیح، مسابقات بی‌فایده و ... به کارهایی که اصولی است، پرداخته گردد؛ نه کارهایی که بی‌فایده است. مسابقات فرهنگی و علمی، باید بار معنوی و علمی داشته باشد و نباید حالت لغو و بیهوده باشد. بعضی موقع مسابقه‌ای برگزار می‌شود جوایزی اعطا می‌شود لکن محتوای مسابقه سوال برانگیز است؛ مثلاً عده‌ای مسابقه‌ای برگزار کردند و به من گفتند که کار فرهنگی - قرآنی کرده‌ایم و بنده را هم برای جایزه دادن، به سالن بردند، نفر هفتم را که جایزه می‌دادیم از محتوا و چگونگی مسابقه

ص: ۲۳۵

۱- . حجه الاسلام قرائتی در یکی از درس‌هایش فرمودند: «تأثیر چهره به چهره را من از یک دیوانه یاد گرفتم. در شهری، دیوانه‌ای بود و داخل مسجد آمد فحشی داد، همه خندیدند، فحش دوم، فحش سوم، هرچی فحش داد همه خندیدند، دیوانه دید که هرچه فحش می‌دهد، می‌خندند، رفت توی محراب و گفت: حضرت آقا با تو بودم، بعد آمد گفت با تو بودم، با تو بودم. وقتی گفت با تو بودم این دیوانه را بغلش کردند و از مسجد بیرون انداختند، از این دیوانه یاد گرفتم که سخترانی عمومی فایده‌ای ندارد. باید گفت با تو بودم، یعنی اینکه معلم سر کلاس یا دبیرستان برای عموم حرف می‌زند، گاهی وقت‌ها خصوصی صحبت کند. مثلاً اگر بچه‌ای، هر روز نماز نمی‌آید. صدایش بزند و خصوصی با او صحبت و او را راهنمایی کند..»

پرسیدم که گفتند: «ما سؤال کردیم که آیه ای از قرآن که ۱۱ قاف دارد، را پیدا کنید!!» و متأسفانه این گونه وقت مردم را ضایع می کنند.

۱۴. بچه ها به راحتی نمی نشینند تا حرف گوش بدهند. باید با مزاح و طنزی آنها را نشانند و با صحبت های مختصر آنها را جذب کرد و معارف را کم کم به آنان تزریق نمود.

۱۵. در بین دو راهی ها و چند راهی ها برای قبول یا رد دعوت ها از نور قرآن استفاده و از طریق استخاره برای خود آرامشی احساس می کنم.

۱۶. هر کس از من غیبتی کند، پیشاپیش او را حلال می کنم و اگر در روزنامه ای نقدی شود، اگر حق بود می پذیرم؛ ولی هرگز جواب او را نمی دهم.

۱۷. همیشه با بزرگترها و هم سن ها و کوچک ترها، مشورت کردم.

۱۸. خوب است تا «نهاد یک نفره» باشیم و برای راه اندازی کار فرهنگی و تبلیغی منتظر خیلی چیزها نباشیم.

۱۹. ما باید از کارهای ساده و شیرین شروع کنیم؛ مثلاً تفسیر سوره های کوتاه، به صورت ساده و شیرین. یا برای بچه ها داستانهای قرآنی و روایی را به صورت گزیده و شیرین، ارائه دهیم.

۲۰. نگاه مثبت به نقدها داشتن، و از آن برای رفع مشکل بهره گرفتن کار مناسبی است. یکی از استادان به من گفت ما از شما درباره ساخت و ساز فقط یک مسأله بیشتر شنیده ایم و آن اینکه دستشویی نباید رو به قبله یا پشت به قبله باشد. . . و این متلک تبدیل به یک تحقیق شد و «کتاب مسکن و شهر اسلامی» را نوشتم.

۲۱. گاهی شکست ها پیل پیروزی است، من در منبر شکست خوردم و در معلمی پیروز شدم. تعدادی بچه را جمع کردم و شروع به قصه گفتن کردم. قرآن هم حدود ۲۶۸ قصه دارد. همین قصه های قرآن را مطالعه کردم و ذره ذره نوشتم و ذره ذره تمرین کردم، حالا برای بزرگان هم صحبت می کنم. من از کوچکترها شروع کردم و به بزرگترها رسیدم.

۲۲. معتدل بودن (نه سخت گیر و نه سهل گیر): در تبلیغ معارف الهی، برخی

اهل بشارت و برخی اهل انذارند و متاسفانه مواردی پیدا می شود که مبلغی در خط افراط یا تفریط باشد. بعضی با امید دادنهای بی قید و شرط، افراد را به عمل بی رغبت می کنند و بعضی هم با ترساندن، فرد را ناامید می کنند. حرکت در خط خوف و رجاء و بیان دو طرف بحث، راه میانه و خط اعتدال است.

۲۳. اگر قیافه مبلغ جذاب و قشنگ است، به جلسه ی خواهران نرود.

۲۴. ارائه مباحث باید با شور و علاقه و نشاط باشد و این علاقمندی و عشق، باید از نحوه بیان معلم و مبلغ آشکار گردد تا بتواند تأثیر بیشتری داشته باشد.

۲۵. به هر خبری زود ترتیب اثر ندهید و با شکایتی زود داغ نشوید؛ بلکه قبل از هر گونه موضع گیری، حتما تحقیق نمایید.

۲۶. آنچه در تبلیغ بیان می نمایید، حکیمانه و مستدل باشد؛ یا ریشه در نقل قطعی (آیات و روایات) داشته باشد و یا عقلی باشد.

۲۷. درست کردن آبرو یک عمر می خواهد و از بین بردنش یک دقیقه هم نمی خواهد؛ لذا مواظب کارهایی باشیم که آبروی ما به هدر نرود.

۲۸. دروغ گفتن حرام است؛ اما گفتن هر راست واجب نیست؛ یعنی همه چیز را به مردم نگویند.

۲۹. ایجاد حساسیت نکنید و روی افراد هم حساسیت نشان ندهید.

۳۰. اگر سؤال یا شبهه ای در جلسه طرح نمودید، هیچ گاه بدون پاسخ رها نکنید.

۳۱. صحبت ها به گونه ای ارائه گردد که هر چند دقیقه آن قابل تفکیک باشد. تغییر به موقع عنوان و تیترو، در طول بحث، سبب ایجاد چشم اندازی نو و تازه است که جلوی خستگی مخاطب را می گیرد.

۳۲. هر از چند گاهی با بزرگان و علماء ملاقات داشته باشیم تا آنان به کار شما حساس نشوند و کار شما نزد آنان ابهام نداشته باشد.

۳۳. حتی المقدور، مهمان را در کتابخانه خود نبرید. مردم از عکس های داخل اتاق، کتاب های در قفسه و دعای آخر جلسه استنباط دارند.

۳۴. از هدایا، کمک ها و نذورات مشکوک که چه بسا با اغراضی خاص صورت گیرد، پرهیز گردد.

۳۵. در مجالست با افراد، دقت داشته باشیم تا در معرض اتهام قرار نگیریم.

۳۶. حتی المقدور جلسات را از خانه ها به مسجد ببرید تا آغاز یا فرجام آن با نمازجماعت باشد.

۳۷. ضمن بهره گیری از استدلال در ارائه مباحث، از عواطف غفلت نکنید که در تبلیغ دین بهره گیری از عاطفه مهم است.

۳۸. خودتان را عادی جلوه بدهید و با این کار، فاصله خود با مخاطب را حذف کنید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در تعابیر متعدّد؛ مانند: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ؛ بگو: همانا من بشری همچون شمایم.» (کهف / ۱۱۰) «قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى؛ (ای پیامبر! به مردم) بگو: من ادعا نمی کنم که گنجینه های خداوند نزد من است و من غیب هم نمی دانم و ادعا نمی کنم که من فرشته ام، من جزء آنچه را به من وحی می شود، پیروی نمی کنم.» (أنعام / ۵۰)

۳۹. اصل را مخاطب قرار دهیم؛ گاهی لازم است ما به جای جلسات در محل های خاصی به سراغ خوابگاه ها و مدارس برویم.

۴۰. حضور به موقع در برنامه ها و رعایت وقت جلسه، امر مهمی در حوزه تبلیغ و آموزش است.

۴۱. حتی المقدور در سخنرانی خواب و رؤیا را بیان نکنید و اگر چیزی از عرفا نقل می نمایید مستند به آیات و روایات باشد؛ نه حرفهایی که ذوقی و غیرمستندند.

۴۲. اگر خط خوبی برای نوشتن ندارید، یا به جای کلاس داری، روی خطابه کار کنید و یا اگر به کلاس داری علاقمند هستید، با تمرین خط خود را مناسب کنید.

۴۳. هیچ گاه رفتار و گفتار غلط را توجیه ننمایید که این کار مخالف روح عدالتخواهی است.

۴۴. در تبلیغ سعه صدر داشته باشید و در برابر پرخاشگری ها یا توهین و تهمت برخی افراد، از سلاح صبر بهره ببرید.

۴۵. اگر قبل از شما کسی یا کسانی برنامه داشتند، رعایت حال مخاطبان را نموده و مباحث را کوتاه ارائه بدهید.

۴۶. تا می توانید معیار و ملاک به دست مخاطب بدهید که آن وقت، مخاطب به فروعات و شاخه ها پی می برد: «إِعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفْ أَهْلَهُ» (۱)

۴۷. اخلاق، تواضع، صمیمیت، محبت و توجه به عواطف مخاطبان، نقش فوق العاده ای در برقراری ارتباط و انتقال پیام دارد. هیچ گاه با کسی درگیری و دعوا نداشته باشید (هیئت أمناء، خادم و...).

۴۸. در تبلیغ، مدارا داشته باشید؛ ولی مداهنه نداشته باشید. (۲) «مدارا»، کوتاه آمدن از موضع

قدرت است، نظیر پدری که دست کودکش را در دست دارد و قدرت بر تند رفتن دارد، ولی آهسته راه می رود؛ اما «مداهنه»، کوتاه آمدن از موضع ضعف است. نظیر بسیاری از رؤسای کشورها که به خاطر نداشتن شجاعت، در اختیار ابرقدرت ها قرار دارند. انبیا و اولیای الهی با مردم مدارا می کنند؛ اما در برابر کفر مداهنه نمی ورزند.

۴۹. اسلام، دین آسان و احکام آن انعطاف پذیر است و در زمان ها و مکان های مختلف، شایستگی اجرا شدن را دارد. «ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج/۷۸) در تبلیغ روحیه انعطاف داشته باشید و از شیوه مسامحه و دوری از تنیدی و سختگیری استفاده کنید.

۵۰. روحیه انتقاد پذیری داشته باشید و خود را مصون از اشتباه ندانید. گوش سپردن

ص: ۲۳۹

۱- . آمالی مفید، ص ۳.

۲- . مدارا با مردم: یک رهبر آسمانی برای تربیت مردم باید با آنان مدارا کند، ولی مداهنه هرگز. مدارا صرف نظر کردن از دنیا و مقام خود برای اصلاح دین یا دنیای مردم است، اما مداهنه صرف نظر کردن از برخی دستورات دین و مکتب، برای حفظ موقعیت خود و رسیدن به مقام و دنیا است. مدارا یعنی نسبت به افراد کم ظرفیت و کج فهم و فراری، عفو و اغماض داشته باشیم تا جذب مکتب شوند، اما مداهنه یعنی با همه گروه ها کنار آمدن و سازش کردن برای حفظ موقعیت خود. مدارا از سعه صدر برمی خیزد، ولی مداهنه از ضعف و سوجدوئی، مدارا کردن از عقل است و مداهنه از شیطنت. امام باید اهل مدارا و عفو و تغافل و سعه صدر و گذشت باشد تا افرادی که به عللی نقطه ضعفی داشته اند، از پیروی او مأیوس نشوند و او همچون یوسف که برادران خطاکار خود را پس از پشیمانی توبیخ نکرد و فرمود: «لا تثریب علیکم الیوم» (سوره یوسف / آیه ۹۲) امام نیز بتواند مردم را زیر پوشش محبت خود به اسلام جذب کند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «بعثت بمداراه الناس» (نهج الفصاحه، حدیث ۱۰۹۳) من مبعوث شدم که با مردم مدارا کنم. همچنین فرمود: «ان الله امرنی بمداراه الناس کما امرنی باقامه الفرائض» (نهج الفصاحه، حدیث ۶۷۷) خداوند به من امر کرده که با مردم مدارا کنم، همان گونه که امر نموده واجبات و نمازهای واجب را انجام دهم. محسن قرائتی، اصول عقاید، ص: ۴۰۷.

به نقد ناصحانه، هم احترامی به مخاطب منتقد است و هم سبب پیشرفت و رشد مبلغ.

۵۱. با فطرت جنگ نکنید و در برابر فطریات نایستید و با آن مخالفت نکنید.

۵۲. گاهی باید آرام صحبت کرد و گاهی بلند و گاهی با هیجان و گاهی باید با یک عملی همراه باشد که مخاطب را بیدار کند.

۵۳. محتوا از ارکان تبلیغ است و مطالعه، یکی از وظایف مبلغ؛ و نباید بدون مطالعه صحبت کرد؛ البته مطالعه به عنوان مقدمه است و در تأثیر گذاری محتوا، باید از خدای تعالی مدد جست.

۵۴. در تبلیغ، اولویت با جلسات مشترک یا جلسات برادران است و اگر ضرورتی برای سخنرانی یا کلاس برای خواهران باشد، نکاتی را مد نظر قرار دهید: در اتاق باز باشد. - جلسه برای افراد محدود نباشد. - جلسه طولانی نباشد. - چند نفر از محرم های خود را ببرید یا چند مرد در جلوی کلاس باشند. - با آنها شوخی نکنیم، جدی باشیم و در عین حال، عبوس نباشیم. - نگاه مستقیم و به فرد نباشد بلکه نگاه به صورت کلی و نیم متر بالاتر از خواهران باشد. - از ایجاد جدابیت و زیبایی بیش از حد (وضعیت ظاهری و پوشش) اجتناب شود. - از مسائل جنسی و اختصاصی تحریک کننده پرهیز شود. - به سؤالات آنان در میان جمع پاسخ دهید.

۵۵. در آخر سخنرانی دعا کنید و دعایی نیز، مطابق با موضوع و مضمون سخنرانی باشد.

۵۶. برای رفع خستگی و ایجاد فضای جدید، گاهی برخی مطالب؛ مانند آیات را با هم تکرار نماییم.

۵۷. در تبلیغ «حجاب» برای زنان، ابتداء مقام ممتاز زن را از منظر آیات و روایات تبیین و سپس بیان کنید که حیف است زن با این مقام، ملعبه و بازیچه دیگران قرار گیرد.

۵۸. با طرح سؤال از محتوای بیان شده، آموخته‌های مخاطب را تکرار و تثبیت نمایید و کلاس را از یک طرفه بودن خارج کنید و مخاطبان را در فراگیری، فعال

۵۹. کسی که نسبت به شما از فضل و کمال بیشتری برخوردار است، او را به مردم معرفی کنید.

۶۰. زنان، بچه ها و روستائیان را کوچک و سبک بشمارید

۶۱. با عجله و شتاب سخن نگوئید و سخن را شمرده و با تأنی ارائه نمایید؛ و مواقف کلام را رعایت کنید؛ یعنی همان گونه که نوشته، با نقطه، ویرگول، علامت سؤال و تعجب و... ویرایش می شود، سخن نیز باید به گونه ای باشد تا با مکث کم یا طولانی یا حالت سؤال، تعجبی و... همراه باشد تا با این کارها مستمع را متوجه نماییم.

۶۲. مرحوم فلسفی می فرمودند که: «در صحبت ها هیچ وقت عدد نگوئید تا دچار مشکل نشوید.» در مواردی که ضرورت ندارد، سعی نمایید با تعابیر کنایی و مبهم؛ مانند: حدودا، بعضی افراد، چند مورد، چند نفر و... سخن بگوئید.

۶۳. مطالبی که روی تخته سیاه می نویسید، بخوانید، اگر فردی نابینا باشد یا در اتاق مجاور باشد، صدای شما را بشنود.

۶۴. گاهی وقت ها کلی گویی کنید؛ مثلا آوردن نام برخی چیزها مانند موش، سوسک و... برای بعضی ها مضمثر کننده است؛ به ویژه اگر برنامه تلویزیون باشد.

۶۵. به غیر از مواقع خاص؛ مانند ایام عزا و مناسبت های خاص، در پای تخته، لباس شاد و رنگ روشن داشته باشید که لباس تیره و کدر خسته کننده است. البته، لباس و کفش فاخر که مستمعین با نگاه به آن آهی می کشند، نپوشیم.

۶۶. اگر نکته ناب و چیز بکری به ذهن شما آمد، در یادداشت ها داشته باشید؛ نه در بیان آن شتاب کنید و نه در یادداشت آن کوتاهی. نگوئید اگر این نکته بود، دیگران می فهمیدند؛ نه این گونه نیست، شاید به عقل آنها نرسیده باشد. البته قبل از طرح، باید به تأیید یک اسلام شناس برسد.

۶۷. در نوشتن جملات روی تخته دقت داشته باشیم، نزدن یک نقطه تا نقطه بیجا مطلب را به معنای دیگری سوق می دهد و نوشتن غلط مطالب، حواس مخاطب

را پرت می کند.

۶۸. معلم و مبلغ، باید تمام عمر خود را صرف تدبّر و تحقیق درباره کتابی بکنند که «یهدی الی الرشد» ما در بعضی از علوم متخصصینی می خواهیم؛ اما آنچه که به وفور می خواهیم، مربی و معلم قرآن کریم است. برای هر طلبه، خواندن جدی فلسفه ضرورت ندارد؛ اما خواندن قرآن کریم و نهج البلاغه و محور قرار دادن قرآن کریم و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و عترت: در تبلیغ ضروری است.

۶۹. چه بکنیم تا مطالب به ذهن ما بماند؟ من حدیثی را یاد می گرفتم به اولین نفری که می دیدم می گفتم و تکرار می کردم تا در ذهنم نقش بندد. ما می توانیم با بیان آموخته ها به افراد (حتی اگر چه به اطرافیان یا مغازه دار محل یا . . .) مطالب را در ذهن خود تثبیت کنیم.

۷۰. سعی کنیم در کنار معرفی خیابان های ممنوع، مسیر های مجاز را هم تبیین نمائیم؛ وقتی می گوئیم این راه را نروید؛ بعد از آن بگوئیم، این راه رفتنی است.

۷۱. مراعات شرائط جوّی محل تدریس و تبلیغ؛ مانند سرما و گرما، شرایط جسمی و گرسنگی و تشنگی مخاطب را بکنید.

۷۲. برای مخاطب از کلمات مناسب استفاده نمائید. هر گروه سنی و هر جنسیتی یک خطاب خاص دارند؛ مثلا اگر یک پیر مرد به دختری بگوید: عزیزم! این کلمه حساسیت بر انگیز و فتنه انگیز نیست؛ اما اگر یک جوان همین کلمه را بکار برد، فتنه انگیز و دردسر زاست.

۷۳. حرف را قاطع بزنید، نه با تردید. نگوئید این حرف به ذهن من رسید حالا شاید درست باشد یا نباشد: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي؛ (ای پیامبر! تو نیز) بگو: این راه من است. من و هر کس پیروی ام کرد، با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم.» (یوسف / ۱۰۸)

۷۴. با سؤالات نا بجا، تحریک نشوید؛ گاهی یک سؤالات تحریک آمیز از شما می کنند، دقت کنید که از کوره در نروید و دچار عصبانیت نشوید. در همه شرایط،

طمأنینه و آرامش خود را حفظ کنید. (۱)

۷۵. نحوه بیان شما یکنواخت و تکراری نباشد. اوج و فرود بجا در صحبت، تکان دادن دقیق دستها و هماهنگ کردن آن با برخی مفاهیم و استفاده از طنز و ... جلسه را از یکنواختی خارج می‌کند.

۷۶. در شب های شلوغ، حتماً از نماز و اسرار آن گفتگو داشته باشیم.

۷۷. در روستاها به خصوص مناطق دیمی کاری و کشاورزی حتماً روایات زکات را مطرح کنیم؛ زیرا که وجوب هر یک از خمس، حج و روزه یک آیه بیشتر ندارد؛ ولی زکات حدود سی آیه دارد.

۷۸. به مدارس منطقه سر بزنیم. اگر نماز جماعت ندارند، اقامه کنیم.

۷۹. نوجوانان مستعد و آماده را برای طلبه شدن دعوت کنیم و آنان را به حوزه‌های شهرهای

نزدیک راهنمایی نمائیم که امروز، زبان گویای اسلام در جهان بسیار کم است.

۸۰. در انتخاب اقامتگاه در محل بی مسأله و خوش نام باشیم که این سفارش حضرت علی علیه السلام، در نامه ۲۵ نهج البلاغه است.

۸۱. میان مردم فرق نگذاریم و همه را با یک چشم ببینیم و مسیر گفتگوهای ناسالم را تغییر دهیم و اگر در منطقه میان افراد یا قبایل اختلافاتی است با استمداد از خداوند سبحان مسأله را حل کنیم و اگر چند جناح هستند؛ در هیچ کدام خودمان را درگیر نکنیم.

۸۲. هیچ گاه مسائل داخل حوزه یا زندگی شخصی خود را به مردم نکشیم.

۸۳. در هر موقعیت و مسؤولیت، کار آخوندی خود را کنار نگذارید؛ مقام معظم رهبری می‌فرمودند: «من هنوز کار آخوندی خود را کنار نگذاشتم: استخاره، خواندن عقد، نماز جماعت و ...»

۸۴. اگر مساجد و تکایا نزدیک یکدیگرند، با روحانی آنجا برنامه ریزی کنیم تا رقابت

ص: ۲۴۳

۱- . عده‌ای از جوانها به خیال خودشان از عالمی دلگیر شدند و رفتند در منزل ایشان و با صراحت به ایشان گفتند: آقا شما به درد هشتاد سال پیش می‌خورید! آن عالم بدون این که ناراحت شود به راحتی گفت: به جدم من به درد هشتاد سال پیش هم نمی‌خورم.

۸۵. برخورد با تهاجم فرهنگی دو راه اصلی بیشتر ندارد: یکی ازدواج و یکی نماز، به فرموده امام صادق علیه السلام نصف گناهان با ازدواج کم می‌شود و تنها نماز مانع فحشاء و منکر است؛ شاید به همین دلیل بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: همسر و نماز نور چشم من است.

۸۶. اگر بعضی از برنامه های تلویزیون مفید و پر بیننده است، زمان سخرانی خودمان را مقارن آن قرار ندهیم.

۸۷. حتی حمایت منطقی از شخصی یا مرجعی یا فکری از ما یک انسان خشک، متعصب و عصبانی نسازد.

۸۸. جلسات و سخرانی ها ما را از خود غافل نکند.

۸۹. کلید و رمز عفو و مغفرت را از خداوند متعال بدانیم و در عفو و اغماض از دیگران بگذریم تا خدا از ما بگذرد. «وَلْيَعْفُوا وَ لِيُصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (نور/ ۲۲)

۹۰. انتظار نداشته باشیم همه مردم تسلیم و دوست ما باشند که حتی انبیاء به این آرزو نرسیدند.

۹۱. با اهدای تلاوت آیاتی از قرآن کریم روح کسانی که به گردن ما حق دارند از مفید(ره) تا مجلسی(ره) و تا امام خمینی(ره) از او تا اسرایی که زیر شلاق صدام جان دادند را از خود راضی و بدینوسیله خود را در سلسله وفاداران قرار دهیم، زیرا دعای خیر اولیای خدا، رمز برکت عمر و نفوذ کلام است.

۹۲. به راحتی انتقاد را بپذیریم و خیال نکنیم هر که انتقاد دارد، ضد ولایت فقیه یا مخالف نظام است.

۹۳. برای بچه هایی که به مسجد می آیند یک داستان مفید مثل داستان راستان بگوئیم و سپس برای بزرگترها سخن بگوئیم و اگر این کار نشد، جلسه ای در مدت پانزده دقیقه مخصوص بچه ها داشته باشیم.

۹۴. به کارگیری و مشارکت دادن نوجوانان و جوانان در امور مذهبی و فرهنگی از راههای جذب و رشد آنان است؛ مثلاً با راهنمایی خودمان، کسانی که استعداد

دارند مقاله‌ای مناسب و کوتاه بنویسند و قبل از سخنرانی‌ها بخوانند و بدینوسیله دست آنها را بگیریم و این حرکت نسل نو را به مسجد جذب و فاصله‌ها را کم و آنها را تشویق و دلگرم می‌کند.

۹۵. تجلیل کردن از مخاطبین در برخی مناسبت‌ها از کارهای بسیار خوب است؛ مثلاً از کسانی که در جبهه بوده‌اند یا نمره درس بهتری دارند یا بدون غلط قرآن می‌خوانند و یا یک نوع ارزش معنوی دارند تجلیل کنیم و سعی نمائیم که تجلیل به نحوی باشد که حسادت دیگران را تحریک نکند.

۹۶. در شب‌های احیاء بهترین وقت را صرف گرفتن پول و خواندن اشعار کم محتوا نکنیم و تمام وقت را درباره یک موضوع سخن نگوئیم.

۹۷. مبلغین، باید بدانند که نحوه غذا خوردن، مدت و مقدار آبی که برای وضو مصرف می‌کنیم. نحوه همسر داری، نوع لباس و توقعات و تمام حرکات ما زیر نظر است؛ برای رضای خداوند سبحان، قداست لباس را حفظ کنیم.

۹۸. باید به گونه‌ای تبلیغ کنیم که مردم بدانند ما آنها را دوست داریم و هدف ما مادیات و پول نیست؛ باید نصیحت دلسوزانه و برادرانه باشد: «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ؛ همانا من بر شما از عذاب روزی بزرگ بیمناکم. (اعراف / ۵۹) «إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ؛ آنگاه که برادرشان صالح به آنان گفت: آیا (از شرک و انحراف) پروا نمی‌کنید؟» (شعراء / ۱۴۲) «إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ زمانی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا (از خدا) پروا نمی‌کنید؟» (شعراء / ۱۰۶)

۹۹. راه جذب، استمداد از خدای سبحان است حتی با روحیه‌های فراری و افراد گریز پای هم می‌توان این گونه و با مدد الهی کار کرد می‌گویند: کدخدا را ببین ده را بچاپ. می‌گوئیم: خدا را ببین! دل را بچاپ. «فَأَجْعَلْ أُمَّتَهُ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ؛ پس دل‌های گروهی از مردم را به

سوی آنان مایل گردان! (ابراهیم / ۳۷) و «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ و میان شما و همسرانتان علاقه‌ی شدید و رحمت قرار داد.» (روم / ۲۱) و . . . پس باید از خدای سبحان مدد جست.

۱۰۰. اگر مسائل مورد گفتگو مورد نیاز مخاطبان باشد، هر شخصی مجذوب

سخنان معلّم و مبلغ می‌شود. وقتی موضوعاتی که مبتلا به نیست بیان کنیم و مباحث غیر کاربردی ارائه دهیم، مخاطب دل نمی‌دهد و گریزان می‌شود. مثلاً خط‌های کوفی و مشابه آن که در کاشیکاری استفاده می‌شود چون مفهوم نیست، خیلی‌ها توجه نمی‌کنند؛ اما برخی‌ها ابتکار به خرج دادند و روی کاشی برخی احکام، مانند احکام نماز را نوشتند؛ می‌بینیم مورد استقبال قرار می‌گیرد.

۱۰۱. باید از تجربه‌های تبلیغی دیگران استفاده کنیم، ما باید کلاس همدیگر و منبر همدیگر را ببینیم و باید برای رشد کار فرهنگی و تبلیغی، انتقادهای دلسوزانه را بپذیریم، محسنات را تقویت کنیم و مشکلات را مرتفع نمائیم.

۱۰۲. مبلغ باید کارش حساب شده و دقیق باشد. حتی یک دستمال (که شاید در برخی شرایط استفاده از آن ضروری باشد) باید در نزدیکترین جیب و در دسترس باشد تا در صورت ضرورت، بدون معطلی سریعاً از آن استفاده نماید.

۱۰۳. باید به گونه‌ای باشیم که در هر شرائطی کار کنیم؛ باید از دیگران کمک بخواهیم، اگر ندادند، دلسرد نشویم و در هر شرائطی باید مفید باشیم. (مانند کلمه «ورامین» که هر حرف از آن کم شود؛ معنا دارد: رامین، امین، مین، ین، ن)

۱۰۴. سعی کنیم حرف را صریح و خلاصه بگوئیم و بیهوده آن را کش ندهیم؛ مثل این که کسی در سخنرانی اش می‌گفت: «ای مردم! کارگر! کشاورز، بازاری، دانشجو، دانش آموز! . . .» همه اینها، همان‌ای مردم است. افراد زیرک این کار را حمل بر بازی با کلمات می‌کنند.

۱۰۵. در مباحث عاشورا و کربلا ما تاریخ می‌گوئیم؛ لکن آیاتی که امام حسین ۷ استفاده کرد و به آن استناد نمود، را بیان نمی‌کنیم در حالی که با بیان آیات در کنار بیان تاریخ کربلا، بحثهای ما قرآنی می‌شود.

۱۰۶. مرحوم فلسفی می‌فرمودند: «باید به گونه‌ای حرف بزنیم و بگوئیم که حتی مخالفین هم بپذیرند. نگوئید سینما بد است، بلکه بگوئید فیلم بد است.»

۱۰۷. یکی از نکات قابل توجه و استفاده این است که حقایق در قالب جملات قرآنی بیان شده است: «رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» کلید مرضیه بودن در راه «راضیه» بودن است. «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»

کلید «لازیدنکم»، در «لان شکرتم» است. «وَ

الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» کلید «لنهدینهم سبلنا» در «من جاهد فینا» می باشد و . . .

۱۰۸. سعی کنیم ظاهر و باطن ما یکی باشد؛ شهرت گرایی، اصاله العنوان و . . . هر چه اینها بیاید خدای سبحان کنار می رود.

۱۰۹. وظیفه ی معلم و روحانی خیلی مشکل است؛ آنها کار پنج مهندس را باید بکند. ماشینی که سوار می شوید، پنج کار مهندسی روی آن انجام شده است. پنج گروه مهندس روی آهن کار می کنند، تا این آهن ماشین می شود: «کشف معدن - استخراج معدن - ذوب معدن - قطعه سازی - مونتاژ» همه این پنج کار را یک معلم و مبلغ باید انجام دهد. یک معلم باید شاگرد را کشف کند، بعد باید شاگرد را استخراج کند، بعد باید شاگرد را ذوب کند، بعد باید این شاگرد را بسازد و باید شاگردهای ساخته شده را با هم متحد کند. یعنی یک معلم کار پنج گروه مهندس را می کند.

۱۱۰. مخاطبین را به یک چشم نگاه کنیم و از تبعیض در نگاه، سلام، احترام و برخورد پرهیزیم. کسی از مسجد بیرون آمد و گفت من دیگر پشت سر این آقا نماز نمی خوانم چون سه نفر آمدند ایشان سه جور سلام کرد. . .

۱۱۱. اشتباه را توجیه نکنید؛ بلکه راحت قبول کنید.

۱۱۲. بعضی ها روان نیستند؛ خودشان گیر هستند، اینها چگونه می خواهند دیگران را آزاد کنند؛ مثلاً می گوئیم پشت سر این آقا نماز بخوانید، می گوید این آقا در حد کلاس ما نیست. یا این که وقت اذان از اذان گفتن هراس دارد و برای خودش شأنیت قائل است.

۱۱۳. به جای تکیه بر استدلال در اثبات خدای موجود (از طریق علم کلام)، خدای محبوب را با ذکر نعمت ها معرفی کنید: «فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ؛ پس نعمت های خدا را به یاد آورید.» (أعراف/۶۹) با تبیین کتاب هایی مانند توحید مفضل.

۱۱۴. در سخنرانی و پای تخته سیاه، شقوق زیاد برای مسأله درست نکنیم که مستمع گیج می شود.

۱۱۵. به برکت توجه داشته باشید؛ نه به جمعیت.

۱۱۶. تقلید در تبلیغ تا جایی خوب است که عنوان مبلغ محو نشود.

۱۱۷. تبلیغ، همه اش سخنرانی نیست؛ گاهی حرکات و رفتار و حتی سکوت ما بهتر از چند سال تبلیغ اثر می‌گذارد.

۱۱۸. سنت‌های خوب را نشکنید و اگر قدرت دارید، سنت‌های بد را بشکنید.

۱۱۹. در هر شرایطی ادب را رعایت نمایید! حتی در مواجهه با دشمن.

۱۲۰. بچه‌ای را با بچه‌ای مقایسه نکنید، بلکه خودش را با گذشته‌هایش مقایسه کنید.

۱۲۱. در مناسبت‌ها و در داخل بحث‌ها به صورتی که برجسته‌سازی یک صنف نباشد، آمار طلاب شهید را به مردم بگوئیم و بیان نمائیم که زندگی اکثر طلاب بسیار عادی است.

۱۲۲. سعی شود مباحث به گونه‌ای ارائه شود تا مخاطب عام، دچار سؤال و تردید نشود؛ مثلاً در بحث «نفس مطمئنه» که مربوط به امام حسین علیه السلام است بگوئید آن حضرت علیه السلام مصداق اتم آن است؛ بعد برای آنکه مردم نگویند که آن مقام کجا و ما کجا، و برای این که ارتباطی بین خود و آیه پیدا کند، مصادیق معاصر را بیان نمائید؛ مثلاً امام خمینی (ره) نیز این گونه بود که فرمود: با دلی آرام و قلبی مطمئن و ... یا بسیجی‌هایی که روی مین می رفتند، صاحب نفس مطمئنه بودند. . .

۱۲۳. در صحبت نگوئید: «می‌خواهم یادتان بدهم.» تا اگر یک فرد تحصیل کرده و یا یک شخص مغرور در پای صحبت شماست به او بر بخورد؛ بلکه بگوئید: می‌خواهم کمکتان کنم تا بهتر بفهمیم.

۱۲۴. یادداشت‌ها و نوشته‌های خود را حداقل در دو نسخه و در دو جا نگهداری نمایید.

شیوه ترغیب بچه ها به نماز

چگونه بچه ها را به نماز وادار کنیم؟ اول ایجاد محبت خداوند از طریق شمردن نعمت ها بعد توجه به چند اصل:

۱. اصل خوشرویی.
۲. اصل جاذبه دادن به مکان نماز.
۳. اصل زیبایی در ادبیات (اذان زیبا، قرائت زیبا، سرود زیبا)
۴. اصل تغذیه؛ گرسنه نباشد، تشنه نباشد.
۵. اصل آمادگی محیط نماز. کارتون و فیلم سینمایی نباشد.
۶. اصل هماهنگی با دوستان نماز گزار، والدین و بستگان نماز گزار.
۷. اصل عملی نه تئوری (از او نپرسیم مقدمات نماز چند تا است؟ شرایط نماز چند تا است؟ و . . . قال رسول الله ۹: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» (۱) بعد مقدمات را خودش می فهمد.
۸. اصل خشوع و ایجاد احساس و حالت در نماز.
۹. اصل اعتدال (او را خسته نکنیم).
۱۰. اصل مراقبت (با یک بار خسته نشویم): «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه / ۱۳۲)
۱۱. اصل تشویق و تنذیر.
۱۲. اصل سرعت. از خردسالی کم کم شروع کند و گرنه در سیزده سالگی و چهارده سالگی دیر است.
۱۳. اصل هیجان. هنگام نماز با اذان دل بستن و دویدن و شور و با توجه به اصول سیزده گانه، قهرا باید از چیزهایی پرهیز کرد از جمله:
پرهیز از؛

۱. طولانی شدن و خسته کردن.

۲. زور و قهر نابجا.

۳. مراسم خشک و بی حالت بودن.

۴. حرف بدون عمل و بخش نامه بدون اجراء؛ لذا شرکت خود مسئولین مهم است.

۵. متصدی کردن افراد غیرمجرب برای اذان و مسجد و امام جماعت.

۶. تأمین نکردن خواسته های مشروع، و بی خاصیت جلوه کردن جماعات.

۷. خودخواهی ها و غرور بعضی که سبب می شود افراد تازه وارد تحقیر شوند.

۸. نبود بهداشت، لباس مناسب و پاک، نبود خادم خوش اخلاق و ...

ص: ۲۵۰

تشویق و توبیخ، دو اصل قرآنی و دو اهرم مهم در تعلیم و تربیت است. حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر می نویسد: ای مالک، نیکوکار و بدکار نزد تو یکسان نباشد که سبب بی رغبت شدن نیکوکار بر انجام کارهای نیک و وادار نمودن بدکار به بدی است» (۱). در شیوه تربیت باید توبیخ بدان و تشویق خوبان در کنار هم باشد تا مورد مقایسه قرار گیرد.

البته در تشویق و توبیخ، باید به نکاتی توجه داشت:

الف) نکات ضروری در تشویق:

۱. تشویق باید به اندازه باشد و نباید مخاطب را به طوری تشویق کنیم که فکر کند به آخرین درجه تکامل رسیده است. قرآن کریم، بعضی جاها می گوید: اگر این کار را بکنید، شاید رستگار شوید. «لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ»، «لعل»؛ یعنی امید است.

۲. باید انصاف و عدالت، در تشویق رعایت شود؛ امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «اگر کسی را بیش از اندازه لیاقت مدح کردید، چاپلوس خواهید بود و اگر شهادت مدح کردن را به مقدار لازم نداشتید، معلوم می شود یا عاجز هستید و یا حسود که روحتان تحمل مدح دیگران را ندارد.» (۲)

۳. تشویق نباید فقط جنبه مادی داشته باشد؛ گاهی نام خیر یا ستایش فرد یا دعایی... خود تشویق است و تشویق معنوی، گاهی کارسازتر است. «إِنَّ صِيْلَاتِكَ سَكَنٌ لَّهُمْ؛ و بر آنان درود فرست (و دعا کن). زیرا دعای تو، مایه ی آرامش آنان است. (توبه/ ۱۰۳)

۴. تشویق شونده نباید از هر جهت بی عیب باشد؛ ممکن است که به دلیل کار خوبی تشویق شود؛ اگر چه از جهات دیگری نقص داشته باشد. بلال در گفتن حرف شین نقص داشت و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که خدای تعالی شین او را به

ص: ۲۵۱

۱- «و لا یكونن المحسن و المسی عندک بمنزله سواء فان فی ذلک ترهیداً لاهل الاحسان فی الاحسان و تدریباً لا- هل الاساءه. نهج البلاغه فیض الاسلام/ نامه ۵۳/ ص ۹۸۸.

۲- . الشَّاءُ بِاَكْثَرٍ مِنَ الْاَسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّفْصِيْرُ عَنِ الْاَسْتِحْقَاقِ عَنِّيْ اَوْ حَسَدٌ نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، حکمت ۳۴۷.

جای سین می پذیرد. آری! ما نباید انتظار داشته باشیم که کسی که تشویق می شود، هیچ عیبی در او و بستگان و دوستانش نباشد.

۵. گاهی تشویق جنبه تدارک دارد؛ یعنی افرادی در کوبیدن شخصی یا چیزی یک دست می شوند، در این موارد انصاف اقتضاء می کند تا انسان کمالی را از آن شخص برجسته کند تا جلوی انتقادها

را بگیرد.

حضرت عیسی علیه السلام با جمعیتی بودند. خواستند از کنار سگی بگذرند. یکی گفت: چه سگ سیاهی است. یکی گفت: چه سگ لاغری است. یکی گفت: چه سگ بد بویی است. هر کسی یک نقطه ضعفی را گفت. حضرت عیسی ۷ فرمود: «چه دندان های سفیدی دارد.» و با این عمل به همه آنها فهماند که اگر کسی را به رگبار می بندید، خوبی های آنها را هم بگویید.

۶. جهت و علت تشویق باید برای دیگران روشن باشد و الا ممکن است که تشویق بعضی، افکار و اخلاق و عقاید دیگران را تخریب کند. قرآن کریم در موارد متعدد که سخن از لطف و پاداش است، دلیل آن را برای دیگران نقل می کند: «لَمَّا صَبَرُوا»، «بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» و... تا فکر نشود که در تشویق، یک تبعیض است. در باره داود علیه السلام؛ اول می فرماید که او در جبهه رهبر کفر را کشت و سپس از دادن حکمت و حکومت و علم به او خبر می دهد: «وَقَتَّلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ»؛ (بقره/ ۲۵۱) داود (که جوانی کم سن و سال، ولی مؤمن، شجاع و از یاران طالوت بود،) جالوت را (که فرمانده سپاه دشمن بود) کشت، و خداوند حکومت و حکمت به او عطا نمود و از آنچه می خواست به او آموخت. و البته ما باید بدانیم که اگر قتل رهبر کفر، سبب دریافت علم، حکمت و حکومت می شود، پس قتل عمرو بن عبدود در خندق توسط علی علیه السلام نیز می تواند دادن حکمت و حکومت و علم به علی علیه السلام باشد.

۷. توجه به استعداد و وسع افراد در تشویق امر مهمی است؛ کسی که نادار است و مقدار کم انفاق می کند، قابل ستایش است، «لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ؛ مؤمنان (تهی دستی) که جز به اندازه ی توانشان چیزی (برای انفاق و پشتیبانی از جبهه) نمی یابند» (توبه/ ۷۹) ولی اگر فرد دارا و متمکن به مقدار قابلی کمک نکند، نه

تنها که شایسته تشویق نیست، بلکه شایسته توبیخ است. «أَعْطَى قَلِيلًا؛ و اندکی (از مال) بخشید.» (نجم / ۳۵)

ب) نکات ضروری در توبیخ

توبیخ نیز اصولی دارد که باید رعایت شود:

۱. غیر مستقیم باشد.
۲. به گونه‌ای عمل شود که به یأس تبدیل نشود.
۳. همراه با نشان دادن راه جبران باشد.
۴. پس از پشیمانی فرد صورت نگیرد. همچون یوسف علیه السلام که برادران خطاکار خود را پس از پشیمانی توبیخ نکرد و فرمود: «لَا تُثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ؛ امروز بر شما توبیخ و ملامتی نیست.» (یوسف / ۹۲)
۵. در انتقاد، همه را توبیخ نکنیم؛ اشتباه فردی یا گروهی، نباید سبب عمومی شدن توبیخ و سرایت آن به دیگران (هم کلاسی، هم مدرسه‌ای، هم شهری، بستگان و...) گردد.
۶. دلیل تنبیه و توبیخ اعلام شود.
۷. توبیخ و تنبیه متناسب با میزان نقش افراد در تخلف باشد: «وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ کسی که در انجام گناه نقش اصلی را ایفا کرده است، عذاب بزرگ و مجازات سنگینی در انتظارش است.» (نور / ۱۱) همچنین تنبیه شدید در برخورد با تخلفات بزرگ: «قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَاجِعٌ؛ (خداوند) فرمود: پس از صف فرشتگان (و این مقام) خارج شو که همانا تو رانده و مطرودی.» (ص / ۷۷)
۸. باید همراه با ارشاد و رهنمود باشد. (۱)
۹. مناسب با عمل باشد.
۱۰. در توبیخ باید به حداقل قانع بود و اعتدال مراعات شود و بیهوده تکرار نگردد؛ امیرالمؤمنین ۷ می فرماید: «الْفِرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشُبُّ نِيرَانَ اللَّجَاجِ؛ زیاده روی

ص: ۲۵۳

شدی، نگفتی: ماشاءالله (آنچه خدا بخواهد)، هیچ نیرویی جز به (قدرت) خدا نیست؟ اگر مرا از نظر مال و فرزند، کمتر از خویش می بینی!« کهف / ۳۹.

در سرزنش، سبب شعله ور شدن آتش لجاجت می گردد. (و اثر معکوس دارد.) (۱)

۱۱. توبیخ از عمل شود؛ نه عامل؛ «قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ؛ لوط گفت: من مخالف شدید کردار شما هستم.» (شعراء/۱۶۸)

۱۲. کمالات فراموش نشود؛ قرآن کریم قبل از بیان گناه بودن قمار و شراب، اشاره ای به منافع مادی اش هم می کند. «وَمَنَافِعِ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا؛ و منافی (مادی) نیز برای مردم دارند. (ولی) گناه آن دو از منافع آنها بزرگ تر است.» (بقره/۲۱۹)

۱۳. سند توبیخ از منابع و افرادی باشد که از جایگاه و محبوبیت بالایی برخوردار باشند.

۱۴. لحن توبیخ، خالی از عاطفه نباشد: موسی و نوح و پیامبران الهی: با این که از دست قوم خود ناراحت بودند؛ اما با تعبیر محبت آمیز و برادرانه با آنها سخن می گفتند: یا قَوْمِ؛ ای قوم من! (بقره/۵۴) «إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ؛ زمانی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا (از

خدا) پروا نمی کنید؟» (شعراء/۱۰۶)

۱۵. از وجدان فرد کمک گرفته شود: أَيْوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ... آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته... (بقره/۲۶۶) «أَيُّجِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ؛ آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟» (حجرات/۱۲)

یکی از علما (۲)

در این سالها که برنامه تلویزیونی داشتیم به من زنگ زد؛ یک روز فرمودند: «اینکه خواندی بسیار خوب خواندی... سه سه بار، نه بار لب را ببوسم.» گفتم: متشکرم! یکبار دیگر هم زنگ زد گفت: «چرا این حرف را گفتی؟» گفتم: آقا حدیث است. گفت: «نه، نباید این حدیث ها را بگویی. این حدیث سندش چنین است.» گفتم: آقا من اصلاً سندش را نمی دانستم؛ یعنی با تلفن، یک بار مرا توبیخ و یک بار تشویق کرد. (۳)

ص: ۲۵۴

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۹۴.

۲- علامه ی عسکری (ره).

۳- برنامه درسهایی از قرآن، ۱۹/۱۲/۸۹.

آخرین سخن

حجه الاسلام والمسلمین قرائتی - زید عزه :-

«من خودم از اول انقلاب رسماً معاون وزیر آموزش و پرورش بوده ام، ولی هرگز به شغل رسمی قانع نبوده ام و هر سال حدود صد سفر می روم و با فریادها و تماس ها و نامه ها توفیقاتی را خداوند عطا فرموده است. ولی به خدا قسم، حق خدا را نداده ام و به خدا قسم، حق پیامبر و اهل بیت و شهدا و مستضعفین و نسل نو را ادا نکرده ام.»^(۱)

... و آخرین سخن اینکه وقتی از ایشان سؤال می شود: بزرگ ترین آرزویتان در یک جمله چیست؟

ایشان، در جواب فرمودند: عفو خدا!

والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً

ص: ۲۵۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

